ژوندون

اطلاعات او کلتور

A-P
77-938631
LIBRARY OF CONGRESS
6
APR 24 1979
COPY.....
ORDER DIVISION
T5521;0271yoo

پنجشنبه ۷ حمل ۱۳۵۹
۲۷ مارچ ۱۹۸۰
سال سی و دوم
شمارهٔ اول

قیمت یکشماره (۱۳) افغانی
ضمیمه با یک جنتری

عرض تبریک

کارکنان مجله هفتگی ژوندون فرا رسیدن سال نو را به هیات رهبری حزب ودولت، اردوی دلیر وآزاد ببخش و هموطنان شریف و زحمتکش کشور مبارکباد گفته سعادت وپیروزی هر چه بیشتر شانرا در روشنی مرحله نوین تکامل انقلاب شکوهمند ثور خواهانند.

ببرک کارمل منشی عمومی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان ، رئیس شورای انقلابی وصدراعظم جمهوری دموکراتیک افغانستان موقعیکه باخان عبدالغفار خان زعیم بزرگ پشتون ملاقات تودیعی بعمل آوردند .

اختصار وقایع مهم

مدیریت اطلاعات وزارت امور خارجه خبر میدهد از جانب ببرک کارمل منشی عمومی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان ، رئیس شورای انقلابی وصدراعظم جمهوری دموکراتیک افغانستان پیامهای تبریکیه عنوانی حضرت امام آیت‌الله روح‌الله خمینی رهبر ملت برادر ایران وابوالحسن بنی صدر رئیس جمهور جمهوری اسلامی ایران به مناسبت عید نوروز به تهران مخابره گردیده است .

• • •

علم مبارک روضهٔ مطهر شاه ولایتمآب حضرت علی کرم الله وجه در شهر مزار شریف مرکز ولایت بلخ ضمن مراسم با شکوه ومجللی روز اول حمل افراشته شد وتوام به آن میله‌عنعنوی وباستانی گل سرخ آغاز گردید .

هنگام افراشتن علم مبارک حضرت شاه ـ ولایتمآب هزاران نفر از مردم شریف، نجیب ومسلمان ماکه از اطراف واکناف کشور جمع شده بودند ترقی وتعالی کشور، صحت وسلامت مردم افغانستان ، پیروزی های هرچه بیشتر انقلاب ثور، زعامت حزب ودولت جمهوری دموکراتیک افغانستان را از خداوند متعال آرزو بردند .

• • •

ببرک کارمل منشی عمومی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان ، رئیس شورای انقلابی وصدراعظم جمهوری دموکراتیک افغانستان عصر روز (۵) حمل با خان ـ عبدالغفار خان زعیم بزرگ پشتون در مقر شورای انقلابی (ارگ) ملاقات تودیعی بعمل آوردند .

• • •

روز ۲۱ مارچ ۱۹۸۰ مطابق اول حمل ۱۳۵۹ مصادف باروز بین المللی امحای تبعیض نژادی بوده وبه این مناسبت ازطرف ببرک کارمل منشی عمومی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان ، رئیس شورای انقلابی وصدراعظم جمهوری دموکراتیک افغانستان پیامی صادر گردید که شام جمعه اول حمل ۱۳۵۹ توسط مجید سر بلند وزیر اطلاعات وکلتور از طریق رادیو و تلویزیون جمهوری دموکراتیک افغانستان قرائت گردید.

• • •

تحت ریاست ببرک کارمل منشی عمومی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان، رئیس شورای انقلابی وصدراعظم جمهوری دموکراتیک افغانستان ، شورای ـ وزیران شام سوم حمل در مقر شورای انقلابی (ارگ) جلسه نمود .

شورای وزیران باساس پیشنهاد وزارت آب وبرق تخفیف وتنزیل پنجاه پول در فی کیلووات برق مشترکین انفرادی ولایت بلخ را تصویب وهدایت صادر نمود که از شروع سال ۱۳۵۹ تطبیق گردد .

ببرک کارمل منشی عمومی کمیته مرکزی‌حزب دموکراتیک خلق افغانستان ، رئیس شورای انقلابی‌وصدراعظم‌جمهوری دموکراتیک‌افغانستان هنگام ایراد بیانیه شان بمناسبت سال نو .

سال ۱۳۵۹ سال پیروزی بزرگ مردم ما در راه ترقی ودموکراسی خواهد بود

متن‌بیا نیهٔ رادیو تلویزیونی‌ببرک کار مل منشی عمومی کمیتهٔ مرکزی‌حزب دموکراتیک‌خلق افغانستان،رئیس شورای انقلابی وصدر ا عظم جمهوری‌دمو کراتیک ا فغا نستان‌به مناسبت‌سال نوکه ،شب نوروزاز طریق رادیو وتلویز یو ن جمهوری د مو کرا تیک‌افغا نستان ایراد کردند .

بسم الله الرحمن الرحیم

هموطنان گرامی !

خواهران وبرادران شهری ودهاتی!

دوستان و رفقا !

سال‌نو، جشن نوروز باستانی ، روز دهقان، جشن کشت وزرع،روزیادبود تاریخ چار هزار ساله وطن کهن‌سال‌ما جشن گلهای سرخ مزار شریف ومیله سخی ، جشن غلبه زندگی و امید و روشنایی بر نومیدی و تاریکی رابشما ازصمیم قلب تبریک و شادباش می گویم. باشد که سال ۱۳۵۹ سال شگوفانی ،برکت و فراوانی، سال ثمر دهی شگوفه های مبارزه و امید تمام زحمتکشان ما، سال پیروزی های بزرگ مردمان کشور ما ، در راه صلح ترقی ،دموکراسی‌وعدالت اجتماعی‌گردد. سرانجام‌سال سعادت‌وخوشبختی،آرامش وامنیت، آشتی ودوستی، سال آزادی‌و احیای اعتماد و اطمینان مردم عذاب‌دیده ما، سال التیام زخمهاوآلام‌خلق ماباشد، با آمدن بهار ، سال نو یکبار دیگر از مامی خواهد که‌با او، پیمان همگام شدن ببندیم و در راه آزادی‌و آبادی وطن خودگامهای بلند قاطع‌وجدی برداریم .

سالیکه گذشت از یك طرف سال‌رنج های بیکران برای توده های میلیونی وطن مابود ولی از جانب دیگر سالی بود که اراده پیکار جویانه توده های رنجدیده و زحمتکش کشور مادر مبارزه خونین علیه امپریالیزم ، ارتجاع سیاه داخلی و منطقه ودست یاران داخلی آنها حفیظ الله امین و امینی هابه حقیقت پیوست و انقلاب ظفر آفرین ثور در مسیر اصولی خود ،وارد مرحله دوم از تکامل خود گشت .

در طول سا ل گذ شته ، ترور و اختناق حا کم بر کشور ما ، خشکسا لی و کم حاصلی نا شی از آن ،رکو د معا ملات تجار ی واقتصا دی ناشی از جنگ های خا نمان سوز و تحریکا ت خار جی که د ر نتیجه سیا ست نا درست ، غیر علمی ، ضد ملی ، ضد دموکرا تیك و خاینا نه دور ه ز ما مدار ی امین براه افتا ده بود، مرد م ما را در برابر عذاب ها و شکنجه ها ی و حشیا نه قرار داد .

در سا لیکه گذ شت ، امین وامینی های سفا ك در زیر نقاب نعره زد ن های عوا م فریبانه و لفا ظ های دروغین انقلابی در برابر حزب، خلق انقلاب و دولت خیانت‌ورزیدند به جنگ های خو نین، تعقیب ها، آزار ها ، شکنجه ها و اعدا م ها ی وطن پرستا ن توهین ها ، بی احترا می هاو تجاو ز به ثوا میس‌ومقدسا ت دینی ، معتقدا ت‌مذهبی و تعلقا ت قو می مرد م مو من، آزاد و صاد ق ما پرداختند .

در اثر این بر خورد ها ی سا دیستی و ماجرا جو یانه وطن ما در پر تگا ه بحرا ن عمیق اقتصا دی ، اجتما عی‌و فرهنگی فساد معنو ی واخلاقی قرار گر فت .

آنها خواستند مقاو مت ومبارز ه آزادگا ن کشور ما را در هم شکنند و قهر ما نان انقلابی را با شکنجه ها ی ضد انسا نی جسماو معنا خرد و ذلیل کنند ، تا باین ترتیب امید آنها را به‌پیروزی حق‌آزادی ، حقیقت و عدا لت به یاس و نو مید ی مبد ل سازند اما آنها که نه بر اساس بصیر ت سیا سی یعنی اعمال سیاست ملی و دموکرا تیك بلکه بر مبنا ی تعهد خاینا نه خد مت گذاری به با دارا ن امر یکا یی وانگلیسی خود عمل میکردند نمیدا نستند که‌خلقها ، هر چند باتن خونین از شکنجه ستمگرا ن‌و با دل غمگین ا ز شها دت همرز مان ،ولی سر انجا م به حقیقت و آزا د ی حق و عدالت دست خوا هند یافت ، قیا م ششم جدی سر آغاز مر حلهٔ نوین انقلاب ثور ، پیك نیرو مند این فر دای آزا د بود و دور نمای وسیع و افقها ی نو ی را در جهت آزا دی و خو شبختی مرد م ما باز کرد و زمینه های لازم رابرای آزادی خلق ورشد سریع اقتصا د ی و اجتماعی کشو ر بو جود آورد.

مرد مان آزاد ه و رزمجوی کشور ما و در پیشا پیش‌آنها حزب دموکرا تیك خلق افغانستا ن این حزب‌شهیدان وسر سپرد گا ن ، این حز ب قهر مانا ن پا کبا ز و دلیر ، در فشس مبارز ه را همچنا ن بر افرا شته و بر افرا شته تر نگهدا شتند ، و عد ه های ستمگرا ن آنها را فریب نداد شکنجه های‌و حشیا نه جلادا ن سفا ك دست و د ل شانرا سست نکرد و حکم اعدام ، به اعتقاد ، ایما ن وارا ده شان هیچگو نه خدشه‌ای وارد نسا خت .

لطفا ورق بزنید

اگر گل سر خ ز ندگی هزارا ن تن از همو طنا ن همرزم ما این مبارزا ن‌راستین راه آزا دی و عدالت پر پر شد ه است ، گل ها ییکه نشانه مقاو مت مبارز ه‌ومظهر شر ف‌و آزاد گیست وجاویدان است همیشه شگو فا ن‌است زیرا که خلق سر چشمه مقاو مت ، مبارز ه ، شر ف وآزاد گی است .

سیاست ضد ملی ، ضد دموکرا تیك و ضد انسا نی امین این نا امین نه تنها در جهت پامال نمود ن حیثیت ، شرف ، ناموس وسعا دت مردم ما بلکه د رجهت تحر یك دشمنان بر علیه منافع حیاتی کشور مانیز عمل میکرد و د ر مسیر تحریك ، تشویق‌وتهیج روز افزو ن گروه های سیاه کار ضد انقلاب وابسته به امپریالیز م و تو جیه اعما ل خرابکارا نه آنا ن در حر کت بود .

در نتیجه این سیا ست گروه های معینی از مردم‌ماکه بصورت عینی ، دارا ی منافع رشته ها وو جو ه مشتر ك فراوا ن و استوار به انقلا ب هستند فریب دشمنان انقلاب را خوردند و ناآگا هانه در صف دشمنا ن خود و انقلاب خود ایستا دند .

هموطنا ن رنجدیده !

دولت انقلابی شما ، تما م کوشش و امکانا ت را بکا ر خواهد برد تا مر ز بند ی میان عنا صر ضد انقلاب و هموطنا ن پا ك ، بی آلایش و ساده دلی که نا آگا هانه فریب خورد ه اند هر چه بیشتر مشخص تر و روشنتر شود ، و هموطنا ن صا د ق وفریب خورد ه ما جای اصلی خود را در میان سپا هیا ن انقلاب و پاسدارا ن وطن باز یابند و گرو ه های تعلیم داد ه شده‌دزدا ن ،او باشان کانگستر ها ، قطاع الطریقان وضد انقلا بیو ن حر فه ای،در انزوا به تنها یی خودبمیر ند وبپو سند .

هموطنان !

میرا ث رژیمها ی سا بق کوه ها یی از فجایع، بدبختی ها و بحرا ن ها رابرای ما باقی گذ اشته اند برای ما کشور ی و یرا ن شده ، مردم عذاب دید ه ، اقتصا دناتوا ن ودر هم شکسته مشکلا ت ومسایل عظیم و پیچید ه قومی ، قبیلو ی ، ملی و مذهبی رابجا ماند ه اند .

اما باجر ئت میتوان گفت که کشور ما ، از امکانا ت استفا ده نشد ه و سیع رشد اقتصا دی ، اجتما عی از قبیل قوا ی بشری کا فی منابع طبیعی فراوا ن ، موجودیت فضا ی سیا سی مسا عد بین المللی بر خوردار است که تنها وتنها در صورت موجودیت فضا ی صلح آمیزو آرا م است که میتوا ن از آن استفا ده همه جانبه برد واز تمام کوه های مشکلا ت افغانستا ن نوین است که ما در راه تشکل ، تکا مل وگسترش اصو لی هر چه بیشترآن گام به گام به پیش میرویم . در طول سا ل نو سا ل۱۳۵۹ مرد م کشور ما حزب‌و دولت ، وظایف بس بزرگی را باید انجام دهند ، باید بخا طر رشد مو زو ن وسالم اقتصا دی و اجتما عی کشور حجم تو لیدات زراعتی وصنعتی را بر اسا س پلان علما تنظیم شد ه‌باندازه قابل ملاحظه افزا یش داد ، رشد هر چه بیشتر امو ر وتجهیزا ت فر هنگی و طبی را تضمین نمود و شرایط تا مین احتیاجا ت اولیه و ضرور ی مسکن‌و رفاه‌هموطنان راآماده ساخت .

هموطنا ن ، دوستان،رفقا!

اینجا نیز باید برای اعمار جا معه نوین ، برای گسترش وتحکیم دست آورد ها ی عام و تا م بصور ت عمیق و فعالا نه پشتیبا نی خوا هیم کرد و بانیرو های صلح دوست ، دریك جبهه وسیع جهانی علیه جنگ و جنگ طلبا ن علیه استعمار کهن و استعمار نو ، علیه امپریالیز م و صهیو نیز م علیه فاشیز م و را سیز م علیه نژاد پرستی و اپار تاید خوا هیم رز مید . دو ستی عنعنوی افغانستا ن با اتحا د شورو ی که مظهر اراده آزاد مستقل و تر قی خوا ها نه خلق افغانستا ن است اینك وارد مر حله کیفی‌و طرازنوین خود شد ه است و با گذشت زمان چو ن کو ه مستحکم و پایدار با قی خوا هد ماند و هیچ قد ر ت طاغو تی و شیطا نی درجها ن نمیتواند به آن جز یی ترین خدشه وارد کند .

کمك های گسترده ، متنوع بی قید و شرط و مفید اقتصا دی ، سیاسی ونظا می اتحاد شورو ی به صور ت‌قطع در جهت خو ش بختی و رفاه مردم مسلمان افغا نستا ن و ضا من قانو نی اصو لی و شرعی ، حفظ امنیت ، استقلال وحا کمیت ملی و تما میت ار ضی کشور محبو ب ما ن افغانستا ن میباشد .

خلق قهر مان افغا نستا ن از اهمیت عظیم و مفا دبز رگ این دوستی و برادر ی عمیقا آگا هی داشته به هیچ نیرو یی اجاز ه نه خوا هد داد که باین پیو ند هالطمه ای وارد کند .

قطعا ت محدو د قو ای مسلح اتحا د شورو ی که به تقاضا ی قا نو نی دو لت جمهور ی د مو کرا تیك افغانستا ن برای دفع و طر د تجاوزا ت خار جی مسلحا نه‌و حفظ استقلال ، حا کمیت و تما میت ار ضی کشور ما به افغانستا ن آمده اند بصور ت قطع ، تا ز مانی درینجا خوا هند ماند که کو چکتر ین

> اگر گل ها ی سر خ زندگی هز اران تن از هموطنا ن همرز م ما این مبارزان ر استین راه آزادی و عد ا لت پر ، پرشده است گل‌ها ئیکه نشا نهٔ مقاومت مبا رزه و مظهر شر ف و آزادگیست و جا و ید ا ن ا ست همیشه شگوفان است .

شجاعا نه عبور کرد و تما م مسایل ملی و اجتما عی ما م وطن را حل کرد . ایمان راسخ داریم که به اتکا ی خدا وند بزرگ و نیرو ی با زو ی توانا ی خلق کشور ، اتحا د و همبستگی نیرو مند و عمیق تمام عنا صر ملی‌ودموکرا تیك تمام اقوا م و ملیت های وطن ما افغانستا ن شگو فا ن‌وسر بلند ، پیشر فته ، نیرو مند ایجاد میگردد . هم اکنون افغانستا ن با و قار و با اعتبا ر انقلا بی در عر صه جها ن قهر مان دورا ن کنونی ماست .

ایجاد جبهه وسیع ملی پدر وطن که تمام نیرو های ملی، دموکراتیك و تر قی خوا ه را در خود جمع خوا هدنمود سلاح نیرو مند سیا سی‌ایجاد انقلاب ثور ، باید با هما ن قهر مانی ، خرد مندا نه و واقعبینا نه نبرد را با نیروی صد چندا ن‌ادا مه داد نبرد ی که باید قهر مانی را با واقعبینی همه جا نبه سیاسی با هشیار ی و شرا فت انقلا بی وانسا نی توام‌ساخت.

دولت جمهور ی دموکراتیك افغانستا ن در هم آهنگی کامل با سیاست قا طع‌و انقلا بی داخلی خود خوا هان سیاست اصولی صلحجویانه در روابط خود با کشور ها ی جهان است و به حیث یك کشور غیر متعهد بوده است وخواهد بود . ما از اصو ل عدم تعهد مثبت ، فعال وهمز یستی مسا لمت آمیز و از سیاست تشنج ز دا یی یعنی دیتا نت و خلع سلاح

اثر تحریکا ت مدا خـلا ت وتجاوزا ت خار جی علیـه افغانستا ن از بیخ و بـن محو و نابود گردد و تضمین واقعی و معتبر برای قطـع تمام تحریکا ت ، مدا خـلا ت وتجاوزا ت تا میـن شـو د.

امپریالیزم جها نی ، در راس امپریالیز م امریکا ، ارتجاع منطقه و جها ن و توسعـه طلبا ن چینی ، که نقشه های پلید خود را در اثر مبا رزات پیگیر خلق افغانسـتا ن و موجودیت مو قتی قـطـعا ت محدو د قوا ی مسلح اتحا د شورو ی نقشس بر آب دیدند، از یك طر ف تبلیغا ت ز هر آلود ، هستریك درو غیـن وجنو ن آمیز را در برابـر انقلاب ما براه اندا خته اند و تاریخ سیا هکار ی های خود را در منطقه وو طن ما ، بـه فراموشی بسپارند ، عوا م فریبا نه و دسیسه کارا نه ، از مطالب به اصطلاح‌نیو ترال سا ختن افغانستا ن بیطر فی دایمی افغانستا ن ، تضمیـن بیطرفی افغا نستان ، قـوا ی حفظ صلح ، قوای پاسـدا ر مرز ی و غیره و غیره‌خاینا نه صحبت میکنند . این‌سیاست های محیلا نه و مو ذ یا نه‌در واقعیت امر همان سیا سـت کهنه کار قدیم یعنی سیا ست ادار ه استعمار ی ، فرنگـی های انگلیس است که‌اززمان امپیر عبدالر حمن تـا استر داد استقلال کشور ، با چند صد هزار کـلدا ر افغانستا ن را مورد تجز یه واستعمار قرار دادند ، ا ی حفار کهنه کار ! خلق آگـاه وآزاد افغانستان دیگر تـرا خوب میشنا سند .

بدین جهت با صرا حـت وقاطعیت یکبا ر دیگر اعـلا م میداریم که تمام تپ‌و تلا ش های مذبو حا نه ایکه پشـت سر حکو مت و مردم جمهوری دموکرا تیك افغانستا ن بـه غرض بحث روی موضو عی که منحصرا مو ضو ع دا خلـی افغانستا ن است صورت می گیرد ، مداخله صریح در امور داخلی کشور ما و تجا و ز بر حقوق مشرو ع مرد م ما می باشد که هیچ اعتبار ی‌نداشته ومحکوم به شکست خوا هـد بود و مرد م افغانستا ن‌چنین طرحها ی خاینا نه را بانفرت خشم و انز جا ر از بیـخ وبن رد میکند دشمنا ن ماباید بدانند که انقلاب ثور اکنو ن به واقعیتی انکار ناپذ یـر بد ل گردید ه که بدو ن د ر نظرگرفتن آن حل نها یـی و بنیا دی هیچ مسا له مهم‌ملی ما ممکن نیست .

این فقط و فقط مـر دم افغانستا ن و دولت افغانستان است که حق دارند راجـع به مسایل کشور خودتصمیمی اتخاذ کنند و بس ، نـه امریکا یی ها، انگلیس ها ، چینا یی ها ، اسرا ئیلی ها وغیره دشمنا ن افغانستا ن که ماسك درو غین و عوام‌فریبانه دفا ع از دین مقدس اسلا م رابه چهر ه های سیاه خو د زده اندو تحت نا م بـه اصطلاح (کنفر انس‌و کنگره اسلامی) در پا کستان علیـه خلقها ی مسلما ن افغانستا ن وصد ها میلیو ن خلقهـا ی زحمتکش مسلما ن جها ن و علیه دین مقدس اسلام توطئه ودسیسه میکنند و میلیو ن‌ها خلق قهرمان عرب فلسطیـن ومقد سا ت اسلام را سرکوب وپایمال مینمایند ، از هـم اکنو ن به تمام وابستگـا ن امپریالیز م و ار تجا ع د ر پاکستا ن اخطار داده میشود که هرگو نه تصمیم فتنه‌گرانه علیه افغانستا ن مسلمـا ن انقلابی با عکسس العمل شدید سراسر خلق قهر مـا ن افغانستا ن و جها ن تر قـی خوا ه موا جه خوا هد شـد و تمام عواقب ناشی از آ ن به دوش مقا ما ت ار تجا عـی پاکستا ن ، امپریالیز م‌امریکا انگلیس ، توسعه طلبـا ن چینی و دست یارا ن ، دست نشاند گا ن و جنگ افروزان منطقه خوا هد بود .

ما اخطار مید هیم کـه : هیچگو نه راه حل سیا سـی دوا مدار و دارا ی محتـو ی بدون از بین برد ن علـت واقعی تشنج که مدا خلـه و تجاو ز مسلحا نه خار جـی ، عمد تا از پاکستا ن به کشور ماست ، ممکن و عملی‌نخواهد بود هم اکنو ن شواهدی د ر دست است که نشان مید هد افراد اجیر مسلح با پـو ل واسلحه و مهما ت جنگـی‌و مربیا ن امریکا یی ، انگلیسی چینا یی ، پاکستا نـی، اسرائیلی و مصر ی در یـن کشور ها تربیه میشو ند . و بصورت منظم به خـا ك افغانستا ن ، تجاو ز مسلحانه میکنند ، این باند ها وعناصر اجیر هم اکنو ن در پنجا ه مرکز و کمپ در پا کستا ن تربیه میشو ند و به‌افغانستان صادر می گردند،به هیچکس پوشید ه نیست که قوت های امپریالستی و عظمت طلـب مز و را نه در تلا شتند تا از پاکستا ن به عنوا ن پایگا ه تعرضی بر علیه همسانگانش استفا ده کنند .

اما ، مابنا م ارا ده خلـل‌ـ ناپذیر و قا طع خلقهـا ی افغانستا ن می گوییم که‌دیگر این تو طئه ها و دسا یسـ در اثر مبارزا ت دلیرا نه‌مردم ما در همبستگی عمیق بـا دوستا ن استقلال کشور ما و در پیشا پیشس آنها کشو ر بزرگ شورا ها نقشس بـر آب خوا هد شد .

راه حل فور ی ، دوا مدارو اجتنا ب ناپذیر این او ضا ع متشنج را باید در قطـع وتوقف فور ی ، کا مل‌وبدون قید و شرط تمام اشکـا ل مداخلات خار جی ، بخصوص در قطع کا مل تجا و زا ت مسلحا نه خار جی‌درافغانستان جستجو کرد .

تضمین آهنین باید برا ی این مطلب ارا ئه گردد وعملی شود که دیگر اینگو نـه مداخلات و تجاوز ا ت هر گز در خاك مقد س افغا نستا ن صورت نخوا هد گر فت .

فقط در آن صور ت‌و نه حتی یك روز پیشس از آ ن شرایط لازم برای بیرو ن ر فتـن قطعا ت محدو د قوا ی مسلح اتحاد شورو ی از افغانستان ایجا د خوا هد گردید .

پس در فر جا م بایدگفت که تاریخ خار ج شد ن قو ا ی مسلح اتحا د شـورو ی ا ز

لطفاورق بزنید

پیوند ها ی بر ا دری اسلا می با کشور بر ا در ا یر ان ایجاب‌میکند که هردو کشور مسلمان درفضای‌برادری وحسن‌تفاهم زیست کرده ومرز های بین‌دو کشور مر ز های صلح،برادری ودوستی باشد .

از جانب دیگر پاکستا ن را به مثابه پایگا ه فعا لیت ها ی تجاو ز کارا نه و تخریبی علیه افغانستا ن استعمال مینمایند وافراد اجیر ، خراب کـار ، رهز ن و جنایت کار را د ر پاکستا ن تربیه کرد ه برا ی قتل و غار ت ، آتشس‌سوز ی وویرا ن کار ی به افغانستان میفر ستند . باید به همگا ن روشن باشد که‌حزب ، دولت وقوای مسلح و امنیتی کشور ما به هیچکس اجاز ه نخواهد داد که بجا ن مال ، ناموس وشرف وطن محبـو ب ما ن افغانستا ن زیر هر گو نـه بها نه ای که باشد دسـت خونین خودرا دراز کند .

هموطنا ن !

از مد تی باینسو ، محافل امپریالست های امریکا یی و انگلیسی ووابستگا ن‌ارتجاعی وعظمت طلب آنها میخوا هند

افغانستا ن در قد م او ل به روش آنها یی تعلق دارد که د رامور دا خلی ما باشکا ل مختلف مدا خله مینما ینـد. مرد م شجا ع افغانستا ن به هیچ قدر تی در جهان حـق مداخله در امور کشور خودرا نمیدهد و در برابر هر گو نه تجاوزا ت و مدا خلات خار جی با مشت آ هنین جوا ب‌دندان شکن و هلا کتبا ر خوا هـد داد .

ما از مبارزا ت قهر مانانه خلق فلسطین پشتیبا نی‌کامل نمود ه ، امید واریم خلـق پیکار جو ی فلسطین ، بـا وجود تمام دسایس‌امپریالیزم امریکا ، صهیونیز م‌و ارتجاع باکمك و حمایت کشور ها ی صلحدوست و متر قی جها ن

هر چه زود تر در راه‌حصول آر مان های مقد س خودپیروز گردد. خلق مسلمان افغانستان برادر تمام خلقها ی مسلما ن

عرب وجهان است . جمهوری دموکرا تیك افغانستا ن بـا تمام صداقت و صمیمیـت آرزو مند بهترین رو ابـط

دوستا نه با تمام کشور های جهان ، به خصو ص کشو ر های منطقه و همسا یه بـر

اساس اصو ل برابر ی حقوق احترا م به حا کمیت و عد م مداخله در امور یکدیگر است وبرا ی نور ما ل شد ن وضع

وتا مین صلح ، دو ستـی و امنیت دایمی باکشور هـا ی

برادر همجوا ر در منطقه که استقلال ملی ، حاکمیت‌ملی و تما میت ار ضی کشور ما را بصورت مطلق و بدو ن قیدو شرط تضمین کند ، آمـا ده است .

پیو ند های برادر ی‌اسلامی با کشور برادر ایرا ن ایجاب میکند که هر دو کشـو ر مسلما ن در فضا ی براد ر ی وحسن تفا هم زیست کرد ه ومرز های بین دو کشـو ر مرز های صلح ، بـرا دری‌و دوستی باشد .

باپاکستا ن نیز که بـا

خلقها ی شریف آن پیو نـد های عمیق تاریخی ، فر هنگی واسلامی داریم ، خوا هـا ن روابط دوستا نه هستیم .ولی را هی که مقا م حا کـم پاکستا ن یعنی راه تشد ید تشنجا ت در اطـر ا ف افغانستا ن را انتخا ب کرده است به معنی را هی است‌که خاتمه خو ب نداردو انتخا ب این راه انگلیسی فقط و فقـط خطر وا قعی برای پا کستا ن خواهد بود نه برای افغانستان انقلابی قهرمان و مسلمان . زندگی کرد ن در پهلـو ی همدیگر در فضا ی مملـو از تفا هم و صلح و صفـا این است‌راه صراط المستقیم.

اینست منافع وتمنیـا ت خلقها ی هر دوکشـور و خواست مصر ا نه امنیت و ثبا ت در منطقه .

به نظر ما نفوذ امپریالیزم در پاکستا ن و استفا د ه ا ز آن کشور بحیث پایگـا ه تجاوز بر ضد همسا یگا ن به‌نفع امنیت این کشورنیست بلکه امنیت پاکستا ن بسته‌به تحکیم و گسترش رو ابـط دوستا نه و صلح جو یانه‌اش با افغانستا ن ودیگـر همسایگانش خوا هد بود .

روابط ما با کشور پهنا و ر هند ، خو شبختا نه پیوسته دو ستا نه بوده است ، ایـن روابط که ریشه های عمیـق تاریخی دارد و متکی بر نیا ت وتمنیات خلقهای هردو کشور دو ست است هر چه بیشتر توسعه مییا بد .

هموطنا ن ، بـرا درا ن، خواهرا ن ، دوستا ن ورفقا!

اینك مادر آستا نه سال‌نوی قرار داریم .

فقط نیرو ی زوا ل ناپذیـر شما ست که راه بسو ی پیش بسوی فردا های روشن‌بسوی پیروز یها ی عظیم بسـو ی صلح و آشتی وآزادی ، ترقی وعدالت بسو ی بـرا دری‌و برابری میگشا ید .

کا بوس سیاه تر س برای همیشه از افغا نستا ن خاتمه یافته است ، دیگر از فـردا

نترسید ، برای آینـده ای آسوده، آزاد و آباد پیکـار کنید و آماده باشیـد ، از همو طنا ن عزیز یکه در اثـر ظلم و ستم امین جبار متواری و یـا د ر مها جرت هستند بخا طر سا ل نـو و زند گی نو برا درا نه دعـوت میگردد که با اعتماد و اطمینان کامل با غرور و سر بلند ی اسلامی و افغا نی خود بخا نه های تان نزد خا نواده هـای عزیز تا ن ، نزد فرزنـدا ن و اقوام تان بر گردید تما م زندگی و حیثیت و قار وشرف و آینده شما از لحاظ ما د ی ومعنوی تضمین میگردد.

دو باره به مسا جد و تکیه‌خانه هایتا ن بر گردید و صدا ی الله اکبر را با صلح و امنیت آشتی و دوستی با نیـا ت پاك واقعاً اسلامی و افغا نـی در وطن تان برای همو طنا ن تان آزادانه بلند کنید و بکار

حکومت جمهوری دمو کراتیك افغا نستا ن از تمام دهقانا ن زحمتکش کشور که در اثـر اصلاحا ت ارضی زمین بدست آورده اند می‌طلبد تابااطمینان کا مل واعتماد به آینده‌سعادت

مند خویش زمین های دست داشتهٔ خود را کشت و زر ع کنند ، سطح حا صـلات و تو لید زرا عتی را ار تقادهند طور یکه قبلا اعلام شده است به زود ترین وقت اسنـا د اصو لی ما لکیت زمین توزیع خواهد شد تا حق ما لکیـت دهقا نا ن و زمیندا را ن بـه زمین های شان قانونا تثبیت گردد .

همو طنان رز منده!

در هر جا ئیکه هستید ، از انقلاب تان که ضا مـن زندگی سعاد تمند آینده تان است در برابر دشمنـا ن ،

خلقی که متحد و بیدار ا ست قهر ما نانه کارو پیکار میکند ود ر نبر د پیگیر ی د ار د ، علی ا لرغم تمام دشواریها پیروز میشود.

صلح آمیز به کشت و کـا ر و تولید بپردا زید و اجا ز ه ندهید که دشمنا ن آزاد ی و استقـلا ل وطن تان تحـت کلمه مقدس الله اکبر برادران وخوا هران، فر زندان پدران و مادرا ن تانرا قتل عـا م کنند و خلق افغانستا ن را اسیر و برده خود سازند .

درین روز های زیبـا و فرخنده بهار ی که به کشت و کار ، زندگی‌وپیکار مشغولید، بشما ا طمینان مید هم کـه دو لت انقلا بی شما توا نا یی و اراده خلل ناپذیر آنرا دارد که از شرف ، ناموسـ شایستگی، مقام ا نسا نـی واسلا می ، ملکیت‌وخانوا ده شما قا طعا نه دفاع نما ید ، بکار پر حو صله آبا دا نـی وطن ادامه دهید ، تو لیـد نعما ت ماد ی را افزا یشـ دهید .

با سختی و دلیری دفـا ع نما ئید ، فتنه انگیـز ا ن آدمکشا ن ، نو کران و غلامان بیگا نه و جا سوسا ن را از خود برا نید و سر کوب نمائید صلح و امنیت را در وطـن اجدادی و نیا کان تـا ن افغانستا ن مسلما ن ، قهرمان و انقلابی بیش از پیشـ استحکا م بخشید تا فرزندا ن و نسلها ی آینده ٔ ما در آغوش پدرو طن خود خوشبخـت و سعا دتمند ، آرام‌ومرفه زندگی کنند .

در راه حفظ فضـا ی دمو کراتیك کنونی ، و دست آورد های انقـلاب ، در راه تحکیم اتحاد میان توده ها ی مردم بکو شید . فریب دشمنان تانرا نخورید ، عمل و برخورد دولت تانرا معیار قضاو ت قرار دهید .

بقیه‌در صفحه۵۸

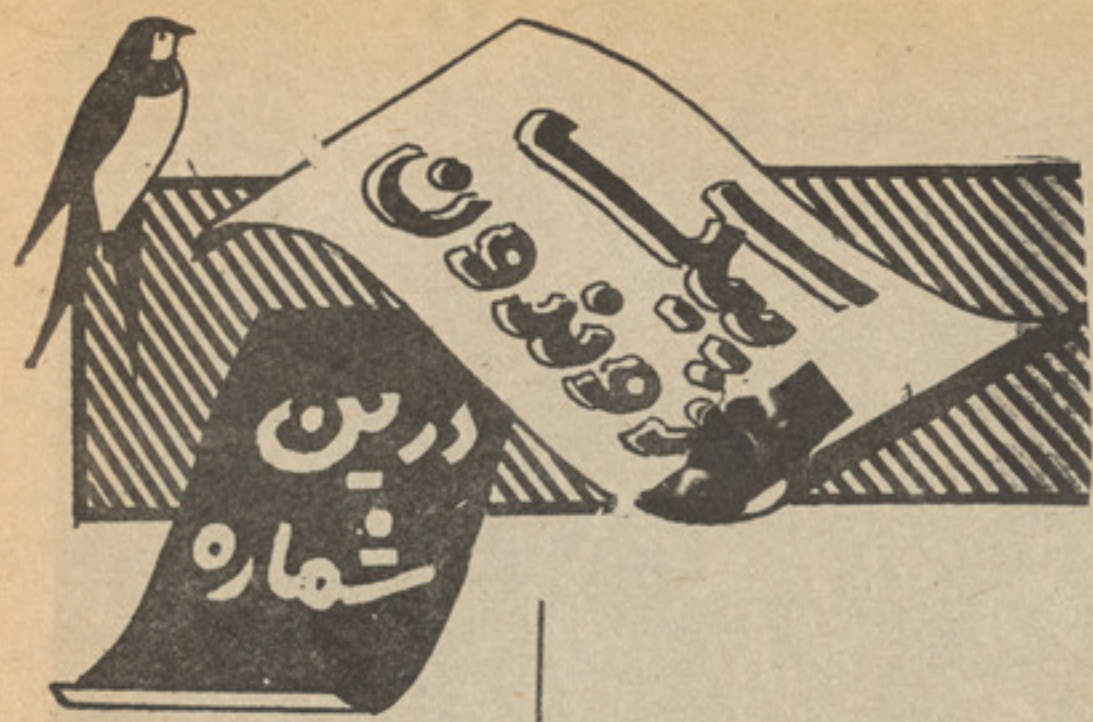

«د پسرلی په را تلو سره نوی کال یو ځل بیا له مو نږ څخه غواړی چې له هغه سره دیووالی تړون وکړو او د خپل وطن د آزادی او آبادی په لاره کې غوڅ او کلک ګامونه واخلو».

«ببرک کارمل»

March 27, 1980 No. 1 پنجشنبه ۷ حمل ۱۳۵۹

باید بهار وطن را از گزند خزان نگه داشت

سال نو چنانکه از نامش پیداست باغلبه نو بر کهنه وباقدوم بهار زندگی بخشش ونشاط آور شس نه تنها روح خسته وملال طبیعت را جان تازه ودو باره می بخشد بلکه انسان رزمنده وپیکار جورا با بیداری و احیای مجدد طبیعت تاب وتوان آنرا می بخشد تا در برا بر مشکلات وناملا یمات روز گار هنوز هم رزمنده ترواستوار تر قدم به پیش نهدو هر گز از تند بادها و تو فان های میدان کارزار خسته وما یو س نگردد زیرا بهار باقدوم روح پرور و نشاط افزا یشس عملا با ثبات می رسا ند که گر چه باد های خزا نی وسر مای بیر حم زمستان گلها ولاله هارا پرپر میکند وبا طبیعت ظالمانه اش ظاهرا آنها را نیست ونابود میسا زد ولی دیده میشود که دروا قع بدست خود تخم آنها را در هر بیشه وکنار می باشد ودر بها ران دیگر ازیك گل سرخ صد ها وهزا ران گلسرخ دیگر میرو ید . که این خود نمایا نگر آنست که طبیعت تندو ستم پیشه غا صبان آزا دی انسان، هزگر شهیفتگان راه آزا دی را نمی توانند نیست‌و نا بود کنند. ستم پیشگان گر چه بز عم خودشان وحشت واستبداد را راه پیرو زی خود ونا بودی عدا لت پسندان بدانند ولی سر انجام نتیجه معکو س است وبجز ازینکه خود نابود وآرمان به گور شوندچیزی دیگری نصیب شان نمیشود چنا نچه حفیظ الله امین و دا ر و د سته آدمخوا رش چنین راهی را بر گز ـ یدند وسر انجام خود بکام مرگ ونابودی فرو رفتند .

این جا نیان تا ریخ وآد مکشان قرن‌بیست با آنکه به ستمد ید گی ملت رنجد یده ماابدا نه رحمید ندو خون هزا ران وطنپر ست بیگناه ما راریختند ، نتوانستند ندای آزادی رادر گلوها بخشکند وبه‌آرمان خبیث شان که سر به نیست نمودن خلق آزاد منش ما بود بر سند .

از ینجا ست که خلق عذا بد یده وبلا کشیده‌ی ما این بهار را از زش دوگانه قا یلند ، یکی بهار آزا دی‌از قیداسارت واستبداد امین وامینی های خو نخوار ودیگری هم بهار پر فیض وشگو فانیکه‌طبیعت برایشان ارزانی داشته است .

پس بر ماست که این بهار زیبا رادر پرتو مر حله دوم تکا مل انقلاب ثور شاد مانه خیر مقدم گو ییم ودر راه‌پیا ده کردن آرما نهای والاو انسانی آن بیدریغانه به پیش رویم واین کشور تاراج شده مانرا که قربان هو سهای شوم‌امیران وسلاطین خود کام منجمله عبد الرحمن‌ها، نادرها وبالاخره امین وامینی‌های خاین ، این چا کران استعمار وامپریالیزم گردیده است ، آباد وشگوفان سازیم ودیگر نگذا ریم که باز هم ارتجاع وامپر یا لیزم با بهانه قرار دادن این وآن ودراز ای خون «سیاه» امین‌نا بکار ، خون هزا ران همو طن معصوم وبیگناه مارا بو سیله چا ـ کران واجیران حلقه بگو ش شا ن بر یزند .سر سبزی وشا دا بی وطن محبوب ما را که خار چشم‌شان‌است صدمه زنند، سر مایه های ملی رابه آتش کشند وبالاخره زنجیر های اسا رت را به‌دست وپای مردم آزاده مابیندند .

همو طنان آزا ده وشرا فتمند!

این وطن پرشکوه وزیبای شما میراث پدران فدا کار وقهر مان‌شما است . شادابی دره‌های سر سبزو دشتهای پر از گل آن ، از خون قربانیان وشهدای راه آزا دی ونجات وطن سر سبز وگلگونست، شهیدان تانرا ازیاد نبرید،در میله هاوگلگشت هایتان خاطرات آنها را که در راه آزادی شما قربان شده اند زنده نگهدا رید ،گلهای سرخ‌لاله وار غوان راکه از خونهای پاك شهدای آز دی رنگ گرفته‌است بوسه زنیدو سوگندیاد کنید که مشعل فرو زان راه آزادی راجاودان نگهمیدا رید تا روان شاد شان شاد تر گردد وگمان نبرند را هیرا که بر گزیده اند بی پاسبان است.

بیانیهٔ ببرک کارمل منشی عمومی کمیته مرکزی حزب دموکراتیك خلق افغانستان،رئیس شورای انقلابی وصدراعظم جمهوری‌دموکراتیك افغانستان بمناسبت حلول سال نو.

• • •

یکهزار شکسپیر درسال دوهزار

• • •

درمحکمهٔ فامیلی چه‌خبر است ؟

• • •

نامزدی چیست؟

• • •

ژوندون دربوتهٔ نقد وانتقاد

• • •

تحفهٔ انقلاب برای زنان

• • •

درجستجوی مردسالخورده

• • •

اهمیت تحکیم وپیوند روابط میان نیروهای پیشرو جهان

• • •

انسانها ودست‌ها

• • •

البوم هنرمندان کشور

• • •

مار های آبی

• • •

ودهها مطلب ارزندهٔ دیگر

• • •

درمورد البوم هنرمندان که‌درمتن مجله‌بچاپ رسیده است‌باید یادآورشد که باتپ‌وتلاش‌زیاد تاآخرین دقایق چاپ مجله‌تنها موفق به‌دریافت همین چند قطعه عکس‌گردیدیم‌که بدینوسیله تقدیم هنردوستان شد.

گلخانهٔ پوهنتون کابل که مزین باهر نوع گل می باشد .

دست نو از شگر بهار زندگی را رنگ و زینت خاصی میبخشد

بهار ، با آرزو ها وامید های نو فرا رسید، بهار یکه با پیرو زی مر حله نو ین وتکا مل انقلاب شکو- همند نور همه چشم به راه آن بود.

بهار یکه قطره های برف وبا ران زمستان گذشته ، به کام زمین تشنه لبیکه از چند سال به این سوسیراب نگردیده بود فرو رفته وتشنگی های چندین ساله اش را جبران کرده استو به دهقاقین وبا غداران وطن نوید حاصلات پر فیض را میدهد ، بهار یکه عا ری از آدم خوران وآد- مکشان قرن بیست یعنی امین وباند جلادش است .

در ین هنگام که همه دها قین وبا- غداران با آرمانها وآرزو های نو مصروف کشت و کارهستند ، خبر- نگار مجله با چند تن از ایشان که در سر سبزی کشور ما رول بس عمده ومهم دارند گفت وشنود های نموده که یاد داشتی از آنرا بد ست چاپ میسپا ریم .

با فرا رسیدن بهار که در همه کنج و کنار وطن نهال شانی وکشت تخم بهاری شروع میشود قد می به کشتزار های می زنم وبا دها قینیکه مصروف نهال شا نی و فعا لیت های بهاری اندبه گتفگو می پردازم. در سا حه پو هنتون کابل چند نفر را مصروف غر س نمودن نهال می بینم، نزد یك ایشان رفته بعد از احوال پر سی خود را معر فی میکنم.

جوان خو ش اندام وخو ش قا- متیکه گرم نهال شا نی است میگوید: مه با غبا نباشی پو هنتون کا بل هستم واز چند روز به این سو به همکا ری دیگر با غبا نها در کنج وکنار پو هنتون نهال های تازه ونو می نشا نیم .

با غبا نبا شی پو هنتون که خود رامحمد کا ظم کشتیار معر فی می کند از کار بازمی ماند وبا من به پای صحبت می نشیند ومیگو ید:

در این بهار که همه آروز ها و امید های مردم ستم دیده وطن ما برآورده شده وبا پیرو زی مر حله نو ین وتکا مل انقلاب ظفر آفرین ثور، امین وبا ند خرا بکا روی از سر راه همه وطنداران وطنپر ستان دورگردید امیدوا ریم به پیشوازبهار تاحد امکان نهال بشا نیم واطراف این مر کزآمو زشس علمو دا نش را سر سبز وخو شتما تر گردا نیم.

قسمیکه جا های آمو زشس تعلیم وتربیه ومرا کز علمی با ید سر سبز باشد سا حه پو هنتون کا بل آنقدر ها سبز نیست ، امید وا ریم ازین به بعد تاحد توان درسر سبز این کا نون علم ومعر فت رسید ک بتوا نیم .

به این منظور در نظر دار یم در عقب کتا بخا نه پو هنتون در حدو دو هزارو پنجصد نهال مثمرو غیر مثمر ، ودر چها گو شه وکنار مر قد سید جمال الد ین - افغان که از سا لها بد ینسو خشك وخا ره نگهدا شته شده یك هزارو هفتصد نهال زینتی ودرعقب لیلیه مر کز که آنهم از سا لیان دراز دست نواز شگر سبز چمن را ندیده در حدودیکهزارو پنجصد نهال زینتی ، مثمرو غیر مثمر غر س نماییم ، همچنان در این روز ها بجای نهال ها یکه در اثر خشك آبی ووضع نا مسا عد آب و هوا به زندگی نپردا خته اند ، نها لها ی دیگری غر- س کرده ایم که تابیشتراین ساحه را از سبزی وشا دا بی مستور بسا زیم.

نا مبرده اضا فه کرد : چون ساحه پو هنتون یك مر کز علمی است وشا- گردان زیا دی دراینجامشغول تحصیل می باشند .از اینرو ضروریست که به سر سبزی آن بکو شیم تا شا گردان در او قات فارغ از در س رفع خستگی نمایند وچندلحظه را درسایه در ختان کنار گل ها وروی سبزه هابنشینند وهوا ی تازه وخوشگوار استنشاق نمایند .

او گفت :

در گلخا نه پو هنتون کا بل در حدود چهار هزار گلدان گل تر بیه نموده ایم که شا مل گلهای جریبن، قیف گل، گل های سایگی به رنگ ها وانواع مختلف، گلهای خوشبووشبو سینل، گو شوا ره،گل اناروا قسام گلبرك ها وغیره می با شد .

نا مبرده افزود : از ابتدای تهداب گذا ری پو هنتون کا بل تا حال باغبان وپرو رش کننده سبزه وگل این مر کز علمی می باشم که درسا- ختن چمن های سبز گرد های گل و غرس نهال هیچ مهند سی ویا مامور زراعتی را احتیاج نشده ایم وروزبه روز از کار های خود ، کار بهتر آمو خته ام.

-نهال هاییرا که تاحال غر س نموده اید ویا بعد ازین می نشانید از وزا رت زرا عت وآبیا ری بدست میاورید ویا خود تر بیه کرده اید؟

-باید بگو یم که تا حال هر قدر نهالیکه در ین ساحه غر س گردیده یکی هم از جای دیگر بدست نیامده بلکه همه تحت نظر خودم در همینجا

محمد اسلم باغبان سابقه دارکه در اثر کار مداوم مبتلا به مرض ریماتیزم شده است .

تربیه می‌شود. چنا نچه در خت‌های زینتی را که قبلا نام گرفتم همه‌کشت می‌شوندکه بعد از سه الی چهارسال قابل انتقال به جای دیگر میگردند. در پهلوی آن‌به در ختی که رو بروی دفترریاست پو هنتون بود اشا ره نموده گفت: این‌درخت‌بنام‌درخت‌سرب یاد میشود این در خت هم در اثـــر زحمات وتجا رب چند سا له خودم کشت گردیده‌وثمره خـــو ب داده است. البته نظیر این در خت خیلی هانادروکمیاب می با شد کـــه در پهلوی دیگر در ختان زینتی تحـــت یك آب‌و هوا کشت وتر بیه می‌شود.

ـدر پهلوی نهال‌شا نی کدام‌جا های پو هنتون را مز ین به گـــل می نمائید ؟

ـچنا نچه خود می بینید که رفقای باغبا نم همه مصروف سا ختن کرد های گل می باشند، در نظر دار یم‌تا حدامکان ساحه گل کاری خـــود را افزا یش‌وگستر ش دهیم .

ـ نهال هاییرا که غرس مـــی‌ـ کنید از کدام منبع‌آبیا ری می‌شوند؟

ـ در سا لهای قبل جویی بود که ازقلعه جواد به اینطرف سرا زیر می شدواکثرا ازآن استفا ده به عمل‌می آمد امادرین اوا خر چون ساحـــه مذ کور که بنـام خو شـــحا لـ‌ـ مینه‌یاد میشود تعمیرات زیا دی‌اعمار گردیده که جوی مذکور نیز از بین رفته است وآب آن به سا حه پو‌ـ هنتون‌نمیر سد، ریا ست پو هنتون کابل در نظر دارد با کمك ریاســـت آبرسا نی چا های عمیق حفر نما ید که از آن در سا حه آبیا ری‌پوهنتون استفا ده بعمل آید .

درهمین لحظه چشمم به با غبا نی‌می خورد که مشغول جمع کردن‌سبزه های خشکیده از با لای بته های گل مرسل می‌باشد ، نزد یکشس می روم وی‌خود را چنین معر فی می کند:

نامم محمد اسلم است‌ومدت هجده سال از سا بقه کارم در ین سا حه می گـذرد، نا مبرده چنان ضعیف‌و نحیف به نظر می خورد گو یی از مرض محر قه برخا سته باشـــد، انگشتان دستها شس همه کج شده‌و لرزا حیه پا ها هم تکلیف دارد میگو‌ـ یدرین‌مدت‌هجده‌سال همه‌روز سـرو کارم با نهو سبزه های نمدار بوده‌و مدتی‌هم گلدان کار بودم که در اثـر آن‌بمرض ریماتیزم گرفتارشده ام .

وی گفت: از سا لیان دراز به‌این سوبا غبا نی این باغ را می کنم‌واز معا شی که بد ستم می آید صرف همینقدر می شود که لقمه نا ن‌بخور ونمیری برای فا میلم تهیه کنم، ولی گا هی همکا را نم در باره من میان شان پچ پچ میکنند که نظر به اینکه تاب‌وتوا نشس را مر یضی برده است شایدازادامه کار شس مـعذ رت خوا‌ـ سته شود که این پـچ پچ ها نها یت نارا حتم میسا زد ،زیرا دیگر کدام حیله وامیدی برای تهیه غذا یی‌بخور ونمیر فامیلم سراغ ندارم . و تنها همه امید من وخانواده ام را همیـن معاشس با غوانی تشکیل مید هـدو بس.

کشتیار می گو ید: در پهلـــوی محمد اسلم ،با غبا نهای سا بقه‌داری دیگری نیز هستند که میتوان از حاجی غـلام دستگیر ، عید محمد و امثال‌شان نا م برد ،با ید عـلاوه کنم که‌با غبا نهای ما که در حدودپنجاه نفر می رسد در پهلوی امور با غدا‌ـ ری‌ومرا قبت از در ختان وگلها کار های‌خورد وریزه دیگری را نیز که‌در ساحه پو هنتون خلق می شود انجام می دهند مثلا امور تعمیرا تی جـوی کنی ،برف پا کی همچو کار هـــای دیگر .

در اخیر باید بگو یم که بیام من‌بـه عموم با غداران، دها قین ودوا یـر رسمی ایکه سرو کار با نهال شانی وزراعت دارند اینست که ، در امر سر سبزی کشور محبوب ما افغـا‌ـ نستان تاپای جان بکوشند ،به نظر من اگر به عو ض نهال های بی ثمر نهال های مثمری در همه جا غر سس گردد بهتر خوا هد بود بخا طر اینکه زحمات شان به هدر نر فته از یك سو وطن‌سر سبز گردد واز سوی دیگر ازمیوه آن همه کس استفا ده نماید البته جا های تفر یحی مثـلا پار کها جا های استثنا یـی هستند که نمیشود در آنجا نهال هـــای مثمر غر سس شود مثلا در شا هراه ها، اگردیده باشید در شاهراه‌کابل، پروان همه‌درختان توت غرس گر ـ دیده بود عا بر ین میتوا نستنـد از اتوت آن‌مستفید شو ند البته ایـــن نظـر من می باشد .

حال گذری به زمین های زرا عتی می کنیم آنطرف پل آر تل در پهلوی سر ك چهل ستون چند تن ازدها‌ـ قین‌را مصروف کار میا بم، از جمله دو نفر ایشان در نزد یکی من قرار دارند که بالای‌یك کرد کارمی کنند، یکی جویچه می کشد ودیگر شس در آن‌جو یچه ریشه نعنا فرشس می‌کند. یکی آن که قدری مسن به نظر میر‌ـ سد میگوید :

با ماکار ی داشتی ؟

میگو یم بلی! خود را معر فـــی می‌کنم .

گاه به من وگاهی به زمین‌دیـــده گرفته گر فته می گوید :

(بلی برا در دهقان هستیم‌وای‌چند جریب زمین پیشس ما اجاره اس، حالیکه بهار رسید ماهم دیگه به کار های خود شروع کدیم ببینیـــم خدا چی میکنه .

ـشما در اثر اصلا حات ار ضی صاحب زمین نشدید؟

ـ اگه راستشه بگویم خود مـــا غفلت کدیم وعر یضه ندا دیم اگه نی خوزمین میگر فتیم .

ـشما به غیر از تر کا ری گندم هم‌کشته اید ویانه ؟

ـ بیا در جان چار جریب زمیـن پیشس مه اجاره اس که تما مشه‌تر‌ـ کاری کشتیم جا یی نما نده که گندم میکا شتیم .

ـبرای تقو یه بیشتر کشت خود از کود کیمیا وی استفا ده می کنیدو یـــا چطـور ؟

ـاز کود کیمیا یی هم کار میکریم واز حیوانی هم که هر دو یشس‌یکجا شد قو تشه زیاد تر می کنه، البته از کود سیاه که نامشام نمی فا مم.

ـخوب نه گفتید که نام شمـــا چیست تا خوا ننده گان مجله ازشنا‌ـ خـت شما بی نصیب نشو ند !

ـنا مه چی میکنی مه نـــام ندارم .

چـرا کا کا جان این خو کاربدی نیست که نام شما را در مجله چاپ کنیم ...

ناتمام

باغبانهای پوهنتون‌کابل مصروف بیل زدن کرد ها دیده می شوند .

ترجمهٔ دیپلوم انجنیر یونس منظور

وظایف اساسی واهمیت سرسبزی منطقه در حیات

روزمرهٔ انسانها

هوا که آنراهمه روزه تنفس وازآن استفاده مینمائیم یکی از بخش های عمدهٔ زندگی روزمرهٔ موجودات زنده وافراد یك جامعه را تشکیل میدهد ، وبه همین قسم ناگفته نباید گذاشت که هوادر زنده نگهداشتن طبیعت نیز رول مهمی را بازی میکند • انسان میتواند بدون آب و غذا مدتی را تحمل نماید ،

اما بدون موجودیت هوای مورد ضرورت یك سلسله تکالیف صحی را سردچار میشود• ودر صورت عدم موجودیت هوای مورد ضرورت نمیتوان حتی دقیقه را تحمل کرد. پس بادر نظرداشت صفات هواکه فوقاز آن تذکر رفت وهمه ماز آن به صورت رایگان استفاده مینمائیم پس برهر یك از افراد جامعهٔ ما لازم

است تا در حفظ ونگهداشت پارك ها ـ سبزه‌های اطراف جاده ها ـ چمنها وساحات سبز تعمیرات رهایشی سعی به‌خرج دهندو همچنین بااستفاده از فصل مناسب بهار درغرس کردن اشجار وبته های تزئیناتی در کوچه ها ـمقابل دکانها ـجاهای تفریحی وساحه کار که انسان اکثر وقت خودرا در آنجا سپری مینماید مضایقه ننموده وسهیم گردند •

علاوه برونظایف ابتدائی واستحصال آکسیجن مورد ضرورت که از سر سبزی بدست می‌آید بعید نخواهد بود تا نظری به یك سلسله تاثیرات ومزایائی دیگری که منشاء اصلی آن سر سبزی میباشد بیندازیم:

۱ تاثیرات بیواقلیمی سر سبزی :

ـدر تعادل وپائین نگهداشتن در جات‌حرارت

ـمرطوب وملایم نگهداشتن هوا •

ـملایمت وتعین نمودن سمت وزش باد

ـتصفیه وپاك نگهداشتن هوای مناطق پیچیده •

۲ـ تاثیرات حفظ الصحی :

ـتقلیل بخشیدن گرد وخاك وازبین بردن ذرات کوچك‌دود وخاك که برای‌تنفس‌مضر میباشد• •

ـوسیله آنز جار حشرات و موجودات زنده بسیار خورد در فضای چار اطراف ما•

ـدفع وتقلیل بخشیدن صوت و غالمغال های ناگوار •

ـدرتوان نگهداشتن فشار های‌الکترو- ستاتیکی که این عمل اعصاب انسان را راحت نگهمیدارد •

۳ـ اهمیت سر سبزی از نگاه روانشناسی:

ـتسکین دهنده اعصاب •

ـزنده ومجسم نمودن‌جامعه هائیکه درزمانهای ماقبل در آن رشد وتکامل نموده اند •

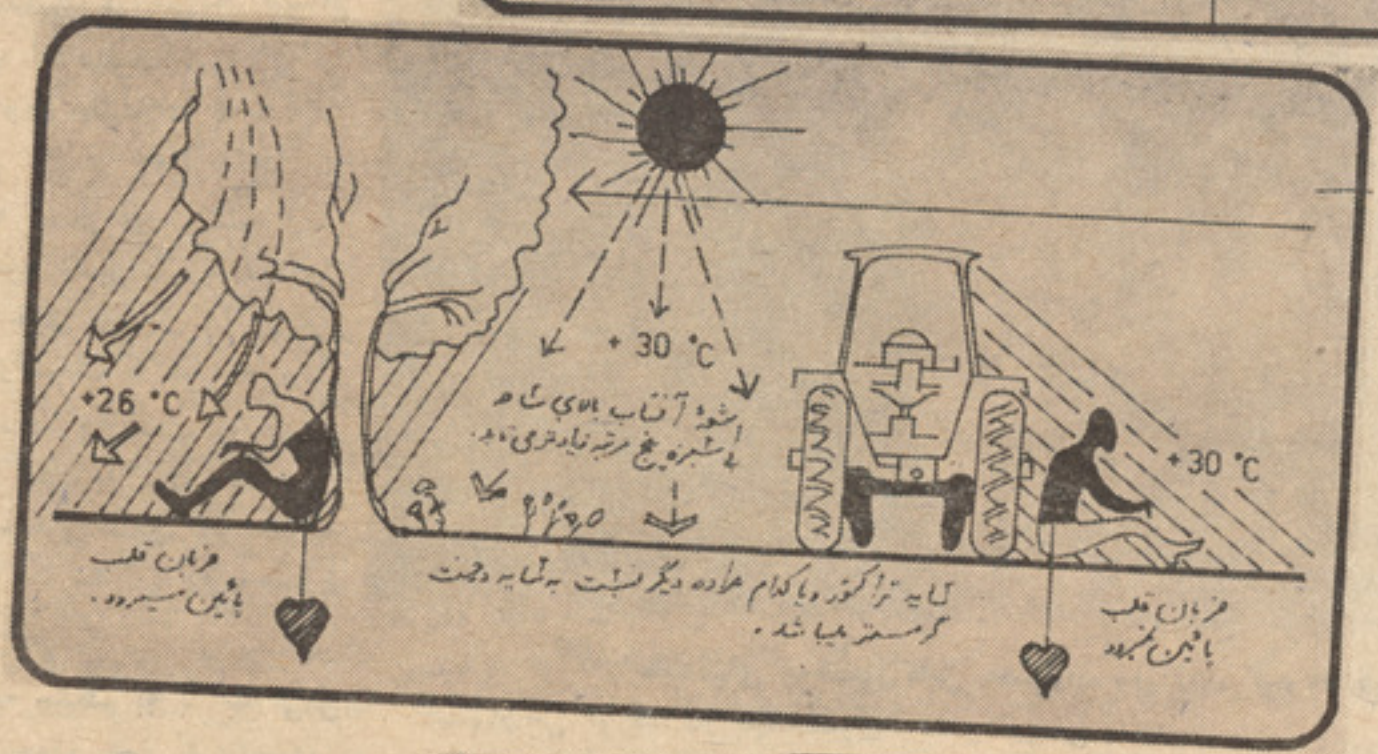

ـاز نقطهٔ نظر حاصلات سالانه و همانقسم فواید ومزایائی بیولوژیکی آن ها .

ـفراهم نمودن سهولت برای ساختن لانه های پرنده گان که اینهم بذات خود اعصاب را تسکین میبخشد •

ـزمزمه پرنده‌گان‌وشرشربرگهای درختان- بته ها ـ عطر و هوای گوار ای اطراف آن از نگاه روانشناسی‌بالای اعصاب انسان خیلی مفید ومؤثر میباشد •

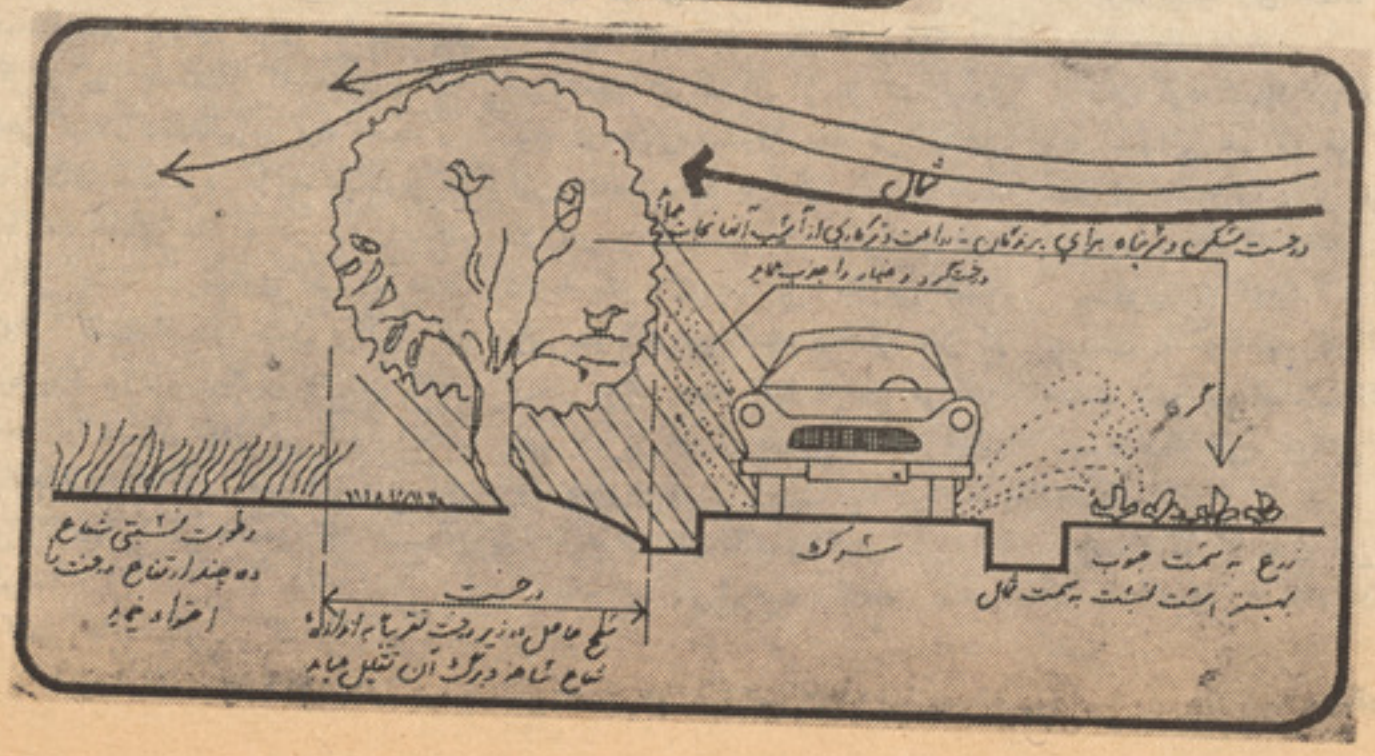

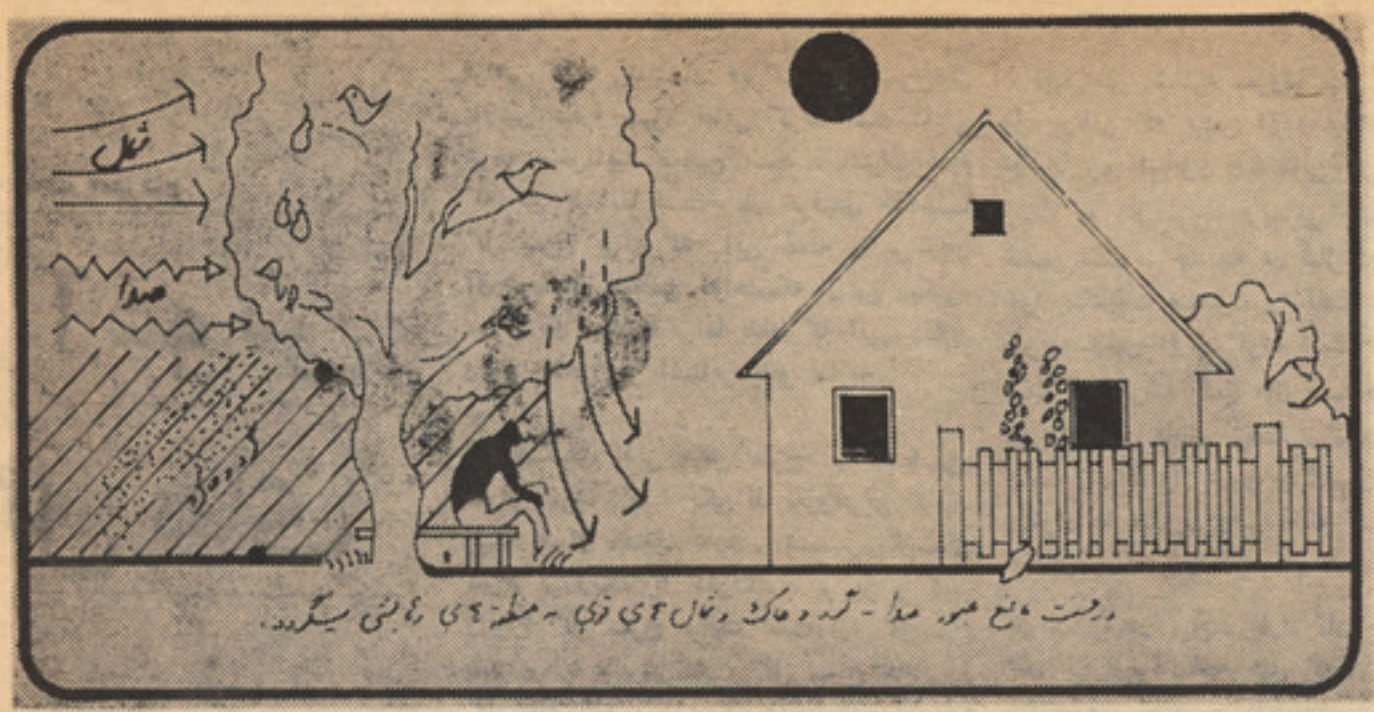

مزایایی سر سبزی ازنگاه بیوافلیم:

ـدرجه حرارت ساحه‌ی سبزنسبت به جـای اسفلت شده وبدون سرسبزی٦ الی ٩درجـه سانتیگرید پائین وسرد تر میباشد ٠

ـدرجهٔ حرارت پارکها وجنگلها در اوقات تابستان نسبت به مناطـق بدون سر سبزی وجنگل ١٢ ـالی ١٤ درجهٔ سانتیگرید پائینتر میباشد ٠

ـبه هر پیمانهٔ که سر سبزی غلوو ساحهٔ بزرگی را احتواء کرده باشد به همان پیمانه درجهٔ حرارت اطراف آن به شعاع (١٠٠ـ ١٥٠ متر) از (١ـ ٥ر١) درجهٔ سانتیگرید فرق‌داشته از جانب دیگر سبزه وجنگل یکمقدار زیاد میباشد ٠

آب رابه هوا تبخیر مینمایدو چنانچه در فوق تذکر داده شد که در تقابل وپائین نگهداشتن درجات حرارت نیزرول بسزائی رادارامیباشد بطور مثال یکدرخت که دارای ساقه وشاخچه های بزرگ باشد دریك روز بطور اوسط (٦٠) لیتر آب رابهوا تبخیر مینماید. که البته عملیهٔ تبخیر ویاآب‌دادن نباتات‌بهوا دربلند نگهداشتن رطوبت نسبتی که‌در اطراف (١٨ـ ٢٢) فیصد میباشد نیز کمك نموده یابه عبارهٔ دیگر رطوبت ساحه سبز یك تناسب مستقیم باراتفاع درختان داشته ، یعنی هر قدر ارتفاع درخت زیـاد باشد به همان اندازه تناسب رطوبت زیـاد میباشد ٠ و قرار یکه دانشمندان ارزیابی نموده اند این تناسب (١٠ـ ١٢) برابـر ارتفـاع درخت را احتوا مینماید ٠

در موقع بلند رفتن رطوبت‌نسبتی هوا انسان احساس راحت نموده ودر صورت بلند رفتن رطوبت نسبتی هوا باندازهٔ (١٥) فیصد بدن انسان آنرا به (٥ر٣) درجهٔ حرارت سانتیگرید حس مینماید ٠

اهمیت سر سبزی از نگاه زیبائی:

سبزه ودرختان از نقطه نظر زیبائی خودبه علم مهندسی رابطهٔ نزدیـك ومستقیمی داشته واز طرف دیگر در بر جستگی و مقبولی‌تعمیرات اهمیت فراوانی دارد واز همین جاست که امروز مهندسی پارکسازی بذات‌خودیك محبث‌جداـ گانه علم مهندسی را تشکیل میدهد ٠ پس دراینجا میخواهیم نظری‌به سرسبزی‌بیندازیم:

١ـ وظایف محافظوی سر سبزی منطقه:

ـدر تحکیم بخشیدن سطح های میل دارو تپه زار ها رول بسزائی داشته واز محو شدن و تخریب آن ها که اکثراء در اثر وزش باد های قوی ویا سراز یر شدن آب های باران صورت گرفته جلو گیری مینماید٠

ـتشکیل دادن سدهای محافظوی کنارابحار ودریا ها در مقابل تخریبات که ناشی از جریان شدید آب ها میباشد ٠

ـ جذب نمودن سریع‌آب های باران وجلوـ گیری از سرازیر شدن سیلاب ها ٠

ـجلو گیری از افتیدن‌خس وخاشاك وکثافات درمنابع آبهای ذخیره شده وتربیه گاه های ماهی ٠

ـجلو گیری‌از وسعت وبسط یافتن حریق های بزرگ و خانما نسوز .

ـوظیفه عایق وطرد نمودن صوت وصدا های ترانسپورت ثقیل درمناطـق رهایشی‌ـمکاتب وشفاخانه ها ٠

ـدر فراهم نمودن شرایط جهت ساختن سر پناه ولانه های پرنده گان .

پرنسیپهائیکه دردیزاین وطرح ساحه های سبز که در منطقه های رهایشی از آن استفاده بعمل می‌آید جزء عمده پلان های شهری‌وپلان های بزرگتر از آن محسوب گردیده وجهت‌عملی وتطبیق نمودن این مفکوره برای اینکه زندـ گی روزمره مابکلی شکل طبیعی رابخود اختیار نماید لازمست بادر نظر داشتن دیگر وظایـف بالخاصه وظایف ستاتیکی و محافظوی آن برای هر ناحیه ومنطقهٔ رهایشی ساحهٔ سبزی درنظر گرفته‌ودرتحکیم‌بخشیدن‌این مدعاکه‌سرسبزی‌وطن ماست بانیست بشمول ارگان های دولتی در زمینه از هیچگونه همکاری دریغ ننمائیم ٠

لذاء جهت انکشاف وگسترش ساحه های‌سبز لازمست دستورات ذیل در نظر گرفته شود:

بقیه در صفحه ٥٨

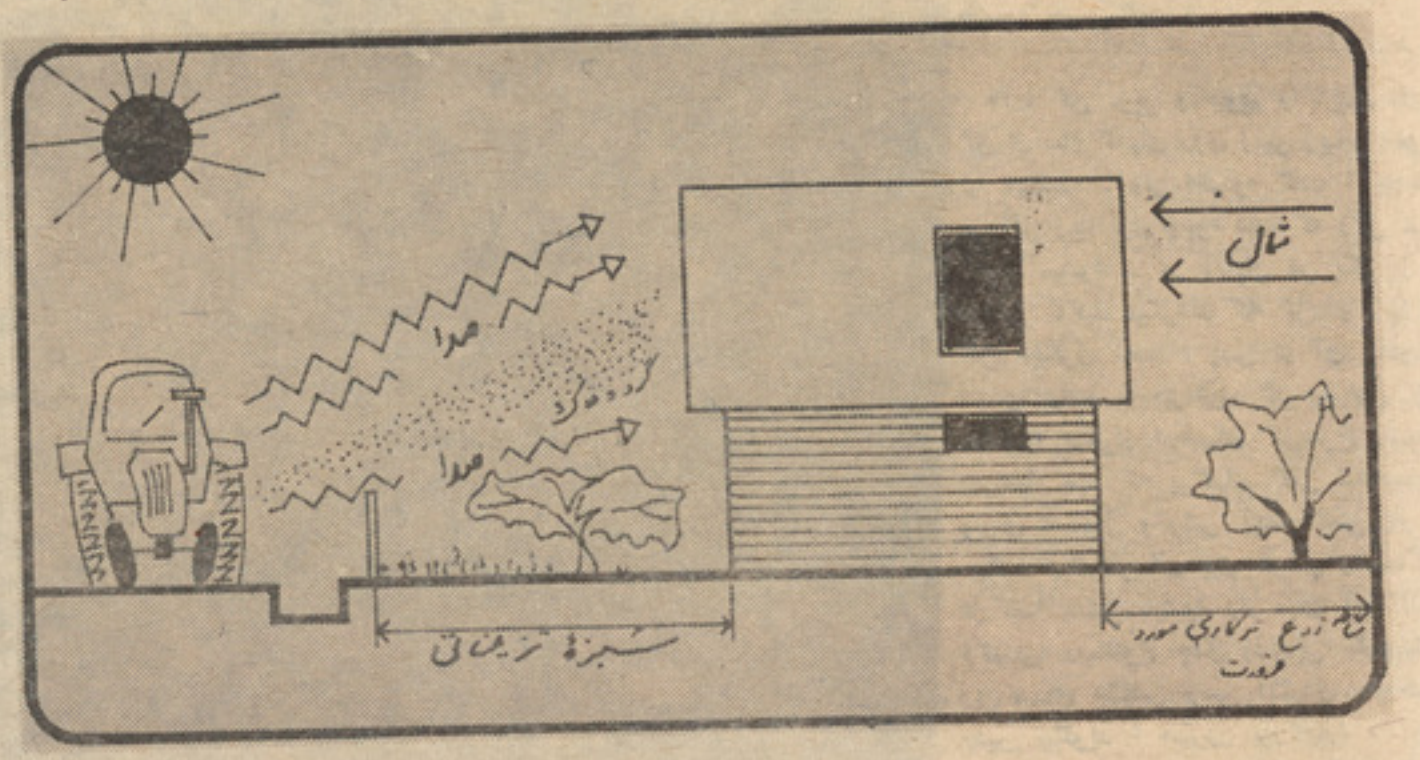

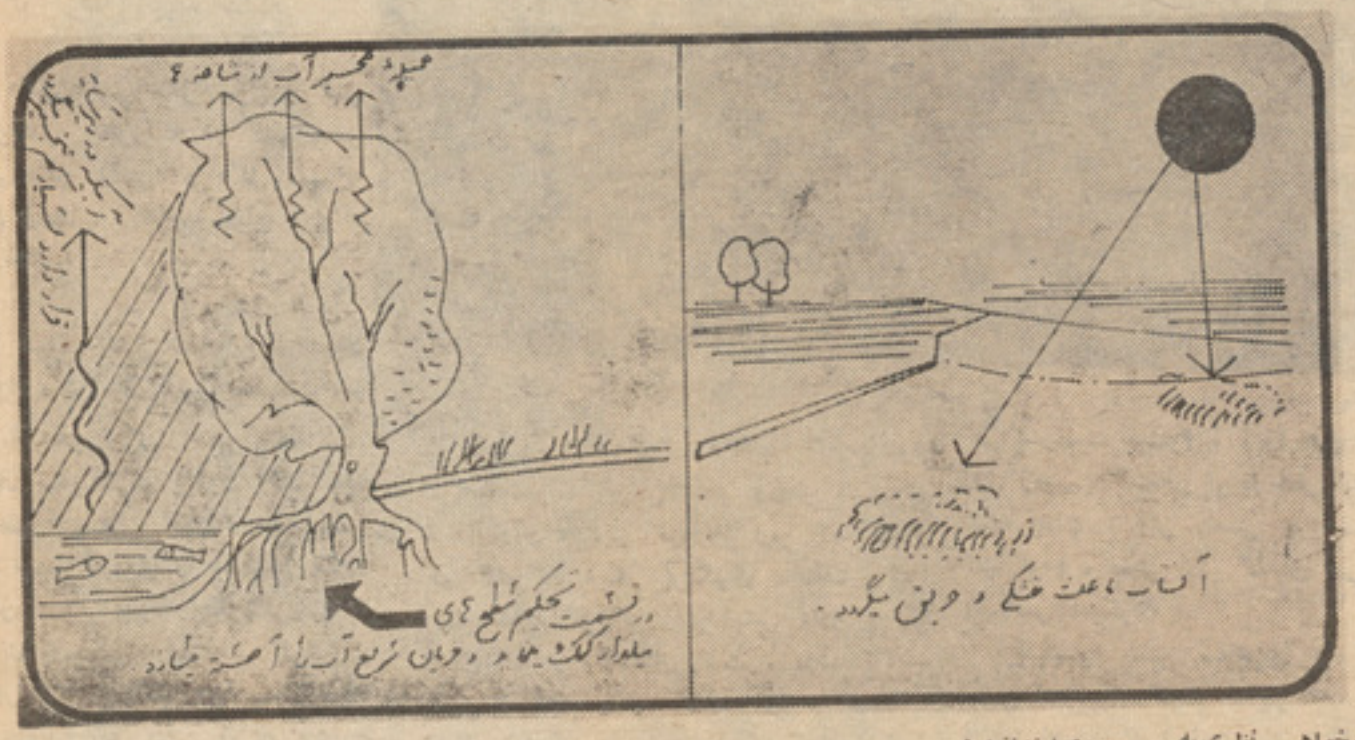

عبدالله محب «حیرت»

در آغوش گل های سرخ و آتشین

در پهنسرای طبیعت خیال انگیز جهان بی پهنای هستی، شمار انواع گلها از نظر رنگ وبو ، خواص وکیفیت ونحوهٔ استفاده از هر کدامش گونه گونه ودلاویز وپذیرنده‌است، چه این طرز استفاده هااز نظر تزیین وپیرایش وآرایش در صنایع بدیع ومستظرفه باشد وچه در ساحهٔ صنعت وچه از لحاظ ذوق‌پروری، هر یك بجای خود حرفها وکلام مشخص‌دارد که ما طی این مبحث در مقدم ورود بهاران ودر جلوه های اندیشه پرداز آن صرف پیرامون گلهای «آتشی» و «سرخ» بصورت موجز وفشرده ، نکات برازنده وچیده های گیرندهٔ را در محضر «گلبازان» خوش‌سلیقه پیشکش میداریم تا از تجلیات نقش رنگار طبیعت بنفع ناز کخیالان وادب دوستان حرف حرفی را باز گو کرده باشیم .

در حقیقت «گل آتشی» گل سرخ و گل سوری را گویند بطوریکه در کتب معتبر راجع بمفاهیم «گل آتشی» و «گل سرخ» سخنان متنوع ومطالب زیادی دستیاب میتواند شد . بطور مثال :

یکی آنرا نشانه «عشق سوزان» و محبت آتشین » خوانده دیگری آنرا مظهر «سر خرویی» وعلامهٔ «سوز وگداز» نیز گفته‌است. چنانچه یکی‌از صاحبنظران پرذوق واندیشمند درقاموس «مفهوم ومعانی گلها» راجع به «گل آتشی» چنین تعبیری را استنتاج نموده واز زبان آن بدین عبارت حکایتگراست : «محبت من تند وسوزنده است ، اگر بامن مهر نورزی از اگر محبت من خواهی سوخت».

علا وتا اززبان «گل آتشی ایکه شکسته ساق باشد» نوشته اند که: «محبت سوزان من نسبت بتو تمام شد ، دیگر ترا دوست ندارم ، ولی هر شب ترا بخواب میبینم». جای دیگر «گل آقاقیای قرمز» را نیز در ردیف «گلهای سرخ» قرار داده واز دل آن چنین حرفهای را تراوش داده اند که : «از کثرت محبت فوق العاده مایل بدیدارت هستم ،وسیله فراهم کن». بدینسان «برگ گل سرخ»هم باچنین عبارهٔ چهره نمایی کرده است :«بلی هرچه میفرمایید صحیح است ، اعتراف دارم که حق با شما است». از حرفهای «شاخهٔ گل سرخ بی برگ» این جمله را بر زبان آورده اند : «محض خواهشیکه از من میکنی، من از تو میگذرم . اما بدان که قلبم‌میشکند وهیچ علاجی جز آشنایی باتو ندارم» .

درفرهنگهای ادبی «گل سرخ» را اینطور معرفی کرده اند : یکی از معروفترین گلها- ییکه اقسام مختلف دارد . بر نگهای سرخ پر رنگ یا کمرنگ ، پر پر و کمپر وانواع گل سرخ عبارت است از: گل‌سرخ صد پر یا صد برگ ، گل سرخ جاپانی و گل چای که پر بر گ ولی رنگ آن زرد است اما در ردیف گلهای پر پر آمده‌است. گل گلاب اصیل یا «گل محمدی» نیز یکی از اقسام گل سرخ است اما کمپر وکم دوام میباشد وغالباً سایر اقسام گل سرخ را به بنهٔ آن پیوند میزنند . «گلاب» که یکنوع گل خوشبو ، خوش منظر ومعطر است در خاندان آن چندین گل نغز وپر گلبرگ و کم گلبرگ دیگر برنگهای مختلف وگیرا وعطر های گوناگون پیدایش دارد ورونق افزای گلزار وگلستان است . مانند :گلاب آتشی ، گلاب سفید گلاب زرد ، گلاب گلابی ودیگر ها . جای دیگر کلمهٔ ترکیبی «گلاب» از دو کلمه «گل» و «آب» باحذف «مدالف»بمعانی (عرق گل ،. بخصوص‌عرقیکه از یك قسم گل معروف به گل محمدی یاگل گلاب میگیرند) مستعمل میباشد واز عرق حاصلهٔ آن برای خوشبویی برای اغذیهٔ متداول وتداوی بعضی تکالیف صحی ناشیوه های عنعنوی ومروج آن کار گرفته میشود .

«بیلیتس» شاعرهٔ معروف عشق پیشه وزنده دل یونانی که بیش از (۲۶۰۰) سال قبل در جزیره افسانوی وباستانی کریت میزیسته است به «گل‌سرخ» فریفتگی وعشق‌فراوا نی داشته است . چنانچه در قبال ذوق بدیع خود مکنونات ضمیرش‌را تحت عنوان«گلهای سرخ» چنین ابراز کرده است : «هنگامیکه شب فرا میرسد، دنیا مال ما و ... است. من ولیکاس باپای برهنه از میان مزارع‌بکنار چشمه زار ها واز درون جنگلهای تاریك‌بسوی چمنزار ها میدویم وبیم آنکه کسی مارابیبند، نداریم . اختران زیبا در آسمان نیلگون بدرخشش در میایند تاراه مارا روشن کنند. گاه نیز زیر شاخه های کوتاه درختان ، غزالان نیم خفته بصدای پای ما بیدارمیشوند ومیگریزند ولی از همه جا دلپذیر تر گوشه- ای از جنگل است که تنها من واو ، آنرا میشناسیم . در آنجا همیشه بوتهٔ گل سرخی مشغول عطر فشانی است . من از عطر این گل سرمست میشوم ، زیرا هیچ چیزی در روی زمین ، آسمانی تر از عطر گلها بهنگام شب نیست . ولی راستی چرا شبهاییکه تنها بودم ، مستی عطر گلهای سرخ راچنین احساس نمیکردم ».

«بیلیتس» همین سخنرای پر آوازهٔ سر زمین اساطیری کرانهٔ مدیترانه ، باپارچه‌دل انگیز «دستهٔ گل» خود جای دیگر در مورد «گل سرخ» چنین بدیعه سرایی میکند : «پریان جنگل ، امروز بدیدار شما آمده ام. چرا روی از من نهان میکنید ؟ آخر لختی بکمکم بیایید . زیرا از بسکه گل چیده‌ام، خسته شده ام . میخواهم یکی از درختان‌جنگل را بر گزینم وگیسوان سبز رنگش را بازیبا ترین گل سرخی که چیده ام ، بیارایم . ببینید ! آنقدر گل چیده ام که اگر آنهارا دسته نکنید ، بار خود را بخانه نمیتوانم برد. از این خواهش من‌سر باز مزنید وگرنه : دیروز یکی از شما را که گیسوان طلایی دارد ، در آغوش یکی از دیوان جنگل‌خفته دیدم . امروز نامش را بر سر هر کوی وبر زنی خواهم گفت» .

در منابع اسطوره یی شرق وغرب راجع به زیبندگی وفریباییهای «گل سرخ»حکایات متعددی را مندرج کرده اند . از آنجمله در لابلای گفتار حکایتی هندیان قدیمی آورده اند که : در یکی از آخرین روز های‌موسم بهاران ودر مقدم حلول ایام گرمای موسمی، جاییکه شمیم عطر آگین گلها از حرارت روز های فصل آگهی میداد ، «فشنو» یکی از ارباب الانواع مردم هندوستان ، میان رود- خانهٔ شنا میکرد ، یکمرتبه گل «لوتس» را دید که بروی آب ظاهر میشود . برگهای‌گل باز گردید واز میان آن آلههٔ «براهما» بیرون میاید . در آنحال الهه «براهما» به رب‌النوع «فشنو» چنین گفت :

«آیا گل عزیز ومحبوبم را دیدی ؟! این گل از تمام گلهای روی زمین زیباتر وخوشبو تر میباشد» . ولی «فشنو» گفت : «درباغچهٔ من گل زیبا تری وجود دارد که (گل سرخ) نامیده میشود» . در آنمیان هر یکی از این دو نفر تاکید میکردند که گل او زیبا تراز گل دیگری است . پس از آن باغچهٔ «فشنو» رفتند تا «براهما» گل سرخ را ببیند ووقتیکه بیکی‌از درختهای گل‌سرخ رسیدند، «براهما» دید که برگهای گلی شاداب‌میشود وبرای استقبال وخوش آیند گفتن باو سر میکشد وبه اثر آن بوی خوش ومست‌کنندهٔ در فضا منتشر میشود واز میان آن گل ، «کشمی» رب‌النوع جمال وزیبایی خارج‌میگردد وبا صدای دلکش ومهر انگیزی به «فشنو» چنین میگوید : «سرور بزرگوارم ... چقدر من خوشبخت وسعادتمندم که گلها ازمیان خود مرا انتخاب کردند تا دوست وهمسرشما باشم وواقعاً شما بهترین دوستان وهمسران هستید !... ». آنگاه «فشنو» بر روی«کشمی» زیبا وفریبگر خم شده ودست سفید و نرم‌او را در دست گرفت وبلبان گرم خود نزدیك نموده ومشتاقانه آنرا بوسید . درینجا«براهما» دوست «فشنو» بوی چنین گفت : «بدون‌شك تو خوشبخترین رب‌النوعها میباشی ... باغچه وگلهاییکه در آن برایت میروید همیشه جاوید باشد ».

از آنجا که سخن پردازان روشنضمیر از هر گوشه وکنار بدامان «گلهای سرخ» بار با چنگ زنان گلچینی ها کرده اند ، ودامن دامن‌گل چیده‌اند.درین میان«لامارتین» به امید گلهای سرخ بامدادی ، سرسخن‌را بادلداده اش چنین بازکرده است: « بامدادان بباغ رفتم تا برایت دامن گل سرخ را ارمغان آورم ، اما آنقدر گل در دامنم انباشتم که بند فشردهٔ آن تاب نیاورد وگسست . نسد دامنم گسست وگلها همه بادست باد راه‌دریا را به پیش گرفتند . همراه آب رفتند ودیگر باز نگشتند . فقط‌موج آب‌برنگ قرمز درآمد،

بقیه در صفحه ٥٤

از سپو تنیك

ترجمه ی د، سکوت

یک هزار شکسپیر در سال دوهزار

مصاحبه ای با داکتر ایگارلد دانشمند یکه در علوم اجتماعی پیشگویی میکند

ـ چه کشفیات وابتکارات تازه آینده صورت خواهد گرفت ؟

ـ اگر جواب این سوال شما را انستم ودر باره کشفیات‌وابتکار- آینده معلو ماتی تقدیم داشته انستم در آنصورت کشفیات و رات آینده وجودنیمدا شت‌زیرا را انسان ابتکار کند و کشف دیگر از آن برای آینده چیزی نمی ماند . یك دانشمند می ند که چگو نگی‌وپیشر فت‌ادبیات در آینده طرح نماید اما در باره اعات و اکتشافات و ابتکارات حی ریخته نتوانسته و پیشگویی ده نمیتوا ند .

ـ در بیست سال اینده شعر چه ولی را خواهد پذیرفت وچه‌شکلی اختیار خواهد کرد ؟

ـ درباره اشعا ریکه بیست سال توسط گویندگان نا معلوم‌سروده اهد شدنمیتوان به‌صورت صحیح گو یی کرد . اگر جواب این را بدرستی پر د ا خته نو انستم پس همین اکنون اشعا- میسر ودم که شکل وفرم اشعا- بیست سال بعدرا میداشت وخون مان در حروف وکلما تش موج د .

خوب پس بفرمائید بگویید که‌در حه ادبیات چه پیشگویی کرده توانید ؟

ـ در سال دو هزار ، نفوس جهان چند خواهد شد و همزمان با ن داد نویسندگان ازد یاد خواهد ت واگر امروز پنجصد نو یسنده- که جون شکسپیر فکر نما یدو یزی بنویسد در جهان وجود داشته با شد در سال دو هزار جهان یکهز ر شکسپیر خوا هد داشت.

ـیکی از نو یسند گان پو لندی چنین اظهار عقیده مینما ید که وقتی دنیا بیشس از امروز ماشینی شود ومصرو فیت ها واحتیا جات‌بشر فزو نی گیرد وتعد د نو یسند گن زیاد وزیادتر گردد نو یسند گان‌بز- رگی که شهکا ر های‌بی مثلی رابه وجود آور ند خیلی بند رت‌پیدا خوا هند شد شما در ین باره چه فکر میکنید ؟

ـ من بمفکوره دلچسپ او احترام‌می گذارم ، اما موا فق نیستم ، من عقیده دارم که در هردوره ای‌ازتاریخ زند گانی بشر شکسپیری داستا- یسکی و.... وجود خوا هد داشت.

ـ بهرصورت آیاشماعقیده دارید که کیفیت وچگو نگی آرت وهنر قرن بقرن پیشر فت خوا هد کردوقوس صعودی خودش را خواهد پیمود ؟

ـ خوب‌احترام به‌هنرمندان گذ- شته نسبت به هنرمندان معا صر زیاد تر است . شاید از این مو- ضوع اطلاع داشته با شید که امروز نسبت به دیروز در جهان‌نو- یسند گان زیادی وجود دارد .نو- یسنده ایکه ما آنرا شکسپیر بنا میم وچون شکسپیر بیند یشد وچیز بنو یسد وجود ندارد زیرا زمان نو یسنده امر وز بازمان شکسپیر انگلیسی ، فرق دا شته وایجا بات ومقتضیات عصری که مادرآن زندگی داریم با زمان آن نو یسنده نامدار تفاوت فاحش دارد . بر علاوه تاریخ ثقافت جهان نشان مید هدکه‌درتمدن های مختلف دوره های طـ لایی ودر خشنا نی از آرت وهنر وجود داشته ودر آینده نیز بوجود خواهد آمد امروز مشکلات وپرو بلم های تازه برای نگهداشت کتب بوجود آمده وشما را جع به کتا بخا نه های آینده چه فکر میکنید ؟

ـ از شصت تا هشتاد فیصدکتا- بخانه های بز رگ جهان ببا د فراموشی رفته وا حدی از مردم تقا ضای کتاب نمیکنند اما قرار احصا نیه ایکه بد ست آمده تقر یبا نصف این کتب از طرف نو یسند گان مختلف پیرو ی گردیده است .

داکتر تیبت پیشگویی نموده که در آینده سیستم‌جدیدی برای‌نگهدا- شت کتب وتقد یم و نتشار معلو- مات بو جود خوا هد آمد وسیستم مذکور جای کتا بخا نه ها رانیز خواهد گرفت و سهو لت خیلی زیادی در بد ستر سی گذا شتن کتب ومعلو مات برای مردم فرا هم خو هد شد . یك عنصر الکترو نی به اندازه شصت فیصد در آینده خواهد تو ا نست تما م کتا بها راکه‌در رشته ادبیات در تمام اتحاد- شو روی وجود دارد حفظ ونگهدا ری نماید.

ـ خوب،آیا ممکن است که وظیفه وچگو نگی اد بیات را درآینده پیشگویی کنیم ؟

اگر چه پیشگویی کردن وظیفه سیا نس است اما بنظر من بزرگی یك نو یسنده را با ید ازروی دور اندیشی وی سنجید همچنان هر اندازه ایکه در اد بیات دور اند یشی بیشتر صورت بگیرد به همان اندازه ادبیات روبه ارتقا میگذارد .

اگر نویسند گان‌آینده بیشتراز نو- یسند گان امروز دور اند یشس و متفکر باشندادبیات آینده بهتروپایه دار تر از امروز خوا هد بود ودرغیر آن آثار ار زنده وجا ودا نی بو جود نخوا هد آمد.

به نظر شما آیا تولستوی وشکسپیر مسا یل آینده را پیشگو یی نکرده بودند ؟

ـ بعقیده من در آثار آنان این مو ضوع در نظر گر فته شده زیرا اگر چنین نبود آثار او شا نتا امروز ار زشس واهمیت خود را حفظ نموده نمیتوانست .

وقتیکه ما سخن از پیشگویی میزنیم غرض ما از پیشگویی ها وپیشبینی ها یست که در آثار بر خی از نو یسند گان در باره‌سیا- نسس بعمل آمده است .

عبد الحمید نصیر رئیس محکمه‌فامیلی در حال صحبت زن وشوهریکه در اثر مو ضوعات عادی مـــی خواهند از هم جدا شوند .

در محکمهٔ فامیلی چه خبر است ؟

ریشه اکثر دعوی ها ییکه امـروز به محکمه فامیلی میاید به سا لهای خیلی قبل ار تباط می گیرد وهمیـن عقد های عدم رضایت تا مدتی دوام وبالاخره منجر به آمدن به محکمه می گردد.

با ارائه مطلب‌فوق عبد الحمیدنصیر رئیس محکمه فا میلی یکی از موارد طلاق‌را عدم توافق روحی دو طرف نسبت ازدوا جها ییکه بزور وبـدون رضایت دو طرف صو رت می گرفت وموا فقه‌دو جا نبی زن وشو هـــر بصو رت اساسی حا صل نمی شـد ذکر نمود .

هفته قبل جهت تهیه را پـــوربه محکمه فا میلی رفته بودم وو قتـــی داخل اتاق رئیسی شدم رئیســـ محکمه با قضات چندکه چهارنفـــر آن از قشر اناث بود مشغول شنیدن حرفهای زن وشو هر جوا نی بودند که معلوم می شد مو ضوع خوشحا- لی باید در میان باشد چو نکه زن‌و مرد حین حرف زدن می خند یدند و آثار رضا یت از چهره های رئیس وقضات‌هم هویدا بود . بعد از سلام بگوشه اتاق نشستم ومنتظرشدم تا موقع‌بیا بم وسوا لاتم رامطـــرح سازم که در ینمو قع رئیس محکمه فامیلی گفت خوب وقت آمد یـــد موضوع این زن وشو هر جوان‌راهم بنویس برای خوا نند گان خا لـی از دلچسپی نخواهد بود . تعصبات‌و خصو مت های فا میلی مانع از دواج ایندو نا مزد جوان گرد ید ه‌بـود. مسا له ازین قرار است که پدر های شان بر سر مو ضوع جنگ مـــی کنند وپدر دختر ، دخترش را وادار می‌سازد که به محکمه بیا یـــد واز نامزدی با نا مز دش‌انکار کند.دختر هجده سال دارد ، چادر گلدار بسر کرده‌واز فیشنی که کرده معلـــوم میشود که‌باید تازه عـــرو ســـ باشد .

از زن جوان خوا ستم تا ما جرا- یش‌را برا یم بگو ید. وی‌که بـــا جرئت حرف میزد گفت: بلی من‌اول به اثر اصرار وتهد ید پدرم از نا- مزدی خود با نا مزدم انکار کردم مگر بعد خوب که متو جه شدم احساس کردم‌که نا مزدم شخص بدی نیست وصفات خو بی هم دارد خوشبختا نه بزودی متو جه اشتباه خودشدم وبا خود گفتم که نباید بازیچه پدرم‌شوم او از روی عقده شخصی با من رفتار می‌کند احساس مرانا دیده می‌شمرد وحقوق مرا پایمال می سا زد همین بودکه به نا مزدم که درهمسا یگی مازند گی می کنند اطلاع دادم کـه من حا ضر هستم با تو ازدواج کنم‌و از کار خود پشیمان هستم همین بود که روز بعد من بخا نه‌آنهـــا رفتم بعدبمحضر رفتیم وعقـــد نمود یم، فا میل شو هرم بخو شـی از من استقبال کرد ند ومجلســـی ترتیب دادند مگر فا میل خـودم خیلی قهر شده اند وحا ضر نیستند تاآخر عمرم روی‌مرابببینند شوهرش لباس افرادی عسکری را بتن داشت وباعلاقه زیاد بطرف زن جوا نش نگاه میکرد وحر فها یش را با دادن سر تصد یق می کرد من ا پرسیدم که فعـلا چه احساسی‌د گفت :طبعا احسا سی خو شحا غرور.

آنها آمده بود ند تا دعوی خو پس بگیرند وبا خو شحا لی آنج ترك کردند.

رئیس محکمه گفت در طول ۱۳۵۸ مو ضو عا تیکه بصـــو رسمی بین طر فین بعد از دا ی شدن دعوای به اصـلاح خا تمه در حدود یکصدو بیست قضیه‌و موضوعا تیکه قبل از دایر شـ دعوی به‌اصـلاح منجر شده تعـ شان زیاد میبا شد .

ـ لطفا در مورد فعال یتهای‌مـ فامیلی برای ما معلو مات بدهید

ـفعا لیت های محکمه فا میلی صورت عموم مو ضوعات اختـلا بین زن‌وشو هر می با شد که‌ج اجرا آت فسخ نکاح، طـلاق ، خ (طـلاقی که در بدل پول است‌ زن به شو هر پول می پر دازدو هر حاضر به طـلاق می گردد) ضوعات مر بوط به حقوق ومعا ش زوجین وو جایب طر فین از ق اطاعت به پر نسیپ زو جه ، تهـ لبا س ومسکن ، نفقه وغیره ضوع مهر وسایر منازعات مال مسالی مر بوط به حضا نت (نگهـ ری وتر بیه طفل)وغیره که مو ض عات فوق جهت حل و فصل بـ محکمه فا میلی‌می‌آید.

وی افزود : در اختـلا فا تیکه زن‌وشو هر واقع می‌گردد در اثـ عریضه واستد عا یك جا نب ،جا مقا بل از طرف محکمه در صو رت صلاحیت رسید گی مو ضوع را شته باشد جلب می‌شود وبا حض طر فین مو ضوع در جلسه مقد قضا یی مطرح وکو شش می ش که در همین مر حله از طر یق‌مصا بمو ضوع خاتمه داده شود. مگر صورتیکه اختلافات شدید و بـ اوج‌خود رسیده با شد موا فقه و مصا لح طر فین مشکل است وبه نب مد عی مو قـع داده میشود ت صورت دعوی‌مفصل خودرا تر ت ودر وقت معینه به محکمه بسپا ناگفته نما ند که در جلسات مختـ باز هم طر فین را دعوت به اصـ می کنند مگر هنگا میکه محکمه بـ اصـلاح طر فین مو فق نشد بـ اصل مو ضوع رسید گی‌نموده

زن وشوهر جوا نیکه بنابر مداخلات غیر معقول خانواده های شان ازهم‌جدا شده بودند ودو باره آشتی‌کنان عقد مجدد نمودند .

نظربه‌قانون مدنی فعلی ، رویه های قضا یی وقوا نین دیگری که بـــه موضوع ارتباط داشته باشد فیصله خودرا صادر می نماید .

ـبنظر شما بیشتر عوا مل طلاق در کشور ما چه‌هیبا شد ؟

ـدر قدم اول عدم توا فق رو حی به نسبت ازدوا جها ییکه بز ور ر بدون رضا یت دو طرف صو رت می گیردوهم گا هی احسا سات جوا نی که زن وشو هر جوان بعد از مـدت کوتاه متو جه میشو ند که با هـــم توافق ندا رند ودر قدم دوم مدا خله های بیمورد فا میل های دو طـــرف که بیشتر در کشور ما دیده میشود زیرا نسبت وضع خراب اقتصادویا عنعنات بیجا پسر ودختر را کوچك عروسی می‌کنند وآنها با ید تاسا لها بافا میل یکجا زند گی کنند .

ودر همین مو قـــع رئیس محکمه به نفر مو ظف شعبه گفت از شعبه دیگر زن وشو هری را با هم آشتی کرده اند صدا کند آنها رو نا وعبد‌ـ الغفارنام دا شتند . زن وشو هـــر جوان داخل‌شدندورئیس محکمه‌گفت بین‌این زن‌وشوهر هیچ‌اختلاف‌وکدورت نیست‌مگر مداخلات بی‌معنی‌و نامعقول والد ین هر دو طرف سبب شده تـا کار آنها به محکمه بکشد که خو‌ـ شبختانه آنها بمو قع متوجـــه شدند . زن جوان رویش را بطرفـم گردانیده وگفت شو هرم آدم بدی نیست مگر روز گارم از دست خشو وبرادر های شو هرم سیاه است من خیلی کو چك بودم که بخا نه اینهـا آمده بودم‌وما در شس به اندا زه‌بالایم ظـلم کرده که دیگر حا ضر نیستـم قدم در خانه شان بگذارم ، واصل قصه ما هم اینست که چند روز قبل خشو یم بهانه گر فت وشو هـــرم مرا نا حق لت‌و کوب کرد وطـــلاق خطرا نو شت ومرا بخا نه پدرم فر‌ـ ستاد مگر بعدا خو دشس از کـــرده پشیمان شد و بد نبالم آمـــد و تعهد نمود که‌اصلاح می شود وبرایم خانه علیحده می گیرد . پدر دختر که هم‌آمده‌بود مردی‌نسبتا جوان‌وساکت‌به گوشه ای ایستاده بود بحرف آ مده وگفت: همی بچه ساده افتا ده هـر چه مادر وبرادر ها یش میگفـــت بدون سنجش قبول می کرد بـــا وجودیکه خو دشس در یور تکســـی است ومیتوا ند خا نه وکا شا نـــه مستقل داشته باشد مگرزیر تا ثیر حرفهای‌منفی فا میل بود ، مگر حالا قول داده وتعهد نموده که خانه‌مستقل می‌گیرد ودخترم هم تعهد نموده کـه بامور زو جیت ، پخت‌و پـز وسایر امور منزل وفادار باشد .

زن وشو هر جوان به حضور دو شاهد تعهدات را قبول کردندووثیقه رابرای ثبت بودند .

رئیس محکمه فا میلی دو باره‌اصل مو ضوع را دنبال نموده گفت: در مرحله سوم اختـلا فات‌ناشی ازپرا‌ـ بلمهای اقتصا دی وتفا وت سو یـه اقتصا دی دو جا نب را میتوان ذکر کرد . طور مثال زن از فامیل متمول نسبت بمرد می باشد که در وقت ازدواج زن تو قع‌دارد رفا هیتی راکه درخانه پدر دارد در خانه شو هر نیز برآورده شود ولی شو هریا مامـــور دولت است‌ویا کار گر عا دی بـــا معاشی‌ماهانه که بجز از عا یدمعین مدرك دیگر ندارد واو نمی توا نـــد توقعات خانم رابر آورده نماید .ویـا اینکه در بعضی او قات تو قعات و خرده‌گیریها وسخت‌گیری های‌شوهر باعث کشید گی گردیده در نتیجـه منجر به طـلاق میگردد وبصو رت اساسی گفته نمی توا نیم که زنهـا بیشتر مقصر اند ویا مردها ، هـر قضیه نظـر به حا لت خود شس فرق میکند .

خوشبختا نه آمدن تحو ل جد یـد انقـلاب ثور حقوق وتسا وی زن را تامین نموده وتا مین‌حقوق زن درمر‌ـ حله اول ازدواج اختـلا فات را کمتر خواهد سا خت ورول بد تـــر پدر سالاری ویا مدا خلات بیجـا اقـــا ر ب د ر آ غـــاز و صلـت

بقیه در صفحه ۳۶

زن وشوهر جوانیکه بنابر مداخلات غیر معقول خانواده های شان ازهم جداشده بودندوبوباره آشتی شده وعقد مجدد نمودند .

نامزدی

مفهوم نامزدی چیست ؟

از منابع خارجی

ترجمه : پ

شکل قانونی ورسمی ارتباط وتعلق گرفتن دختر وپسر را باهم نامزدی گویند . قبل از نامزد شدن پسر ودختر دیده شده است که اکثراً مرکز توجه بعضی از خانواده هاوافراد بخصوصی بوده اند ! که این موضوع خود گاهی شایعات واظهار نظر های خوب وبدرا نیز به همراه داشته است و دختر و پسردرین مرحلهٔ قبل از نامزدی بعضی آزادی ها یی دارند که در وقت نامزدی ممکن نداشته‌باشند وبالعکس بعضی آزادی هایی را ندارند که‌در وقت نامزدی بطور کلی دارا میشوند . از طرف دیگر مرحلهٔ نامزدی پسر و دختر و نامزد شدن شان خوب است چون به اصطلاح آب پاکی روی دست خواستگاران دیگردختر ریخته شده وتوجه وفکر شان از او منحرف میشود . مقدمه وطلایه یی اکثر ازدواج ها همین مرحلهٔ نامزدی بوده است که در ین دورهٔ حساس وپیوند ارتباطات سالم و دوراز ترس واندیشه بخاطر بسا چیز های سنتی برقرار گردیده وهردو طرف باروحیهٔ آرام در فضای صلح ودوستی همدیگر را مطالعه میکنند وبادرك این مسوولیت واحساس که هردو باید برای عمرها وسالیان دراز با هم باشند ، زندگی آینده خودرا پی ریزی می کنند .دیده شده‌است که همه‌ای نامزدی ها منجربه ازدواج نگردیده بعضی ها جابجا ودر نطفه خفه میشوند وقبل ازاینکه زنگهای برطنین ازدواج به صدا درآیند چون حباب روی آب از هم پاشیده و محو می گردد . بناء نامزدی دورهٔ امتحانی وتوافق قلمداد شده است که (البته در محیط ما با درنظر داشت رشته های عمیق رسومات وعنعنات‌این دورهٔ امتحانی اکثرا باید مثبت باشد .....!) در مورد نامزد شدن و مطالعهٔ طرف به نکات زیر توجه باید نمود :

آیا این شخص برای شما ایده‌آل است؟

این سوالات را باید که پیش از مرحلهٔ پیمان نامزدی از خود پرسید :

ـ آیا طرف راه شمارا در زندگی تعقیب میکنند ؟ امیال ، آرزو هاو خواستهای او با شما نزدیکی ومطابقت دارد ؟

ـ آیا چیز هایی راکه شما دوست دارید او هم خوشش می آید یانه ؟ وآیا فا میل های شما ازیك قماش اند ویا اینکه تفاوتهای عنعنوی ، محیطی ، عقیده‌وی وسوابق متفاوت فامیلی ومادی دارند وآیا شما در محیط های یکسان تربیت یافته اید ؟

ـ آیا هردو فامیل در موضوع موافقه دارند ؟

ـ آیا شما در کنار «عشق» یکدیگر را ستایش واحترام میکنید ؟

ـ آیا هردوی شما صمیمی، صاف و طبیعی میباشید ؟ سوالات با لا باید قبل از مرحلهٔ نامزدی مورد دقت و تحلیل قرار گرفته و نتیجه گیری گردد ..

موضوع سن ورشد جسمی و معنوی هردو طرف در امر ازدواج وپیمان زناشویی نقش ارزندهٔ داشته وتجربه واحصائیه نشان داده است که زیاده تر نامزدی ها و ازدواجهای ناکام به‌علت خامی‌وعدم رشد معنوی وحوصلهٔ کم دو طرف بوده است .

دورهٔ نامزدی برای چیست ؟

در کشور های دیگر نامزدی بقول خانم ها بخاطر اینست که اسباب و الاثیه زندگی آیندهٔ دو نامزد جوان بوسیله دوستان و رفیقان آنها تامین شود ورسم بر اینست‌که هرکس تحفه ای می آورد وخانهٔ شان رازینت می بخشد ... خوب به این نکته توجه باید نمود که این اشیاء وچیز های مادی به اندازه (دختر وپسر) در موضوع ازدواج مهم‌نیستند! ومثلا نوع لباس ماه عسل وارزش آن در مقام مقایسه با کسیکه آنرا می پوشد بی اهمیت است .

مطالعه وشناخت یکدیگر :

دورهٔ نامزدی بخاطر شناخت کامل جنبه های شخصیت یکدیگر است و هر دو طرف فرصت کافی دارند که به خوی، عادات،طبیعت صفات وغیره خصوصیات‌اخلاقی وروحی‌یکدیگر پی ببرند ودر صورت لزوم بعضی از آنهارا تغییر ویا اصلاح نمایند وهمچنین درین‌دوره پسر ودختر میتوانند که خانواده های یکدیگر را بشناسند .

پسر ودختر نباید صرف درین دورهٔ نامزدی سرگرم ساعت تیری جسمی شوند ! بلکه قسمت های خیلی مهم دیگر از قبیل‌شناخت روحیه یکدیگر، صفات وحالات مختلف‌است، وبارعایت نکات فوق میشود گفت که بعدا ازدواج یك حالت گیجی وسردر گمی نبوده بلکه یك کشف مجدد وخوش آیند خواهد بود .

خودرابه حیث زن وشوهر آماده سازید !

همه مردم می بینندکه دیگر شما بهم بیگانه نیستید بلکه زن وشوهر آینده می باشید وشما مسوولیت دارید که وظایف ووجایب آینده زناشویی خودرا پیش بینی نموده وبا شجاعت وارادهٔ قوی خودرا به‌مقابل دورهٔ مشترك زناشویی آماده سازید . شما میدانید که در آینده پدر ومادر میشوید ... ومسوولیت های شما بخاطر تامین نیازمندی های اطفال شما وتربیت شان دو چندان میگردد .

احساس یگانگی :

بعد از اینکه نامزد شدید باید احساس یگانگی‌ووحدت نمایید،... وحدت عمل، وحدت فکر وغیره داشته باشید، چون سالهای‌مجردی، را شما تنها بخود زندگی می کردید و هرچه دلتان میخواست آنرا انجام میدادید ولی‌حالا شما دوتن شده اید باید کار هارا به‌صلاح یکدیگر انجام دهید وحالا باید بگویید . «ما» اینطور میکنیم ویا(ما) اینطورنمیکنیم... وغیره خلاصه جای کلمه من عوض میشود و آنرا (ما) میگیرد واین ما هست که باید به وحدت ویگانگی گراید این وحدت ازردوبدل کردن حلقه نامزدی بدست نمی آید بلکه مستلزم ماها تجربه و تصامیم وپلانهای مشترك هردو میباشد .

مدت دورهٔ نامزدی :

درین مورد نظریات مختلف است از نقطه نظرمن (نویسنده کتاب) من طرفدار نامزدی های کوتاه مدت میباشم . فقط بعد از اینکه تصمیم گرفتید ازدواج کنید به پیش قدم بگذارید وازدواج کنید واین نویسنده دورهٔ نامزدی را به دندان کندنی تشبه میکنیدکه باید هرچه زودتر کشیده شود . ولی این قسم عجله در اکثر ازدواج ها نتیجهٔ مطلوب نداده است . هرکس نظربه شرایط خانوادگی ومالی وغیره خودش میتواند فیصله کند که دورهٔ نامزدی آن چقدر طولانی باید باشد !

نامزدی های خیلی طولانی :

ممکن بعضی اوقات از جوره نامزدهایی شنیده باشید که برای مدت هژده و پانزده سال نامزده بوده اند ولی هنوزهم نتوانسته‌اند که تاریخی را برای ازدواج خود معین کنند. این حالت اکثرا علامت عدم اراده و تصمیم است . واینگونه اشخاص غالبا ازدواج کردن خودرا داشتن مادر یا پدر مریض ، یا عدم‌خانه وپول کافی، انتقال وتبدیلی وظیفه، تحصیل وغیره را بهانه قرار داده اند که درینصورت اصلا بهتر است ازدواج صورت نگیرد .

طول عادی دورهٔ نامزدی :

همانقدر که طرفین یکدیگر را بشناسند ، درك کنند وبه روحیه یکدیگر پی ببرند .. کافی است. ولی احصائیه نشان داده است که نامزدی های طولانی تر موفق تر بوده‌است وعجله نشان دادن به ازدواج ثمرهٔ خوبی نداشته است .

مشکلات دورهٔ نامزدی :

دورهٔ نامزدی نمیتواند که کاملا بدون درد سر باشد وطرفین هیچگونه اختلافی نداشته باشد بلکه این مرحله دورهٔ عیار سازی و آمادگی هر دو طرف حتی بهترین عشاق وجوره های نامزد موافق به یکدیگر است. در بسیاری از ساحات زندگی اختلافاتی به چشم می خورد وبه ظهور میرسد که باید باکمال صبر وبردباری پذیرفته ودر اصلاح آن کوشیده‌شود، چونکه‌عاشق‌ومعشوق به‌یکدیگر خیلی توجه میکنند ازین سبب گاهی میشود که از یکدیگر آزرده هم میشوند . مثلاقبل از نامزدی حرکات واعمال شخصی دیگر برای شما خیلی مهم نیست وبه مجرد نامزد شدن حرکات واعمال شخصی مورد نظر برای شما خیلی جالب وبا ارزش میشوند وذره ، ذره از حرکات ورفتار را از زیر عینك ذره بینی می گذرانید . **شمابه حرکات وکرداردیگران** خیلی توجه نمیکنید وفقط به آنهای عطف توجه میکنید که علاقه دارید .

اولین نزاع ها و ستیزه های بین جوره‌های نامزد دلیل جدایی واختلافات شدید نیست بلکه نشانه ها ی از قوت وپخته شدن تجارب وارتباط شان وهم انکشاف احساس (ما)بودن ویگانگی است . این اختلاف نظر ها چیز ی طبیعی است، حتما بروز میکند وحالا بایددید که چگونه این کشیدگی و اختلافات را حل باید کرد ؟

اولین چیز یا عامل ، غرور است که‌باعث فشار های روحی ومتضاد فکری وجر وبحث میگردد واگر میخواهندکه صلح برقرار شود به اصطلاح خودمان باید که از خر شیطان پایین بیایند ! ویعنی در خشم وقهروقبولاندن عقیده ونظر خود از غرور بیجا کار نگیرند گذشت داشته باشد واز خو د خواهی بپرهیزند .

همچنین از جرو بحث بیجا که بالاخره موضوع بحث گم شود وهر دو طرف بکوشند که یکدیگر را مغلوب بسازند و با سرزنش ملامت وتوهین و تهدید کنند، از همه اینها باید دوری جست . اینگونه بحث و مداقه عوض آنکه «بحث» آرام ودوستانه باشد ، جای خودرا به جنگ وکینه توزی و دشمنی میدهد وجنبهٔ عیب پالی یکی بر دیگری را بخود می گیرد . درو قت منازعه وجر وبحث تجربه نشان داده است که بهتر است موضوع را خود تان بین خود حل وفصل نمایید . تا اینکه اشخاص یا شخص دیگری را میانجی قرار دهید . چون از بد تر خواهد شد . ولی مشورت نیك ها وبدون غرض را نباید نادیده گرفت که خوب است . وقتی با مشوره‌دهنده صحبت میکنید شما خودرا با او طرف نمی یابید واحساساتی نیستیدکه هر طور شده حق وناحق نظریات اورا منکوب و سر کوب نمایید . وخلاصه درینگونه مواردگرهٔ دست را نگذارید که بدندان باز شود . واین رااز نظر دور نباید کرد که یك نامزدی خوب بدون مشکلات نمیباشد . باید طرفین مشکلات راحل وخودرا به روحیه وایده های یکدیگر عیار بسازند . زمانیکه کدام اختلاف عقیده بوجود می آید . کوشش کنید که نظر طرف مقابل را بدانید . نکوشید که حالت دفاعی بگیرید واز عقیده خود دفاع کنید . بلکه کوشش کنید که موقف طرف بحث را و چگونگی احساسات آنرا در همان حال درك نمایید . وتجارب گذشته وضع مالی، خاطرات وغیره سوابق طرف را که در مقابل کدام عقیده کلمات (بی‌شعور) (احمق) (بی فکر) کنید . بدترین کلمات دروقت بروز اختلاف عقیده کلمات (بی شعور) (احمق) (بی فکر) وغیره است که‌به طرف گفته شود . وقتی شمابه حالت بدی قرار دارید وعصبی میباشید ازکدام طرف عقده گرفته اید وناراحتی روحی دارید، طرف مقابل را قبلا بگویید که شما حالت عادی ندارید . راه حل مهم اینست‌که خودرا در موقف طرف مقابل قرار دهید . هروقت که خسته میباشید ، استراحت کنید ویا تفریح کنید .

این فشار روحی شمارا کم میسازد موسیقی، سپورت، قدم زدن ، توپ بازی ، پیاده‌گردی، رقص وآواز خواندن میتواند که گرفتگی‌شما را کم‌سازد. بکوشید که‌عقده نگیرید وکینه بدل نباشید . چون ممکن روزی همگی این عقده هاوناراحتی های انباشته شده در دل تان را یکدفعه بروی بهترین دوست خود بزنید که خیلی بدست !

چه موقع یك نامزدی باید فسخ شود :

بعضی اوقات مجبور میشوید که نامزدی رافسخ کنید . چون میگویند یك نامزدی بهم خورده وشکسته شده بهتر از یك‌ازدواج نافرجام و ناکا است.

اگر هر دو طرف در دورهٔ امتحان نامزدی نتوانستند که توافق کنند وخوش باشند باید پانگهدارند وبه مرحلهٔ ازدواج قدم نگذارند.

ممکن شماباهم توافق نداشته باشید :

در جریان نامزدی ممکن درك کنید که به موضوعاتیکه فکر میکردید توافق کا مل دارید ممکن نداشته باشید . وبما که بعضی از اختلافات شخصی دیگر که صرفا توسط آشنایی همین چانس نامزدی میتوانید که کشف کنید وآنهارا تغییر داده و اصلاح نمایید اگر این مشکلات و اختلافات قا بل حل نبودند ، پس بهتر است که نامزدی فسخ شود . یکی دیگر از علل فسخ کردن نامزدی باید خستگی ویکنواختی باشد . اگر می‌بینید که نامزدی تان بی رنگ وکیفیت است بهتر است هرچه زودتر به آن کیفیت به بخشید واز شکستاندن وپاشیده شدن زیاده تر آ ن جلو گیری کنید، وخلاصه که یك نامزدی فسخ شده بهتر از یك ازدواج کسل کننده است .

چطور یك نامزدی فسخ شده بهتر از یك میشود :

البته این موضوع پس دادن حلقه های نامزدی ومسترد کردن تحفه های قیمتی دوستان وخویشان را در بر میگیرد . فامیل های هردو طرف ورفقا ودوستان بایدازموضوع آگاه شوند ومعمولا نظربه رسم ورواج د ر بعضی از کشور ها ، دختر باید تحفه های باارزش را همرای یك آگهی که آنها تغییر عقیده وپلان داده اند به صاحبانشان مسترد نماید ودر ضمن تشکرنماید .

یك نامزدی رضایتبخش چگونه خواهدبود؟

پیوند ویا نامزدی موفقانه از بزرگی‌ونوعیت انگشتری دختر معلوم نمیشود . در حقیقت‌او ممکن است در عوض عدم ثبات و سلامتی ارتباط وپیوند صمیمی را نشان دهد . بعضی از جوانان میکوشند که به نامزد خود حلقهٔ گرانبها وقیمتی بدهند که این خود نمیتواند «گیج» (معیار) درستی جهت اندازهٔ عشق شان باشد . اخیرا دو نامزد جوان اظهار کرده‌اند که‌دادن حلقه الماس به جز ضیاع پول دیگر چیزی نمیتواند باشد . بعضی ها در خارج عوض حلقه نامزدی مثلا صلیبی نقره‌ای به گردن می‌آویزندو همچنین بزرگی و خوردی مهمانی مربوط نامزدی هم بیانگر اهمیت و ارزش پیوند نامزدی نمیباشد دیده شده است که بعضی خود سازان به رسم زمانه وخود نمایی کار های نمایشی انجام میدهند و ازدواج ونامزدی شان خالی از محبت و کیف مخصوص بخود است . خلاصه ارزش ، اعتبار واهمیت نامزدی وازدواج به تعداددیگهای‌پلو، نوع ارکستر موسیقی ونوعیت مدعوین ومحل مهمانی نیست، بلکه شرایط وایجابات زیر از جمله مسایل ضروری است که باید مراعات شود :

ـ تاچه حد هردو طرف برای برداشتن بار مسوولیت ازدواج آماده اند ؟ وتاچه اندازه بهم اعتماد دارند وباامیدواری به پیش بسوی سفر طولانی زندگی گام بر میدارند و د ر مقابل تکالیف زندگی ایستادگی میکنند .

ـ تاچه حد مطلوب طرفین دوستان وخانواده های موافق، گپ نساز، وصمیمی را به‌مهمانی خود جلب خواهند کردکه از حسادت ودشمنی بدور بوده وچشمان خورده گیر وانتقاد گر خودرا با خود به مهمانی نیاورند ! و دهان لفازخوان شان قفل باشد !

ـ تاچه اندازه جانبین مهارت های کار کردن در شرایط گوناگون زندگی راآموخته اند ؟

ـ وتاچه اندازه هر دو طرف به رشد و آموزش وازدیاد معلومات خود آمادگی‌دارند؟

نامزدی های موفقانه خود بخود وتصادفی بوجود نمی آیند باید آنهارا بوجود آورد و جوره های نامزد به اساس تجربه وگذشت زمان همدیگر را درك، خودرا بهم مطابق وبه اصطلاح به رگ خواب یکدیگر پی ببرند! بعدهمه چیز آسان میشود . آنها میتوانند که عادت ومزاج وطبیعت یکدیگر را بشناسند وپیش بین رویداد ها باشند .

نامزدی های رضایتبخش طلایه ازدواج های امیدوار کننده :

پلان هاو تصامیم مشترك دختر وپسر کمك بزرگی است . مثلا در امور خانه، آشپزخانه لوازم خانه، اطاق، لباس و غیره همکاری مشترك دختر وپسر ضروری است و در نتیجه اگر دورهٔ نامزدی خوش آیند، موافق طبع وآرام وبا صفا باشد منجر به ازدواج درخشان وآینده ساز خواهد شد ، وبالعکس اگر پسر ودختر در جریان نامزدی در گیر جنگ وستیز باشند، ازدواج شان از بدبدتر خواهد بود ...

ژوندون

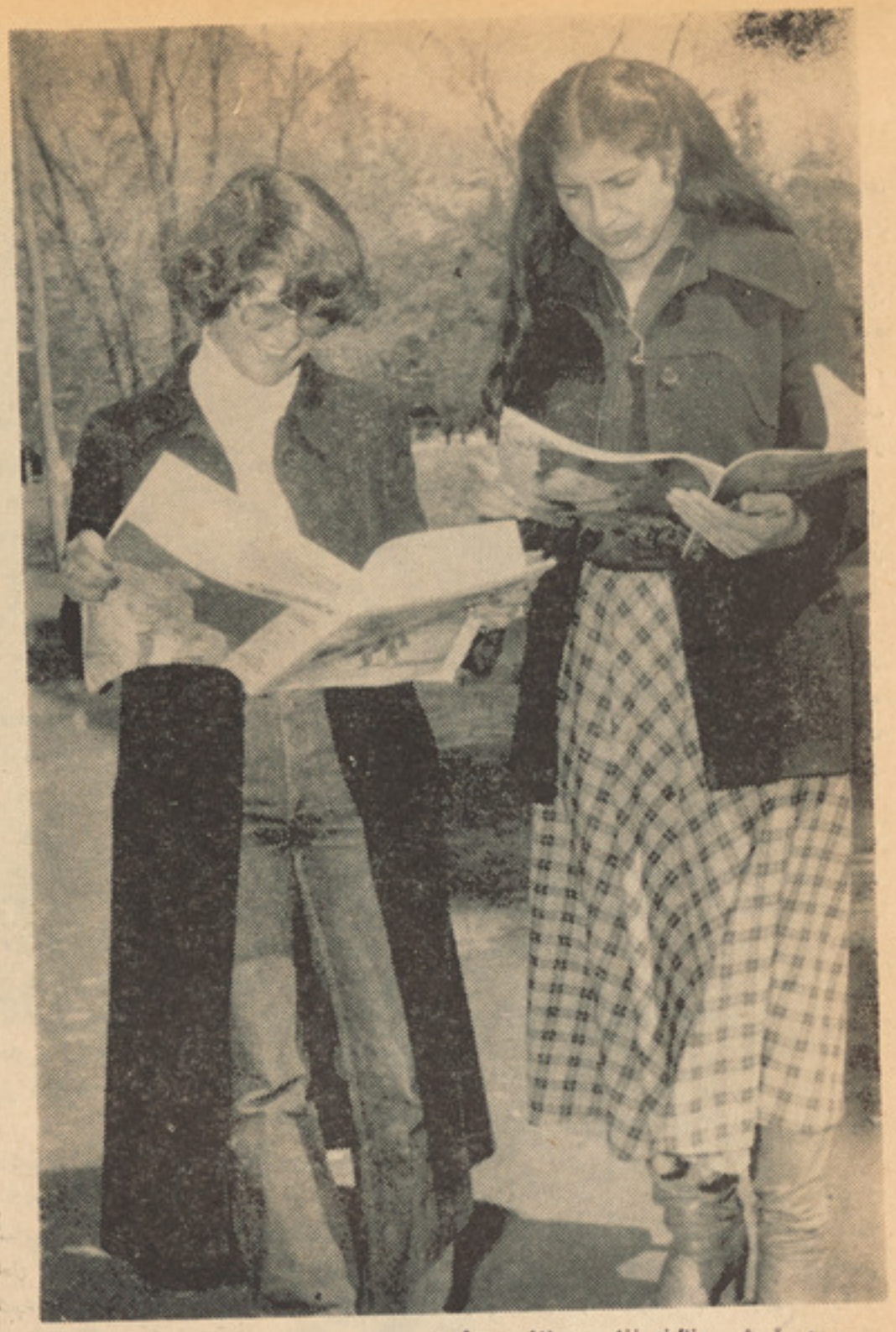

حمیده قریشی ونظیفه غفار محصلان پوهنځی فارمسی .

در کشور ها ی مترقی رسا نه ها ی گروهی ووسایل ارتباط جمعی از قبیل رادیو تلویزیون روز نامه ومجلات همیشه درخدمت مردم وخلق قرار داشته واز ورای اموا ج و سطور آن اخبار و موضو عات مختلف تقدیم علاقمندان آن میگر دد .

ولی این و سایل ارتباط جمعی درممالک غیر مترقی همیشه در خدمت یك اقلیت‌خاص قرار دارند .

خوشبختانه با پیروزی مرحله نو ین تکا مل انقلاب ثور هما نطوریکه در تمام ساحات مختلف حیات‌اجتماعی آزادی های به مردم داده شده وبه مطبو عا ت‌ووسا یل ارتباط جمعی نیز این آزادی داده شد، تا خوا ست ها نظر یات انتقا دات واند یشه های مردم انعکا س داده شود .

اگر از مقدمه چینی بگذریم مساله اساسی اینستکه با ید رسا نه ها ی گرو هی وو سا یل ارتباط جمعی با ید در خد مت خلق و مردم قرار داشته با شد تا از این راه بتوان به نظر یا ت واند یشه ها ی سو دمند دست یا فت .

به همین منظور از آغاز سال جد ید مجله ژوندون که وارد سی و نو مین سال نشراتی اش نیز میشود با یك عده از خوا نند گان خو یش به گفتگو پر داخت نظر یا ت وانتقاد ات شان را در زمینه بهتر شد ن مجله خوا ستا ر شد.ازنتایج کلی این نظر خواهی چنین استنباط میشود که اکثر از خوا نند گا ن‌مجله ژوندون ازاین هفته نامه شان تا اندازه را ضی اند . ولی در پهلوی ان بعضی انتقاد اتی دارند که بهتر است خود شما آن رابخوانید وارز یا بی نما ئید .

به پوهنتون کابل که کانون علم ومعرفت است می روم واز یکعده محصلین نظر می خواهم یکتن از ورز شکاران پو هنتون کابل «حمیده قریشی» محصل سال سوم پوهنځی فا رمسی که در ردیف چهره ها ی پر در خشش ورزش بالاخص یك‌باستکالیست ورزیده بشمار می رود در زمینه چگو نگی و نحوه نشرات مجله ژوندون که از چه‌قرار است گفت :

محال است در مورد مجله وزین ژوندون که در ست سی ودو سال تمام درآسمان مطبوعات کشور در خشیده ابراز نظر کرد علی الر غم اینکه من متوا تر شما ره‌های ژوندون را تتوا نسته ام تعقیب و به‌مطا لعه گیر م باز هم منحیث یکد ختر وطنپرست بارسالت عظیمی که در برابر کلتور کشور عزیز خو یش می بینیم همواره ترجیح داده‌ام که مجله ژوندون بخوانم تا یك مجله بر زرق وبرق وتجارتی غربی . فرهنگ ما که فرهنگ سچه افغانی است‌واز کلتور و فرهنگ نیاکان ما آب میخورد زیاد افتخار آفرین است از پنرو معمو لامطالب فراوانی درژوندون خوانده ام که افتخا رات ومظا هر پسندیدهٔ زندگی ماونیاکان مارا برشمرده ومتجلی‌ساخته است . باتذکراتی اینکه مجله ژوندون فرصت‌زمانی‌کوتاه‌برای‌نشریکشماره تاشماره‌دیگر دارد و هم مشکلاتی که از نگاه امورطبعتی دارد مشکل است ژوندون بشکل چنان مجله در آید که کاملا همه پسند با شد .بااینهم در قسمت نحوه نشرو اشا عه مطالب مجله اگر قرار باشد که‌نظر مرا صاحب بدانند لازم به یاد آوری میدا نیم اینکه : ما نو یسند گا ن چیره دست ورزیده و چیز فهم وپژو هشگران ومحققان ورزیده داریم هر گاه هفته نامه ژوندون تدا بیری رابکار بندد تا همکاری نویسند گان داخل کشو ر مارا در مجله ژوندون جلب کند . مطمینا تحقق بخشید ن این مامول بر غنای فرهنگی کشور ما افزوده ودر بلند رفتن تیرا ژمجله مو ثر یتش را بزودی بجا گذاشتنی است اگر همکاران ژوندون بیشتر متشبث گر دند وبا تحرك ودینا میز می که دارند در تکاپوی داغتر ین رو یداد ها هنری ذوقی بخصو ص ورزشی شو ند بر رنگینی مجله افزود و مجله همه پسند عر ضه خوا هد شد.آنعده از مسو ولین مجله که وظیفه تنظیم و کار ایدت مجله را بعهده دارند بایستی معیاری برای تنا سب مضامین مجله را در نظر داشته با شند چه خو انند گان مجله اعم از روشنفکران ، مامورین، محصلین شاگردان مکاتب دو کا نداران و پیشه ورا ن دا را ی سطوح متفا و تی از دانش اند که بسیار دو ست دارند مطالب جالب و دست اول خوا ند نی در سر گرمی ها ی هر چه بیشتر شان در مجله خا نوادگی خو یش یا فته و به علاوه تاحدود ی بر فهم وا گهی خو یش نیز افزوده با شند .

نظیفه غفاری از صنف سوم فارمسی به تائید نظریات حمیده قریشی پر داخته افزود :

بدیهی است که مسالهٔ نقد آثار برای پر کردن خلا ها ی علمی و رفع نقیصه‌های تحقیقی در سطح فر هنگی جامعه نقش ارزندهٔ دارد که من خواهان بکار بستن همین روش وامور همه اثار منجمله مجله ژوندون بو د ه امید وا رم پس از ین نقدهای باارزشی در ژوندون روی آفریده های علمی و هنری پژوهشگران، محققین و نو یسند گان ما صورت بگیرد .

میر احسان الدین برومند محصل‌پوهنځی انجینری کابل در مورد ابراز داشت: پیرامون این نظر خواهی و ریفراندم حر فها ی زیادی است که میشود گفت .ولی از آنجا نیکه انتقاد پذیری خود به منزله پله ها ی تکا ملی است با ید به متصدیان امور ژوندون تبریك گفت این رو حیه سرشار از احترا م گذاری تا ن نسبت بخوا نندگان این مجله ، همه تلاش ها و مسا عی‌ژوندون بخا طر پیشکش نمودن یك مجله دلخواه ستودنی است . با نظر داشت امکا نا ت محدودی که برای هفته نا مه چون ژوندون وجود دارد بیقین ژوندون مو فق است من بجای آنکه بنا حق ژوندون را بباد انتقاد قرار بد هم با توجه به آنکه چه امکاناتی در اختیار یك نشریه قرار دارد یا ندارد ویا دارارضاء ذوق خوانند گان مشکل پسند با چه مشکلاتی کار گرا ن‌مجله دست و پنجه نرم میدارند نظر یه در مورد

میر احسان برومند محصل پوهنځی انجینری

در بوته نقد و انتقاد

سیماساعی

شکل گر فتن بهتر مجله دارم آن اینکه‌اگـــر ژوندون با گسیل داشتن گرو پی از گزار شگران خود درمیان خانواده ها ره گشا یند وبا آن ها در جدل آینده ، مشکـــــلات

روی یك شی یایك پدیده قضا و تـــی داشته با شد . با وصف آن چون هد ف اسا سی همه ما داشتن مجله بهتر مرغوبتر

وپر محتوا تر خانوادگی است با شترا ك خویش درین رفراندم باید اذ عـان نمـــود

که ژوندون در همه حال یك مجله خانوادگی است و یك مجله خانوادگی با یستی همه پسند ومطابـــق ذوق همه اقشار بـخصوص فا میل ها اعم از پدر یعنی رئیس فا میل خا نم خا نه ودیگر اعضای خانواده باشد پدر را جع به سلو ك یکمرد و مو قفش‌در منزل رفتار وی با همسر و فرزندا نش‌با ید چیز ها ی در مجله پیا بد که رهنمو نراش کند . اگر مجله ژوندون فاقد صفحا ت آشپز ی ودو خت با شد . نه غذا مطا بق میل مر دمنزل خواهد بود ونه لبا س هـای فر زندان مطابق میل شان . چو نکه خا نم خانه از مدرن ترین شیوه هـــای تـــربیتی واجتماعـــی بی نصیب میماند • اگر جـــدل و یا هم مشا جره لفظی میان زن و شو هر وافراد فامیل صورت میگیرد یکسره گناه

را بگر دن ژوندون نمی اندازیم ممکن منشا اینهمه نا بسا ما نی ها و بگو نگو هـــا جای دیگری با شد لاکن‌اکنون این رسالت

آن بتپند، بدوند بجویند تفحص بـــدارنـــد بیابند به مراجـــع مـــربوط تیلفون بکشند وبانشر واشاعه فشردهٔ از رویداد هـــا اعـم از هنری سینما یی علمی ذوقی مرد می در مجله همت گمارند .

عبد الحمید و ها بزاده از صنف چها رم رشته المانی پو هنځی ادبیا ت پیرامون این

نظر خواهی هاچنین ابراز نظـــر دا شت : خدما ت ژوندون یقینا ستو دنی ووصف کردنی

است لاکن قهر نشو ید اگر بگو یم بعضا در مجله تا ن مطالب خسته کن و یکنو اختی بچشم میخورد وخوا ننده ها برای هفته های

متوا لی با همان کلیشه خسته کن برمـــی خورد اینجاست کـــه تکـــرار و فـزونـــی گر فتن این قما ش مطالب در مجله وزین ژوندون خواننده مشکل پسند سخت گیـــر تحول پسند و پر توقع ما را منز جراز مجله میسازد و خوا ننده هیچ موردی نمی یابد کـــه مثلا هر هفته داستان (آنهای کـه زنده

اند) ازژان لافایت ... را کـه کتـاب‌آن را سال ها قبل یکبار به دری خوانده اســت

پشتوی آنرا مکررا در ژوندون بخوا ند صر فنظر ازین ، ژوندون باموقف‌و جای خاصی که‌در میان خوانند گانش دارد با اشکـــالات

طباعتی که همیشه نگارندگـــانشـــ از آن یاد کرده اند مجله خو بی است و محتوایش را سراسر مطالب علمی ، هنری، سیاسی و فر هنگی میساز د که این موضوع خواننده را جرئت می بخشد تا روی مجله ژوندون حسا ب کند اما شما را به خدا اگرداستان های دنباله داری گیرتان می آید کـــه تازگی درد و عطش خواننده را برای مطالعه قسمت های بعـدی آن بر انـگیخته و تـــا هفته بعد منتظر وبی قرارش می نشا ندزود تر بچاپش بشتابید .

صلاح‌الدین از ریاست تالیف وترجمـــه وزارت تعلیم وتربیه وزهره از لیسه زرغونه پیرامون این نظر خـــواهی گفتند : سفـره

صفحه فکا هیات مان چرا مملو ازینهمه بـــی نمکی ها ست . مگر از شوری ها وتند ی هایدتان می آید • راستش اینکه فکاهیـــات تا ن اصلا خنده چه که حتی شخص را مجبور به تبسم سا خته نمیتوا ند و چـــه لازم به اینهمه اجبار ...

سه تن از شاگردان لیسه حبیبیه بنام هـای عبدالقدیر ، فریدون و محمدنادر

پیـــرا مـون چگونـی ژو ندون نظر یا تـی داشته اند که ذیلا فشرده‌آن‌از نـــظرمـــی گذرد .

هیچ مجله بسا ن ژوندون از ویژگی های خا صی نشرا تی که یکسا ن به دل همه چنگ بزند برخورد دار نبوده است .

از ینکه بگذریم مشکل است به اجمـــال روی نشرا ت ژوندون صحبت کرد و طر ح ها و طر قی را برای بهتر شد ن از شکل کنو نی مجله ارائه داشت . بد لیل آنکه

لطفاً ورق بزنید

ومعضلات خانواد گی آن ها رابه کـــاوش و بر رسی گر فته ومیتود و طر قی کـــه

بتوا ند حلال معضلات ورفع نا بسا ما نی های خا نواده ها گردد وآنرا دو با ره‌در مجله منعکس سا زد . اینجا ست که ژوندون

بیقین بجایی گام چندین گـــام بجلـــو بر داشته و محبو بیتش را هر چه بیشتـر از اکنون در میان خانواده خوا هد گسترد.

دوتن محصلین از پوهنځـــی ادبـــیات شا یسته نورزی وسیما سا عی از صنـــف دوم دری در مورد ژوندون چنین نظری دارند خو شو قتم که کار کنان ژوندون ایـــن

هفته نامه خانوادگی‌را در بوته نقدوانتقـــاد قرار داده اند بحث روی مجله ژوندون‌یگانه هفته نا مه پر تیراژ کشورا گر حمل بـــر نا رسا یی ما نشود امر یست بالاترازصلاحیت ارزیابی ماکه بشود روی این مجله ذو قـی چیزی گفت چو ن ممکنست هر کس از دید گاه مختلفی .

ژوندون در برابر همچو معضلات منـــحیـــث مجله ی خانوادگی است تا با تقد یم بخش های روا نشنا سی و جامعه شنا سی باذکر کردن صفحات طبی رو حیا ت کود ك روز زنا شو هری مدو لباس بابه نشر سپر دن

داستان های وطنی کـــه‌خود برانگیزنـــده باشد و غیره غیره و چنگی ب ه‌دل هر یـك از افراد خا نواده ها بزند که در بر آوردن این مامول نقش ژوندون خیلی موثرمی‌باشد.

برژوندون است تا دست به اقتـراحـات جا لب زده و پرا ی کشا ئید ن خوا نندگان بیشما ر بسوی مجله موضو عات بکر رابه اقترا ح بگذارد . در اخیر شا یسته‌نورزی

روی این‌موضـــوع تا کید کـــرد کـــه ژوندون بایست به‌تدویر میزهای‌گـــردو سمپوزیم انتقاد ها مجددا دست زده کارکنـان

شایسته نورزی

اگر صر فنظر از فورم و شکل و ظا هـر مجله به محتوا ی آن داخل شو یم بعضا اغلاط طباعتی بچشم میخورد که اگر کاملا بر طرف شود «نورعلی نور» میدا نیم کـه این ناشی‌ازعدم ماشین های کمپیو تـــریك که خود رفع اغلاط طبا عتی میکند میبا شد واین از اشکا لاتیست که خوا هی‌نخوا هی گنا ه رابگر دن پروف خوا ن مجله می اندازد • اگر ژوندون مترجمین ورزیـــده‌ای را استخدام و موظف بدارد تا در اسر ع وقت دست به تر جمه تازه ترین رویدادهای ذوقی و هنری که بیشتر خوانند ه را بخود بکشد و مصرو فش گر داند بزند کا ریست مطلو بتر .

یکی از انتقا دا تی که ممکنست عده زیادی از خوانند گان ژوندون تائید شی‌بدارند هما نا کهنه شد ن مطالب واغلبا هم‌تا وقت برآمدن مجله ازچاپ است کـــه‌این‌خـــود مجله کهنه می‌نمایاند . منظور اینـــکـــه مجله هفتگی با یستی حاوی مسا یل وروی داد های مربوط بهمان هفته با شد بد ین معنی که ژوندون در پایان هر هفته نیزخود

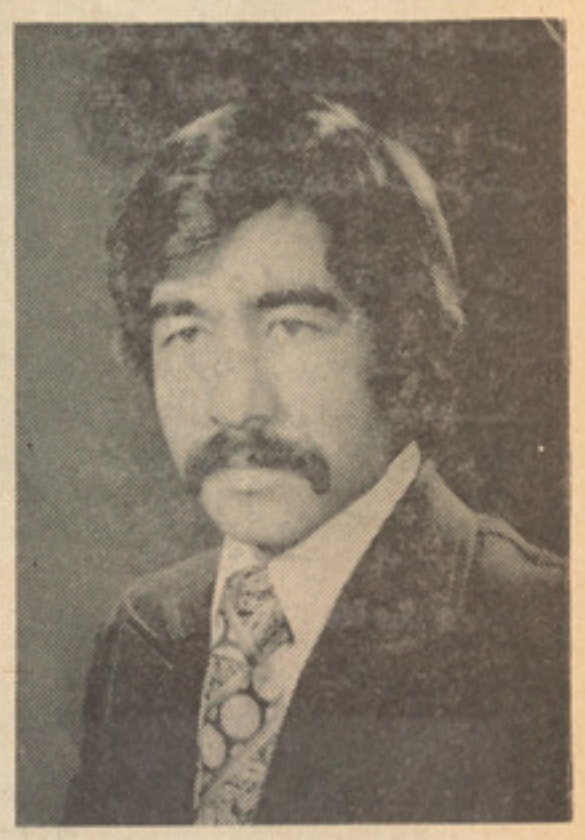

محمد غوث محصل ؟

حثیت مجموعه از رویداد ها ، گـزارش ها حوا دث ومطا لب تازه دست اول هفتـــه بـــا شد چـــو ن مـــو ضـــو ع نقـد و انتقاد در میان کشیده شد منهم بی پرد ه‌از آن مو ضو عات که خواند تش برا یـــم لطفی ندا شت یاد آور شدم اینبود یکطرف قضاوت ، اما چه بهتر که بانگرشـــ عمیـــق به نحوه نشراتی مجله مـــزایاوخـــوبی‌های مجله رانیز برشمرد:ژوندون سرآمدهمه مجله های کشور وقدامت نشراتی دارد. ژوندون‌باز تا بی از حقا یق عینی جامعه است .فر قی نمیکند اگـــر بایك مجله پر طمطراق غـــربی ازنگاه رنگ آمیزی ودیزاین برابری ندارد مهم اینست که‌در ژوندون اکثرا مطالب‌مترقی وبدرد بخورسراغ میکنیم نه مطالـــب اغـــوا کننده وفریبنده .

چون ژوندون مجله‌محبوب خانواده هاست طبعاباید مطالب آن طوری تهیه وتـدوین‌گردد تادر ازدیاد سطح آگاهی خانواده هـــاکـك قابل توجه‌نمایدچنانچه‌این‌مامول تااندازه‌براورده شده امیدواریم در مجله درمورد معلومـات های صحی وبهدا شتی توجه بیشتر بعمـــل آید وخانواده های محترم را به پیـــروی از اصول حفظ الصحه وطرق‌وقایه امراض مختلفه مخصو صاً امرا ضیکه درکشور بازیاد تـر شیوع مینماید ، تشویق نمایند. بخش مصاحبه باهنر مندان وخبر های هنری وسپورتی ازتمام دنیا در مجله باید ازدیاد یابد .

اینبود نظریات سه تن از محصلین صنف چهارم تاریخ پو هنځی ادبیات‌ماریاضیا ،حبیبه جمال وآمنه‌صفدری

از محمود غوث «زمری » محصل‌پو هنځی علوم اجتما عی دیپار تمنت تاریخ پو هنتون کابل پر سیدم

•آیا مطالب و مضا مینیکه در ژوندو ن به نشر می رسد از نظر شما دلچسپ‌است؟

بلی ازیرا مطالب ومضا مین که درژوندون به نشر میر سد اکثرا بمثابه ای درسیست برای فـامیل ها وخانواده ها وجـوا نانیکـه دارای مکونات عالـــــی بـــوده ، نه تنها من به مطا لعه ژوندون علاقه وافرو مفر ط دارم ، بلکه تما م فامیل هائیکه خوا هان یك زند گی آرام وبدون تنا قص ومشکلات خا نوادگی اند ، ژوندون را می پسندنـــد و مطا لعه می نمایند ، که اینگو نه مضامین خا نوادگی در لابلای صفحات مجله بـــه نشر می رسد .

•شما که محصل هستید آیا به مجلـــه ژوندون علاقه دارید واز جملـــه خوانـــنـــده دایمی او هستید ؟

-چرا نی ؟ من که‌به صفت یك جوا نو محصل عضو کانون اجتما ع میبا شم بـــه مطا لعه ای مضا مین هنری و علمی وبویژه انتشا ر راپور ها ی علمی واکتشافی که به کمك علم امروزه به اسا س پیشر فت های (انقلاب علمی وفنی)اکثر جوا نا نوروشن فکران کـه دانشمندان جـامعه شـــان بوده، در زمینه مطالعه بروی کرهٔ زمین ، در ك واقعیت ها ی هنری آموز شی ، تجارب در قسمت ستاره شنا سی، عوا رض طبیعی ، فضا نوردی وغیره میپردازم واستنتاج‌میکنم که به چه مو فقیت ها ی بزرگ رو برو گشته اند ، که درج اینگو نه مضا مین‌علمی وثمر بخش و غنی شده از منا بع‌آموزشی، همچنا ن نشر مضا مین که میتوا ند جوانان را متو جه فر دای زند گی شا ن گر داند و مسو ولیت ها ی شا نرا در قبا ل وظایف مبرم که جا معه از آن تو قع دارد ،نشر میشود و میتوا ند ذوق من ودیگر دا نش‌دو ستان ورو شنفکرا ن را اقنا ع کند.

•در مورد ژوندون چه نظر وانتقا دا تی دارید ؟

-البته مجله ژوندون با آنهمه مزایاوخوبی هائیکه یاد کردم به‌زعم خودم دارای نواقصی میبا شد که :

اولا مجله ژوندون به وقت معینه بـــه بازار عرضه نمی گـــردد و بسیار دیده‌شده‌که چند شما رهٔ ژوندون در یك جلد نشر شده که این خود از خوا نندگان مجله میکا هد زیرا و قتی مجله یك یا دو هفته نشرنمی شود ودر هفته دوم یا سوم یك جلد شامل دو شماره چاپ یا نشر میشود مطالب کهنـه میشود که هیچ کسی دلچسپی به خوانـــدن مجله پیدانمی کند.

پس باید هـــر شماره بوقـــت معین‌نشرو برای مشتر کین وخوانند گا ن عر ضه گر دد .

ثانیا اینکه مطالب و مضا مین ژوندون بسا او قات طولانی و خسته کننده نشـــر میشود که این برای خواننده دلزدگی از مطلب ببار میا ورد .

پس با ید مطالب کوتاه ، پر مفهو م و دلچسپ نو شته و نشر شوند .

چون یکتعداد زیاد جوانان به مطا لعه ژوندون علاقه دارند پس با یست با جوانان همیش مصا حبه ها ی در موارد مختلـف از قبیل مسایل علمی ، درسی واجتماعی‌بعمـــل بیا ید . ولی در ژوندون اینگو نه مصاحبه هاکم ویا هیچ دیده نشده ،که‌ایـــن خـــود یکی از نوا قص مهم بوده واز خوانندگان یا علاقمندان مجله یعنی جوانان میکا هد.

قبلا یك‌صفحه بنا م «قصه‌ازغصه ها»به‌نشر میر سید ولی حالا این صفحه وجودندارد بسیاری از افراد جامعه خوا ها ن مطا لعه آن صفحه بودند . چون حالا صفحه قصه غصه ها نیست پس بازهم نقصی در مجلـه پد ید آمده که از مطالعه کنند گان‌دیگر خود نیزکاسته • پس بایـــد صفحـــه‌قصه‌از غصه ها دو باره احیا گردد.

•در این مجله بیشتر کدام مطالب برای شما وامثال تان دلچسپ‌است؟

-برای من تمام مطالب و مضامین مجلـــه خو ش آیند ، دلچسپ وخوا ند نی انـد اما با آنهم به صفحه جوانان ، مصا حبه های خبر نگا ران با افراد جا معه و مطالب و مضا مین علمی ، فرهنگی وهنری علاقمندی شد یدی دارم .

درمورد دیزاین وصحافت‌مجله چه نظردارید؟

•-درین قسمت گرچه معلو ما ت‌کا مـل ندارم اما با آنهم نظرم چنین‌است :

درروی جلد تنها به‌نشر فوتو های هنر-مندان اکتفا نشود ، بلکه بـا فـو تـو های افراد جا معه یعنی زحمت کشان وطبقه ای محـــروم‌جـــامعه بیشتربنشربرسد• زیرامردم خو اهان آن اند که ازبین خود شا ن برای خود شا ن نشر شود .

دیگر اینکه اگر صفحات مجله رنگی‌شود خو ش آیند بوده ومجله را زیبا جلـــوه مید هد و علاقمندان زیاد پیدا می نمایند.

چون رنگ ها تو جه زیادی ر ابخودجلب مینما ید و هر کس شوق مطالعه مجله را پیدا می نما ید در غیر ازین ها نمی توانم در باره صحافت مجله چیزی ابراز کنـــم.

محمد حسن بیژن محصل صنف چها رم ژورنالیزم در مورد ژوندون چنین ابرا زنظر نمود :

مجلات را عموما به سه کته گوری تقسیم می کنند که عبارت انداز مجله های عمومی، مجله های خصو صی ومجله های اختصاصی مجله وزین ژوندون هم در قطار مجلات‌عمومی جای دارد . این نوع مجله ها طوریکه‌از نام آن پیدا ست برای استفاده تعداد زیاد مردم وبنا بر آن به تنا سب تیراژ سا یر نشریه هـــا ی کشور های مربوط به تیـــراژ بلند تر نشر میشود .

بقیه درصفحه ۲۲

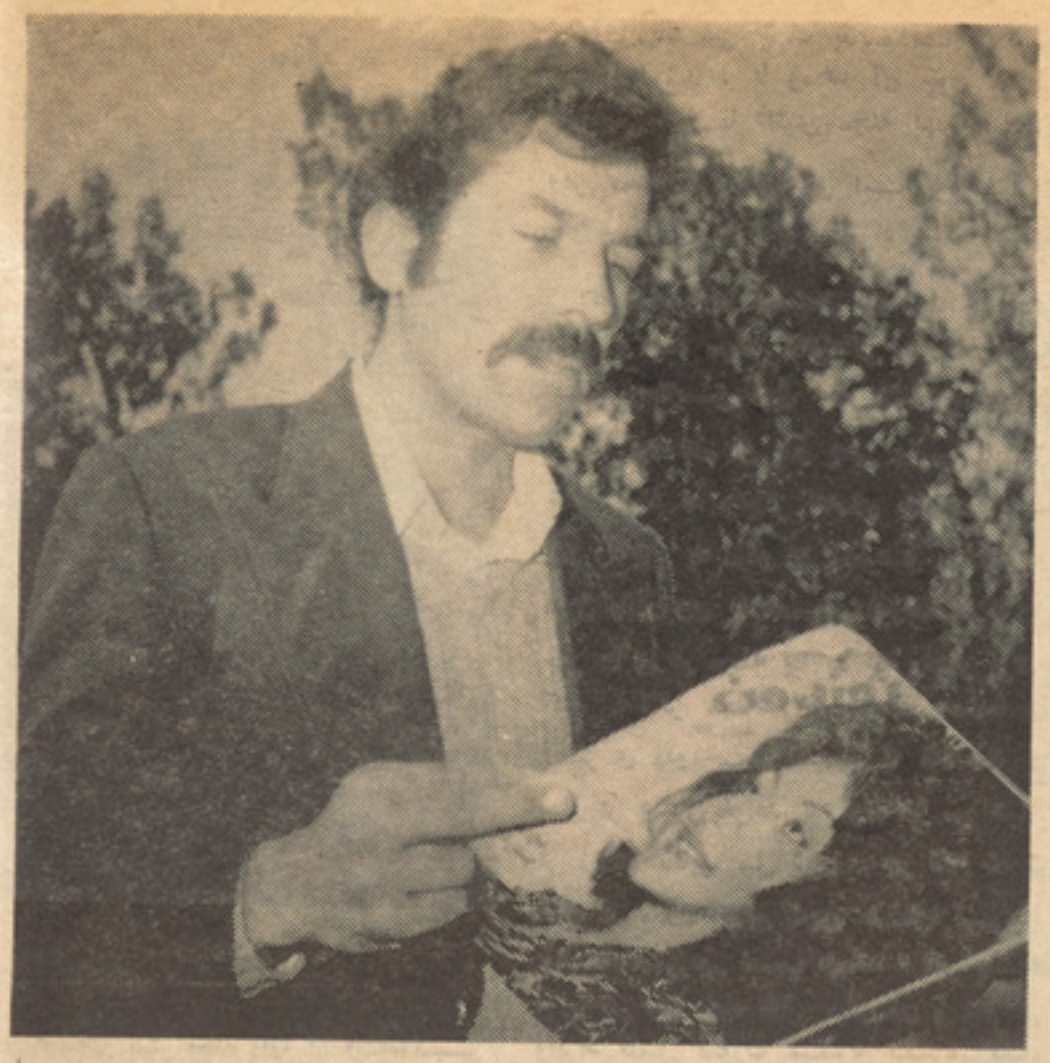

عبدالحمید وهابزاده،ازصنف‌چهارم دیپارتمنت المانی

از مسایل صلح وسوسیالسم

ترجمه : غلام رحیم

تحفه انقلاب برای زنان

مساله آزادی وتساوی زنان حیثیت وموقعیت سایسته آنها رادر جامعه ودر خانواده نمی‌توان از مسالهٔ انکشاف اجتماعی وپروسه انقلابی یك کشور جدامطالعه نمود . زیراه‌تجربه‌جنبشهای نجات بخش نشان میدهدکه پیروزی یك‌انقلاب مربوط به این امر است که زنان چقدر در آن سهم دارند، چنین است که انقلاب‌در کشورهای آسیایی وافر یقایی که‌راه رشد مترقی را آغاز نموده اند هدایاتی فراوان برای زنان آورده است

درجمهوریت دموکراتیك خلق یمن درشرایط زندگی زنان تغییرات اساسی رونما گردیده است . یك قانون جدید در مورد خانواده‌مورخه سال ۱۹۷٤ به سنن ورسوم فرسوده پایان‌داده وتساوی حقوق زنان بامرد وحمایت مادران را تامین نمود. سازمان‌عمومی زنان‌یمن درانتخابات شورا های خلقی محلی سهم گرفته وفعالین آن هیتینك ماه انتخاباتی را همراه بامردان رهنمایی نمودند. زنان حایز عضویت کمیسیون‌های انتخاباتی ، رول مبلغین رابازی کردند. بدین ترتیب از جمله وکلا، ۳۵زن انتخاب‌گردیدند. دردسامبر ۱۹۷۷ قانون در مورد کارنافذ شد که مزد مساوی را برای کارمساوی‌مقرر نموده و منافع زنان را تامین نمود. این قانون رخصتی یکساله بدون معاش‌اخذ نموده‌وبدون ولادت و ٦۰ روز بعد از ولادت را تعیین نمود. مادران به منظور مراقبت از اطفال خود می‌توانند رخصتی یکساله بدون معاش اخذ نموده بدون آنکه وظیفه خودرا ازدست بدهند. تااین‌اواخر زنان یمن از خانه بدون یشماك (پرده) خارج شده نمیتوانستند اما امروزبرای اولین مرتبه در تاریخ‌کشور بامردان یکجاکار می‌کنند. جمهوریت دموکراتیك خلق یمن اولین کشور عربی است که تحصیل مشترك دختران وپسران رانطبیق نمود. سازمان عمومی زنان یمنی در ۵۸۸ مرکز امحای بی سوادی که درسال ۱۹۷٦ چهل هزار زن در آن شامل بودند فعالیت می‌کند در سال ۱۹۷۵ به مناسبت سال بین المللی زنان تحت پروگرام ملی یك‌تعداد مراکز عمده تعلیمات حرفیی وعمومی برای زنان اعمار شد زنان یمنی امروز درموسسات تعلیمی خارج از کشور مصروف فرا گرافتن علوم‌ازجمله انجنیری وحقوق می باشندبه اساس‌رول چشم گیرزنان یمنی در فعالیت های اجتماعی بود که یونسکو به اساس سفارش فدراسیون دموکراتیك بین‌المللی زنان به زنان‌یمنی یك جایزه بین المللی امحای بی سوادی را اعطا کرد. در جمهوریت دموکراتیك خلق یمن زنان به طور روز افزون در صنایع مصروف‌کار میشوند . به طور مثال در فابریکه نساجی که در سال ۱۹۷۵ شروع به‌فعالیت کرداز جمله ۱٤۰۰ کار گر آن ٦۰ فیصد آنرا زنان تشکیل می‌دهد . تمام این زنان به یك سویه عالی‌وقوی ارتقا یافته ۷۰ زن به افتخار قهرمان کار نایل شدند .

در جمهوریت تانزانیا زنان از حقوق مساوی متمتع می‌شوند . بعد ازحصول استقلال تساوی حقوق زنان بامردان در قانون اساسی کشور قید گردید . زنان تانزانیایی بخصوص زنان دهقان از مدت‌هااسیر مردان بودنددرحالیکه باتوجه به سنن ملی این زنان یگانه نان آور خانواده‌خویش هم بودند . اما امروززنان دراین کشور حایز مقامات رفیع درارگان های دولتی بوده وهفت زن در کمیته مرکزی (حزب انقلابی تانزانیا)عضویت دارند یك قانون که دراواخر نافذ شد به زنان کارگر حامله یك مرخصی ۸۷ روزه قایل می‌شود . تقریبا از ۱۵ سال به این طرف‌مبارزه علیه بی سوادی درسراسرکشور جریان دارد. درسال۱۹۷۷ تمام اطفال حا یز سن مکتب به شمول دختران برای اولین مرتبه شامل مکاتب گردیدند . حکومت توسط مقررات از دواج جبری دختران‌راکه هنوز مکاتب‌ابتدایی را پایان نکرده‌اند یك‌عمل جرمی‌پنداشت امروز دختران نصف محصلین پوهنتون هارا تشکیل می‌دهد .

سازمان انقلابی زنان کانگوکه در پروسه نوسازی انقلابی جامعه سهم فعال دارند چهارده سال قبل در جمهوریت خلق کانگو تاسیس‌شد. زنان رول روز افزون‌درزندگی اجتماعی وسیاسی بازی می‌کنند . زنان عضو کمیته مرکزی(حزب کار کانگو) و عضو حکومت می‌باشند . حکومت دموکراتیك انقلابی زمینه رهایی زنان راازستم فراهم ساخته وحقوق مساوی شانرا بامردان به شمول حق کار تامین‌نموده چنانچه سطح استخدام زنان تقریبا چهار مرتبه در پایتخت کانگو در جریان سال های انکشاف مستقل بلند رفته که خود این امرسهم هر چه بیشترزنان‌را در تولید نشان میدهد .

توجهات همه جانبه برای زندگی بهتر مادران صورت گرفته است . مادران حامله حق سه ماه معاش بار خصتی را دارند .درست پنجاه فیصد مصارف حاملگی را برای زنان مساعدت می‌کنند حقوق‌ما هانه۱۵۰۰ فرانك برای هرطفل پرداخته می‌شود . تعداد دختران که مصروف تعلیمات عمومی ویا شامل موسسات تحصیلات عالی می‌باشند به‌طور مستدام افزونی می یابد. درجمهوریت خلق‌انگولا نهضت زنان‌درجریان سالهای مبارزه برای استقلال تاسیس شد. اعضای «سازمان‌زنان‌انگولایی»دوش بدوش‌مردان در راهی حصول استقلال مبارزه کردند . زنان تاهنوز سلاح را بر زمین نگذاشته اند چهل هزار زن عضو سازمان زنان انگولایی به قطعات دفاع مردم غرض به عقب راندن نژاد پرستان افریقای جنوبی پیوستند . امروز در جامعه غیر استثمار ی انگولا زنان بامردان حقوق مساوی در تمام ساحات زندگی دارند . یك تعدادزنان در اولین کانگرس (حزب خلق زحمتکش) به ۱۹۷۷ به عضویت کمیته مرکزی انتخاب شدند هم چنین زنان‌دراین‌کشور عضوحکومت می‌باشند به‌تعقیب ملی ساختن تشبثات خصوصی زنان فرصت های زیادی به‌منظور احرازو ظایف‌یافتند سازمان زنان انگولایی اهمیت فراوان به امحای بی سواد ی قایل بوده واین کاررا به اشتراك زراعت تعلیم وتربیه انگولاانجام می‌دهند.

پیشرفت ها دراین ساحه‌ازاین واقعیت به خوبی درك می‌شود که‌یك تعداد زنان مردان را سواد یاد میدهند هم اکنون زعامت حزب خلق زحمتکش از سازمان زنان انگولایی توقع نموده است که پیشنهادات خودرا مبنی بر تنظیم یك مقرره درمورد مرخصی چهار ما هه زنان حامله تقدیم مقامات دولتی نمایند .

اولین کانفرانس‌سازمان زنان موزمبیق که‌در سال ۱٤۷۳ در جریان مبارزه این کشور برای رهایی ازستم استعماری انعقاد یافت .از آن تاریخ به‌بعد تحولات به سود زنان دراین کشور صورت گرفته است. قانون‌اساسی کشور حقوق مساوی زنان رابا مردان تضمین می‌کند . زنان در امور دولتی سهم فعال دارند . در انتخابات ۱۹۷۷ـ ۲۷ زن به عضو یت اسامبله ملی این کشور انتخاب شدند ویکصد وده زن نمایندگان اسامبله ولایتی را احراز کردند . یك میرمن امروزمتصدی وزارت معارف و کلتور میباشد

کارهای زیادی به خاطر جذب زنان در اداره موسسات صورت گرفته است . زنان در آزادی کار مساوی ، حق‌مساوی‌می‌آورند واهمیت‌فراوان به‌خاطر تعلیمات حرفوی شان داده شده است. به‌اساس پروگرامی که اخیرا براه انداخته‌شده است زنان در حرفه های که قبلامختص به‌مردان بودتربیه می شوند. زنان حامله ازمرخصی‌دو ماهه استفاده می‌کنند .

کشور های روبه انکشاف به شمول دولی‌که جهت گری سوسیالیستی را انتخاب کرده‌اند. مشکلات زیادی برای رهایی زنان ازقید ظلم‌وستم‌دارند.حل‌آنها نه‌تنهابه‌شرایط داخلی وملی مربوط بوده بلکه حمایت و تجارب بین المللی جامعه سوسیالیستی رادر حق‌کشور های روبه انکشاف همیشه روا داشته اند نیز مهم می‌باشد .

ژوندون در بوته نقد و انتقاد

از خصو صیات بارز این دسته مجلات در پهلوی تیراژ وسیع ، تهیه مواد برای تمام مردم بدون در نظر داشت سویه دانش، سطح در آمد نو عیت جنس واندازهٔ سن میبا شد این دسته مجلات بیشتر به منظور اطلاعات یاسرگرمی ویاهردو نشر میشود.

بادر نظرداشت مطالب فوق خوانند گان مجله ژوندون را نمیتوا ن به یك دسته‌ویا طبقه تقسیم نمود . مطا لبی که در مجله ژوندون نشر می گر دد باید مطابق روحیه تمام اقشار و طبقات اعم از: دهقا نا ن، کارگران ، ورزشکا ران ، مامورین ،استادان محصلین ،متعلمین ، هنر مندان نویسند- گان ، دکا نداران ، خا نواده ها وسایر مردم با شد . بنا هر کسی که اگر بخواهد مجله ژوندون را ورق بزند با ید مطلب مورد علاقه خود را در آن بیابد . ولی‌بعضا یك سلسله شکا یات ونارضا یتی ها ی‌در قسمت مطالب مجله ژوندون شنیده شده که علت عمده آن را میتوا ن عدول مجله ازهدف اصلی اش دانست . سال های رامن به یاد دارم که مجله ژوندون در غرفه ها ی فرو ش به کسی نمی رسید و خوانند گا ن بااشتیاق تمام انتظار نشر شماره جدید آنرا می کشید ند ولی گا هی هم دیده شده که کسی بطر فش حتی دور نخورده است.گاهی هم ژوندون کاملا شکل یك مجله اختصاصی

رابخود گرفته است وبا نشر مطالب علمی وبعضی‌مطالب‌دیگر روحیه‌خودرا ازدست‌داده‌وخوا- نند گان دایمی خود را فرا موش کرده‌است خوانندگان ژوندون نسبت‌به‌مطالب خارجی‌مطالب داخل کشور را بیشتر می پسندند بجای اینکه یك هنرمند و یا ورزشکاران خارجی را بشنا سند ، آرزو مند شنا ختن هنر مند وورزشکا ر خود مان میبا شند ، ولی اکثر اوقات دیده شده که ازمطالب داخلی درین قسمت خبری نیست‌واین بدان مفهوم است که یا ما اصلا هنر مند وورزشکا رنداریم ویا کار کنان ژوندون به این مطالب‌علاقه نمی گیرند .

لذامجله ژوندون بخاطر بر آورده شد ن هدف ژور نا لیستکی اش باید مطا بق‌خواست خوا نند گان خویش حرکت کند واین‌ماءول وقتی بر آورده شده میتوا ند که مجله ژوندون پیشنهادات وانتقادات‌خوانندگان‌خویش‌را تا حدامکان بپذیرد . همچنان مو جو دیت کار کنان مسلکی در راس صفحات اختصا- صی مختلف ژوندون که بتواند رضایت خا طر خوا نند گان را فرا هم بسازد ،ارزشی خا صی دارد .

بناء برای هرچه بهتر شدن مجله‌ژوندون ضرور یست تا مواد ومطالب داخلی بیشتر نشر شود . همچنان سعی بعمل آید تا در هر شماره یکی از چهره های هنری وسپورتی همراه باعکس های آن معرفی گردد . نشر داستان ها ی کوتاه از نویسند گا ن‌ورزیدهٔ کشورمان وهمچنان مصاحبه باآنان مطالبی دلچسپی برای اهل ذوق درین رشته‌بحسا ب می آید .تهیه راپور تاژهای شهری ازاهل کسبه وایجاد صفحه برای نشر فانتیزی ها ودیگر مطالب ذوقی در پهلوی صفحه فکاهیات بیشتر باعث جلب توجه خوانند گان‌می گردد. همچنان تهیه مطالب فیچری ، معرفی مراسم مختلف از گوشه و کنار کشورمان همراه با تصویر های زنده وتشویق‌خوانند- گان به گرد آوری‌چنین مطالب از سا یر ولایات به زیبا ئی ژوندون می افزاید،همچنان نشر مطالب خارجی درساحه های سینما،تیاتر موسیقی ، سپورت ، ادبیات وسایر قسمت‌ها بسیار مهم است . علاو تا قطع وصحافت‌دیزاین مجله وچاپ عکس های مطلوب در پشتی مجله بصورت‌واضح‌وروش‌مرغوب‌وجذابیت‌مجله را بیشتر ساخته وباعث جلب توجه خوانند- گان می گردد .

سیما ترانه خوانندهٔ رادیو تلو یز یون در مورد نحوه نشرات ژوندون نظر داده‌گفت. ژوندون همانطور یکه از نامش پیدا ست مجله یی است‌که‌میتوان همه‌مطالب و موضوعات مختلف موردعلاقه خوانند گان‌را درآن‌بیابد بنا عخوا نند گان این‌مجله از همه اقشا ر وطبقات اند .

این‌موضوع واقعا حقیقت دارد و من‌آنرا بخا طر خو شی‌شما نمیگو یم .

-بلی این یك حقیقت مسلم است که ژوندون یك‌مجله خواند نی و جالب‌است.

بیشتر کدام مطالب و موضو عات برای شما وامثال شما جالب است ؟

یکی از مسایلی که برای من و شایسته برای همکا ران وهم مسلکان من جا لب ودلچسپ با شد مصا حبه ها و گفت وشنود ها باهنر مندان است . تااز این راه خواست ها، نظر یات ود رد دلهای آن ها انعکاس داده شود .

موضوع دیگر ی که میتوا ند این مجله محبوب خانواده هارا دلچسپ ترو خواندنی‌تر سازد ترجمه ها وراپور های متنو ع ازمنابع مختلف خا رجی است .و مخصو صا اگر مسا یل هنری بیشتر نشر شود بیشتر‌مورد علاقه قرار خواهد گرفت . وباید این نکته را نباید از نظر دور داشت که هنر حدو مرزی نمی شنا سد و نباید انسان در این مورد تنگ نظر باشد .

درمورد صحافت مجله سیماترانه گفت : صحافت مجله به نظر من زیبا وتوا م با سنگینی خاص این هفته نامه است و لی بعضا عکس های در روی جلد این مجله بچاپ می رسد که از زیبا یی این مجله می کا هد . البته باید بگو یم که من ژورنا لیست نیستم واین تنها نظر شخصی خودم است و شا ید در این مورد اشتباه کرده با شم .

ادامه دارد

تاثیر سگرت بالای وضع ظاهری انسان

درجستجوی مرد سالخورده

وظیفه بمن سپرده شد تادر قسمت مرد صد سا له ئی نکتهٔ چند بنو یسم وبه این تر تیب به خوانند گان نسخه هد یه نما یم تابد ین‌وسیله بتوانند هر چه بیشتر طویل العمر شهو ند منحیث مثال شخصی راباید انتخاب میکردم که ازتمام مزایای زند گی بهره مند می‌بود نه‌اینکه گوشه‌گیروتارك‌دنیا

چند سالخورده راکه درکوچه وبازار مخا طب قرار دادم نه می توانستند قهر مان صفحه شو ند زیرا یکی هنوز با به سن صد سا لگی نگذاشته بود ودو می همینکه‌زبان به سخن کشودم بدو ن مقدمه در باره نقایص سگرت ونو - شیدن مشرو بات الکولی لکچربرا- یم می‌خوا ند .

گفتگو ئی که‌با شخص سا لخورده نسبتاً نیرو مند انجام دادم نیز مایو سم سا خت همینکه زبان به سخن کشود چنین گفت : من یکصد وسی سال دارم اما هنوز هم از صحت کامل‌بهره مند هستم میخوا هید بدا نید چطور بیشتر زندگی کرد ؟ من به‌دا نستن این کارمیل داشتم اما وقتیکه ازفوا ید سبز یجات وتفر یح درهوای آزاد به بسیار قیل وقال سخن به‌میان آورد وبا گو شت وما- هی جنگ‌اعلام داشت من با استفاده آزازد حام اشخاص بیکار که اطراف مارا احاطه نمودندبه بسیار آهستگی بدون اینکه متو جه شو ند بدوررفته وخو درا از شراونجات‌دادم تجسس رابعدا بسیار دیر ادامه دادم تا اینکه بالا خره شخص مورد نظر را یافتم!

کمانی که‌در پشت سر حمل می کرد ازسا لخور ده‌گی وپیری اشر شهادت می داد.

زمانی که‌از پهلویم می گذ شت ازقیا فه ووضع حد س زدم اقلا

بقیه‌درصفحه۵۰

اهمیت تحکیم و پیوند روابط میان نیروهای پیشرو جهانی

و جنبش های آزادی بخش ملی

در روند تاریخ

غبار «عریف»

نزدیکی و پیوند هر چه بیشتر روابط بین سیستم جهانی سوسیالیسم وجنبش آزادی بخش ملی وهمکاری متقابل میان این دو نیروی عظیم درکلیه رشته ها نظیر فعالیت های حزبی ودولتی و زندگی اقتصادی وفرهنگی جهان جهات اصلی پیشرفت مناسبات وگسترش روابط را میرساند .

برای ملل تازه به استقلال رسیده که راه ترقی اجتماعی رادر پیش دارند تحکیم وپیوند روابط با جامعه کشور های سوسیالیستی و نزدیکی روز افزون میان هر دو جهت مساله در شرایط کنونی جهان حیثیت قانون رشد وتکامل را کسایی نموده است . خلقهای میلیونی کشور های نوبنیاد واحزاب انقلابی وپیشرو آنها به این نکته زیاد اهمیت میدهند که : در شرایط معاصر ترقی اجتماعی وانجام موفقانه و سریع تغییرات ریشه یی در سیمای جامعه از طریق اتحاد برادرانه با نیرو ها ی سوسیالیستی جهانی امکان پذیر است .

پشتیبانی عام وتامی که کشور های سوسیالیستی و جنبش بین المللی طبقهٔ کارگر از مبارزات آزادی بخش ملی بعمل می آورند، گواه راستین بر این واقعیت است که : جنبش آزادی بخش ملی برابلم هاومعضلات جدید خویشرا در ساحه این همکاری موفقانه حل مینماید وبه پیروزی‌های چشمگیری دست خواهد یافت . این پیروزی ها ازنقطه نظر اهمیت خویش همان ارزش را دارد که کشور های مستعمره سابق برای حصول استقلال سیاسی در جریان مبارزات قهرمانانه خویش با سیستم استعماری بین ـ المللی انجام داده وافتخارات بی شماری را نصیب گردیده اند .

همانطوریکه در بالا تو ضیح گردیده سیستم استعماری غارتگرنه در ساحهٔ اجتماعی واقتصادی کشور های وابسته ریشه میدواند کلیه عواید و منابع طبیعی آنها را می بلعد ، بدین لحاظ بشریت برای نخستین بار درتاریخ دربرابراین‌وظیفه‌قرارگرفته‌که سیستم استعماری را با انجام عملیات وسیع به مقیاس جهانی نابود سازند . بعد از فرو ریزی وبرانداختن رژیم های استعماری مبارزهٔ پر توان توده‌های مردم علیه استعمار کهنه ونو ، باز هم یک مبارزهٔ سیاسی بوده که در مرحله عالیتر انکشاف خود هر چه بیشتر تغییرات فشردهٔ اقتصادی کسب میکند .

با تعویض شیوه های اقتصادی وسیاسی سرمایه داری ما قبل انحصاری بمرحله عالیترین آن یعنی امپریالسیم مساله ملی منحیث یك پدیده جهانی تلقی گردید . گر چه امپریالیسم ، ازطریق تقسیم ملل جهانی بدو گروه : غنی وفقیر ، ستمگر وستمکش به این خصلت نیروی تازه بخشید وهمراه با رشد نیرومند انقلابات کار گری ، جنبش های آزادی بخش ملی مستعمرات باوج خود رسید .

همکاری متقابله وروابطپرشور میان‌سیستم جهانی سوسیالیسم وملل کشور های که راه ترقی اجتماعی را در پیش گرفته اند ، ضربت وفشار سیاسی واقتصادی را که امپریالیسم بر کشورهای تازه به‌استقلال رسیده وارد میاورد، تقلیل میدهد وحتی خنثی میسازد ونیرو های صلح از راه‌ها وطریقه های مختلف به آنها کمك میرساند .

امداد و کمك های سیاسی ومعنوی را که جهان صلح وترقی به کشور های نو بنیادکه راه‌ترقی اجتماعی را در پیش دارند ، مینماید این امکان را فراهم میسازد تاکشور ها باقبول کمترین تلفات از سیستم اقتصادی سرمایه داری نجات یابند ویا حد اقل وابستگی‌خویش رابه آن تقلیل دهند .

در شرایط کنونی موجودیت سیستم جهانی سوسیالیسم ، وحدت وهمبستگی بین‌المللی طبقه کار گر کشور های سر مایه داری ، عامل اساسی تاریخ را در بر میگیرد . در تحت تاءثیر این عامل نیرومند ، کشور های تازه به استقلال رسیده ، نو بنیاد وروبانکشاف بادر نظرداشت شرایط معین داخلی ، باساس اتحاد وسیع وآرایش جدید نیرو های‌طبقاتی، قوانائی بیشتر کسب میدارند تا در راه ترقی اجتماعی ، راهی که در آخرین تحلیل‌بسوی ایجاد واعمار جامعه فاقد استثمار منجرمیشود، گام نهند. مساله موردبحث تنها این نیست که سوسیالیسم جهانی منحیث پشتیبان فعا ل ونگهبان واقعی انکشاف مستقل و مترقی‌کشور های کم رشد خدمت میکند ، بلکه وظایف طبقاتی امداد جهانی سوسیالستی که به کشور های رو به انکشاف مینمایند نیز قابل ارزش بیشتر است .

حقیقت کاملا روشن است که : سیستم جهانی سوسیالستی بحیث نیروی پیشروانقلابی جهانی ، نقش رهبری بین المللی طبقه کارگر را بازی میکند . باین لحاظ اگرسیستم جهانی سوسیالستی وجود نمی داشت ، راه رشد غیر سرمایه داری برای بسیاری از کشور های جهان که از وابستگی واسارت استعمار آزاد گردیده اند ، مسدود بود .

تمام سیستم جهانی سوسیالیسم در دشوار ترین شرایط ، تکیه گاه همکاری های بی شائبه وبرادرانه برای‌کشورهای عقب نگهداشته شده وروبانکشاف میباشد ، که به یقین کشور های تازه به استقلال رسیده به این همکاری مطمئن اند .

بدین ملحوظ همکاری کشور های پیشرفته ومترقی جهان ، پیشرفت اقتصادی و اجتماعی جامعه کشور های دیگر را تضمین میکند . بطور کلی سوسیالیسم برای زحمتکشان جها ن شرایط زندگی تازه بوجود میاورد ، موجبات رشد سریع تولید مادی ، سطح زندگی ، دانش وفرهنگ را فراهم میکند ومحترم شناختن شخصیت افراد را تضمین مینماید .

برای همکاری موفقانه وبرادرانه میان ملت ها در راه از بین بردن عدم تساوی که میراث شوم گذشته میباشد ، دو شرط لازم وضروری پنداشته می شود :

۱ـ اعطای امداد های لازم ووسیع برای کلیه ملل عقب مانده جهان که بواسطه این کمك ها توانائی انرا پیدا نمایند تا به عقب ماندگی خود خاتمه بخشند واز نقطه نظر رشد اقتصادی و فرهنگی هم پایه با کشور های پیشرفته گردند .

۲ـ همبستگی کامل میان طبقه کار گر ملت های رو بانکشاف با طبقه کار گر ملت های پیشرفته سرمایه داری وطبقه کار گر کشور های مترقی جهان .

امدادی را که کشور های پیشرفته وصلح دوست جهان با کشور های کم رشد وعقب نگهداشته شده در زمینه تربیه وپرورش کادر های ملی ، ایجاد شرایط درست معارف‌عمومی، احیای فرهنگ ملی انها مینمایند ، امپریالست ها وکلیه نیرو های ارتجاعی را از بخش‌های عمدهٔ ومهم اعمال نفوذ مادی ومعنوی درحیات اجتماعی این کشور ها ومجرای انتشار افکار و نظریات ارتجاعی ضد سوسیالستی محروم میگرداند .

بادر نظر داشت پیوند و تحکیم روابط دوستانه بین نیرو های آزادی بخش ملی و جامعه کشور های سوسیالستی ، در پرتو شرایط رشد اقتصادی مداوم وپر تحرك‌خویش دامنه سایر کمك های خود را به کشور ها ی نو بنیاد ، گسترش میدهند وعمیق ترمیسازند تجارب فراوانی که کشور های جهان صلح وترقی از رویداد های پیهم جهانی در دست دارند . مساله پشتیبانی و تضمین همکاری های بی غرضانه برای آن گروه از کشور های آزاد شده که راه رشد غیر سرمایه داری را بر گزیده اند اهمیت ویژهٔ دارد .

اید یالوگ ها وسیاستمداران امپریالستی باتمام انرژی وتوان مادی ومعنوی مذبوحانه وتب آلود در تلاش اند که : از کشور های روبه انکشاف بمشابه «هستهٔ حیات بخش» برای ارگانیسم پوسیده بورژوازی استفاده نماید وبدینطریق عوام فریبانه با ماست‌مالی، زوال حتمی سرمایه داری رابه عقب اندازند . سرمایه داری با تهیه ومصرف نیروی بیشتر برای ایجاد خلل وتزلزل در اتحاد کشور های پیشرو ومترقی ، صلحدوست و مدافع صدیق منافع زحمتکشان جهان، باجنبش آزادی بخش ملی که از بوته آزمون زمان موفقانه بدر آمده و دربخش های مختلف تحکیم یافته، سعی فراوان بخرج میدهد

پیدایش وتحکیم سیستم جهانی سوسیالیسم این نیروی عمدهٔ ضد امپریالستی اوضاع و شرایط جهان را از ریشه تغییر داد وتاحدود بیشتر فرو ریختن پایه های سیستم استعماری رادر زیر ضربات نیرومند انقلاب های آزادی بخش ملی تسهیل کرد .

پیدایش سیستم جهانی سوسیالستی به قدرت وفرمانروایی سیستم استعماری ضربهٔ قاطع وکشنده وارد آورد وبدین طریق درامر تبدیل قطعی نیروی زحمتکشان کشور های مستعمره به عامل نیرومند وفعال تاریخ جهان نیرویی که پایه های امپریالیسم را متزلزل گردانید، کمك ویاری رساند .

خدمت گذران جامعه سرمایه داری با تمام امکانات ووسایل در تلاش اند تا مانع‌پیشرفت کشور های گردند که تازه از جنگ اسارت بار استعمار نجات یافته اند ودررا ه مبارزات ضد امپریالیستی این کشور هاکه بطورعینی به مبارزه برعلیه تمام اشکال استعمار مبدل میشود ، سنگ اندازی نمایند .

هنگامیکه استعمارگران باقدرت‌ونیرومندی تمام در مستعمرات خویش فرمانروایی میکردند واز حاکمیت مطلق برد وسوم از سکنه روی زمین برخوردار بودند اجتناب ناپذیری اعتلای مبارزات رهایی بخش ملی وضرورت در هم آمیختن آن با جنبش انقلابی طبقه کارگر بین المللی به اثبات رسانید که : همه شرکت کنندگان پیگیر وفعال مبارزات ضد امپریالیستی بدرستی میدانند که اتحاد ملل کشور های سوسیالستی وجنبش های آزادی بخش ملی، موفقیت‌های سیاسی مشخص و سرنوشت پیشرفت سراسر گیتی را بطور کامل استحکام می بخشند .

نویسنده : الکزاندرابریو گونا

ترجمه داود (سکوت)

مقام ومنزلت زن در اتحاد شوروی

مساوات وبرابری مردوزن در امور اجتماعی وقضایی وبوجود آوردن‌شرایطی که‌زنان بتوانند در حیات اجتماعی وتربیه کودکان ، معقولانه وبه صورت موثر سهیم شوند ۰پالیسی وچایب اخلاقی دولت اتحاد شوروی را تشکیل میدهد۰ زن ها ، از قرن هابا ینطرف از جمله قشر

زن اتحادشوروی بگونه‌ایکه ازحقوق مساوی بامرد برخوردار است درکنار اوبرای‌شگوفانی هرچه بیشتر کشور عرق‌میریزد۰

های ، ستمدیده واستثمار شونده بودند وموقف تاثر باری را ، در میان اجتماع داشتند ۰

مشکلات وپر وبلمهای زنان از مشکلات و پرابلمهای بفرنج اجتماعی محسوب می‌شود که در گذشته ها، تیوریسن هاو جامعه شناسان نظر به‌خصلت‌طبقاتی‌شان‌اساس‌مشکلات‌پرابلم‌های زنان را ، بدرستی حل‌نموده نمیتوانستند وآنرا توجیه دگر گونه میکردندوبشکل تراژیدی‌بیولو- جیکی آن وانمود می‌ساختند وچنین ابراز عقیده میکردند که این مقام پایین وعدم توانایی زنان است که نمیتوانند بکار های مهمی دست‌یازند وافکار واندیشه های خلاقی را تبارز دهند ۰

مارکس وانگلس بر یشه واساس این پروبلمها تماس گرفته ووانمود گردانیدند که نابرابری وعدم مساوات زنان بامردان ، در جامعه ،کانون خانواده ،اساس های اجتماعی‌و اقتصادی دارد ۰

لینن، باربار میگفت واصرار میورزید که آزادی و مساوات زنان ، بابوجود آوردن ، یك جامعه انقلابی ، پیوند عمیق وارتباط ناگسستنی دارد ۰

انقلاب کبیر سوسیالستی اکتوبر، برای نخستین بار ، در تاریخ، زمینه آزادی اجتماعی وکلتوری زنان را ،که‌قرن هاخواب آنرا میدیدند پدید آورد ۰

نخستین فرامین حکومت اتحاد شوروی‌تبعیض میان زن و مرد را لغو گردانید ۰ اما مساوات قانونی ۰ بین زن و مرد ، همزمان با آزادی‌زنان صورت گرفت۰ ازاین روخیلی ضروری بودکه آزادی آنها بطور واقعی و موثق اطمینان داده بود تازنان در زندگی نوین نقش فعالی داشته باشند ۰

لینن پیرامون این موضوع چنین اظهارداشته ست :

(کاری راکه دولت قدرتمند شوروی‌آغازنموده ست تنها زمانی پیشرفت مینماید که بعوض صرف چند صد ، ملیون ها، ملیون زن اتحاد شوروی ، در سر تاسر کشور ، در آن اشتراك ورزند ۰ همچنان مایقین داریم که درین صورت زمینه انکشاف وگسترش سوسیالیزم نیز ، برمبنای درستی صورت خواهد پذیرفت)۰

حزب کمونیست دولت‌اتحادشوروی واتحادیه های تجارتی به حل و فصل مشکلات وپرابلمها ومسایل زنان در کلیه امور ساختمان یك جامعه سوسیالیستی ، توجه عمیق و خاصی‌مبذول داشته وبرمبنای دگر گونی ، کلی قیافه اجتماع راه حل های ، مشکلات وپرابلمهای زنان راپیدا نموده وکار های خلاق و موثر وشادی آفرینی را، درجهت رفع نیازمندی ها وخو شبختی زنان انجام داده است ۰

هر قانون و مقرره ای اتحاد شوروی که طی سالهای (۱۹۱۸-۱۹۲٤و۱۹۳٦)بارتباط مرحله‌ای معین ساختمان جامعه سوسیالیستی ،بمیان‌آمده بودند اثرموثری‌دربهبود زندگی زنان داشته است ۰

قوانین که درسال ۱۹۷۷ در اتحاد شوروی به تصویب رسید موفقیت هاو پیروزی های سوسیالیزم را ، قانونا در مورد برابری و مساوات کلیه زنان بامردان در حیات اجتماعی، سیاسی فامیلی وکار تضمین میدارد ۰ آنچه که امروز از همه چشمگیر تراست عبارت از کمك های مادیست ، که‌بزنان بخصوص‌مادران صورت می‌گیرد ۰

برخورداری از فرصت های‌مساعد وامتیازات: درجمله تضمین های مساوات وبرابری زنان که در قانون اساسی اتحاد شوروی ثبت گردیده یکی هم برابری استفاده در کار استخدم‌است۰ شرکت زنان درکارهای مفید ومولد اجتما عی منجر به آن می‌شود که از یکطرف آنان ، از نگاه اقتصاد مستقل وآزاد شوند واز جانبی ، اساس حقیقی وواقعی ، برابری زنان بامردان مستحکمتر گردد ۰

در اتحا د شوروی ، حق وحقوق هر تبعه ای آن سر زمین ، به شمول مردو زن توسطملکیت

چهره ای ازچهره های زیبا، جوان، شاداب وخندان کشور شوراها

عامه، وسایل تولید وتشکیلات سوسیالیستی طرح وتضمین گردیده است ۰

در اتحاد شوروی ، شمولیت زنان ، در کلیه کار های با ارزش اجتماعی بی نظیر است‌وپنجاه ویك فیصد کارگران صنایع‌وموسسات کارو اقتصاد ملی را احتوا می‌کند۰ تقریبانصف‌زنان کارگر ٤۹ فیصد در صنایع استخدام شده اند وتعداد زنان در شعبات پیشبرد امور تخنیکی روز افزون است ۰

در اتحا د شوروی دگر گونی ها،ازنگاه‌نوعیت کار، برای کارگران زن در دیه‌ها، بمرحله‌تطبیق قرار گرفته وکارگر زراعتی در آن کشوربتدریج صناعتی میشوند وحیرت انگیزنیست که یك تعداد زیاد زنان درفارم های تربیه طیور، کمپلکس های تربیه حیوانات۰ تراکتوروکمپاین ها، بحیث او پراتورکنترول دستگاه‌های اتومات

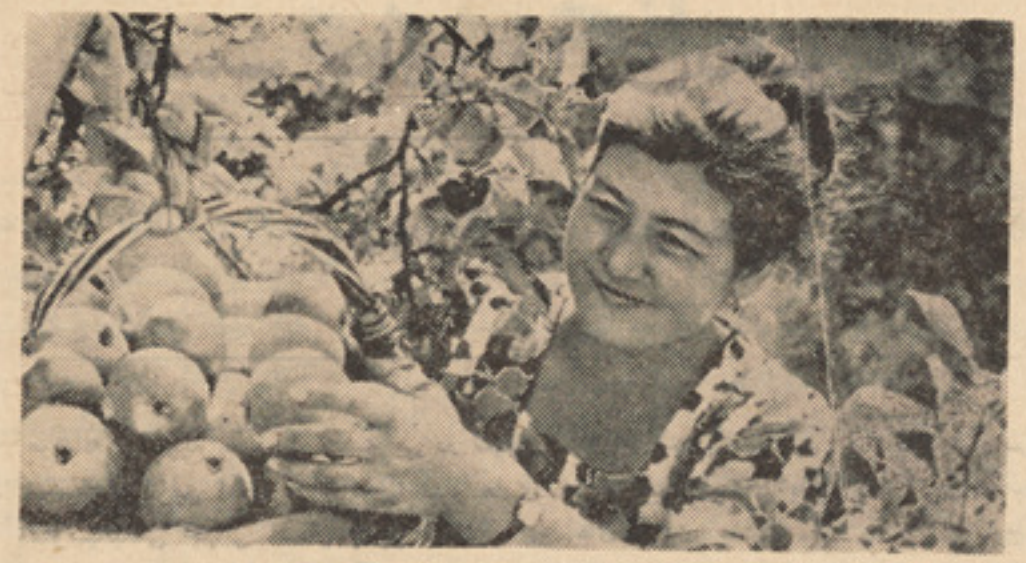

درافزایش محصولات زراعتی نیز زنان‌کشور شوراها، نقش موثری را بازی‌می نمایند

مصروف فعالیت دیده میشوند ۰

بادادن حق کار مساوی بامردان برای زنان حکومت سوسیالستی اتحاد شوروی تبعیض را بصورت عموم درمورد حقوق ودستمزد آنان

بادادن حق کار مساوی‌بامردان برای زنان ، حکومت سوسیالیستی اتحاد شوروی تبعیض را ، به صورت عموم ، در مورد حقوق ودستمزد آنان نیز از بین برده واین پرنسیب سوسیالیستی را یعنی از هرکس باندازه لیاقت او وبه هر شخص باندازه کارش)درمورد زن ومرد یکسان تطبیق نموده است ۰

درکشور شوراها، هرگونه تقلیل دستمزد، نسبت به جنسیت کارگر (همچنان عمر ، نژاد،

لیت) ممنوع قرار داده شده است. در کلیه
عب اقتصاد ملی ، معیار دستمزد و معاشات
ساوی واندازه کار، برای زنان ومردانی که دارای
ن درجه تحصیل عالی باشند، مراعات می‌گردد.
برعلاوه قوانین اتحاد شوروی ، یک
لسله امتیازات وسودمندی برای زنان کارگر
، دربردارد بطور مثال درهنگام ولادت زنان
ظایف وکارهای آسانتر گمارده میشوند ومیتواند
معاش و حقوق قبلی شان برخوادر شوند
انی که ماشین های زراعتی رابکار میندازند در
لیکه کار آنها ده فیصد نسبت بمردان کمتر
می‌باشد دسمزد مساوی بامردان را اخذ
کنند .

حق مساوی زنان کارگر ، بامردان در قسمت
یمات اختصاصی وتحصیلات مسلکی، تضمین
ه است .

اتحاد شوروی ، بطور کلی ، مراحل تعلیمات
وی را بابپایه تکمیل رسانیده است وتحصیلات
ر سویه ، طبق پروگرام های مرتبه برای
یک از تبعه شوروی رایگان است .

در اتحاد شوروی ، شبکه وسیع و گسترده
تب مسلکی و تخنیکی وجود دارد و زنان و
تران میتوانند ، در زمینه های گوناگون ،
موزش بپردازند . البته باستثنای مشاغلی
برای زنان لازم پنداشته نمیشود . زن ها،
جاوپنج فیصد محصلان رادر مکاتب ثانوی
صاصی تشکیل میدهند . پنجاه فیصدجمعیت
محصلان موسسات تعلیمات عالی عبارت از
زنان می‌باشند .

از ۱۹۴۱ تا ۱۹۷۷ تعداد زنان متخصصین
که تحصیلات عالی واختصاصی ثانوی دارندهفده
باربلند تر رفته وچهارده اعشاریه هشت‌ملیون
ویا پنجاه ونه فیصد تمام متخصصین را تشکیل
میدهند .

در اتحاد شوروی انواع مختلف تربیه مجدد
صورت می‌گیرد ودر هر زمان شیوه تدریسی
دگرگون می‌شود ودرجه تحصیل افرادی که
بخواهند بلند برده می‌شود .

زنان اتحاد شوروی چنان عشق وعلاقه شدید
به تحصیل وبلند بردن سویه علمی و مسلکی
شان دارند که بعداز مرخصی از وظایف شان
به تقویه مسلک خویش می‌پردازند ودر پهلوی
کاری که انجام میدهند سویه علمی شان‌رابلند
می‌برند . بدین صورت آنها می‌توانند دانش‌نو
را فرا گیرند ، به شیوه کار ماشین آلات جدید
آشنا شوند وتربیه پروفشنلی وعمومی خود را
بهبود بخشند ودر عین حال مسلک تازه ای
را نیز فرا گیرند .

در شوروی تنها درسال ۱۹۷۷ در حدود
نه ملیون کارگر زن ، حایز شهادت نا مه‌ای
تحصیلات بلند تر شده و بیش از یک اعشاریه
هشت ملیون مشاغل تازه و مسلک های جدیدرا
آموخته‌اند.

در اتحاد شوروی مقررات خاصی در قسمت
حمایت کارگران از نگاه وضع صحی ، مخصوصا
توجه به صحت وسلامت زنان کارگر، وجود دارد
واین برخلاف قانون است‌اگرزنی‌بکاری استخدام
شود که دشوار ورنج آور باشد وبه صحت‌و
سلامت او، آسیب رساند.

همچنان در کشور شورا ها نمیتوان زنان را،
به‌کار های موظف گردانید که آنها مجبورگردند
اعمال ، زور طلبی راکه بیش از اندازه ایکه
قانون معین گردانیده ، انجام بدهند .

زنانی که در مسالک سنگین کار میکنند از
امتیازات زیادی بر خوردارندکه امتیازات مذکور
عبارت از ساعات کم کار ، رخصتی بیشتر و
طولانی ترو حقوق تقاعد زیاد می‌باشد همچنان
برای مادران کارگر ، امتیازات خاصی داده‌شده
است .

دولت اتحاد شوروی ، همیشه این نکته‌رادر
نظر داشته که تضمین بدارد که زنان در شرایط
مساعد کار نمایند . چون این عمل توسط مجهز
ساختن مجدد موسسات تخنیکی ، بهبود وضع
کار ، دگر گونی شرایط کار و محفوظ ساختن
انواع کار ها برای زنان وفراهم آوری تسهیلات
برای کار گران ، انجام شده میتواند لذا شرایط
فوق را ایجاد نموده اند وبرای همه امورزندگی
کار گران خدمات در خشانی را انجام داده‌اند.

در اتحاد شوروی تطبیق حقوق زنان کارگر،
از طرف یک هیات مخصوص وبا صلاصیت،
نظارت وکنترول می‌گردد . یعنی بوسیله نمایند
گان مردم اتحاد شوروی، شعبات حقوق‌واتحادیه
های تجارتی همچنان کمیسیون های عامل کار
زنان وبهبود شرایط زندگی اطفال ومادران ،که
زیر نظر شورای عالی اتحاد شوروی فعالیت
میکنند .

موظف است تاتطبیق حقوق زنان رادرکلیه
شورای عالی اتحادیه جمهوری های خودمختار
دوایر و موسسات اتحاد شوروی تعقیب نماید
وبهبود شرایط زندگی زنان کارگر را همیشه
مدنظر داشته باشد .

قانون اساسی اتحاد شوروی ، برای تمام
اتباع اتحاد شوروی حق صحت سالم
را تضمین میدارد . زنان کارگر مانند کلیه
کارگران ازتداوی صحی‌مستقیم درموسسات و
فابریکات خودودر کلنیک هاو مراکز صحی

اتحادیه های تجارتی ، مساعی خاصی رادر
جهت آماده گردانیدن خدمات صحی ، برای‌زنان
برخوردارند .

هنگامیکه زنان کارگر در حین
کار ، آسیب بیند ویا خطری متوجه‌آنها
گردد ، طبق توصیه داکتران ، بوظایف سهل
وساده تبدیل میشوند .

درسال ۱۹۷۷ سناتوریم ها،مراکز استراحت
وکمپ های توریستی ،جوابگوی پنجاه ملیون
کارگر واعضای خانواده ها یشان‌بودند واتحادیه
های تجارتی مراکز استراحت مخصوص بودو
باش درین مساکن‌وتفریحگاه هایارایگان‌است
ویا بمصرف خیلی ناچیز صورت می‌گیرد .

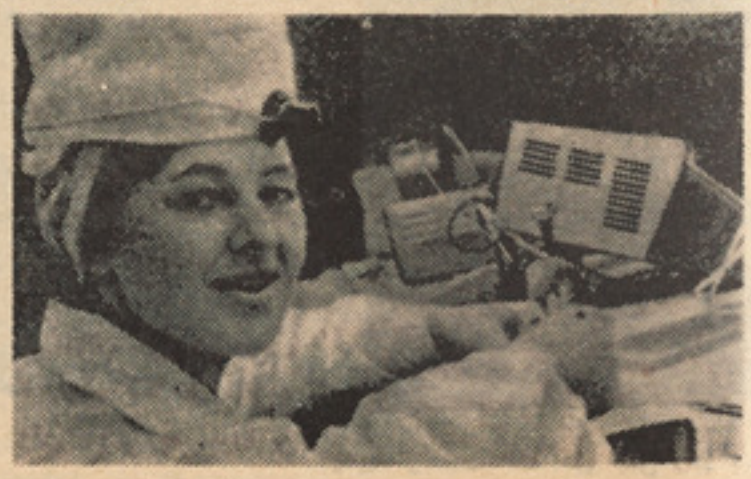

ارزش‌های حیاتی شیر مادر در

۱۴ـ شیر مادر دارای مقدار کافی عوا مل
معا فیت و مقا ومت دهنده بمقا بل مکروب
ها و انتا نات دارد زیرا اکثر مواد معا فیت
ومقاومت دهنده خلطی، حجروی‌و نسجی وظیفوی
از طریق پلاسنتابه طفل نمی رسد
لیز وزیم وغیره و همین عوامل است که
بیشتر ما نع انتا نات گرام منفی وویروس
ها میشود واین مواد بمقدار کا فی درشیر
مادر موجود است وارزش نجات دهنده‌بمقابل
انتا نات وامراض دارد که اکثرا اطفال‌شیر
خوار را مصاب میسازد .

۱۵ـ شیر مادر ودادن آن به‌طفل نقش‌بارز
وعمده ای در نشو و نمای ذهنی و ذکایی
واحسا س صمیمیت طفل واحسا س‌مصئونیت
او دارد چه طفل نه تنها به شیر بلکه به
آغو ش پر محبت مادری محتا ج‌ونیاز مند
است .

۱۶ـ شیر دادن مادر به طفل احسا س
عشق وتو جه مادر به فرزند را تقو یت
میکند زیرا تجربه ثابت نموده که مادران
با تغذیه مصنو عی طفل کمتر علاقه‌و محبت
به طفل دارند . وآنقدر ها وجود خود را
حتمی نمیشما رند این موضوع ارزش‌اجتماعی
داشته واکثر طلاق ها وفجا یع اجتما عی
از آن سر چشمه میگیرد .

۱۷ـ شیر دادن مادر را از کا نسر شدید
مصئون میسازد .

۱۸ـ شیر دادن متواتر ودوامدار طفل
باعث افراز هر مونهای مانع حا ملگی شده
واز نگاه فامیلی پلاننگ طریقه محفوظ‌وعالی
است .

۱۹ـ شیر مادر تا پنج ماهگی غذای مکمل
برای طفل است که هیچ مادری را نمیتوا ن
از آن معاف نمود وتازمان طولانی حتی دو سال
طفل را با ید شیر داد محض بعد از سه
ماه غذای مکمل را بعد از شیر دران افزود
تاقا نون جدا کردن تدریجی وعلمی از شیر
نیز تطبیق شود .

عوامل که طفل را محروم از شیر مادر
میسازد .

۱ـ عدم معلومات مادر .

مادران هر گاه از ارزش های حیاتی

بقیه در صفحه ۵۰

سال نو و آغاز کار

تازه سال نو آغاز شده ، فصل کاروپیکار بخاطر زندگی آسوده وپرنعمت ، پیکار بخاطر پیروزی بر عقب ماندگی هاو نابسامانی های اجتماعی واقتصادی شروع شده است و این آغاز زندگی برای همه ما وشما است .

پس بیایید در این سر آغاز سال که سرآغاز زندگی است دست بدست هم بدهیم وبا اتفاق وهم‌نظری وهم فکری ، کاری کنیم که فرزندان ما وآینده گان بر ما واعمال ما خرده نگیرند وانتقاد نکنند گرچه میراث که از گذشته برای ما مانده آنقدر مشکلات و موانع سر راه ما قرار داده که نپرسید ولی باعزم متین وارادهٔ محکم میتوانیم بر تمام این مشکلات فایق آئیم وزندگی جدیدی را روی این خرابه هابناکنیم.

دهقانان جوان !

امروز که وطن به بازوان نیرومند وکار خلاق تو نیاز دارد، دلزمین را بشکاف و آنچه را که مردم به آن ضرورت داردکشت نما ودروکن.

زمین های وسیع لامزروع که سا لها و قرن‌ها دست نخورده باقی مانده در انتظارتلاش وپیکار تست.

کارگر جوان !

امروز وطن واجتماع ما بقدرت دماغ‌وبازوان توکه چرخ های ماشین‌رابحرکت درمی آ وری احتیاج‌داردوتوبرای‌شگوفان ساختن‌مملکت‌خویش بیشتر از هر وقت دیگر عرق بریز وزحمت بکش . زیرا اقتصاد مملکت بستگی به‌تلاش وخلاقیت تودر کار ها دارد .

وبالاخره جوانان ، روشنفکران این شما هستید که میتوانید ، آن میراث های شوم گذشته را ازچهره این مرزو بوم بزدائید و بجای آن تمدنی را ایجاد کنید که قرن ها قبل نیاکان ما بجا گذاشته بودند .

اکنون که سال ۱۳۵۹ آغاز شده ، برتمام نیرو های وطن پرست وبخصوص جوانان‌ست تا دست در دست هم داده برای آبادانی‌کشور تلاش بی امان بخرج دهند .

قیام ملی ششم جدی که مرحله از تکامل انقلاب ثور است بیشتر زمینه های فعالیت را در تمام‌ساحات زندگی مردم‌ما محیا گردانیده است. پس با استفاده ازفرصت ومو قعیت باوحدت وایثار در راه شگوفان ساختن کشور بکوشیم .

- بلی بدون ایثار واز خود گذری ممکن نیست بر مشکلات فایق آمد ، باید عمل کرد ودر عرصه زندگی اجتماعی اقتصادی ،سیاسی وفرهنگی به پیش رفت .

سعادت واقعی وقتی میسر است که وحدت وهمفکری واعتقاد را ازدست ندهیم.

نوشته : شیرمحمد «هاج»

پیکار جوانان در اعمار جامعه

به همگان هویدا است که انکشاف مادی ومعنوی یك کشور ارتباط نا گسستنی به کار وپیکار عادلانه مردم ونیرو های ایجاد گر ، روشنفکران ، جوانان آنجامعه داشته وآنان اند که سهم بارز در انکشاف اقتصاد کشور خویش بازی می‌نما یند. جوانان پرانرژی کشور که متشکل از دختران وپسران آگاه وعناصر روشنفکر اند ، مسوولیت های عمده را بدوش دارند .

کشور انقلا بی‌ما افغانستان درازمنهٔ تاریخ پرخم وپیچ‌خودشاهد فراز ونشیب های زیادی است که درجریان اینهمه فراز ونشیب ها مردم غیور وجوانان وطنپرست کشور بااتحاد وهمبستگی برای آبادی میهن خود کار وپیکار نموده اند . ولی نقش جوانان واقیعی که‌چون مشعل های فروزان در پیشاپیش کاروان انقلاب خویش در حرکت اند ، آشکاراست.

جوانان آگاه ، امروز مسوولیت های فردی واجتماعی خویش را درك کرده ودرفش کار وپیکار را بدوش بلند داشته اند . همچنان مسوولیت فراوان در تحکیم انقلاب و دفاع از دست آوردهای آنرا نیز بدوش دارند. زیرا پلان های ارزشمند ومترقی که از جانب‌دولت دموکراتیك‌وانقلابی ماطرح‌وترتیب‌شده‌بهمکاری مردم وروشنفکران مترقی در ساحه تدبیق‌قرار داده خواهد شد .

آ نطو ر یکه نا گفته پید ا ست انقلاب ثور ومرحله نوین تکامل آن با در نظر داشت ضرورت های اساسی مردم به پیروزی رسید ، پس از جوانان توقع دارد که در تحت رهبری حزب پیشاهنگ خودشان کار وپیکار نمایند ، که‌این عمل انقلابی را جوانان بادرك ماانجام داده وخواهند داد .

ولی با تاسف باید بگویم که دشمنان‌خلق ما پیروزی های انقلاب ثور وخاصتاً پیروزی مرحلهٔ نوین‌تکامل‌آنرا به‌چشم دیده‌نمیتوانند. روی‌این ملحوظ دست به‌تبلیغات‌وحتی حملات مسلحانه در امور داخلی کشور ما میزنند تا آرزوی باداران امریکائی خودرا بر آورده سازند . واما جوانان ماکه مجهز بتیوری انقلابی اند برای دفاع ازدست آورد های انقلاب وبرای‌دفاع‌ازمنافع‌اکثریت‌مردم‌علیه هر گونه مداخلات، اخلال‌گرانه اجیران خارجی آماده پیکاراندومبارزه مردم ماعلیه امپریالیزم وارتجاع‌داخلی‌وخارجی‌ومبارزه واقعی‌وحقه آنان بوده د رنتیجه پیروزی نیز از آن شان خواهد بود .

موقف ها ومسوولیت های که تذکر داده شد، وظایف ومسوولیت‌واقیعی پسران ودختران انقلابی میهن ماست که آنها باجدیت تمام در ایفای آن مصروف اند . پس بگذارید دشمنان ما یاوه سرایی کنند ! ولی مردم ما بدون هیچ ترس وهراس به پیکار عادلانهٔ خویش ادامه میدهند . زیرا آنان راه اصولی وواقعی رادرپیش دارند وتاآنکه د شمنان خود وکشور خودرا نابود نسازند دست ازاین مبارزه برنخواهندداشت . آن‌سالیکه انقلاب ظفر آفرین ثور وقیام پیروزمند ششم جدی که به نیروی مردم ما به پیروزی رسیده و حامی صلح و نگهبان راستین وواقعی حیات مردم ماست .

اندیشه‌های

نسرین صا فی :

دوشیزه گان امروز دارای وظایف سنگین هستند .

دختر انیکه در روز گار آغاز جوانی‌بجای درس و کتاب بدنبال تجمل پرستی و هو - سبا زی بروند به یقین از لبخند سعاد ت واقعی دلشاد نخوا هند شد و اگر بخانه‌شوهر بروند سر شکسته وناراحت هستند و پس از آنکه دارای فرزند شدند مادران بی هنر و نا دان وعصبانی وتند خو میشوند و نمی توا نند وظیفه مقدس وبزرگ مادری راخوب انجام دهند . یکی دیگر از وظایف دختران امروز دوری از فساد و هو س های نا پایدار است .

عفت و پاکدامنی‌دختران امروز سبب‌پاکی وصفای زندگی مردان وزنان آ ینده کشور ماست زیرا دامان مادر بهترین دبستان

فر زندان برو مند اجتما ع است .

بیشتر کسا نیکه براه پیروزی در زند گی گام نهاده اند ابتدا دراین مکتب، خوب پرورش یا فته و تربیت شده اند .

محمد احسان سعیدی :

... رنجی بزرگتر از ین نیست که دراین عصر وزمان جوانان ما از نعمت سواد بسی بهره باشند وشکی نیست که از مهمتر ین عوا مل عقب ماندگی ملت ها بی سواد ی است .

جوانی که بی سواد وبی دانش با شد روح مبارزه در او می میمرد . پس این سواد و دانش است که جوان را قدرت‌میدهد تا بر مسایل بغر نج وپیچیدهٔ جهان‌ما فا یق آید .

خو شبختانه پس از انقلاب ثور ومخصوصا بعد از پیروزی مرحله نوین تکا مل انقلاب ثور بیشتر از هر وقت دیگر به جوانا ن موقع داده شده‌است تااز مزایای دا نش بشری بهره مند گردند وبافرا گیری هنر

چه‌بیشتر ، رسالت خو یش رادر برابر وطن و اجتما ع به بهترین صورت‌ا نجا م دهند .

برای اینکه اندام زیبا داشته باشید

دراین جای شکی نیست که با آغاز سال جدید هرکس مخصوصاً دختران مایلند تا از سلامتی کاملی بر خوردار بوده ودر ضمن خوش اندام نیز باشند برای رسیدن به این مامول ومخصوصاً ازآغاز سال برنامه ویژه غذایی برای خود اختصاص بدهید تابه ایسن خواست وآرزوی تان موفق گردید . این‌امر واضح وهویدا است که چاقی بیش از حد همانقدر مضر است که لاغری زیاد . باید در هر امری توازن و تعادل موجود باشد.

چاقی بیش از حد نه فقط باعث خرابی‌اندام انسان میگردد، بلکه برقلب وسایر اعضای بدن فشار می‌آورد وتندرستی را همراه زیبایی به خطر میافگند . این وضع نه تنها از نگاه، جسمی بلکه از لحاظ روانی نیز بر شخص‌تاثیر دارد . مثلا شخصیکه بیش از حد نیاز چاق است وخود را با سایرین مقایسه میکند یك نوع ناراحتی روحی برای او بوجود می آید واین وضع باعث‌میشود که انزوا وگوشه گیری را اختیار کند والبته عاقبت این انزوا را خود میتوانید حدس بزنید .

چاقی در درجه نخست ، زادهٔ پر خوری است ، البته گاه ، بهم خوردن تعادل هرمونی موجب چاقی میشود که البته این نوع چاقی با مراجعه به دکتور درمان می گردد .

بهرحال ، مبارزه با چاقی وبر خور دارشدن از اندم متناسب ، کار ساده‌ای است وفقط‌یك شرط دارد وآن ورزش های متناسب مطابق به‌سن وسال شخص است . این را بیادداشته باشید که برای مبارزه ، باچاقی هرگز به‌دوا ودارو پناه نبرید زیرا اغلب دوا هاییکه برای مبارزه باچاقی تبلیغ وتوصیه میشود ، جز خرابی سلامت قلب وسایر اعضای بدن کدام فایدهٔ دیگر ندارد .

همانطوریکه قبلا تذکر رفت بهترین راه رسیدن به سلامت کامل واندام زیبا ورزش متناسب ومتداوم است . رژیم غذایی مناسب یکی از بهترین روش های مبارزه باچاقی است،البته وقتیکه میگویم رژیم‌غذایی‌مناسب منظور اینستکه این‌رژیم باید طوری باشد که صدمه ی به ارگانیزم داخلی بدن نزند وبدن را ضعیف نسازد .

وزن نمودن هر ساعت ویا هر روز باعث وسواس انسان دراین زمینه میشود که این خود بدتر از چاقی است زیرا باعث ناراحتی روحی وازدیاد این مرض میگردد .

برای اینکه اندام متناسب داشته باشید غذای خوب ومقوی بخورید این را میدانید که بدن برای ادامه تلاش های خود نیاز به مصرف انرژی «نیرو» دارد انرژی که بکار هضم ، حرکت ، عضلات وفعالیت مغز خواهد خورد وسوخت تامین کننده آن از راه غذایی که می خوریم ، بدست می‌آید . پس خوب غذا بخوریم و ورزش را فراموش نکنیم .

فعالیت‌های هدفمند جوانان‌ما

جوانان یك موجود آفریننده است و لی چه عواملی قلمرو این آفرینندگی راوسیعتر میسازد کدام یك ازجوانان آفریننده تر اند. چه شرایطی برای آ فرینش جوانان‌بکار است.

قبل از اینکه در مورد این سوال ها بحث کنیم بهتر است‌مشخص‌سازیم که‌منظور آفرینندگی چیست ؟ عامل اسا سی که در بنیاد زندگی اجتماعی بشری قرار دارد ومشخصه اصلی جوانان بشمار میرود عمل است . عمل از چندین طریق آفریننده وخلاق بوده میتواند .

ازطریق بوجود آوردن ارزشهای مادی ورفع احتیاجات زندگی که در این صورت منبع چنین عملی اکثریت های مولدند . از طریق دانش که قوانین طبیعت را خواه در جهان طبیعی وخواه در جهان بشری کشف‌میکنند وبه این ترتیب دامنهٔ نیرومندی وتوانائی‌بشر رامی افزایند - ازطریق نوآوری در و سایل تولید وتکنولوجی که باز هم عمل جوانانرا در تسخیر طبیعت موثر تر ونیرومند ترمیسازد شرایط رفاه مادی را برای افراد انسانی میسر میسازد ولی منظور مادر این بحث از یکنوع عالیتر افرینندگی است که در عمل سیاسی واجتماعی تجسم می‌یابد . این عمل خلاق مبارزه به‌خاطر نوسازی و نو آوری ، عمل افریننده ایکه پرورش نوزاد تکامل را به عهده دارد رسالت تاریخی هر نسل است . هر نسل برای ایفای این رسالت به فعالیت و تلاش پایان نا پذیر وجهاد دایمی وسرسخت مکلف میشود. هرنسل برای ارتقای جا معه خود بمرحله عالیتر تکامل مکلفیت تاریخی دارد . اگر راست است که تاریخ حرکت جوانان به جانب اهداف شان است پس هر نسل را تاریخ بجانب اهداف معینی‌سوق‌میدهد منتهی اهداف را بایست در چندین سطح ملاحظه کرد. عمل خلاق وانقلابی متوجه‌اهدافی ابعاد تاریخی کسب میکند که همه جانبه و همگانی باشند. تنها اهدافی تعدادکافی‌انسان‌هارا بجانب خود کشانیده میتوانند که در سطح تمام جامعه طرح شوند واین اهداف را دردوران ما ارمان های اکثریت مردم بمیان می آورد وشکل میدهد زیرا هر حرکت وهر عمل که در جهت منافع اکثریت مردم باشد خود بخود از حمایت زمان برخوردار میشود وپیروزی آن حتمی است .

ولی رسالت هر نسل در زمینه عمل خلاق وافریننده سخت پر مسولیت است هر جوانی که ایفای این رسالت را وظیفه خو دمیداند خود بخود بسوی تعهدات سنگینی در برابر آینده ودر برابر تاریخ کشانیده میشود . بنابر این ایفای رسالت‌تاریخی وانجام‌فعالیت آفریننده خواستار یك نوع تعهد است .تعهد در برابر اهدافی که در سطح تمام جامعه طرح شده باشد وبه این ترتیب ابعاد تاریخی داشته باشد .

تعهد در برابر اهدافی که متوجه آینده باشدوخصلت مترقی وانقلابی وپیشتاز داشته باشد . بعد از مرحله نوین تکامل انقلاب‌ثور جوانان بائیست دارای اهداف معین باشند و نظام جمهوری دموکراتیك خود هدف مقدس خدمت به اکثریت‌مردم افغانستان را دربرابر خود مطرح بحث قرار داده است .

واقعاً تنها جوان میتواند مسولیت در برابر وطن وملت را ایفا کند که در جهت اهداف متعالی وشربفانه پیش رود . تنها جوان‌میتواند در تعیین مسیرتاریخ ودرنجات‌جامعه از طریق تولید گسترده وو سیع نقش آ فر ینده داشته باشد که بخاطر یك هدف عالی کار کند وزندگی اش از خورد ونوش وآمد و رفت روز مره وملاحظات پیش پا افتاده و خصوصی فراتر رود . تنها کسی از نظیر اجتماعی وتاریخی زنده وفعال محسوب شده میتواند که زندگی خود را وقف تعمیر وبهبود زندگی همگان سازد .

جوانان

عاطف عثمانی متعلم صنف ۱۲ لیسه‌انصاری

به پیروزی رسیدن انقلاب شکوهمندثوردر پهلوی پلان های اقتصادی وتصامیم دیگر یکه دولت بخاطر شگوفانی افغانستان عزیز روی دست گرفته ودر ساحه عمل پیاده‌نموده است ، در مطبو عات کشور نیز تحو لا ت زیادی بمیان آمده است بلی از آنجمله مجلهٔ ژوندون است که بعد از پیروزی‌انقلاب‌ظفرمند ثور در خدمت همه قرار گرفته و حاوی‌مطالب ارزشمند و علمی میبا شد ، و نو شته‌هاییکه از طریق این مجله به نشر میر سد ارزشمند و خواند نی است همچنان نکته

دیگریرا که باید متذکر شوم اینست که بخش دیگر این مجله (اند یشه های‌جوانان) بخش خوب میبا شد .

شاه محمدنور:

افتخار داریم که در سا یه نظام نو ین مردمی جمهوری دمو کراتیك در سرز مین کهن سا ل وباستانی خود به سوی آینده تا بناك وبا سعادت گام بر میداریم.

در این مرحله نوین وظایف همه ماسنگین و با اهمیت است یعنی هر قد می که بر میداریم ودر هر موقف که قرار داریم باید ملتفت مسوولیت ها و وظایف خو یش باشیم.

مسوو لیت در مقابل درس مکتب ،دربرابر فا میل و مسوولیت درمقابل جا معه وکشور خویش یعنی افغانستان سر بلند و مسعود زیر اافغانستان خانه مشترك همه ما ست وسر نو شت آن بستگی به سر نوشت افراد آن دارد .

باطلوع جان بخش ثور که نظام

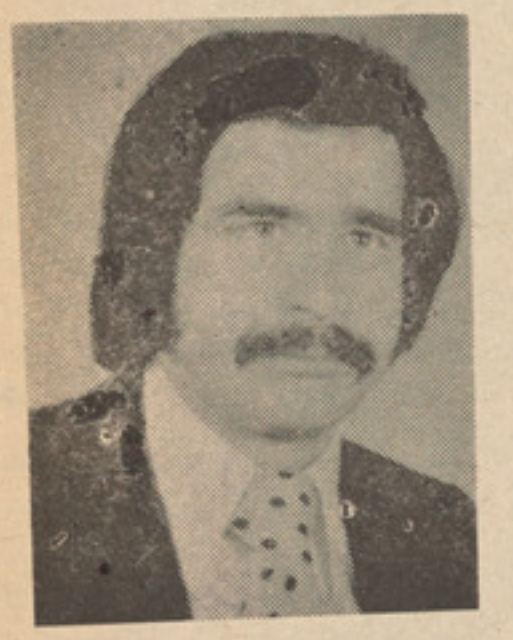

خجسته جمهوری دیمو کراتیك در کشورما استقراریافت زندگی مانوشده ...

بهار دوگانه

باستان سر زمین مابا داشتن عمر زیاد وبا این کهنسالی ایکه تاریخ‌شاهد آنست بها ران زیادی را بخود دیده است بهاران آمده اند ،رفته اند وباز هم آمده بار های دیگر نیز . ولی آن همه بها ران تنهابهار طبیعت بود یعنی در بها ران پا رینه بهار به معنی طبیعی کلمه و در چار جو ب موجود طبیعی (بجز انسان ایند یان) فر ا می رسید و با آمدن خود تنها نباتات وحیو انات را فیض می بخشید .

بلی در آن بها ران مشتی چند از انسان

این سر زمین هم بهره مندو متمتع‌می‌شد مشت محدود وانگشت شمار مفت خوا ران و با لائی ها، در بار ، منسو بین در بارسلطنتی قرون و سطا ئی‌وسایرطبقات‌واقشاراستثمار گر ومفت خوار .

انسان این سرزمین درطول اعصار وقرون پیوسته درین تکا پو بودند تا بهار را همه گا نی سازند تا بهار را خو شی آور برای همگا ن سازند تا فیض بهار را از چنگا ل بالائی ها ، مفت خوار ها وسلطان‌هابرهانند تا بهار سبزی آور و خوشی آور برا ی انسان های واقعی این دیاربعنی‌کسانیکه کار می کنند ، زحمت می کشند ، تو لید می کنند ، می دروند ، خرمن می کنند آرد می کنند و می پزند، زیرا آنو قت‌ها وقت ها ی بسیار طولانی بعد از انجام این همه کار هاوتامرحله ی آرد کردن وپختن برعهده ی زحمت کشان بود ولی بعدازآن یعنی برای خوردن حاصل آن همه رنج ها و زحما ت ،کسا نی دیگر می رسید ند ودر مقا بل چشما ن زحمتکشا ن وباپر داخت حد اقل به اصطلاح مزد که بخور و نمیری بیش نبود همه را تحو یل گدام ها وکندو های خود می کردند . پس بگو نید آیابهاران گذشته که آنهمه رنج وزحمت و حر مان داشت بهار واقعی انسان واقعی این مملکت بود ؟

وتازه تنها به یغما بردن حاصل دسترنج کا فی نبود این انسا ن ها ی مفت خوار که برای بدست آوردن سود وطعمه های‌هرچه بیشتر از هیچنوع کاری روگردان‌نبودند، بنا بر خصلت نظام های گذشته همه‌قدر ت دولتی را نیز یا بدست داشتندویابزیر فرمان شان بود وازین قدرت‌وبااستعمال این قدرت چه کار ها و مظالمی نبود که بر زحمتکشا ن تحمیل نمی کردند .

بها ران پر فیض وحاصل آور هما نا به ثروت وپول مفت خواران می افزودولی‌هنگامیکه بهار کم طراوت تر یعنی‌بی با رندگی وبه اصطلاح خشکسا لی می بود ضر به ی کشند ه ی آن دا منگیر ومتو جه دهقان وسایر زحمتکشان می‌بود خیلی دور نمی ر ویم همین سال‌های۱۳۴۹-۱۳۵۰را بیادبیاوریم که چه تعدا دهموطن بیچاره و بلاکشیده ی ما از گر سنگی جان دادند واز فرط فقرو تنگد ستی جگر گو شه های شانرا می فرو ختند ویا در کنار سرك ها رها می کردند .

آری بها ران تنها بها ران در باروهمدستان و کاسه لیسان آن بود . کار گران، دهقا نا ن ، روشنفکران مربو ططبقا ت‌متوسط وپا ئین ، ما لکین زمین ها ی کو چك‌وحتی تجارو سرمایه دار ملی ووطن پر ست‌درآن زمان ها بهاری نداشتند وپیوسته‌سیلی سلطنت ، فیودالیزم محتکرین وکمپرادور ها وغیره را می خوردند .

طوریکه قبلا گفتیم مردم افغانستان در طول تاریخ پر عظمت وحما سی خو یش با انحصار کنند گا ن بها ر جنگیده اند و از خورد قهر ما نی ها و سر بازی های بیشما ر ی در طی مبا رزه با آنها از خود بیاد گا ر گذاشته اند . ولی چون این مبا رزات‌پراگنده ومتشتت وبدون یك رهبری علمی بود بجز امتیا زات نسبی مو فقیت قا طع ورسید ن به بهار واقعی را باخود نمی داشت .مرد م افغانستان بعد از آنکه اولین انقلاب مرد می در همسا یگی شان در سال ۱۹۱۷ به پیروزی رسید ، دا نستند که یگا نه را ه نجات واقعی شان هما نا بمیان آمدن یك گر دان پیش آهنگ وآگاه می با شد که آنها را در راه جنگ با انحصا ر گرا ن بهار واقعی وچپا ولگران خو شی ها وآرامی شان بو جه احسن رهبر ی نماید هما ن بود که گر دان نجات دهنده و سر با ز خو یش را در جنوری ۱۹۶۵ تشکیل داد ند این حزب بمثابه پیش آهنگ همه نیروهای انقلابی و متر قی در کشور از همان روزهای نخستین تشکیل خود به مردم افغانستان در عمل نشا ن داد که می توا نند با جمع‌شدن بدور این شمع فروزان و ستا ره ی‌رهنمابه بهار واقعی و همه گانی دست یا بند. آری مردم افغانستان تحت رهبری حزب قهرمان وزنجیر شکن دموکراتیك خلق افغا نستان‌در ماه اپریل ۱۹۷۸ انقلابی‌را در کشور به پیروزی رسا نیدند که آرمان ها ی قرو ن متوا لی واعصار را بر آورده می سا خت .

در گیرو دارمبا رزات مردم افغانستان‌قبل از پیروزی انقلاب شکو همند ثور ، همان طور یکه دو ستا ن وطن‌ومردم‌حزب‌دموکراتیك خلق افغانستان را ناجی خود می شمردند دشمنان مردم ووطن مایعنی فیو دالیزم و امپر یالیزم وارتجا ع منطقه نیز در و جود این حزب زنجیر شکن دشمن ونا بود کننده ی خود را می دیدند . لذا در قدم اول باتلاش های مذبوحانه و تحر یك سلطنت فیو دالی علیه آن، خو ا ستند آنرا در نطفه ازبین بر ند .. هم‌و طنا ن‌ما بیاد دارند که فیودالیزم وسلطنت فیودا لی چه ضربه هایی که بر فعالین قهرمان این‌حزب وارد نکردند از به غل و زنجیر کشید ن و زندا نی سا ختن آنها ، ازبیکار ساختن وتبعید آنها توسط دولت همه وطند اران و حتی جها نیا ن آگا هند رحتی برای ار عاب ونا کا م سا ختن حزب دموکراتیك خلق افغانستان دست به ترور وکشتار اعضا ی قهرما نو تسلیم نا پذیر آن زدند و لی آن همه تلاش ها مذ بو حانه وبی تا ثیر بوده وعلاوتا سبب آبدید گی ووحدت بیشتر آنها شد و روز تا روز با مبا رزات پی گیرو انقلابی خود ، وطن‌ومردم وطن را به فرا رسیدن بها ر وا قعی‌نزد یك می سا خت.

امپر یا لیزم ودر را س امپر یا لیزم‌امریکا به‌کمك سلطنت ارتجاعی وفیودالیزم علا وه از سنگ اندازی ها ی متعدد در راه به پیروزی رسیدن مردم افغانستان بر هبر ی حزب قهرمان دمو کراتیك خلق افغانستان تو طئه ها ودسا یس دیگری را نیزعملی می نمود و آن اجیر کردن و جا سو س ساختن بعضی خا ئنین ووطن فر و شان بود . .

امپر یالیزم امریکا جاسوس نا مدار و مکارو محیلی چو ن.حفیظالله امین را برای پیاده کردن نقشه های آتیه‌ی خود به این حزب داخل نمود واین جا سو س در مراحل اول فعالیت خود به درز اندازی ها و اشعا با ت دست زد واز ین راه کمك های شا یانی به بادار و لی نعمت خود یعنی امپر یالیزم امریکا وسی ، آی، ای انجام داد .

ولی مردم افغانستان وحزب دموکراتیك خلق افغانستان علی الرغم توطئه‌ها، دسایس‌و دست اندازی های متعدد امپریالیزم، فیودالیزم، سلطنت فیودالی وارتجاع منطقه‌موفق شدند که به‌بهار واقعی دست یابند.

آری بهار سال ۱۹۷۸ (۱۳۵۷) مصادف بود با بهار واقعی مردم افغانستان یعنی بابه پیروزی رسانیدن انقلاب شکوه آفرین ثور مردم افغانستان به بهار واقعی دست یافتند.

در آن سال دو بهار باهم یکجا به استقبال‌مردم افغانستان آمد . بهار طبیعت وبهار پیروزی برظلم واستبداد واستثمار بیر حمانه مفت خواران.

گل‌های آرزوی‌مردم افغانستان‌درین بها ران به شگفتن آغاز یدند ، شگوفه هابارورشدند.

ولی قبل از آنکه میوه های آن کام تلخ مردم را شیرین بسازد واز این بهار ثمر بر-

گیرند اژدهای محیلی چون‌بادسردزمستان وزیدن گرفت وبعوض شیرینی‌آن‌همه میوه‌ها زهر تلخی به کام مردم ریخته شد. این اژدها واین بادسر وآمدن یخبندان بالای‌بهار آرزوهای‌مردم جز حفیظ الله‌امین‌وباندجنایتکارش چیزی دیگری نبود .

حفیظ الله‌امین این منافع امپریالیزم‌وارتجاع که قبلاء از طرف‌سی، آی ،ای وتحت رهبری وقوماندهی آن چون مار آستین درحزب جا -

گرفته بود اینك که مردم افغانستان به بهار واقعی دست یافته بودند نه تنها آنها را ازین بهار محروم ساخت بلکه غنچه های امید شانرا درگل بته ها پژمرد.این جاسوس‌ووطن فروش نامدار قرن آنچنان برهستی وشرف‌مردم تاخت وتاز نمود که حتی در گذشته ها هم نظیر آنرا ندیده بودند . انقلاب را از سیر اصلی‌اش بازهم بحکم باداران امپریالیستی خود به

بیراهه کشید. بهترین فرزندان حزب رایاتبعید نمود ویا اینکه در غل وزنجیر کشید وبه باستیل های خود فرستاد وچه بسا تعداد بی

شماری از هموطنان مااز جمله انقلابیون‌وطن پرست ، روحا نیون وطنخواه وخداپرست ،

دهقانان ،کارگران ، اهل کسبه و غیره را به کشتار گاهها فرستاد وحتی زنده زنده بگور کرد .

امین و کام خود ساخته ی او چنان کام‌مردم را تلخ‌نمود که هتلر کام مردم‌اروپاوسایر

سر زمین های غصب شده را تلخ نموده بود . امین می‌خواست باکشتن هاو بستن ها-

وسایر مظالم مردم‌افغانستان را ازامید به بهار واقعی متمتع شدن ازآن منصرف سازد !؟

بقیه در صفحه ۵۵

از لایف چکو سلواکیا

ترجمه سکوت

انسانها و دستها

چرا از دست راست تان بیشتر استفاده میمنایید؟

عموما انسانها را از نگاه استعمال دست به سه دسته تقسیم میکنند که این سه دسته عبارتند از آنانیکه هر کار را بادست راست اجرا میکنند و کسانی که با دست چپ مهارت بیشتر دارند واشخاصیکه با دست چپ وراست مساویانه کار میکنند.

اکثر مردم ترجیح میدهند در کار وفعالیت های خود از یك دست (دست راست) کار بگیرند و اختلاف زیادی در مهارت شان بین دست راست وچپ وجود دارد اما ممکن هیچ انسانی در جهان وجود نداشته باشد که از نگاه ارزش حیاتی یك دست خودرا نسبت بدست دیگرش مهم تر بداند وحاضر باشد که یکی از دست های او آسیب ببیند ویا بریده شود همچنان اگر ازکسانیکه با دست راست کارمیکنند ویادست چپ ،پرسیده شود که چرا از آن دست دیگر شان کارنمی گیرند دربین آنها اتحاد نظروجود ندارد یعنی اگر از فرد فرد کسانی که با دست راست کار می کنند پرسیده شود که چرا با دست چپ کار نمیکنند ویااز کسانی که با دست راست کار های را انجام میدهند سوال شود که چرا ازدست راست کار نمی گیرند هر یك جوابات مختلف خواهند داد.

بعضی از مردم عقیده دارند که کار کردن با دست راست یك موضوع ازلی است . برخی معتقد هستند که انسان از کودکی باین کار عادت می کنند وچون عادت کردند با کر تمرین بمرور زمان به همان دستی که کار میکنند مهارت پیدامینمایند بعد نمی توانند بادست دیگربا همان مهارت کار کنند و بخشی از مردم میگویند که این کار باثر قوای داخلی وجودانسان که دارای نفوذ زیادی میباشد در آغاز زندگی صورت می گیرد و رفته رفته انسان باآن عادت می نماید.

در جواب اینکه کدام یکی از این نظریات صحیح است باید بگویم که ممکن هر سه نظریه فوق درین کار موثریت داشته باشد. اما قرار مطالعات ومشاهداتی که به عمل آمده دیده شده که در میان فرزندان والدینی که با دست چپ کار میکنند، یکی دو فرزند آنها با دست چپ کار میکنند .

در هنگام تولد اکثر اطفال میلان دارند که یك دست خود را تکان بدهند وبحرکت آورند (عموما دست راست را) واطفالی که دست چپ خویش را حرکت میدهند در مقابل کودکانی که دست راست خویش را حرکت میدهند تعادل شان خیلی کم میباشد .

اگر درهمان کودکی نیز ازحرکت همان دستی که در طفولیت حرکت میدهد بطورمنظم جلوگیری نه نمائیم واو را وابداریم که دست دیگرش را حرکت بدهد باین عمل خودچندان موفق نمیشویم وباز هم مینگریم که کودك خیلی میل وآرزو دارد ومی کوشد که همان دستی را که خودش میخواهد حرکت بدهد واین ثبوت گرآنست که در نیمه اول سال تولد علایم ترجیح دادن یك دست نسبت بدست دیگر در کودك نگریسته میشود وانسان از همان روز گارمی داند که کودك میخواهد در آینده باکدام دست خود کار کند .

بهتر دانستن دست راست و تبعیض قایل شدن در مقابل دست چپ از زمان باستان درمیان همه اقوام جهان خصوصا در بین بابلی ها دیده شده وحتی بعضی هاعقیده دارند که بشر از روز گاری که آغاز بکار کردن کرده دست راست را نسبت بدست چپ ترجیح داده وعلت آن این بود که کسانیکه با دست چپ کار میکردند در میان آنها در اقلیت بوده و چون درزمانهای قدیم مردم معلومات علمی نداشتند این اقلیت بااختلاف اینکه کار های شان را در حضور اکثریت مردم با دست چپ انجام میدادند مورد اشتباه قرار میگیرفتند و انسانهای عجیب وغیر عادی تلقی میگردیدند.

بقیه در صفحه ٥٤

احمد ولید

ظاهر هویدا

استاد مهوش

هنگامه

سیما ترانه

قمر گل

عطر و آواز

دسته‌یی سینه سرخ تازه نفس
از دل سبز دره اوج گرفت،
عطر و آواز در هوای لطیف
بر سر شاخسار اوج گرفت

سایه‌یی از فراز تپه گذشت
تکه ابری ز چنگ باد گریخت
بوته‌یی زیر آفتاب شکفت
خار پشتی جهید و شاد گریخت

«وه! چه آهوی نازنین بدنی!»
دل تپیدن گرفت و تاب گرفت
«های صیاد من، درنگ درنگ»
عشق پوینده شد شتاب گرفت

کیانوش

بهار

شبنمی آهسته از چشمان برگ
می چکد بر دامن رنگین خاک،
گل می افشاند بچشم آفتاب
ناز خندی خوابناک

ناگهان از جای میخیزد نسیم،
شادمی رقصد میان شاخسار،
گفت و گویی نرم می لغزد بگوش
«هان بهار؟»
«آری، بهار»

د ښکلا پسر لی

ستا دمینی وږ می
زما دژوند غوټی گلونه کړل
او بیا:
هما غو گلو نو
ستا د ښکلا پسر لی وپسوله ...
نو را شه!
ماهم در سره په دغه پسر لی کی
در گډ کړه،
او
له یا ده می مه با سه!!؟

دو کتور زیار ۵-۱-۵۹

خوش بحال غنچه‌های نیمه باز

بوی باران ، بو ی‌سبزه ،بوی خاك ،
شا خه ها ی شسته،باران خورده ، پاك
آسما ن آبی وابـرسپید ،
بر گها ی سبـــزبید ،

عطر نر گس ، رقص‌باد ،
نغمهٔ شو ق پر ستـوهای شاد ،
خلوت گرم کبو تـرهای مست ...
نرم نر مك میر سداینك بهار ،
خو ش بحا ل روزگار !

خوش بحال چشمه ها ودشت ها ،
خو ش بحال دانه هـاوسبزه ها ،
خوش بحال غنچه‌های‌نیمه باز ،
خوش بحال دختـرمیخك ـکه می خندد بناز
خـوش بحـال جـام لبـریز از شراب ،
خـــو ش بحـــا ل‌آفتاب ،

ای دل من، گر چه‌ـدر این روز گار ـ
جا مهٔ رنگین نمـــی‌پو شی بکام ،
بادهٔ رنگین نمی بینی‌بجام ،
نقل وسبزه در میـان‌سفره نیست ،
جامت ـاز آن می که‌می باید ـتهی است ،

ای دریغ از تو اگـرچون گل نر قصی با نسیم !
ای دریغ از من اگـرمستم نسازد آفتاب !
ای دریغ از ما اگـرکا می نگیر یم از بهار .

گر نکوبی شیشهٔ غـم‌را بسنگ ،
هفت رنگش میشـــو دهفتاد رنگ !

فریدون مشیری

خندهٔ باغ

باد بازآمد و بوی گل و ریحان آورد
خندهٔ باغ مرا گریهٔ هجران آورد
بازگل‌های نواز درد کهن یادم داد
غنچه‌ها بر جگرم زخم چو پیکان آورد
بوی آن گمشده خویش نمی‌یابم هیچ
زان چه سودم که صبا بوی گلستان آورد

«ناصرخسرو بلخی»

غریو

ناگه اجلی از کمین برآید که : منم !
خیام

سحر با من درآمیزد که برخیز
نسیمم گل بسر ریزد که برخیز
زرافشان دختر زیبای خورشید
سرودی خوش برانگیزد که برخیز
سبو، چشمک، زنان، از گوشه طاق
بدامانم درآویزد که برخیز
زمان گوید که : هان گر برنخیزی
غریو مرگ برخیزد که برخیز !

نوبهار

کائناتو رنگ بدل کـړ خلك وایـــی‌نوبهار شو
دلا له دگل‌د پاسه‌بلبل بیاگډ په چغار شو
دجهان په نندا ر تون کی جو ړی‌نوی‌تما شی شوی
څوك رمی‌صحراته بیا یی څوك په‌هڅه‌دبل کارشو
نن دنوی ژوند پیغام دی پسر لـی‌بیا موږ ته را وړی
چا چی ځان‌دی‌ستړی کړی دهغوی وطن‌گلزارشو
دوږ می په بد ر گه کی بهارداسی‌زمزمه کړی
زړی‌هیلی‌شولی‌پا تی او س دنوو هیلووار شو
شاو خوا کی هنگامی دی‌دژوندون‌خبری اورم
یو احساس‌دی‌ژوندی شوی‌چی پری‌لروبربیدارشو
نوی کال سره ملگرو نوی فکـر هم پکار د ی
څوك چی تل‌کوی خوبونه دهغـوی عاقبت خوارشو

وطنپال

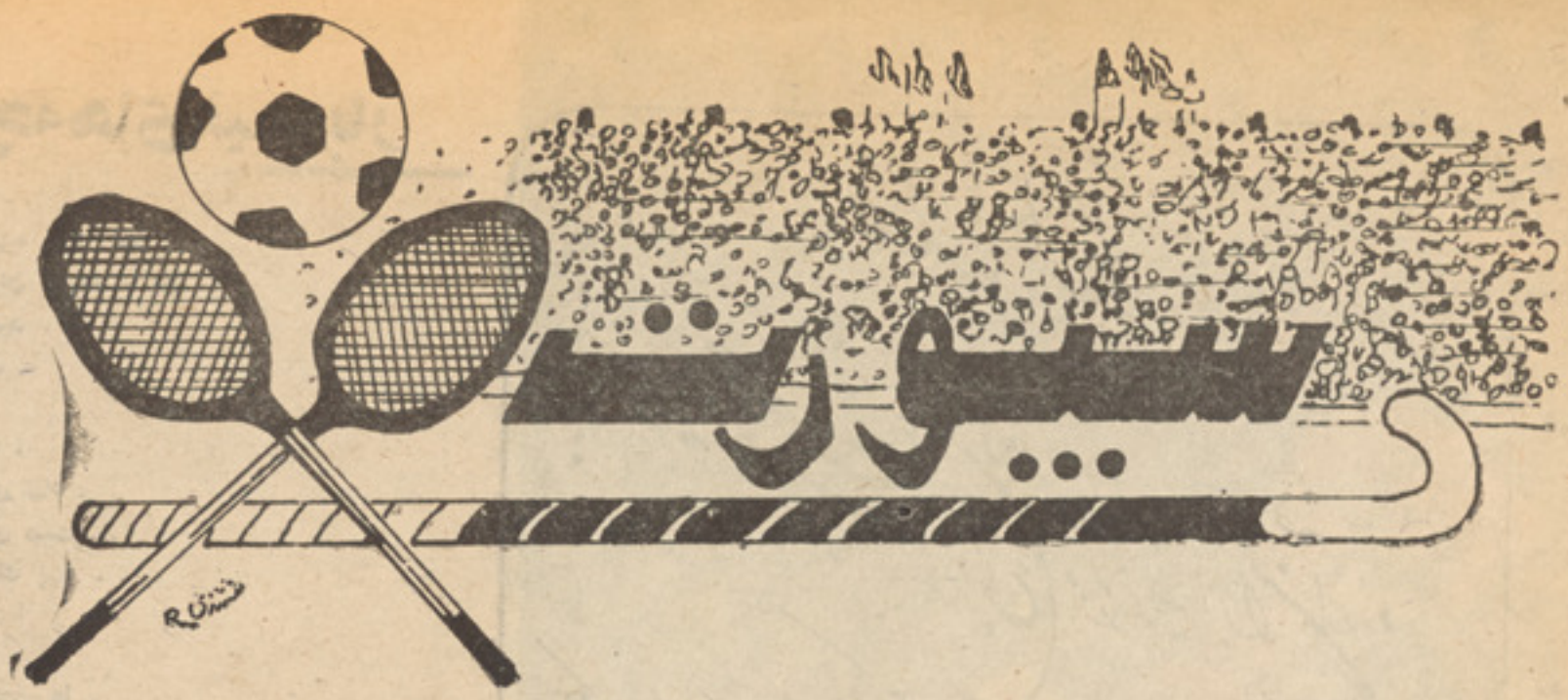

در کلپ ورزشی تعلیم و تربیه همه روزه ۴۵۰ شاگرد

تمرین می نمایند

ـ نامم محمد ضمیر مامور خارنوالی حرایم ولایت کابل هستم. آنقدر خسته هم نیستم اماباید بگویم که امروزدرمسابقات انتخاباتی تیم ملی شرکت نموده بودم وهمین چندلحظه قبل آمده‌ام‌که یك اندازه مانده می باشم .

ـاز مسابقهٔ امروز چه‌نتیجه گرفتید ؟

ـ درپایان مسابقات عضویت تیم ملی را کمایی وهمچنان بارثانی قهرمان وزن (۵۷) کیلوشناخته شدم . که از مدت چهار سال به اینطرف قهرمان‌همین وزن می باشم .

ـ چه انگیزه باعث شد تا پهلوان شوید؟

ـ اگر راستش را بگویم چندین سال قبل هروقتیکه در ستدیوم ورزشی مسابقات‌پهلوانی دایر میگردید من به تماشامی رفتم اینکه تشویق تما شاچیان آنو قت را مـی دیـدم وهمچنان افتخارات غالب ومغلوب را، در همین آرزو بودم تاروزی در میدان مسابقه ازطرف هموطنانم برایم کف زده شود، همان بود که کم‌کم به تمرین شروع کردم ومدت هفت‌سال میشود عضواین کلپ می باشم .

ـ از نظر خودت پهلوانان خوب در هروزن کی ها اند :

ـ ازنظرمن پهلوانان‌ورزیده وبا استعداد دروزن اول ابراهیم، دروزن دوم نجف علی ، درهمین وقت می خندد وگرفته گرفته میگوید دروزن سوم خودم در وزن چهارم محمدصدیق لوگری ودر کلاس پنجم غلام صدیق زرگر ودر کلاس ششم تاج‌محمد می باشند که‌درفش سپورتی افغانستان را با انرژی گرفتن ا ز شوربای کله درهمه جابلند نگهداشته اند، گفتم شور بای کله، باید بگویم که‌اکثر یت پهلوانان ما وضع اقتصادی شان همچو خودم آنقدر ها خوب نبوده وبعد از تمرین درکلپ خودرا رسانده اند به یك دکان کله پـزی که ازشور بای آن کسب کرده اند انـر ژی وکالوری تازه!

نامبرده افزود: از نظرمن یك پهلوان تـا وقتی موفق بوده می تواند کـه به تمر ین پابندی داشته باشد وهمچنان با مردم خـود رویه‌نیك‌داشته‌وآراسته‌به‌اخلاق‌سپورتی باشد در خلال صحبت می گوید :

اکثر پهلوانان شناخته شده ازهمین کلپ بدر شده‌اند، که ازجمله اعضای تیم‌ملی کشور که تعداد شان به بیست وشش نفر می رسد به غیر از دوسه نفر آن دیگر تماما در همین کلپ تربیه شده اند .

ـ در پهلوی مسابقات داخلی در مسابقات خارج از کشورهم شرکت نموده اید ویاخیر؟

ـ در مسابقات خارج ازکشور یکبار به ایران رفته‌ام که‌درمسابقات آنجا نتیجه نگرفتم بعدا در مسابقات پهلوانی پاکستان حصه داشتم که مدال نقره یامدال دوم مسابقات را نصیب شدم ودر مسابقه دوستانه ایکه بین پهلوانان اتحاد شوروی وافغانستان درآنکشور دایر گردید همچنان موفق‌به‌گرفتن امتیازی‌نشدم اماتخنیك‌هاوتکتیك‌های خوبی آموختم‌باردیگرسال گذشته جهت مسابقات رسمی به ایران رفتم چون وضعیت داخلی ایران خوب نبودمسابقات دایر نگردید .

در خلال صحبت چنین گفت : درصورتیکه درهرکلپ پهلوانی ترینر کلپ ورزیده باشد وبصورت درست وفنی با شاگردان کار کند. وهمچنان شاگرد پابند به تمرین باشد در مدت پنجسال ورزیده می‌شود.

چنانچه شش سال قبل یك استادپهلوانی اتحادشوروی بنام کلو سنیك همکار وترینر مابود ، که شاگردان همان دوره همه نام‌آور وقوی پنجه شدند که بعد از آن تاحال همچو استاد را سردچار نشده ایم .

دراخیر میگوید: پیام من به عموم پهلوانان وورزشکارن اینست تادر قدم اول وطن خودرا از هر اخلال‌گر ووطن فروش پاك سازند ، فروخته شدگان امپریالیسم را موقع ندهنددر درکشور زیاده ازین دست وپا بـزنند . ثانیا : هر پهلوان باید در وقت برد مسا بقه مغرور نشود وهمچنان درباخت مسابقه متاثـر چـرا که درهر باخت درسی مـی آمـو زد وبرای مسابقه بعدی آمادگی عام و تـام میگیرد .

این پهلوانان خردسال میگویند:
از همین حالا تمرین می‌کنیم تادر جوا نـی حریف رابه آنواحد چت نماییم. وروی دوشك هموارش کنیم.

چندتن ازنوجوانان وجوانان ورزش پهلوانی که‌باتمرین وممارست آیندهٔ درخشانی رادرقبال دارند

گروهی از وزنه بر داران کلب‌تعلیم وتربیه .

خود را از گیرو دار پهلوا نان رهانیده بسراغ وزنه بـــرداران میروم، در یك اطاق خرد حـــدود بیست وزنه بر دارد مصروف تمرین هستند ، یکی وزن ثقیل را بلنـــد می‌کند ، دیگری حرکت بازو میرود ودیگری... چون تعداد زیاد اســـت نمیشنود از هر یك پا سخ سوال‌را یاد داشت کنم ودر صفحه ور زشس چا پشس نماییم ور زشکار خو شس

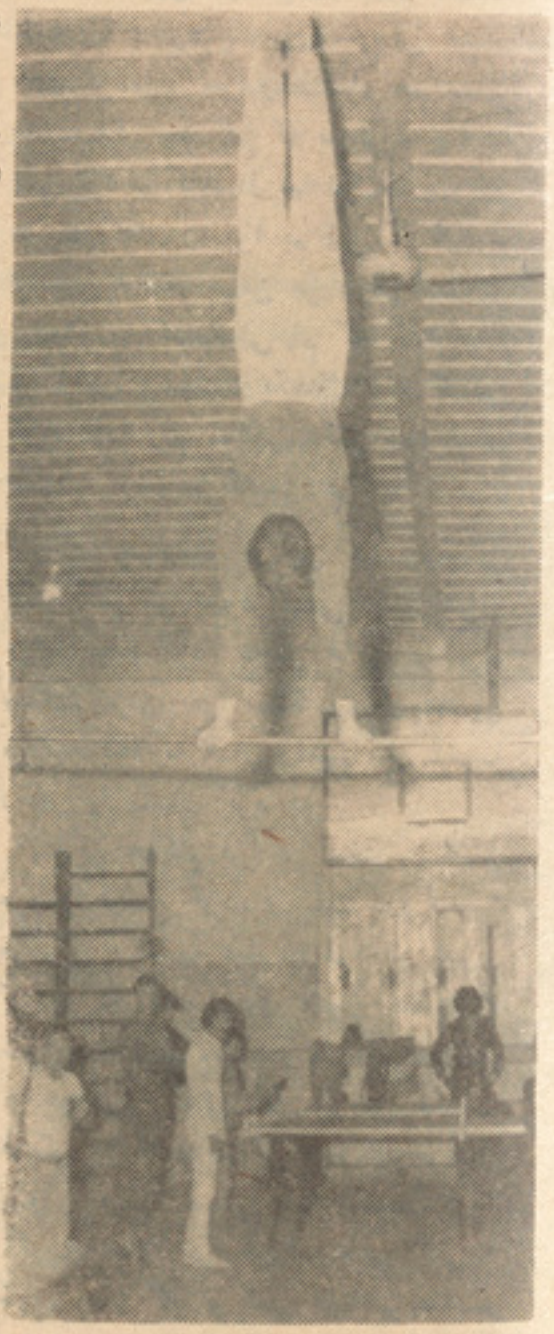

ورزشکار جمنا ستیك کـــه در محدودهٔ میله یك حالت دورانـــی را انجام میدهد .

اندا میکه معلوم میشود سا بقـــه سپور تی زیاد دارد نزد یکم میشود وبه نمایند گی همه گفتنی های خود را چنین میاغازد : اسمم تاج محمـــد وآریا قیضی تخلص می کنم مـــدت زیا دی میشود عضو کلپ‌تعلیم‌وتربیه می باشم .

از چند سال به این سو ور زشس می کنید ؟

ـاز سال ۱۳۴۳ تا سال ۱۳۴۹ عضو تیم فوتبال لیسه حبیبیـــــه بودم واز ۱۳۵۰ ـ ۵۳ افتخار عضو-یت‌تیم فو تبال دافغا نستان با نـك را داشتم ، امانظـر به عـلا قه ایکه به زیبایی‌اندام داشتم، فو تبـال‌را برا در خوانده، به زیبا یی انـــدام رو آوردم ، بعد از یکسال تمر ین ،در مسا بقات زیبا یی اندام حصه گرفتم ودر کلاس متو سط ســـوم شنا خته شدم . همچنان در ســـال ۱۳۵۷ در مسا بقات وز نه بر داری تعلیم وتر بیه در کلاس پنجم کپ قهر مانی نصیبم گردید .

همینطور در شش مسا بقه دیگر شرکت کرده ام که‌سه بار کپ سوم قهر مانی، دو مر تبه کپ دوم قهر ـ مانی‌ودر مسا بقات چها رده حـوت ۱۳۵۸ مقام اول را در کـلا س‌متو-سط حا یـز گرد یدم .

به پا سخ سوا لی چنین گفت: سپورت وز نه بر داری‌برای او لین بار در سال ۱۳۴۳ از طرف ریاست عالی ور زشس در کشور مـــا اساس گذاشته شد که بعـد از پیمودن مر حله قهقرا یی‌خود تا حال ادامه دارد ، اما متا سفا نه یـــا بگو یم بد بختا نه تا حال مسا بقات آزاد این ور زشس دایر نگرد یـــده تاتیم ملی انتخاب ودر پهلوی ورز ـ شکاران ممالك دو ســـــت مسا بقه بد هند . باید بگو یـــم ور زشس کا ران وز نه بر دار مـــا آنقدر ور زیده اند ، اگر تیم ملـــی انتخاب شود یقین دارم که ورزشس-کـــا ران وزنـــه بـر دار مـــا خود را در مسا بقات آسیا یـــی جازنند وافتخا رات خو بی را نصیب گردند ، اینکه تا حال چـــرا تیم ملی وز نه بر داری انتخاب نگرد یده نمیدانم چرا؟ شایدعلتی‌داشته‌باشد.

ـچون سپو رت وز نه بر دا ری یك سپو رت ثقیله می باشد ازنظر شما یك ور زشکار از کدام سن‌باید به این سپو رت تمر ین نماید ؟

ـبه نظر من بهتر یـن ســـن، هجده سا لگی می باشد که‌ور زشکار نباید دفعتا وزن را بلند کند بلکه قبـلا با ید وجود شس آما ده سپورت باشد یعنی اینکه قبل از سن هجده سالگی به سپو رت های دیگـــــر بپر دازد تا مقا ومت وجودشس‌زیادتر شود.چرا که قبل از سن هجـــده استخوان بندی وجود آما ده ایـــن ورزشس نمیبا شد اگر آنی ودفعتا وزنه هارابلند می‌کند در عو ضـــس مفاد ، ضر به شد یدی به پیکـــر شس وا رد خوا هـــد آمـد . بـه همین تر تیب اگر یك وز نه بر دار دفعتا این ور زشس را به کلی تـرك می کند ، باز هم نقص جبران نا-شدنی به وجود شس وارد می شود. قسمیکه در ابتدا از خورد وپاوشروع می‌شود تابه من وسیر، در وقـــت ترك‌دادن هم ازمن‌وسیر به‌چارك باید پائین آمد نه دفعتا به مثقال .

ـتعداد شا گردا نیکه با شمـــا تمرین می نمایند به چند نفر مـــی رسد؟

ـجمله یکصدو بیست نفر مـــی باشند که به‌پنج گروپ تحت یـــك پروگرام منظـم تمر ین می نمایند.

ـاز نظـر شماور زشس طبقه‌اناث در کشور ما در کدام سطـح وا قـع است؟

ـاز نظـر یك ور زشس کـــار خوب ور زشس اناث در کشور مـــا مر حله بسیار ابتدا یی اشس رادنبال می کند وآنهم علت دارد، اینکه در سا بـق تعصبات فا میلی زیاد بوده اکثر فا میل‌ها راضی‌به این‌نبودندکه دخترشس باید سپو رت کنـــدو ورزشکار بار آید البته بعد از انقلاب شکو همند ثـور وا لیبال وباسکتبال دختر ها تا اندا زه‌یی خوب وقا بـل دیدن شده است .

ـ در بالا برد هر چه بیشتر و بهتر سطـح ور زشس در جا معه‌خود چه نظـر دارید ؟

ـدر قدم اول آرزوی هر ورزشکار اینست که ور زشس شکل‌انحصا ری نداشته باشد که این خود سبب‌ور-شکستی ور زشس در جا معـــــه میگردد هر ور زشکار با ید آزا دو دلشاد باشد، دیگر اینکه تیم هـای انتخا بی ور زشی تشکیل گردد که‌به وجود آمدن تیم های زیاد خود با عث رقا بت های سا لم سپور تی‌گردیده ور زشس در جا معه خود بخو دبا را فراتر گـذا شته وبه مر حله عا لی خود می رسد ، دیگر تشویق شاگر-دان‌ور زشی است که ازترینـــر شروع وبه ریا ست عا لی ور زشس ختم می گردد در پهلوی این همـــه

یکتن از وزنه بر داران کلب‌تعلیم‌وتربیه که به وزنه برداری مشغول است .

بقیه در صفحه ۵۱

درمحکمهٔ فامیلی چه خبر است

کمتر شده است .

ـلطفا بگو ئید سر نو شت اطفال ایکه پدرومادر شان از هم جدا می شوند چگو نه تعیین گرد یده ؟

ـقا نون مدنی مکلفیت های زوج وزوجه را در قسمت حضا نت (تربیه ونگهداری طفل) تعین نموده ،هنگامیکه زن وشو هر از هم جدا می شوند ودر صور تیکه وضع زند گی هر دو طرف از هر حیث عا دی باشدحق‌او لیت بما در داده می شود تا نگهداری پسر صغیر الی سن هفت واز دختر تا تکمیل سن‌نه رابعهده بگیرد البته مصا رف طفل‌و اجرت حضا نت برای مادرازطرف‌پدر طفل پردا خته میشود در صو رتیکه مادر از حق حضا نت خود بگذ در به کسان دیگر که جر یان مفصل‌آن در ماده ۲۳۹ ،۲۴۰و۲۴۱ به‌تفصیل ذکر است به حضا نت طفل به اعتبار در جه حق داده میشود .

اطفا لیکه از سن حضانت گذشته باشند در صو رتیکه پدر دارای‌صفات واهلیت حضانت باشد بپدر تعلق می گیرد مگر در صورت دیگر اگر امین محکمه تصد یق کند که‌مادر نسبت به پدر خو بتر است وپدر دارای اخلاقی می با شد که تر بیه طفل در نتیجه نا قص بار آید ومادر هم‌تقاضای تر بیه طفل رانمایدمحکمه مصلحتا کودك را بما در شی می سپارد .

از رئیس محکمه فا میلی که از پو هنځی شر عیات فارغ شده ودر رشته حقوق در مما لك‌خارج‌تحصیلات خویشرا از طر یق پرو گرا مهای ترینگ انجادم داده می پر سم که بنظر شما یك قا ضی باید دا رای چه صفا تی باشد ؟

در پا سخ گفت :صفات‌برگزیده یك‌قاضی اینست که بیطر فی خودرا برای تامین عدالت حفظ کرده بتواند، تا وقتیکه قاضی‌افکار خودرا خالی از احسا سات وعوا مل‌خارجی برکنار نسازد قضا وت عا دلا نه کرده نمی تواند ، علم دا شتن به قوا نین عرف وعا دات‌منطقه از جمله ضروریات است ، ولی در قدم اول عا ملیت خود قاضی(مثل دا کتر روا نشناس) شرطهای‌اساسی موفقیت در کار است قا ضی با ید از علم‌روا نشنا سی بی بهره نبوده و قدرت‌آنرا داشته باشد که علل‌وعوامل اختلاف را در مسا یل حقوقی تشخیص‌دهد. بعباره‌دیگر همانطوری که‌برای طبیب تشخیص مرض جهت معالجه مریض از جمله ضر ور یات است قا ضی نیز باید در تشخیص علل اختلاف در مسا یل حقو قی‌و علل ار تکاب جرم در مسا یل‌جزا یی حاذق اباشد .

از رئیس محکمه فا میلی سوال نمودم در مسا له قضا یی از متودهای جهان تاچه حد پیروی می کنید وهم برای‌بلند بردن بیشتر سو یه‌قضات کدام پرو گرام های دارید ؟

گفت : در جواب با ید بگویم که وظیفه قا نو نگذار است که‌ازمتود های جهان متر قی پیر وی نماید، محکه فامیلی تنها به‌اساس قوا نین موضوعه مملکت ومقر رات شرعی ،عرف عا دات ورو یه های قضایی قبلی بمو ضوع رسید گی می کندوبرای بلند بردن سویه قضات کدام پرو گرام مخصو ص فعلاندا ریم مگر چون کار شان برا تیك‌است در زمینه تجربه‌حاصل می نما یند والبته در مواقع خا ص در صو رت لزوم دیدتمام اداره عا لی قضاسمینار های‌را جع بمو ضو عات‌خاص ویا عمو می دایر می گردد .

قا بل یاد آوریست که فعلا به تعداد هشت قا ضی داریم که پنج نفر آن ازقشر اناث‌وفارغان پوهنځی حقوق‌وشر عیات میبا شند . واین انتخاب از سببی است که خانمهای شاکی را اینها خو بتر قنا عت داده میتوانند وما تا حد زیاد مو فق‌بوده ومیتوا نیم بگو یم که در کارخود موفق وور زیده هستند .

ـاز رئیس محکمه فاملی خوا ستم تایکی‌از خا طره های دوره کار خود رابرای ماحکا یت کنند ؟

ـخاطرات من زیاد است طور مثال خاطره ایکه با عث‌تا ثر من شده اینست : یکروز دختر جوا نی که محصله صنف دوم اکا دمی تر بیه معلم‌در حا لیکه سنش کمتر ازبیست بود بایك مردی در حدود شصت‌سال اینجا آمدند که با هم از دواج می کنیم .مردداراى‌یك‌زن وپنج‌طفل‌بود، ازدواج اینها را من نظر به تجربه‌ایکه در محکمه فا میلی دا شتم نا مسعود تلقی کرده وبسیار تو صیه کردم که نسبت تفا وت سن ومتاهل بودن مرد مخصو صا مردیکه دارای پنج طفل بودوز نش هم‌از علم و تحصیل بی بهره نبود ودر یکی از ار گا نهای دو لتی وظیفه داشت به محکمه حا ضر شد واصرار ورزید که ازدواج بین شو هر ش‌وآن دختر صو رت بگیرد من وسا یر قضات اورا ملتفت عوا قب سا خته ومتذکر شد یم که این ازدواج‌باعث از هم گیسختگی یك فا میل وپنج طفل می گردد مگر زن گفت من‌با خانم جدید شو هرم مثل یك خوا هر گزران خوا هم کرد زیرا من به شو هرم علاقه فرا وان دا رم و آرزو دارم هر چه او بخوا هد به آرزوی خود برسد و بالا خره من درپای عر یضه شان عدم موا فقت خود را نظر بد لایلی که نزدم بود بصرا حت تحر یر نموده ومو ضوع رامسترد نمود م ولی مدت بیست روز بعد دیدم که مرد با خا نم جدید ش به محکمه آمده وگفتندکه مابا هم ازدواج کرد یم، من چیزی نگفتم وبعد از مدت سه ماه بود که خانم اولی در حا لیکه اشك ازچشمانش جاری بود به اینجا آمده و بعد ازاظهار یك سلسله تاثرات‌وشکایات گفت : م ن به نصا یح شما عمل نکردم ولی فعلا میدا نم که بد بخت شده‌ام زیرا شو هرم از مد تیکه با آن دختر ازدواج کرده بکلی تغییر کرده تمام قول وقرار ها یش رابا من‌بهم زده من‌وپنج طفلم رافراموش کرده‌وحتی قصد طلاق مرا نیز دارد وحیات ما را می خوا هد به تبا هی بکشاند . من برا یش چیزی گفته نتوا نستم تنها اینقدر افزدوم که خودت اینکار را کرده ای کو شش کن‌با شو هرت بسا زی و او راراضی کنی تابا طلاق زند گانی اطفال وخودت را خراب وتباه نکنی .

درین قسمت مصروف صحبت پیرا مون مو ضو عات مختلف اختلافات زن وشو هر وعوا مل طلاق و جلو گیری طلاق با را حله حبیب قا ضی محکمه فا میلی ولا یت کا بل بودم که دو مرد باز نیکه چا دری سبز بسر داشت وارد شدند ،یکی ازمرد هاخودش‌را برا درزن معرفی کرده‌و بدون مقد مه‌شر وع به‌سخن کرد:قا ضی صا حب شما ببینید این مرد به ناحق میخواهد خواهرم را طلاق بدهد اگر ایرادی داشت من شو هرش را حق بجانب میدانم ورویش را بجانب خواهرش نموده گفت خوا هر رو یت را نشان بده به همشیره ها، وزن بدو ن تا مل چادر یشس را پس زده‌و رو یش را برای نشان دادن بالا گرفت زن‌تا اندازه مقبول بود روی سرخ‌و سفید ، ابر وان پیوست ، بینی خوبی هم داشت وبسیار معصوم معلوم میشد سنش کمی زیاد معلوم می شد .

قا ضی(راحله حبیب) پر سید ببینم مشکل شما چیست ؟

شو هر زن که‌مرد میا نسال‌با پیرهن وتنبان نصوا ری‌و کلاه‌قره‌قلی‌با دا می که تا کنون سا کت ایستاده بود با لهجه اطرافی غلیظ به صحبت آمده گفت ، قاضی‌صاحب کار ، کا ری دل است ، دلم بند شده با وجود یکه زن خو بی هست پدر کرده عا جز ومظلوم هم می باشد مگر چه کنم که بد لم‌بس آمده نمی توا نم گناه از خا نوا ده همی‌زن هست که‌او را برا یم قبل از ازدوج نشان ندادند ، من مر د هوسبا زی نیستم با خانم‌قبلی ام که خدا بیامر زشی بیست ویکسال زند گی کردم ودا رای شش دختر ودو پسر هستم، وخودم آشپز می با شم ومدت چهارماه از ین عروسی ناخو شم می شود کسی اینه ختررا برایم پیدا کرد، دختر ها یم را فرستادم برای خوا ستگا ری وچند ین مراتبه بخا نه شان رفتیم مگر آنها دختر را پنهان کرد ند.

درین هنگام برا در دختر سخن مرد را قطع کرده و گفت دروغ چرا میگویی ، شب عید را فرا مو ش کردی که آمده بودی هنوز چندپاکت میوه ودو قاب سا عت هم آورده‌بودی وبخواهرم گفتی که از ین ساعت هایکی را انتخاب کن وبا او حرف زدی ، میتوا نستی هما نشب اورا نگیری حالا چرا اورا رهامی کنی ؟ خوب حالا که تو نمی خواهی ماهم ترا نمی خوا هیم .

بقیه در صفحه ۵۱

از ریدرز دایجست
نو یسنده :دو نا لد ـپسی تایت

مترجم:ن،سکوت

پندك‌ها وعده‌های جاودانی طبیعت

بمجر دیکه در خت بید پشم آلود معلوم شود با ید متو جه بود کـــه طبیعت کار شس را از نو آغاز مـــی کند زیرا نما یان گرد یدن پشمك های خا کستری جـلا دار درشاخه های سیاه رنگ در ختان بید نو ید دهنده پندك های است که در نـزد تعداد زیادی مردم ، خیلی عزیـــز ودو ستدا شتنی است زیرا نمایـان شدن این پند کها پیام آور آغـــاز سال نو است که همیشه با بهار می آیـد وبا بهار بطو مار زمان مـــی پیچد .

فصل بهار در حقیقت فصـــل پند کها یست که بدا خل آنها برگ گل ویاشا خچه های جد یدگنجانیده شده میبا شد . این را نیز بایـــد بدا نیم که‌هر یك پند كاحتیا جـات وضرور یات آینده خود را بدا خـل خود دارد وبدون پندك هیچگـــاه بر گی بو جود نمی آید وآثـار و علایم مر ض بشکل لکه های سفید ظاهر نمیشود ویا شا خچه بـــه لطف خاص بلای شاخچه های کهنه پهن نمیگرد د.

در منطقه ما که در ختان درموسم زمستان لچو بر هنه میبا شند میتوا ـ نیدیك پندك را در بیخ دمچـــه هر بر گ پیدا کنید بر گها باو جود که‌نشوونمای خالص«بدون تخم،قلمه» دارند اما باز هم نموی نطفه ای نیز دارند، ودر یك در خت کهنســال ممکن است بر گها ما نند نوك نا ـ خنها سطحی بنما ید اما با یدبدانید که بر گها در شا خچه ها ریشـــه های عمیـق دارند وتا رو پـــود آنها اصلا با مر کز شا خهای قویتر وقد یمی تر اشجار مر بوط ومنـوط میبا شد .

این برگها درآغاز فصل بهارطبق معمول آهسته، آهسته رشد مینماید و دریـــن ز مـــا ن آ ثا ر و ر م وآما س در آنها دیده میشودهم ـ چنان در همین‌هنگام‌است که پوست شا خچه هابه سبزی ما یل میشود. اگر با ری بکنار در یا جهـــت تماشا برویم ونباتات سبز رابنگریم وعمیق شو یم که پند كآنها چگونه در حال نمو میگرد ند ویا در میـان اشجار آنجا دا خل شو یم ومتو جه بازشدن پند کهای آنها که چـــون مشت انسان شل بسته میبا شـــد گرد یم ،میتوا نیم در زاو یـــــه دمچه بر گها ، بر عـلاوه پندكامسال پندك سال آینده را هم ببینیم که در محلی که باید باشد قرار دارد ودر زاویه اخیر الـذکر برو شنی خواهیم دیدکه پندك سال بعد نیز به چشـم میخورد .

بلی! این است خوا ص پند کهای هر نوع بته‌وهر گو نه اشجار .

متخصصین با تجر به ودانشمنـــد که‌در اند یشه کشف را ز هـــای اشجار بسر میبر ند ودر باره هـــر نوع در ختی به تحقیق وتجر بـــه میپردازند و هر نوع آنرا یـــا به وسیله فلسس یا پو ست آنهـــا پندك های زیبا و استوار کرا تیك را می بینند که فلسس بر نجی دارند واز این کاربه راز ها واسرار درون اشجار پی میبرند .

درختان «داك وود» دارای پند ـ کهای پیاز ما نند میباشند وپندکهای منگو لیا فلسس های بز رگ‌ابر یشمی مانند گو شس پشك دار ند . همچنان پوشس پند کهای بعضی در ختـــان چسپناك وسر شی میبا شد .

از این تـذ کرات‌معلوم‌میشود که این پو شها به هر شکل ونو عـــی که با شند برای حفا ظت پند کهـــا در مقابل سردی زمان وسیله خوبی محسوب میشود . درحقیقت پندکهای خزا نی یا تیر ما هی بـذات خـــود مانند یخ سرد میباشند زیرا با ثـر تجار بی که صو رت گر فته کرستل های یـخ از دا خل آنها بد ســـت آمده‌است اما این مو ضوع کـــدام ضر ری بر پند كکه در خواب مـــی باشد نمی‌رسا ند. همچنان ایـــن فلسها که ما نند پاکت های سرشی شده میباشند انساج نازك پند کها را در مقا بل خشك شدن حما یـه می کنند . زیرا باد های که حتـــی بر فها را هم تبخیر کرده میتوا نـد «بدون آنکه آب آنرا انسان دیـــده بتوا ند» ممکن است این پند کهـارا اگر این فلسهای سر شی شده بدور شان قرر ندا شته با شند از هـــم جدا سازد . از این جهت است که گرم شدن هوا در او یل فصل بهـار برای اشجار و نباتات خیلی خطرناك تمام میشود . چه انساج پند کهای آنها با زی خورده شروع به نشوو نما کرده باز میشو ند وبزو دی‌تو ـ سط باد های‌سرد خشك میشو ند.

اگر یك پندك تیر ماهی را قبـــل از آغاز فصل بهار از بین قطـــع نمائیم تاکرا سس شکن آن معلوم‌شود میتوا نیم که بدون ذره بین نیـــز بنگر یم که مادر طبیعت بطورماهرانه تمام سر سبزی آینده را که در تـا ـ بستان آینده رو نما میگردد در بین این پند كکو چك گنجا نیده است.

در طبیعت هیچگاه بر گهـــا روی همد یگر ما نند تیوب تلسکوب قـرار داده نمیشوند کـــه چملـك گردند و یا ر گ بر گهـا ی آ ن شکستا نده شود . زیرا این رگهـا هستند که هم ستون فقرات آینـــده بر گها را میسا زند و هم نلهـای شرایان آب و غذای برگ محسوب میشو ند در حا لیکه قات شـــدن انساج بر گها همه در بین رگ‌برگها وسایر رگها صو رت میگیرد .

در پندك آلو بر گ ها بد رازی شان تاب میخورد ودر بر گهای آلو ـ بالو ، شفتا لو ، سیب بدو طرف رگها مهم تاب خورده اند .

بر گهای در خت چنار و(سو یت گم) از آنجا که تعداد زیاد رگ‌برگ مانند پکه دستی که همه آنها در حصه آخر بر گ نقطه و صل شده اند مانند پکه در بین ر گها منسجم شده که توسط باد های تا بستـان باز میشو ند .

حینیکه برف هنوز در کو هها با ـ شد در زیر سا یه اشجار نا جـــو حرارت پند کهای تیر ما هی بیشتر وبلند تر شده میرو ند وهـــر روز تفا و تی در درجه حرا رت آنها بـــه وجود می‌آید علت اصلی این مسا له عبا رت از آغاز نمو نبا تات مـــی باشد که بـذات خود ما نند فعا لیت دویدن انسا نها ست واین مفهـــوم را مید هد که آکسیجن بیشتر برای دویدن ویا نشو نما بکار است بـه تندی نفس کشیدن ویا نشو ونموی سر یـع به معنی جریان شد یـــد عملیات او کسیدیشن میباشد کـه سر انجام منجر به تو لید حرا رت میشود لهـذا تعدا دی از پند کهـا تا وقت باوج رسیدن بهار صبـــر وحوصله ندا رند و بزودی آ غـاز بفا لیت می نما یند وحرا رتی را که تولید میکنند شا یدبرف دورو پیش شانرا آب نمایند . لـذا روی همین مطلب است که تعداد زیـاد اشجار کو های آلپ در وقتی گل میکننـدکه هنوز روی شان برف وجود مـــی داشته باشد .

چرا بعضی از پند کها در او یل بهار شکو فه میکنند وبر خی‌دیگـــر دراواخر فصل بهار و بخشی حتی در تا بستان وتعدا دی حتی در خزان گل میکنند .

طول روز های آفتا بی در ین مورد فکتور مهم وکنترول شده آن است‌از تحقیقات وتجا رب جد ید معلوم گر ـ دیده که بر خی از نبا تات در روز های کو تاه وشب های دراز شکوفه می کنند این شکو فه ها عبا رت از شکوفه‌های اولی‌آنهاست‌وقتیکه‌روزها دراز میشو ند وشب ها رو بکو تاهی میگـذا رند شکو فه های آخـــر فصل بهار ، شروع به شکو فـان شدن مینما یند .. همچنان تابستان طولانی وشبهای کو تاه منجر بـــه شکوفه های تا بستا نی میشو ند.

در یك در خت چیز یکه فوق لعاده مهم است عبا رت از مو قعیت پندك هابروی شا خچه ها میبا شد زیـــرا پند کهای که در روی شا خچه هـــای قدیمی تشکیل شده با شند آمـــاده شکوفه کردن در فصل بهار میباشند واگر پند کی بروی شا خچه بهاری تشکیل شده با شد وقت کا فـــی برای تکمیل نمو نطفه ای خود درین فصل بهار ندا رد وشا یـد هم این نوع پند کها در ایام تیر ماه‌گل کنند مانند در خت «وچ هازل» که گلهـای سبزو طـلا یی آن بعد از آنکـــه اکثـرا بر گها افتید ند ونخستیـــن

بقیه‌درصفحه۵۸

از: ولد هلت

ترجمه‌داود زهدی

سال نو و کودک نو

شاید در ابتدا جواب این سوال برای شما تردد آمیز باشد ونزد خود بیندیشید که آیا درخانه ویا در شفاخانه ، در کدام یکی از این دومحل، میتوانید به آسانی ، یك طفل طبیعی وزیبا بدنیا آورید .

آیا در هنگام ولادت شوهر شما نیز آنجا حاضر باشد ویا خیر !

جواب این سوال شمارا داکتر سوزان گرت میدهد. وشمارا رهنمایی میکند که چطور خویش را برای بوجود آوردن نوزاد تان آماده گردانید .

ولادت یك کودك، یکی از واقعات خیلی مهم زندگانی انسان محسوب میشود . در زمانهای قدیم عموماولادت ها، بدون آنکه، متخصص ، ادویه ویا وسایل مغلق امروزی وجود داشته باشد وبکار برده شود در خانه ماصورت می گرفت .

امروز، هر انسان شهری، فهمیده میتواند که علم وتکنالوژی، تاچه اندازه ولادت های دیروز را دگرگون گردانیده وبرای مادران سهولت پدید آورده اطمینان خاطر بخشیده وراه ها وطرق دیگر زایمان راباز نموده است .

خانه یا شفاخانه :

ولادت در خانه بعضی سودمندی هارا حائز میباشد چه مادران، در ماحول شان احساس آرامش مینمایند واعضای فامیل شان رابدور وپیش شان میداشته باشند . اگر قرار باشد که تولد طفل در خانه صورت بگیرد این عمل چنین معنی میدهد که مادر صحت سالم وبرای ولادت در منزل آمادگی دارد .

اما اگر نوزاد نخستین‌طفل‌مادر وباصطلاح اول باری باشد ویا سن مادر از مرز میان سالگی گذشته باشد ویامشکلاتی‌دربار داری های سابق وی رونما گردیده باشد بایست باومشوره دادکه در شفاخانه ولادت کند .

ولادت در شفاخانه رانیز میتوان درصورتی توصیه نمود که‌وضع مادر خوب نباشد و به‌امراض ازقبیل بیماری شکر، یاپرابلمها ی قلبی، مصاب ویا دشواری های رادر ولادت های قبلی اش سهری نموده باشد حتی اگر یکی از این موضوعات وجود نداشته باشد ومادر بخواهد طفلش را در شفاخانه بوجود آورد میتواند باین عمل اقدام نماید چه در حقیقت باپذیرش شفاخانه، مساعی ممکنه‌اش را، در جهت سالم بدنیا آوردن کودکش ، بخرج میدهد .

جای شك نیست که شفاخانه ها دارای وسایل کافی اند وتا اندازه زیادی میتوانند، از حدوث وقایع غیر مترقبه و اضطراری جلوگیری بعمل آورند . زیرا، متخصصین ورزیده در مورد لوازم، بصورت فوری میسر می‌کردند.

گذرانیدن یك مدت کوتاه، بعد از ولادت در شفاخانه زمینه را برای مادر مساعد می گرداند تابدون آنکه به سایر مسایل‌فامیلی، متوجه باشد، کودك خودرا، به آرامش خاطر ببیند واز صحت وسلامت او اطمینان حاصل نماید .

اگر شما وطفل شما، هردو دارای، صحت کامل میباشید مدت توقف تان را، درشفاخانه از ٤٨ ساعت تایك هفته طولانی تر نگردانید زیرا برای اعضای خانواده و دوستان تا ن سرگردانی های پدیدمی‌آید.

این طفل سالم وصحتمند ،متحیرانه به چه نگاه می‌کند

موجودیت شوهر در هنگام ولادت :

امروز اکثر شفاخانه های جهان، اجازه میدهند که شوهران در هنگام ولادت اطفال شان حاضر باشند زیرا آنان میتوانند کمك های اخلاقی، تشویقی ویا مددگاری های‌مهمی را ، در جهت سهولت بخشیدن زایمان زنان شان، بعمل آورند .

اکثرپدران، با سهم‌گرفتن در این تجربه، احساس همدردی کرده وبعداز آن رابطه زنا- شوهری شان مستحکمتر گردیده است .

البته این تصمیمی است که مربوط طرز تفاهم بین زنان وشوهران میباشد وتا اندازهٔ زیادی به‌تفاهم آنها تعلق‌دارد.

چگونه‌میتوانید بخودکمك کنید؟

اکثر از داکتران عقیده دارند که ، یك مادر اگر بخواهد وتجارب سایر مادران و توصیه های داکتران را ، بکار ببندد میتواند خود ونوزاد خود را ، در هنگام زایمان کمك زیادی کند .

مطالعات وتحقیقات تازه ، این نظریه را تائید ونشان میدهد . مادرانیکه ، قبل از ولادت کورسی را ، درین رشته خوانده در هنگام ولادت درد های کوتاه مدتی راگذرانیده وبه ادویه جات مسکن کمتر ضرورت احساس نموده اند . همچنان زایمان برای این چنین مادران یك تجربه شادی انگیز بوده وآنان به کمترین مشکلی فرزند شان را بدنیاآورده اند .

شفاخانه ها ویا مراکز صحی‌محلی، عموماً این گونه کورس های قبل از ولادت رابرای مادران دائر مینمایند وطی جریان کورسها در پهلوی فهماندن موضوعاتی از قبیل روش های نوین‌پرورش نوزادان‌بانها تلقین‌مینمایند که بدون از فکر و تشویش خود را برای زایمان آماده سازند .

همچنان مادران درین کورسها پیرامون بار داری نورمال ، درد زایمان ، ولادت‌طفل تطبیق ادویه بی حسی موضعی، مراقبت ازسینه ها، تغذیه کودك توسط پستان وسایرمسایل تربیه سالم اطفال مطالبی را فرامی‌گیرند .

اگر شما مایل مساعدت باشید .

چند ماه قبل از ولادت به زایشگاه مراجعه کنید وازکار کنان آن مساعدت بخواهید آنان بکمال خورسندی شمارا ، رهنمایی و مدد کاری خواهند کرد ودر ضمن خواهند گفت که‌شماچطور استراحت کنید چه‌سپورت های را انجام بدهید وچگونه عمیقانه نفس بکشید وروحاً خویش رابرای طفل بدنیا آوردن آماده گردانید .

شوهر شما نیز میتواند تا اندازه ای درین راه برای شما کمك نماید مشروط براینکه‌به او اجازه بدهید تا در هنگام زایمان حضور داشته باشد .

چگونه نجات از درد :

برخی از زنان ، بدون کمك نیز ، با درد زایمان ، مقابله کرده میتوانند بخصوص اگر آنها تجاربی اندوخته باشند وتوصیه های‌قابله ها وداکتران را بگوش داشته باشند . اما بعضی دیگر اززنان ،محتاج‌کمك وادویه جاتی می‌باشند تاآنها را ، از چنگ درد های شدید نجات داده بتواند . این چنین زنان با وجودیکه ، خود را روحاً خیلی زیاد ، آماده کرده باشند مگر در هنگام زایمان بمشکلاتی مواجه می گردند وبصورت فوق‌العاده دردمی کشند. قابله ها وداکتران باید به‌زنان مذکور دلداری بدهند وکمك کنند . اما آنها باید بدانند که درد های زایمان گوناگون بوده وهر زن ، یك انسان بخصوصی است ودردها با وجودیکه بیك نوع جریان می‌یابند ولی در اصل متفاوت میباشد .

طریقه ها وشیوه های مختلف برای جلوگیری از درد وجود دارد . اما متاسفانه هیچ یك از این طریقه ها وروش ها صد در صد موثر نمی‌باشد وهریك آن دارای نقایصی می‌باشد .

امروز ادویه جات زیادی وجود دارد که‌درد را ازبین می‌برندامّا «پیتی‌داین» موارداستعمال

زیاد دارد این ادویه توسط پیچکاری «روجود مادر تزریق میشود وخیلی موثر میباشد .

اما نقص این ادویه درین است که شاید بروی چنین اثر سوء بگذارد. اگرچنین شود، نوزاد به آهستگی نفس می‌کشد وگریه‌می کند اما دراکثر موارد تاثیر ادویه‌مذکورآنقدر مهم نمی‌باشد .

از تحقیقاتی که‌درین تازگی ها صورت گرفته این نتیجه بدست آمده که نوزادانی که ، مادران شان در هنگام زایمان «پتی‌داین» گرفته اند میلان زیادی بطرف دنیای خواب داشته ودر روز های نخست زندگی در هنگام گرفتن غذا به مشکلاتی ، مواجه میباشند که این برای یك مادر جوان خیلی هراس‌انگیز می‌باشد زیرا وی احساس می کند که طفلش ، دردی دارد که نمیتواند شیرش را بخوبی وبدون تکلیف صرف نماید .

همچنان امروز گاز های نیز وجود داردکه مادران میتوانند خود شان آنها را تطبیق کنند، از جمله این گاز ها سه نوع آن قابل‌تطبیق است . که نمیتوان نسبت سود مندی و زیانمندی آنهایکی را بدیگرش برتری‌داد .

اگر مادری بخواهد استعمال یکی از این گاز هارا ، فرا گیرد میتواند بیکی اززایشگاه ها مراجعه نماید . موظفین شفاخانه ها ، برای او می‌آموزند که چطور ماسك گازرا ، بالای بینی خود بگیرد وتنفس نماید آنچه

که مهم پنداشته میشود وباید بخاطر سپرده شود این است که شما وقتی گاز را تنفس می‌کنید انقباض صورت می‌گیرد واین انقباض شکل درد را نمیداشته باشد باوجودیکه تنفس گاز همیشه منجر به‌نجات از درد نمیشود ولی میتواند وضع مادر را در مقابل درد بهتر سازد . البته تنفس گاز، مادر را خواب آلود میگرداند .

بر علاوه گازها ، ادویه جات ، بی‌حسی ، جلدی نیز وجود دارد . این نوع نجات‌دادن از درد ، دارای مفاد زیاد می‌باشد زیراتاثیری روی جنین نداردواز هرده واقعه در ۹ واقعه آن بدون آنکه صدمه‌ای روی صحت مادر وارد گردد ، موثریت ثابت دارد .

مادرانی که در شفاخانه ولادت می‌نمایند واز این نوع ادویه جات استفاده مینمایند در هنگام زایمان بکلی به هوش می‌باشند .

اما بااین هم بی‌حس کردن جلدی دارای نواقصی نیز است . که خوشبختانه آنقدر موثر نمی‌باشد .

یکی از نواقص آن عبارت از کم شدن فشار خون وتولید سر دردی شدید برای‌مادر است .

البته‌درتطبیق این نوع ادویه جات مهارت

وتجارب زیاد خیلی بدرد میخورد وچون تعداد زیاد داکتران در تخنیك استعمال آن مهارت ندارند ، بکار بستن ادویه جات بی‌حس‌کردن موضعی چندان گسترش پیدا نکرده است .

آیا درد بکشیم یاخیر؟:

اگر شما بدانید که در کدام روز ، طفل تان بدنیا خواهد آمد سود فراوان می‌برید .

زیرا برای آن روز قبلا ترتیباتی گرفته میتوانید ، آمادگی روحی برای تولد نوزاد تان میداشته باشید وحتی برای درد کشیدن نیز خویش را آماد میگردانید ودر لحظاتی که به شفاخانه میروید هیچگونه تشویشی نمیداشته باشید .

زنانی که نمیدانند کدام روز طفل شان بدنیا خواهد آمد بمشکلاتی گرفتار می‌گردند زیرا چندین روزرادر شفاخانه می‌مانندهمچنان چون وقت زایمان این چنین زنان بدرازا می کشد لذا داکتر ومتخصصین مجبور میشوندواز از طریقه وادارکردن مادر به ولادت کارنگیرند بهترین وموثر ترین‌روش وادارکردن ولادت عبارت از چکانیدن «آکسی تاکسن» است .

آکسی تاکسن ، یك ادویه محرك در انقباض‌و انبساط اعضا بدن بوده وکار درد زایمان را ایفا می‌کند .

وقتی این ادویه بداخل رگ عقب دست میگردد بکار خود آغاز ودرد را بوجودمی‌آورد اما باید متوجه بود که آکسی تاکسن ، به مصاب ساختن اطفال به بعضی عوارض موثر میباشد .

سیزارین (طفلی که‌دراثر پاره شدن شکم بدست می‌آید

طوریکه گفتم ، نقایصی زیادی به شمول تکلیف صحی، درطریقه های ولادت های‌فوق‌الذکر وجود دارد وهیچ زن نمیخواهد نوزاداو بمشکل بدنیا بیاید .

اما اتخاذاین تصمیم که‌در هنگام موجودیت مشکلات چگونه طفل شما بدنیا آورده شود مربوط بخود شما است . البته ما نظریه داریم که اگر دانسته شود که خطر متوجه مادر ویا نوزاد میباشد بهترین طریقه برای درامان ماندن طفل ومادراز خطر، جراحی شکم‌است.

اگر چه برای مادری که از این طریق نوزادش را ، بجهان می‌آورد این نا امیدی دست میدهد که نتوانسته بصورت نورمال زایمانش را ببیند . اما این چنین مادران ، نباید تشویشی را بخود راه بدهند وبخاطر داشته باشند که این عمل‌را بخاطر زندگی وسلامتی وجود او وطفلش صورت پذیرفته وچانس اینکه در آینده ولادت نورمال داشته باشد خیلی زیاد است .

شیردادن طفل توسط بوتل یاپستان

قبل از ولادت در هنگام بار داری از شما سوال می‌شود که چطور میخواهید به کودك تان شیر بدهید . شاید اگر شما تصمیم گرفته باشید که کودك تان را خود تان شیر بدهید از این سوال احساس غرور وشادمانی می‌کنید .

همچنان اگر آرزو داشته باشید که از راه پستان ، طفل خود را ، تغذیه نکنید نباید احساس قصور را بخود راه بدهید زیراشیر دادن طفل توسط شیر چوشك نیز قناعت‌بخش می‌باشد .

اما تاهنگامیکه سوال فوق از شما بعمل می‌آید اگر کدام تصمیمی نگرفته باشید باید متوجه مفاد زیادی که تغذیه کودك از راه پستان مادر دارد باشید

طفل را درکجا نگهداری کنید

دراین روزها برای مادران ، ضرورت‌واهمیت در بغل گرفتن طفل شان ، خیلی مهم تلقی میشود .

قرار تجاربی که‌به عمل‌آمده ثبوت‌گردیده که ۲۴ ساعت بعد از ولادت برای طفل و مادر زمان خیلی حساس است زیرا در همین ساعات است که روابط طفل ومادر بنیانگزاری میشود واگر درین ساعات مادر از کنارفرزند دور باشد در استحکام این روابط خلل وارد میگردد . باین منظور امروز اکثر شفاخانه های دنیا، ترتیباتی گرفته اندکه مادرمیتواند تاحد امکان وجود واکسیر محبت خود مستفید گرداند . حتی اگر مادری بنابر بیماری و مشکلات بعد از ولادت از کودکش دور نگهداشته شود سعی میشود تا باندازه‌مطلوب از طفل وارسی نموده بتواند .

یکی از متخصصین معروف بنام داکتر «لیپویر» مولف کتاب «ولادت به‌سهولت»توصیه میکند که خیلی سعی وکوشش بکار برود تانوزاد آرام ومستریح ودر محیط مملو از شادی وشادمانی بوجودآید. متخصصین‌مذکور می‌گوید که‌مادر نوزاد باید تشویق گردد تا با طفلش در جریان ولادت حرف بزند .

تاثیر این عمل هرچه باشد اما این گونه ولادت ها، بطور خیلی روشن پیوند روحی طفل ومادر را مستحکم وعشق وعلاقه انسان‌را افزون ترمی گرداند .

آینده اش چگونه باشد :

آنانی که عمر شان را در راه تربیه اطفال ومددکاری مادران باردار بپایان رسانیده اند، تجارب ارزشمندی را، در چگو نگی بدنیا آوردن، از خود بیادگار گذاشته اند .

مثلا ولادت نشسته که یکی از اشکال ولادت طبیعی بوده وامروز نیز یکی از بهترین‌طریقه ولادت در شفاخانه ها میباشد .

عده‌ای از مردم فکر می کنند که ولادت های طبی نسبت به‌ولادت های طبیعی، پیشرفته است وباید سعی وتلاش صورت گیرد تا در آینده کودك به آرامش وسلامت بوجود آید ومادر در هنگام ولادت کوچکترین مشکل وتکلیف نبیند .

پیوسته بگذشته

مراقبت بهتر طفل

در واقع به منظور تعدیل وضع موجود ه بطر ف بهبود ی اقدا ما ت زیا دی را میتوا ن از طر یق تطبیق پرو گرا مهای وسیع‌وقایو ی در زمینه به عمل آورد یك معیار عمو می بمنظور اطمینا ن در موفقیت به مبارزا ت مصو و نیت با هر گونه اقدام در رشته صحت عا مه بصورت عمو م ضرور ت حتمی حصو ل دانش و همکار ی مرد م که مستقیما در پرو ژ ه دخا لت دارند میباشد .

با درنظر داشت آنچه که تذ کر داده شد (دولت جمهور ی دموکر اتیك افغا نستان) باپیروزی مرحله نوینی‌انقلاب شکوهمندثورباب

تازه گی در زندگی مرد م این سر زمین کشو ده شد و دولت جمهور ی ما تلاش میورزد که شعار عا لی انسا نی را که « صحت حق طبیعی خلق است » به زود ترین فرصت تحقق بخشد . دلیل ثا بت که ما را متیقن می سازد که این اهدا ف مانند دیگر پلان ها ی دولت که در عمل پیاده گردید جا مه

بقیه در صفحه ۴۷

نویسنده: الکسی تولستوی

طفولیت نیکیتا

مترجم: دوکتور خدایداد بشرمل

درخت عید مسیح ...

یك درخت بزرگ یخ زده صنوبر به‌اطاق پذیرائی کشیده شد ـ پکون ، وقت زیادی را صرف بریدن وچکش زدن باتبرش نمود تا آنرا برصلیبی که باید برآن می ایستاد نصب کند . بالاخره درخت را بلند نمودندو درخت بحدی بلند بود که قامت آن در زیر سقف خم شده بود . باد سردی از درخت می آمد اما تدریجاً شاخچه های یخ زدهٔ نرم‌شد و بحالت نورمال خود باز گشتند اطاق را بوی صنوبر فرا گرفته بود ـ اطفال : زنجیر های کاغذی وصندوق‌های وسایل زینتی را به‌اطاق پذیرائی آوردند ، چوکی ها را گردا گرد درخت گذاشتند وبه آرایش‌کردن آن پرداختند. چون وسایل زینتی بقدر کافی بدسترس نداشتند مجبور بودند مخروط های کاغذی بیشتر برای توزیع شیرینی آماده سازند ـ وچارمغز ها را برنگ طلائی اندوده کرده تار های نقره‌ئی را به کیك ها وسیب ها بسته کنند ـ اطفال‌را تاشام‌بکار مصروف نمودند... لیلیا در حالیکه سرش را بالای بازوانش گذاشته بود بخواب رفته بود .

عید مسیح (کرسمس) فرارسید . تزئینات درخت تکمیل شده بود ـ درخت رابا اشیای برزرق وبرق طلائی ونقره‌یی پوشانیده‌بودند، زنجیر های کاغذی را آویخته وشمع ها را در شمعدان های کوچك رنگه جاداده بودند ـ زمانیکه همه چیز آماده گردید مامی گفت : ـ«بچه ها ، حالا دور شوید تاشام برسد ، باطاق پذیرایی نروید حتی اشاره هم نکنید.» درآن روز نان چاشت را ناوقت وباعجله‌صرف کردند ، اطفال همان‌پودنگ سیب را خوردند، اطاق پر ازغوغا بود ، بچه ها یکدیگر راآزار می‌دادند ومی گفتند که تاشام چقدر انتظار بکشند ...

حتی ارکادی ایوانوویچ هم یك کرتی فراك ویك پیراهن نخودی رنگ پوشیده‌بود، نمیدانست با خود چه کند واز یك کلکین‌به کلکین دیگری اشپلاق زده می‌گشت ، لیلیا پیش مادرش رفت . آفتاب باهستگی بسوی غروب نزدیك شده می‌رفت ویك رنگ گلابی خفیف را بخود اختیار کرده بود ، ابر ها چهره اش را پوشانیده بودند ، سایه های ارغوانی ایکه کنار چاه بر روی برف های سفیدافتاده بود دراز شده می‌رفت ، بالاخره مامی بچه‌ها را گفت که باطاق رفته و لباس بپوشند ، نیکیتا بر بسترش یك پیراهن ابریشمین‌آبی یافت که نقش ستون فقرات ماهی را دریخن، دور آستین ودامنش داشت . یك کمر بند ابریشمی نیز آنجا دیده می‌شد . او لباسش را پوشید وپیش مادرش دو ید ، نیکیتا موهایش را باشانه مرتب کرد بعداً در برابر آئینه قد نما ایستاده سرا پای خود را بدقت تماشا کرد ، او در آئینه یك جوان خوش لباس وبا سلیقه زیبا را بنظر آورد ، یقیناً او خودش‌نخواهدبود ؟ «آخ ، آخ ، نیکیتا!» مادرش آهی کشید وسر ورویش را بوسید «کاش همیشه همینطور یك جوان خوب و آراسته باشی .» مادرش گفت .

نیکیتا از اطاق با غرور خارج شده بسرعت روان بود ، ناگاه دختری را دید که با لباس سفید ملبس بوده وبطرف او می آید . بلی آن دختر جوان یك لباس سفید در خشان‌با یك دامن کوچك چیت بر تن داشت ، یك بوی کلان سفید نیزبر موهایش دیده می‌شد، زلفانش تا شانه‌ها آویخته بود، پیش‌نیکیتا آمد وبسویش بایك ادای خاص سلام داد .

«آیا فکر می‌کردی که من شبح یا خیال بودم ؟»آن دختر پرسید ..«از چه می‌ترسی؟» این را گفت وباطاق مطالعه وارد گردید وبر روی کوچ نشست ... نیکیتا هم به تعقیب او رفته ودر گوشهٔ دیگر کوچ قرار گرفت ... بخاری روشن بود ، کنده های چوب قوغ‌های آتش ایجاد کرده بودند . یك نور سرخ قسمت های عقبی چوکی های چرمی ومجسمهٔ نیم تنهٔ «پوشکین» را که بین دو صندوق کتاب قرار داشت روشن ساخته بود . این نور سرخ هردم گل وبل می‌شد .. لیلیا بی حرکت بجایش نشسته بود طوریکه فروغ آتش بخاری رخسار گرمش را نورانی تر ساخته بود ... وکتور نیز یك یونیفورم آبی با تکمه های چلا دار ویك یخن گلاباتونی طلائی بر تن داشت ویخنش را طوری محکم بسته بود که بمشکل حرف زده می توانست.. وکتور بریك چوکی بازو دار نشست ،همچنان ساکت ، دراطاق پذیرائی که نزدیك اطفال بود آواز مامی وانااپولو سوفنا بگوش می رسید ، آنها بسته هارا باز می کردند وچیزی رابر زمین می‌نهادند وباآهستگی‌سخن می‌زدند وکتور می‌خواست از سوراخ کلید آنها را به‌بیند اما از آنطرف آن را باکاغذ سریش کرده بودند .

بعداً اطاق بیرون بسته شد ، آنها صدای بعضی اشخاص وآوازپاهای شان‌را شنیدند.. این اطفال ده بود که رسیدند ، نیکیتا باید می‌دوید تاآنها را خوش آمدید بگوید ، لیکن نمی توانست از جای خود حرکت نماید، یك نور آبی رنگ از خلال کلکین ها تابید، درین اثنا لیلیا با صدای لطیف گفت :«یك ستاره بر آمده ،»

ناگهان دروازه های اطاق مطالعه باز گردید، اطفال از کوچ پریدند ، در اطاق پذیرائی از زمین تاسقف ، درخت عید مسیح باتعداد بیشماری از شمع های فروزان می‌درخشید . جرقه وشعاع های نور آن طوری معلوم‌می‌شد که گویا یك درخت‌آتشین بهرسو طلا،جرقه ها واشعه های دراز نور پخش میکند . این نور ثقیل بود که ازآن بوی حرارت ، بوی برگ های صنوبر ، موم ، رنگ سرخ وکیك های دوائی گرم شده از آن می‌آید .

اطفال از دیدن این مناظر دلاویز مبهوت ایستاده بودند وبسوی کیك هامی دیدند ...

از دروازه های خارجی اطاق پذیرایی،اطفال ده وارد صالون شدند ونزدیك هم کناردیوار ایستادند ویکدیگر را فشار میدادند ، همه آنها بوت های نمدی را از پا های خود کشیده وجراب در پا داشتند لباس ها ی شان سرخ بود، بعضی گلابی وزرد پوشیده بودند ، دستمال های شان هم زرد و لاکی وسفید بود .

مامی به نواختن (رقص پولکا) توسط پیانو شروع کرد، وقتیکه پیانو می نواخت باتبسمی که برلبانش داشت بسوی درخت دور خورد واین نغمه را سرود :

« ماهی خوار با اینکه لنگ های بسیار دراز دارد »

«اما دو باره بوطنش آمده نمی تواند ...»

نیکیتا دستش را بسوی لیلیادرازکرد، لیلیا دستش را بدست خود گرفت در حالیکه فروغ تابناك درخت در چشمان شان منعکس شده بود ، اطفال خاموش و مودب ایستاده بودند . ارکادی ایوانوویچ بسوی جمعیت دختران وپسران دوید ، از دست های شان گرفت ودورا دور درخت باآنها برقص شروع کرد .. سپس نیکیتا ولیلیا ووکتور وبالاخره همه حاضرین واطفال دست های شان را بهم داده در اطراف درخت عید مسیح برقص پرداختند ، کودکان ده این نغمه را می سرودند :ـ

(حالامن طلاپنهان می کنم، طلا پنها ن می کنم).

(حالا من نقره پنهان می کنم ، نقره ...)

نیکیتا یك کاغذ مخصوص را از درخت گرفت وآنرا باز کرد، در میان آن یك سرپوش دراز نوك تیز بایك ستاره وجود داشت ... دیری نگذشت که کاغذ ها ی ادویه بهر طرف منفلق می شدند ، بوی‌باروت وفش فش کلاه های کاغذی بهر طرف منتشر می گردید .. لیلیا یك پیش بند کاغذی جیب دار رابرتن کرد، رخسارش مانند سیب سرخ بود . لب هایش از اثر خوردن چاکلیت رنگین شده بود، او همیشه وقتیکه به گودی کلانش که زیر درخت عید مسیح گذاشته شده بود می دید می خندید..

در زیر در خت همچنان بسته های کوچك کاغذی را برای بچه ها ودختر های ده گذاشته وآن بسته هارا بدستمال های رنگا ـ رنگ بسته بودند ... وکتور شکل یك نظامی را داشت با خیمه وتوپ ـ ونیکتیا یك زین چرمی ویك قیزه وقمچین اسپ سواری داشت ....

حالا آواز شکستن مغزیات و لوزیات‌شنیده می شد ... اطفال وقتیکه تحفه های شان را باز می نمودند از بینی های شان نفس های عمیق می کشیدند ...

مامی بازهم پیانو می نواخت ، کودکان گرداگرد درخت کرسمس می رقصیدند و می سرودند ، اما شمع هابه آخر رسیده بودند وارکادی : پایین وبالامی دوید تاآنهارا خاموش کند، درخت تاریکتر شده می رفت. مامی پیانو را بسته کرده وبه حاضرین گفت: باطاق نان تشریف ببرند، ارکادی باعده‌از پسران و دختران باطاق نان روان شدند ....

در دهلیز ـ لیلیا کمی توقف کرد تا نقشش را تازه کند وبطرف نیکیتا با چشمان بسر خنده دید . آنها نزدیك ایستگاه در دهلیز ایستاده بودند ، جائیکه بالاپوش ها را می آویزند ...

«چرا خنده می کنی ؟» لیلیا پرسید .

«توخود بخود می خندی» نیکیتا جواب داد .

«وچرا بسوی من می‌بینی ؟»

نیکیتا سرخ شد ، باو نزدیکتر شد ، او نمیدانست چطور چنین واقع شد ، بسوی‌لیلیا پیش رفت واو را بوسید ـ او فوراً گفت : «تویك پسر خوبی هستی ، ترا دوست دارم برایت نگفته ام زیرا نخواستم کسی بداند ، این یك راز است .» هردو باطاق نان وارد شدند .

بعد از چای ـ ارکادی ایوانوویچ یك‌بازی برد و بای راترتیب داد. اطفال ازفرط سیری خسته بنظر می رسیدند ـ نمی دانستند که چه باید بکنند .. بالاخره یك بچه کو چك که‌پیراهن خالدار بتن داشت به‌چرت رفت، از چوکی اش افتاد وبه گریه آغاز نمود ..

مامی گفت که مراسم تشریفات درخت کرسمس پایان یافته ...کودکان به راهرو، جائیکه بوت های نمدی ولباس های شان را پهلوی دیوار گذاشته بودند رفتند ـ پوستین هاو بالاپوش های شان را پوشیده در آن‌شب سرد بسوی خانه های خود حرکت کردند .

نیکیتا ،اطفال را تانزدیك درمشایعت کرد، وقتیکه دو باره بخانه مراجعت نمود ، قرص ماه باحلقهٔ نور درخشان می‌تابید ..در ختان در پرتو مهتاب درازتر بنظر میرسیدند . بسمت راست یك دشت سفید وسرد دیده می‌شد . یك سایه یا یك شبح باسر کلان وپا های دراز در پهلوی نیکیتا در حرکت‌بود.. نیکیتا احساس کرد که در عالم رویاء در قلمرو افسانوی یادردنیای خیال قدم می‌زند. تنها قلمرو خیال یادنیای افسانوی در حین مواقع پر سرور نشاط بوده میتواند ...

بد چانسی وکتور ...

درروزهای رخصتی : وکتور باملیشکا ـ کوریا شونوك رفیق شد وبه حوض پائین با او رفت ودر گودال عقب حوض یك دژ نظامی ساختند ـ یك منارهٔ برفی باچاردیواری مکمل با دروازه ها وکمینگاه ها .... بعداز آن وکتور به گروه کونچان مکتوبی نوشت: «شما آهنگران خروس چشم کونچان که یك موش رانعل کرده اید، ما شما را چیزی خواهیم داد که مارا فراموش نکنید ـ ما ، در جبهه انتظار شما را خواهیم داشت ... »

(وکتور بابکن) ورزشکار کلاس دوم

قوماندان جبهه

آنها نامه را به یك چوب میخ کردند و ملیشکا کور یا آنرا بقریه برد وآن را بر یك تپه‌ی برف کنار کلبه ارتامون نصب کرد.

سیومکا ، لیونکا وار تامو شکای صغیر ، الیوشکا و وانکای سیاه گوش وبرادر زاده ها: ساوسکا پتروشکا نزدیك چوب‌بر تپه برف برامدند وبرای مدت زیادی به جمعیت کونچان اخطار می‌فرستادند ، توپ های برف برآنها می‌انداختند وبعداً باملیشکا کوریا شونوك رفته وجبهه را اشغال کردند ..

وکتور به آنها دستور داد که گلوله ها با جسامت های مختلف تهیه نمایند ـ اوشان در داخل دیوار جبهه گلوله ها را انبار نمودند یك‌بیرق را بایك دسته‌نی بر قله مناره‌در اهتزاز در آوردند ودر انتظار دشمن نشستند ـ

نیکیتا آمد ، باستحکامات آنها نظری انداخت ودست هایش را در جیب هایش برد . «کسی نخواهد آمد ، جبهه شما خوب نیست ، من نمی خواهم با شما بازی کنم ، خانه می روم .» «یکدختر را پیدا کن وباو بازی نما .» وکتور این سخن را گفت .«دختر کش !»پسران ارتامون‌باصدای بلندخندیدند وینکای سیاه گوش با انگشتان خوداشپلاق کرد . «اگر می خواستم تمام شما را ازجبهه تان بیرون می کردم .»

نیکیتا گفت ، «تنها اینکه شما ارزش آنرا ندارید که دست هایم را به شما آلوده‌سازم» وزبانش را بسوی وکتور بر آورد واز کنار حوض بخانه رفت .

گلوله های برف بسویش پرتاب می شد اما حتی او پشت سرش را هم ندید ..

آنهائیکه در جبهه نشسته بودند دیرانتظار نکشیدند ، از سمت ده ، از روی آب هائیکه برف روی‌آن‌را پوشانیده بودبچه های‌کونچان آمدند ، آنها مستقیماً بطرف جبهه آمدند در حالیکه تا زانو در برف فرو می رفتند ـ همه در حدود (۱۵) نفر بشمار بودند .

وکتور از قهر برای شان گفت که آنهارا مانند چوب سوخت پارچه پارچه خواهد کرد. چشم هایش را دور داد . پسران کونچان در دروازه های جبهه توقف کردند وبعضی ازآنها روی برف نشستند . آنها پسرکی را که‌شال مادرش را پوشیده بود نیز باخود داشتند ـ گروه کونچان توسط ستیویکا رهبری می‌شد ـ او جبهه را بادقت دید ومستقیماً بطرف دیوار حرکت کرد .

«این بچه‌رابادکمه‌های جلادارش بما تسلیم کنید .» ستیویکا گفت .« ماگوش هایش را در برف خواهیم مالید .»

وکتور هوای سرد را استنشاق می‌نمود ـ ملیشکا آهسته گفت : «یك کتله‌ی برف را بردار وبرسرش بزن.» وکتور یك‌کتله‌ی برف را برداشت وآنطرف انداخت اما نتوانست هدف را بزند ـ کرنوشکین با گروه خودش عقب رفت . پسران کونچان بساختن گلوله های برف مشغول شدند ـ گلوله های برف از جبهه زمستانی بسوی شان پرتاب می شد. پسران ارتامون خاصتا در پرتاب کردن‌گلوله مهارت داشتند . آنها نخست پسرکی را که در شال مادرش پیچیده بود مورد هدف‌قرار دادند . پسران کونچان به مقابله وعکس‌العمل پرداختند . گلوله های برف از هر دو طرف در هوا پرتاب می‌شد وبجانب همدیگر زده می‌شد . دیرك با ملحقات آن از بالای مناره افتاد .

وانکای سیاه گوش از دیوار افتاد و به کونچانی ها تسلیم شد ـ ناگهان کلاه‌وکتور افتاد ویك گلوله دیگر برف برویش اصابت کرد ـ پسران کونچان بغوغا پرداختند ، چیغ زدند واشپلاق نمودند ..

وبه جبهه حمله نمودند ... دیوار شکست و دفاع کنند گان ازنی زارکنار تالاب گریختند...

درگلدان بالای ساعت چه است ؟...

خود نیکیتا نمی دانست چرا بازی کردن بابچه ها برایش خسته کن است ـ و خانه رفت کلاه وکرتی اش را برآورد و وقتیکه به اطاق هال داخل‌شد صدای لیلیا که‌با مادرش سخن می گفت بگوشش رسید .

«مامی ، آیا از روی مهربانی برایم یك پارچه قالینچه پاك خواهی داد ؟»، والنیتنا ، گودی جدیدم ، لنگش را زخمی کرده ومن راجع به صحت او تشویش دارم .»

نیکیتا خاموش ایستاده شد وسروری‌را که در تمام آن روز هاداشت احساس کرد ، خوشحالی اش بحدی زیاد بود که گوئی‌یك صندوق موسیقی یاریکارد طرب انگیز درقلب ویا کدام جای از وجوش گذاشته شده و یك نغمه وآهنگ دلربائی را می نوازد .

نیکیتا باطاق مطالعه رفت ، وبر کوچ در جائیکه لیلیا دو روز قبل آنجا نشسته بود بیادش نشست وچشمش را به کلکین‌دوخت ـ بمطالعه یاد داشت‌های خود متوجه گردید ضمناً نقش های کلکین یخ زده را عمیقاً مورد ملاحظه قرار داد ... آنجا نقش های غریب وقشنگ دیده می‌شد ـ نقش ها ازسر زمین پری ها ـ از جائیکه صندوق موسیقی بی صدا نواخته می‌شد ـ در آنجا شاخچه ها، برگها ، درخت ها واشکال عجیب و غریب حیوانات وانسان ها وجود داشت ، وقتیکه اوبه نقش ها میدید ، نیکیتا احساس نمودکه کلمات خود بخود پهلوی هم قرار می گیرند وسروده می شوند ، واینکه این کلمات و جمله ها مبهوت کن واین نغمه ها تا فرق سرش سوزش تولید می نماید ، نیکیتا با احتیاط از کوچ لغزید و پارچهٔ کاغذی را بر میزکار پدرش جستجو کرد وبه نوشتن قافیه ها بحروف کلان شروع کرد :

آخ، جنگل من، توجنگل منی ..
توسرزمین پری های منی، جنگل من !
توازپرنده هاوحیوانات وحشی مملوهستی ..
آدم های وحشی کلمات مبارکی را نجوا می کنند ،
جنگل ، من ! من به توعشق دارم ..

بسیار مشکل بود اضافه از آن راجع بجنگل چیزی بنویسد، نیکیتا نوك قلمش را جوید وبطرف سقف خانه دید، حتی کلماتی را که او نوشته بود همان کلمات نبو د که کسی قبل آن را خود سرانه وبرای آزادی شان سوال کرده بود. نیکیتا شعر فوق راسراپا خواند ومورد پسند ش واقع شد ، او کاغذ راهشت قات کرده به جیب‌گذاشت ، اوباطاق نان رفت ودر جائیکه لیلیا پهلوی کلکین نشسته بود و مشغول دوخت بود نزدیك شد. دست های نیکیتا از عرق‌مرطوب‌شده بودو با دلیلی که نزد خود داشت نمی توانست آن شعر را به لیلیانشان بدهد .شایدباین‌دلیل که مبادا لیلیا از بعضی کلمات شعر برنجد. وکتور در تاریکی خانه آمد . از شدت سرما آبی گشته وبینی‌اش پندیده بود. اما اپواو ـ سوفنا دست هایش را روی هم زد ..

اناابولو گفت : «آنها بینی اورا دو باره شکسته اند ... باکه جنگ کردی ؟ فورا جواب مرا بده .»

ـ «با هیچکس جنگ نکرده ام، بینی ام خودبخود پندید ، هوابسیار سرداست...»

وکتور با افسردگی جواب داد و باطاقش رفته بربسترش دراز کشید ...

نیکیتا به تعقیب آن رفت وبپهلوی بخاری ایستاده شد.در آسمان نیلگون چندستاره ظاهر شده بود . گویی که با سوزن کشیده شده اند ...

«آیا علاقه داری که برایت یك شعرراجع به‌جنگل بخوانم ؟» نیکیتا پرسید:

وکتور شانه هایش رابالاانداخت وپاهایش رابردستهٔ چپرکت گذاشت :

«توباین سیتو بکا کر نوشکین گفته می توانی که برایش بهتر خواهد بود که با من دو باره روبرو نشود .»

«آیا میدانی ؟»نیکیتا گفت : «این‌شعر یك جنگلی را تشریح‌می‌کند، این‌یك جنگلی است که بچشم دیده نمی‌شودامما همه کس‌راجع به آن می‌داند، اگرحالت خراب باشد آن شعر جنگل را بخوان ، احوالت بهتر می شود ...» ، یا اینکه بعضا، میدانی ، چیزی را در خواب‌می‌بینی که بسیار خوب است نمیدانی چه هست ؟ اما چیز خوبست ، بیدار می شوی اما بیادآورده نمی توانی که چه بوده ... فهمیدی ؟»

«نی، من نمیدانم .» وکتور گفت : «و من نمی خواهم که به شعر هایت گوش دهم .»

نیکیتاآهی کشید ، یك لحظه‌نزدیك بخاری ایستاد وبعد بیرون رفت .

در دهلیز کلان که با آتش بخاری گرم وروشن شده بود، لیلیا بالای یك صند وق نشسته بود در حالیکه پوست گرگ را در بر داشت .. او شعله های آتش را تماشا می کرد، شعله هابروی آتش می رقصیدند . نیکیتا پهلویش نشست ، از اثر حرارت‌بسوی بالاپوش ها وهم بوی اشیا ی کهنه که بالای الماری قرار داشت بمشام می رسید ..

«بیاکه کمی گپ بزنیم،» لیلیا با تا مل شروع کرد ، «چیز دلچسپی برایم بگو،» .

«آیا علاقه داری که در مورد خوابم‌برایت بگویم، خوابی که چند روز قبل آ ن را دیده‌ام ؟..»

«بلی، لطفا، راجع به خواب خود قصه کن» .

نیکیتا به گفتن خواب جالب‌خود، بادیدن پشك، تصاویریکه زنده شدند، چطور پرواز کرد، ووقتیکه نزدیك سقف پرواز می کرد چه دید، شروع کرد ، لیلیا بدقت گوش میداد . گودی اش راکه یك پایش پانسمان شده بود در دامن خود جاداده بود، وقتیکه قصه اش را تمام کرد لیلیا بسویش دورخورد در حالیکه چشمانش از ترس و کنجکاوی برآمده بود ؟

«در گلدان چه بود ؟» او با آهستگی پرسید :

«من نمی دانم .»

«باید هم چیز دلچسپی در آنجا باشد .

«اما من آنرا در خواب دیدم .»

«فرقی نمی کند، باید توآن را می دیدی، تویك بچه هستی ، توچیزی را نمی‌دانی، بگوکه آیا شما حقیقتا گلدانی مثل آن دارید ؟»

«مایك ساعت مثل آن داریم .» اماگلدان رانمی دانم . ساعت در اطاق مطالعهٔ پدرکلان است . کار نمی کند .»

«بیا که برویم وببینیم...»

«آنجا تاریکی است » ...

«مایك چراغ را از (درخت عید) خواهیم گرفت، تو چراغ را بیار ، لطفا بیار ..»

نیکیتا باطاق پذیرایی رفت‌ویك‌چراغ‌را که‌کلکین های رنگه ساخت شیشه معدنی داشت از درخت عید برداشت ، آن را روشن کرده دو باره بدهلیز رفت .

لیلیا یك شال پشمی کلانی را دور شانه ـ هایش پیچاند ، کودکان وحشت زده براهرو برآمدند وبسوی اطاق های تابستانی رفتند دراطاق کلان صالون که سقف بلندی داشت روی کلکین‌ها یك طبقه ضخیم‌یخ‌نشسته بود ، نور ماهتاب سایه های غلیظ شا خچه های درختان را برآن انداخته بود ، اطاق سرد بود وبوی سیب های گنده بمشام می رسید، دروازه های بلوطی ایکه بین دو اطاق قرار داشتند نیمه باز بودند ..

«آیا ساعت در آنجا هست ؟» لیلیاپرسید:

«نی، پیشتر، در اطاق سوم قرار دارد .»

«نیکیتا ! آیا تو از چیزی نمی ترسی؟»

نیکیتا دروازه را کش کرد، باآوازرقت‌انگیزی بازشد وآن آواز در اطاق خالی انعکاس کرد، لیلیا از بازوی نیکیتاگرفت، چراغ لرزید وشعاع‌های‌سرخ وزرد آندر دیوار ها گل وبل می شد .

بچه ها به نوك پنجه باطاق دیگر داخل شدند ، در این اطاق : نورماه از ورای‌کلکین هامی تابید وصحن زمین را روشن و سفید ساخته بود . چوکی های باز ودار را هدار: نزدیك دیوار وکوچ کج پادر کنج خانه گذاشته شده بود، سر نیکیتا گیج میخورد «آنها بسوی مامی بینند،» لیلیا درحالیکه با انگشتش بسوی تصاویر دیوار اشاره می‌کرد.. تصویر آن مردوزن سال خورده ... به آهستگی گفت :

اطفال ازاطا ق دویده ودر وازه دیگر رابازنمودند ، اطاق مطالعه را فروغ‌مهتاب‌روشن ساخته بود .. جام های شیشه ای .. الماری های کتاب وپوش های مطلای‌کتاب ها همه در پرتوماه درخشان می تابیدند ، بالای بخاری دیواری، در نور مهتاب : خالمی که لباس سوار کاری را برتن داشت طور مرموز می خندید ...

«این کیست ؟ لیلیا در حالیکه به نیکیتا نزدیك شد پرسید :

«این آن زن است ..»نیکیتا به آهستگی جواب داد :

لیلیا سرش را شور داد ، اطراف اطاق را دید وناگهان فریاد زد :

«گلدان ، نیکیتا !، ببین ..گلدان!...»

در انتهای اطاق یکساعت دراز در یك صندوق چوب شیشم بنظرمی رسید، رقاصهٔ ساعت بی حرکت آویخته بود، دربالای ساعت دربین دو قبهٔ مخروطی، یك گلدان بر نجی که کلهٔ شیر را نشان میداد گذاشته شده بود، نیکیتا هیچگاه آنرا ندیده بود اماحالا میدانست که این گلدان همان گلدانی است که آنرا قبلا در خواب دیده بود ، او یك چوکی را نزد ساعت گذاشت ، بالای آ ن برآمد وبا اینکه بانوك پنجه اش ایستاده شد به گلدان رسید، در میان گلدان کمی گردوخاك ویك چیز سخت بدستش تما س کرد .

ناتمام

شعر از: محمد نعیم (جوهر)

فصل نوبهار آمد

بازآن فصل نوبهار آمد
باز بوی شگوفه زار آمد

از دل کوه وسینه صحرا
لاله بامژدهٔ بهار آمد

بهر ماوقت کشت وکارآمد

گل دراین باغ زود سر بکشید
خارو خاشاک راز بـر بکشید
یکقلم این بهار دارد عیش
غنچه هارا به سیم وزر بکشید

باد نوروز چه خوشگوارآمد

فصل پرشور نو بهار رسید
مژدهٔ وصل آن نگار رسید
همه کس رابه خویش جلب نمود
(جوهر) رفته در دیار رسید

باز آن میلهٔ مزارآمد

ساحل خورشید

دریا نورد زندگی ، باقایق زمان
دربحر بی کران رهٔ زنده زیستن ،
باعشق آتشین
درراه زندگی
عاری زبندگی
باموج های تند، باکوسه های خشم
پیکار می‌کند
لیکن بردو راهٔ پیمان راستین
آن پیکر غنوده به‌انوار ، راه را
در تند باد هستی پندار آرزو .

طوفان موج تند، درآغوش می‌کشد
اما، که موت تن شده ، از خشم موجها
خود رابه شمل ساحل خورشید می‌کشد

ع، فکور

چخوف میگفت :

ترجمه : غلام معروف

من بدون مهمان زندگی کرده نمیتوانم!

این سال ، یکصدو بیستمین سالگرد تولد نویسنده شهیر روسی انتوان چخوف کـــه حتی تو لستوی در مورد ش تذکر بعمل‌آورده می باشد «چخوف ... هنر مندزنـــدگـــی... بزرگتر ین اثر کارش عبارت از دانستن مطالب مختلفه وی بـه‌صورت بسیار آ سان که نه تنها مردم روسیه آنرا درك کرده میتوا نند بلکه د یگر ان نیز همه بصورت آسان متوجه شده ودرك صحـــیح از آن در ذهن خود حك کرده میتوا نند ... وی هیچ تر سی از چیزی ندا شت و همین کـــار پر ارزش وی قابل یاد آوری و اهمیت‌بسیاری می‌باشد . او همیشه طوریکـــه می دیـــد وچیز ی را که می دید در با ره آن مـــی نوشت .

چخوف یکی از نادر ترین نویسنده های که عیناً مانند دیکنز ، پوشکین و یکتعداد دیگر نویسند ه ها فوق العاده کا ر مـــی نمود . با گذشت زمان چخوف آهسته آهسته شهرت کسب نمود و آثار او به ۸۲ لسا ن مختلف که شصت ویك لسان آن از زبا ن های مختلف مردم روسیه وبیست ویـــــك لسان دیگر آن مربو ط ممالك مختلف دنیا بود چاپ و منتشر شد . نمایشنامه های وی عمو ما به صورت متواتر در تیا تر ها به نما یش گذاشته می شد .

ذیلا گفتار یکتعداد از اشخاص برجسته را کـــه در مـــورد چـخـوف چیز های گفته اند مطا لعه فرما ئید :

جیو ر جی برید نیکوف آمـــر انستیتوت ما کسیم گورکی وادبیا ت جها ن ،میگوید: چخوف واقعا یك نو یسنده روسی بود البته با تمام کلما ت پر مفهو م وی نه‌تنها به‌منظور عشق وعلاقه اش به مردم‌وطبیعـــت وطن عزیز ش اتحادشوری، بلکه‌بخاطر کارشـــ. چخوف دارای یك قدرت افاده دما غی‌فو ق العاده قوی در مورد تحریر و پخش نظر یه ها ومفکوره ها مخصو صا در حل مسا یـل پر پیچ روسیه بوده است که عمو ما بـــه مسا یل و مشکلات اصلی زندگی عا مه‌ارتباط می‌گیرد که تنها دارای نفوذ وتاثیر بسیاری بالای مردم روسیه بلکه با لای تمام‌اشخاصیکه نه تنها از نگاه نژاد وملیت با هـم یکی هم نیستند تاثیر بارز وارد کـــرده میتوا ند .

سیرجی لو نـــدار چوك دایـــرکترفلم میگو ید .

چخوف در جریان بیست سال کار درزمینه تهیه فلـــم های مختلفه تما ما نظر یـات‌و مفکوره ها ی متنو ع که از وی حتی از زما ن طفلی آمو خته بودم ومطالعه نموده بودم مخصو صا ناول که‌به یاد گار گذاشته بود استفاده های خوبی نموده ام ،مخصوصا در عرصه احتـــرام بـــه کـــرامت انسانی

چخوف یـــك نویسنـــده عجیب ودارای احسا س عمیق و بسیار عالی و ضمنا یـــك معلم پر قدرت و دارای صلا حیت و لیا قت در نوشتن درامه هـــای روانی همراه بـــا نشا ن دادن قدرت وا قعی مردم روسیه و تمام حا لات آن بود و هم چنا ن دارا ی قدرت درك کا مل عنا صر ترا ژید زندگی بود، ایـــن بهمین منظور است‌کـــه‌چخوف‌و تگیا کو فسکی را تما ما بصورت مکمل می شنا سند ، هر دوی آنها دارا ی‌احسا س بسیا ر عالی درمقابل سر زمین ما در ی‌شان وطبیعت خا ك روسیه داشتند.

میخائیل کوپریانوف ، پور فیری کیری‌لو ف ، نیکو لای سو کو لوف ، میگو یند: خاطرات گذشته بسیار شیرین ودل‌لچسپ مارا به یاد خاطره سا ل ۱۹٤٤ الروی» زن

بقیه در ص مقابل

بهار نو

زگذشت هر بهاران ، گل نوبهارمارا،
به بهار هاشنیدن (غـزل بهار مـــا را)
به ترانه های مستی ، طربست ورنگ‌معنی،
(همه شور زندگانی) دل بیقرار مارا،

قدم بهار نو خیز،سرفرش سبزه زاران،
چه خوش است ، پاك دیدن ،رخ‌سبزه زارمارا،
به بهـای شعر گیرا ، بـــه نوای سازموزون
رمقست و روح زنده ،رگ تارتارمارا،

گهر سخن نمودار،بغزل‌بشعر ، زیباست،
نم‌اشك چشم گفته، (در آبدار مارا)،
می‌وساقی سیه چشم، بجهان می‌پرستی
هوس نهفته باشد ، سرپر خمار مارا،
سر شیشه ولب جام ، شکند بهار ساقی،
زشراب ترنسازد ، لـــب میگسارمارا،
همه نونهال زیبا، سرو گردن کشیده
به‌بهار قدبلندان، ببرد نگار مارا
رخ دلربای دلبر ، بصفای قلب (مسرور)
همه لاله‌روی دیده، گل‌لاله زارما را

مسرورنجیمی

فلك آخر صدا کرد

بیا بنگر امین باما چها کرد
بهرخانه غم و ماتم بپا کـرد
جوان وپیرو برنا جمله کشته
چوچنگیز قتل عامه بر پا کرد
بهر خانه‌که‌باندش‌حمله ور بود
زهر فامیل‌گرفت وسرجداکرد
فغان مافلك بشنود وبگیر یست
بهر خانه زما تم کر بلاکرد
زآه ودرد وسوز سینه چا کن
نگرتیغ‌فلك آخـــر صدا کرد
چوخوش باش نجفی ازطی دل
شکایت ازجفاوظلم هاکرد

شعر از نجفی

من و تو

من وتو
تـو ....
تو برایم فقط تو بودی
و من ...
منهم فکر میکردم که برای تو ، بودم
افسوس
دریغا که من ندانستم
ندانستم که‌من برای تو، شما بودم
وقتی به چشمانت نگاه میکردم
وجودم به لرزه می افتاد
و آنگاه
آنگاه فکر میکردم
که نگاهت به من میگفت
میگفت ترامیخواهم
آری ترا
ولی دیری نگذشت که دانستم
دانستم که فقط
تو برای من هست وبودم بودی
نه من برای تو

نسرین صافی

نیکمرغه پسرلی

را غلی پسر لیه په خیررا غلی‌دسمون سره
زیری دوحدت‌یی‌ته را غلی دتـــــپ ون سره
نوی پسر لیه یی پسر لیه نوی وخت کی ته
خوږه‌شی پسر لیه‌ستړی مشی خو ږژو نـدون سره
نوی وخت دپاره پسر لیه ته یی‌زیری او سی
زیری دژوندون‌یی ته را غلی دمضمـــو ن سره
یو پسر لی نه یی ته پو هیږی‌خوپسرلی یی ته
یو یی دژو نـدون‌پسر لی بل ئی دسمون پسر لی
یویی دوحد ت پسر لی بل‌یـی‌درفعت‌پسرلی
یو دصدا قـت پسر لی بل دخد مـت پسرلی
ته دخو شحا لی پسر لی تـه‌د نیکمر غی پسر لـــی
ته پسر لـــی‌د هیلو یی ته یی دخو ښی پسر لی
تل داسی تازه اوسی تل داسی‌شباب او سی
ته‌انقلابی‌پسرلی‌تـل د انقـــلا ب او ســـی

شاه جهان «سدید»

از : محمد ناصر (نصیب)

تابش حسن

نگارا : رخ اشعه بارت بنازم
لب لعل وچشم خمارت بنازم
زهی عشوه آرائی و خود نمایی
بصد غمزه گشت وگذارت بنازم
لباس قشنگت ، نظرمی‌فریبد
بنا: شیوهٔ دل شکارت بنازم
رسد مژده آنگه، که‌آیی به‌گلشن
شقایـــق کشد انتظارت بنازم
نهی پاچودرساحه‌ی باغ وبستان
شود برگ صد گل نثارت بنازم
چوبلبل فصیح وچه شیرین ادایی
تـــن‌نـــازك وگلعذارت بنـازم
نمودم چو اظهار عشق و محبت
زعکس العمل های پارت بنازم
دهد خاطر خسته را انبساطی
به آواز ثبت نوارت بنازم
خجل نرگس‌وسنبل‌ازچشم وزلفت
زایما رسانـــی فشارت بنازم
نه تنها ست جای تودر قلب عشاق
بخوبان بسی اعتبارت بنـــــازم
هنر سازی ، آهنگ زیبا نوازی
به‌دانشوری ساز کارت بـــنازم
به عزم تماشای جشن((گل سرخ))
به طیاره سوی مـــزارت بنازم
ترا سا یه آسا نصیب‌است‌در پی
نگاهی تغافل شعارت بنازم

من بدون مهمان...

همراه باسگ اش، مـــی‌اندازد ، جـــنگ هنوز ادامه داشت ما تما ما کار یکا تور های هیتلر را آماده سا خته بود یم و در پهلوی آن این در خوا ست و خوا هش از طرف مو سسه طبع کتب به ما رسید که‌به اثر مهم آقای‌چخو ف «زمان صلح» تـو جه جدی مبزول بداریم . از مطالعه این اثـــر، جوانب محرك آن رابدرستی درك نمـودیـــم مردم دو با ره با اظهارات پر احسا س و عمیق خـواهان خـوشی ورو گـردا نیـــدن دوباره به دراما تیـزم نشان دادند. طبیعـت درونی زند گی بدون جنگ ، لسا ن وزبا ن گر مش البته در مورد گفتار وی برای ین

کارتقریبا بصورت مطلق‌حکم‌شده میتواند کـه آماده بود . که حتی دا ستا ن ها ی بسیار کـوتاه چخـــوف عینا بـه مـا نند نـا و ل با کتا بها ی بزرگ دیگر مقا یسه‌شده میتوانست. کـــارهـــای چخـو ف مستلـزم ظاهر ساختن ووانمود ساختن احساس پـــر عا طفه و ظوا هر زند گی همرا ه باانداشتن هیچ اشتبا ه بزرگ واین هم از با عث داشتن معلومات کا فی ومطلق یك نویسنده نسبت به مردمش مـی‌باشد و میتـو ا نـــد کـــرکترهای فرا موش نا شدنی‌را ایـــجـــاد نما ید .

چخوف ومهمانان وی :

چخوف میگفت کـه، مـــن بدون مهمـــان زند گی کرده نمیتوا نم . این حر ف ها ی گذشته‌وی‌را ا مروز هـــم میتوانیم‌در منزلش در سود وو بـــا کـــو در ینسکیادرشهر مسکو بشنویم.

به‌خاطر یکصدو بیستمین سا لگرد تو لـــد وی دروازه های خانه مخرو بـــه اش کـــه منحیث یك موزیم آثار هنری وی از آن استفاده بعمل می آید ، بصورت کلی ومکمل برای و رود دیگرا ن باز گر دید ه‌است. مردم صرف به منظور دیدن آثار قدیمی وادبی دلچسپش به این جا می آیند . آنها

آرزو دارند تادر فضای که‌چخوف در آنجـــا دیده به دنیا گشوده ، کارو زحمت را بخود متحمل گردیده و جا یی که زند گی خودرا ادامه داده دیدار مختصر بعمل بیا و ر نـــد.

ما مورین مو ظف موزیم مذکور همیشـه بصورت محتا طانه تما م اشیا و آلات را که به‌خود چخوف ویا به نام وی بـــوده جمـع آوری می نما یند .

زندگی چخوف د مرسکو تـوام با عادتش یعنی طبابت محلی و بـــر ر سی احـــوال مر یضا ن بود . هر روزه مر یضا ن‌مختلف نزد ش مرا جعه نموده وازوی کمك طلـب می نمود ند ، ضمنا خا رج از زند گی‌فامیلی خود همیشه در صدد کمك برای مرد ما ن که ضرورت به کمك دا شتند ، بود .

این موزیم نما یانگر شهکار و فعا لیت های بی سابقه وی‌می‌باشد.

عارف ولی محصل صنف‌دوم رشته‌دری پوهنځی‌ادبیات وعلوم بشری

شعر نوو رسالت شاعر امروز

با در نظر داشت این نکته که شعرکلامی است موزون ، وباز تا بی است از واقعیت های جامعه ، بایدگفت که بسیاری ازشاعران ما هستند که موضو عات عشق ها ی فردی و درد ها ی خصو صی خود را بشکل سروده اند . واین استعداد خو درا تنها به عشق ها و درد های خصو صی خود که به هیچ درد شا ن نمی خورد ، منحصر سا خـــته اند . ویا اینکه اگر شعر اجتماعی‌هـــم سروده با شند شعری است که دا رای مفا هیم گنگ وتر کیبات پیچیده وآمیخته با ابهام است . پس ، هر گزچنیـــن شعری رابه نام شعر (به معنای کـــه شعر زائیده درد ها ی اجتما عی است) ، یاد کرده‌نمی توانیم . چه، شعر اگر به‌خاطراکثریت‌مردم‌است وبیانگر دردها وآلام خلق ها است. بایـــد حتی الا مکا ن‌در آن کلمات و عبا راتی‌کار برده شود که از یکطرف مطابق به‌مقتضیات عصر با شد واز طرف دیگر درك آن‌دشوار نبا شد ، یعنی قا بل فهم با شد ، تـــا بتوا نند اکثریت مردم آنرا مورد استفاده قرار داده و مشعل راه خود سازند . نـــه اینکه شاعر ترکیبات بغر نـج، لغت پردازی و سمبو ل های ساخته و پر دا خته خودرا بر رخ مردم بکشد .

وقتی ما شعر برای مردم می سراییم و ادعا میکنیم که رسا لت تا ریخی خود را درك کرده ایم باید مطابق به خوا ست زمان‌شعر بسراییم ، البـــته در بیـــان شعر (چه شعر نو، چه شعر کـــلاسیك) محتوی مهم است ، نه قالـــب . تا وقتی‌ما،در سرودن شعر او زان عروضـــی را مـــراعات می کنیم که ما نع بیان احسا سات عمیق وتا ثرات ما نگـــر دد. ما با ید تا جـــای امکان بکو شیم کـــه واقعیت ها را در قالب شعر بیان نما ییم . پس مهم نیست‌که قالـب بشکل کـلاسیك باشد یا قالب شعر جدیـــد.

ناتمام

ما میرویم به‌پیش

از تنگنای یاس وخرافات وکاهلی
واز کوره راه ظلمت فقر وبرهنگی
باعزم راستین وبا گامهای تند
در پرتو فروغ جهانتاب انقلاب
طی طریق میکنیم وپیش میرویم
ما میرویم به پیش وسر انجام میرسیم
دروادی امید
جایی‌که بوستان وحدت وصلح وبرادریست
قانون مردمش همه عدل وبرابریست
سرشار ازنزاکت واخلاق کارگریست
ای خلق کارگر
ای نسل بالمر
دهقان ورنجبر

وای صنف کسب گر
باهم یکی شوید
دور از همه ریا
با خاطر صفا

باقلب پر امید وبا آرزوی پاك
طی طریق کرده سوی ماروان شوید
چون مارفیق ویاوردهقان وکارگریم
ای خلق کارگر
مانیز چون شما ستم وجبردیده ایم
رنج وعذاب ومنت دونان کشیده ایم
بامایکی شوید
اکنون زمان وحدت وکار وبرادریست .

عثمان (شام)

مار های آبی

از ویکلی اف هند یا

ترجمه ی زکی ،پا کیزه

اگر میخوا هید در دا منه هـــاو بلندی های(ستر یات مـلا کا)گرد- ش کنید باید به احتیاط قدم بزنید وهشیار جا نتان باشید تا صحت و زندگی تانرامار ها ی زهرناك وکینه- توز مورد خطر قرارند هند.

اگر چه این مار ها رابعضی ها دوست انسان میدا نند اما متو جـه باید بودکه اینها مار ندو بدو ستی مار اعتبار و اعتماد نیسـت و باید ازآنها دوری نمائیم و مرا قب حال خود با شیم وبکو شیم در چنگ آنها نیفتیم ور نه زهر این خز ند گان ما رادر منجـلاب درد و الم ومر گـــك ونیستی خواهد انداخت .

در موا قعی که مد وجـذر در یـن سر زمین صورت میگیرد وامواج آب را به خشم می آورد وسر کشس و طغیانی می سازد مار های ز هر دار آبی نیز بر آشفته وعصبا نی می گردند ودر انتظار مو جودی بسر می برند تا اورا نیشس زنند ، عقده شان را بالای او آب سا زند وخشم شان رافرونشانند واورا رنجور وناتوان وبا مر گـك دمساز سا زند .

خزنده شنا سان را عقیده بر این است که این مار ها هر حا دثـه ای چه طبیعی وچه غیر طبیعی را ، از جانب انسان میدا نند از ین رو در کو ششس وتـلاشی هستند که او را بچنگـك آور ند وبا فرو ر یختن زهر شان در وجود وی از او انتقام بکشند واز انتقام کشیدن لـذت ببر نـدو شاد شو ند .

زهر ما ر های آ بی کشنده تراز زهر مار کبرا میبا شد . اگر یکی از این مار ها زهر خود را به یکبا ر گی در وجود انسانی تزریق کند بدون شك اورا از پا درخو هد آورد.شدت مر گ آوری زهر این مار هـا را نمیشود بازهر مار کبرا مقا یسه کرد. اما قرار یکه دیده شده خشـم وغضب مار های آ بی نسبت به مار کبرا کمتر وصبر وحو صله آنهـا بیشتر است . این مار ها بزدوی عصبانی نمیشوند چه ایـــن ما ران اعصاب آرام دارند . یعنی در کلاس او سط قرار دارند . در کـــلا سی که زهر دارند خشمگین میشو ندمگر خشم وقهر آنها در هر مو قـــع به ظهور نمیر سد . همین خا صیت و تفا وت است که مار های آبی را از مارا نی که در سورا خها ،دردشتها وبیابان ها ودر کوه ها ودره هـــا زند گی میکنند جدامیسا زد .

مار های آبی تا صد مه ی ازجا- نـب موجود ی نبینند با لای اوحمله نمیکنند اما زما نیکه با این جا نـــور آسیبی رسد و زند گی خود را مواجه باخطر بنگر ند آتشس خشم ایشان شعله ور می گردد ومیکو شند تـــا جانب مقا بل را نیشس بز نند .

بلی!

تا باذیت وآزار این زنده جانها نپر داز ید ، آنها را عصبا نی نسازید زیانی از آنان نخوا هید دید، روی همین دلیل است که بعضی ها بدون آنکه تر سس وهرا سی را از آنهـا بخود راه بد هند این مار ها را جمع- آوری مینما یند . البته کسا نی کـه باین عمل دست میز نند در کار شان تجا رب زیا دی دا شته به عادت و خاصیت این جانو ران آشنا یی کاملی دارند . آوان سر خشم بـــودن و عصبا نی بودن آنها را میدا نند ، از آن حصه ای جسم آنها می گیر ندکه باعث رنجشس شان نگرد ند ایـــن دسته مردم به گر فتن این مار هـا چنان مها رت پیدا کرده اندکه جانور مو صوف را بخون سر دی جمـــع میکنند ودسته میسا زند بدون آنکه کو چکتر ین صد مه ای از جا نـــب آنها ببینند .

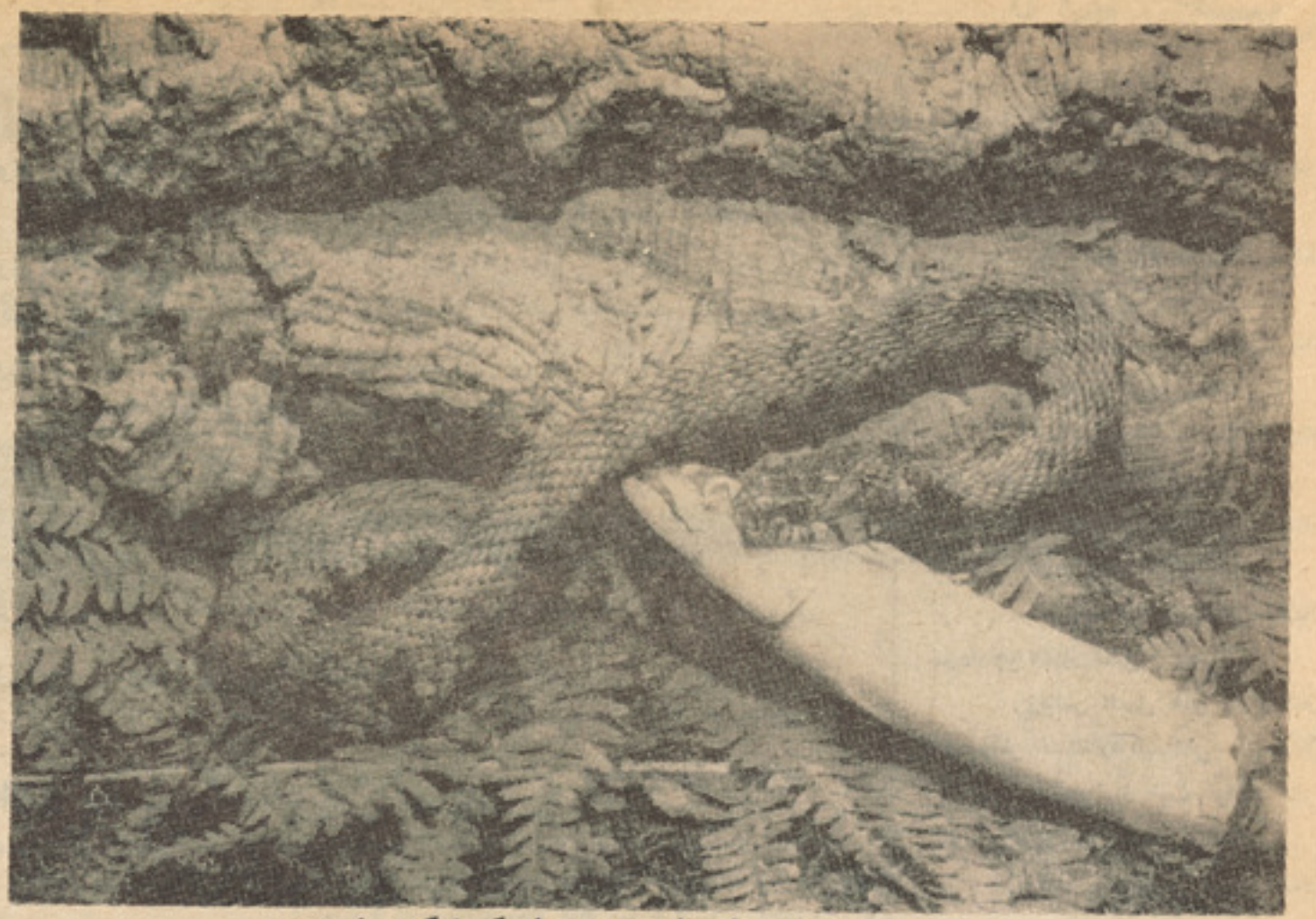

خشم وغضب مار های آبی نسبت به مار کبرا کمتر است .

مارها با گزیدن انسان وسایـــر موجودات عقده های شان راآب می‌سازند .

این مار یکی از مار های خطرناك وکینه سوز جهان است .

این‌مارهازندگی‌در آب را اززیستن در کوه ها وغار ها بیشتر دو ست میدارند زیرا در آب خو یشس را از حوادث واتفا قات مصون تر میدانند وآرا متر وآسوده تر زند گی میکنند وچون در آب بسر می بر ند آنها را بنام مار های آبی یاد میکنند .

مرد ما نی که شغل مار گیـــری دارند همو ا ره در تـلا شس اند تا مار هارا نیز شکار نما یند وبرای صید کردن مار های آبی ازسیم هـــــای جنگك دار استفا ده می کنند .منظره مار گیری را در هنگا میکه مدو جذر خفیف در ابحار خمید هند در کنـار بحر ها زیاد میتوان مشا هده کرد. مرد ما نی که در غرب سنگا پورزند- گی میکنند در گر فتن مار های‌آبـی توسط وسایل ساده مهارت زیـادی دارند وهمیشه در زمان مدو جـــذر خفیف در کنار در یایا بحر مشغـول بدست آوردن مار های آبی دیـــده میشوند .

غـذای شبا نه این مو جودات‌را مار ما هی وما هیان کو چـــك‌دیگر تشکیل مید هد. مار های آ بـــــی در سوا حل بحر هند زیاد تر ازسائر مناطـق دیده میشو ند . مار هـــای آبی این منطقه خیلی آرزو دار ند دریا های کو چك را گشت وگـــذار نمایند . روی این منظور همواره در خط وسیر این در یا هـا این سو و آنسو آواره وسر گردان حر کـــت مینمایند وبرای بدست آوردن‌لقمه‌ای که بتوا ند رفـع گر سنگی ایشان رابنما ید در جستجو وتکا پـــــو میبا شند . در بین این مار هـــا، مار های هم وجود داردکـــه رو ی سنگهای غول پیکر وبز رگ در یـا میچر خند ومستی مینما یند واگر- بخواهند سنگها ی مذکور را با همه عظمت وبز رگی تکان داده میتوانند.

این مار ها در مقا بل‌سر دی‌حساسیت دارند ودر بعضی شبها که هوا سرد می‌با شد در خو یشس‌احساس‌نـا- راحتی مینما یند ومیکو شند جـــای گرمی را پیدا کنند واز شر سر دی در آنجا پنا هنده شو ند . ازهمین سبب است وقتی‌احسا س مـــــی نمایندفضای بحرراسردی‌فرا میگیرد به سر عت زیاد بحر کت وسفـــــر می پردازند و در حدود یك صد تا یکصدو پنجاه میل فا صله را طـــی میکنند خط السیر حرکت آنها عموما در کناره هاو لبه های سوا حل‌مـــی باشد وروی همین مطلب است که به کوچکترین وضعیف ترین مدو جذر بروی ریگهای کنار در یا ظا هرمی گردند دم های قوی این مار ها پهن وکشا ده بوده وچون پا رو یست که (گر جی ها) هنگام کشتی را نی در بحر از آن کار می گیر ند . همین دم های پهن برای آنها وسیله‌ایسست که تو سط آن میتوا نند به سر عت در آب شنا کنند. این حیوا نات قادر اند که بدون تنفس نیز مد تی را در میان آب سپری نما یند.

در راپوری که طی تجر به هـــای عمیـق تهیه شده‌درج‌گرد یده که‌این جا نوران تا یك سا عت هم مـــــی توا نند بدون تنفس در بین‌آب‌بـه صورت معلـق زیست کنند در حا- لیکه کو چکتر ین تکلیف ومشکلی برای آنها پد یـد آید .

ماران آ بی عادت دارند که بـا نیشس زدن وزهر ریزی در وجودسا- یر مو جودات آبی‌آنها رااز بین ببرند وتوسط آنها رفـع گر سنگی نـما- یند. اگر این مار ها نتوا نند درمیان آب چیزی بد ست آورند و خود را سیر نما یند از آغو شس آب خارج میگرد ند با لای سنگـ های کنار در یـار میرو ند وخود را آفتاب مـی دهندو از استرا حت روی سنگهای داغ‌و سو زان لـذت می بر ند.قسمت زیاد قر با نیان این جا نو زان را اشخا صی تشکیل مید هند که شغل ماهی گیری دارند . هنگا میکه بعضی از انواع این مار ها خود را در بین جال ما هی گیر در می یا بند ومـی دانند که بدام دشمن افتا ده انـد بخا طر تر سس جان با تـلاشس‌حیرت انگیزی خود را به ما هی گیر مـی رسا نند وبا آنها پیکار نموده مـــی گـزند واو شا نرا از پا در مـــی آورند وخود مجددا باب میرو ند.

در ما نیـلا تعداد این ما ران بـه اندازه زیاد است که در هر جـــال بزر گی که بغر ض گر فتن ما هـــی به آب اندا ختـه میشود از صد تـا دو صد عدد از این مارهابـــدام می افتند .

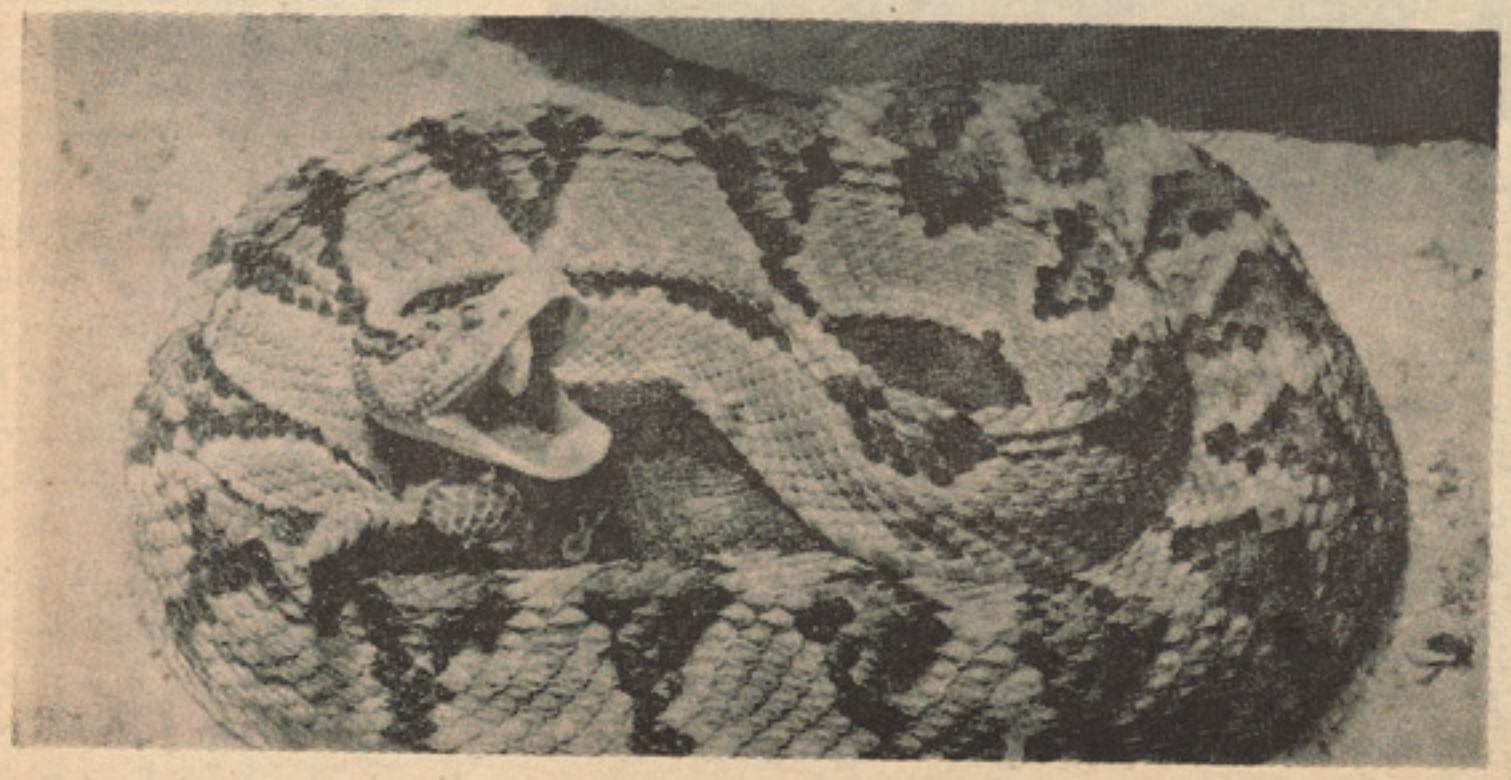

غذای مارهای آبی‌را ماهیان وموجو دات کوچك دیگر تشکیل میدهد .

دغیور ژباړه

نامتو ورزشی خیره:
ایرینا دیریوجینا

که چیری دشوروی اتحاد دورزش اواتلتیکی لو بو ورو ستیو انکشافونو ته‌په غور سره یو نظر وا چول شی څرګنده به شی چی «ایر ینادیریو- جینا» چی اوس یوازی اته لس کاله عمر لری دهغه هیواد دور زشس او اتلتیکی لوبو یوه‌نا متو او مشهوره خیره بلله کیږی .

«دیر یو جینا» وروسته تردی چی دلیننگراد دښکلا او فز یکی روز نی په‌کورسو نو کی‌برخه وا خسته دلو- مړی ځل دپاره په مونټر یال کی دالمپیك په نړ یوا لو لو بو کی ګډون وکړ اود سپینو زرو دمډال په ګټلو باندی بریالی شوه ایرینا دیر یوجینا د جوړ شوی پرو ګرام له مخی هره ورځ ددوه نیم سا عتو نو له‌پاره دښکلااو فزیکی تمریناتو پرو ګرام تطبیق او عملی کوی . دایرینا،دیر- یو جینا په عقیده‌غذایی رژیم او د تمر ینا تو کیفیت او کمیت دبدن‌د ښکلا اودغه‌راز اتلتیکی لو بوپه افاقی معیارو نو باندی زیا ته اغیزه کوی. کله چی دشو روی اتحاد- دور زشس او اتلتیکی لو بو ددغه نامتو لوبغا ړی څخه مسکو د۱۹۸۰ کال‌دالمپیك دنړ یوا لو لو بو په باب پوښتنه وشوه په ځواب کی یی وویل چی هیله لری په دغو نړیوالو مسابقو کی برخه واخلی او پخپلو حریفانوباندی دبری دتر ګو تو کو لو په صو رت کی په اتلتیکی لو بو کی دسرو زرو دمډال په لاس ته‌راوړلو موفقه شی .

دشو روی اتحاد دغه نا متو ور- زشی خیره عقیده لری چی تشویق اوسمه لار ښوونه دنړی په ټولو هیوادو نو او په تیره بیا په شو روی اتحاد او نورو سو سیا لیستی هیوادو نو کی‌دورزشس اوبدنی‌روزنی له ودی او پرا ختیا سره پوره مرسته کولای شی . ایرینا څوکاله د مخه جاپان هم سفر وکړ او شوروی - اتحاد ته دبیرته راستنیدلو په‌لاره‌کی فنلند ، پراګ ، برلین ، هاوانا، پیو نګ یانګ اود آسیا اوارو پا ځینو نورو هیوادو نو ته سفر وکړ.

کله‌چی دشو روی سو سیا لیستی جما هیرو اتحاد دورز شس او اتلتیکی لوبو ددغه‌نوی خیری «ایرینا دیریو- جینا» څخه دالمپیك د ۱۹۸۰ کال درا تلو نکو نړیوا لو لو بو په مقا بل کی‌د امپر یالیستی هیوادونو ددریغ په‌باب پو ښتنه وشوه په ځواب کی یی وویل : دالمپیك دنړیوا لو لوبو دجو ړید و مو ضوع په‌واقعیت یونړیوال جنبش دی چی دنړی د بیلابیلو هیوا دونو دکلتور سره‌نژدی اړیکی لری، دنړی‌دځانګړو کلتورونو دپه‌نظر کی‌ګیولو سره‌به‌دغه لوبی‌په ټاکلی وخت په مسکو کی جوړ ی‌شی او هیڅوك نه شی کولای او قدرت‌نه لری چی دالمپیك دجنبش دنړیوال نهضت مخه ونیسی . لکه چی دشو- روی اتحاد دورزش اوبدنی روزنی وروستیو را پورونوځر ګند ه‌کړی‌ده ایرینا د ۱۹۷۷ کال څخه راپه‌دی - خوا دشوروی اتحاد دالمپیك دچارود انسجام له کمیټی سره‌نژدی‌همکا ری کوی. اوحا ضره شوی ده چی دضر- ورت او غوښتنی په صورت کی د۱۹۸۰ کال دالمپیك دنړیوا لولوبو په دوران کی چی د ټاکل شوی پروګرام له مخی دمسکو اوتالین په ښارونوکی د «۱۹۸۰ »کال‌دجولای په میاشت کی جوړیږی دورزشکارانو دیوی ملیمه پالی په ډول‌په رضاکاره توګه ګډون وکړی .«ایرینا- دیریو- جینا-»هڅه کوی چی دورزش‌او فزیکی تمریناتو تر څنګ د مسکو اویالیننګرادپه سپورتی‌تربیوی‌مرکز- ونوکی د ورزش اوبدنی روزنی په برخه کی خپلو زده کړو.ته دوام ور- کړی.

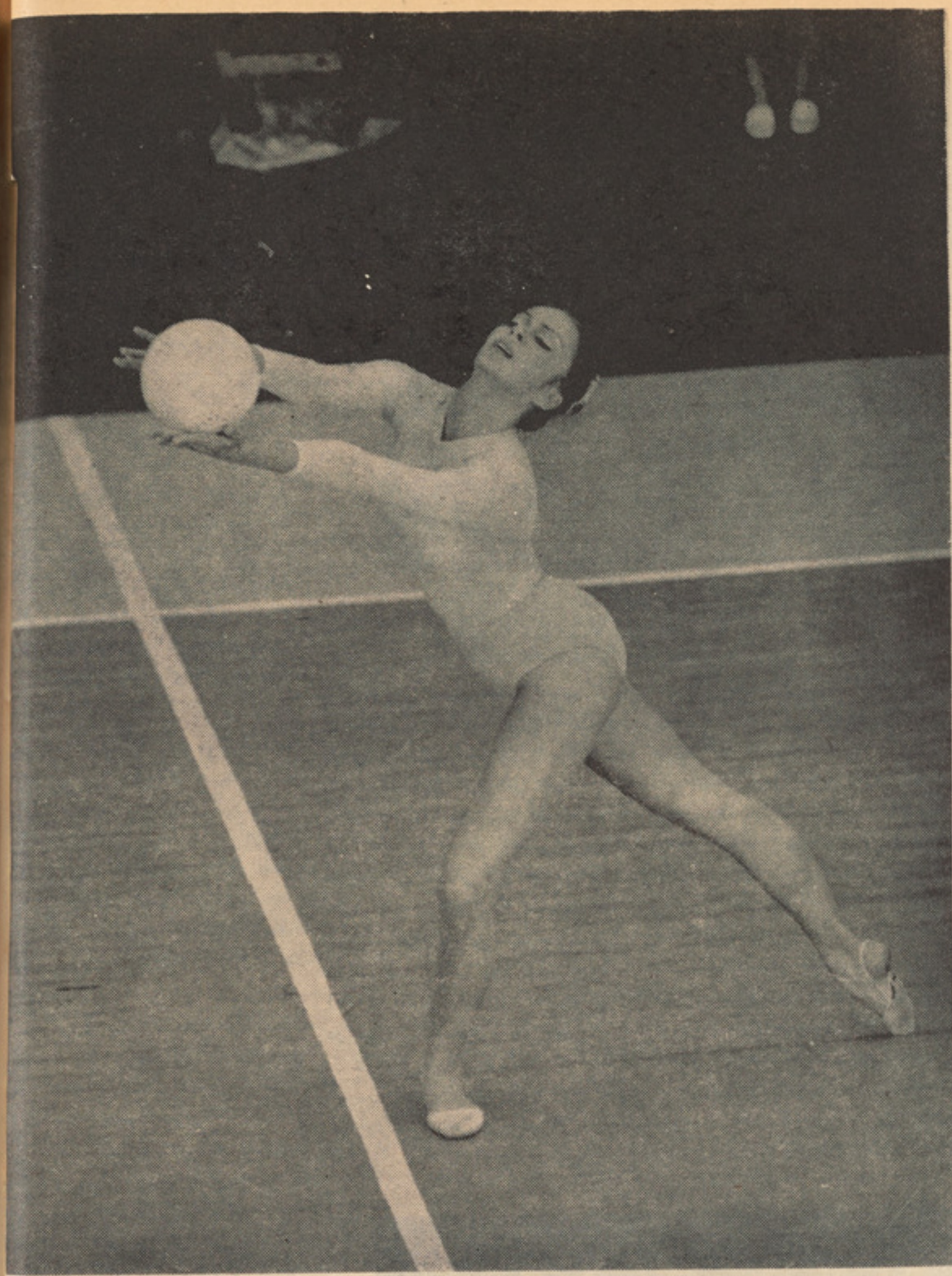

ایر ینا دیر یو جینا دلیننگراد په‌یوور زشی جمنا زیوم کی دسپور تی‌تمر یناتو داجرا کو لو په حال کی.

صفحه ٤٦

بقیه صفحه۱۷

مارهای آبی ...

بعضی از ما هی گیران هم وجود دارند که این ماران را برای استفاده ازگوشت شان شکار می کنند ودر هنگام گر فتن برای آنها مجال نمی دهند که شور بخور ند . این هاوقتی این مار ها را بد ست می آور ند در یخچا لها میگذارند ودرمواقعی که میل بخوردن آنها پیدا کردند آنرا می پز ند وصرف می کنند.

چینا یی ها هم از این جانوران آبی استفا ده اعظمی را می نما یند. آنها این مار ها را پار چه پار چه کرده در بین روده ها پر می کنندو در وقت ضرورت از آن استفا ده‌می کنند.

سا کنین تا هیتی نیز بخور دن مار های‌مذ کور عا دت دار ندو این نوع مارها مانند چینا یی ها میخورند .

برعلاوه‌انسا نها که از دشمنان سر سخت‌این مو جودات بشمار می روند ما هیان بز رگ ودر نده نیز از دشمنان فوق العا ده بیر حم این جا نوران مجسوب شده اند.

این ما هیان مار های آبی را حر- یصا نه وبه یکبار گی در دهن فرو می‌بر ندونا بود میسا زند .

انواع مختلف مار های آبی رامی توان دراعماق وکنار دریا ها وابحار سراغ کرد این مار ها از نگاه شکل ظا هری وخوا ص مخصو ص خود ازسایر ماران فرق می گردند .

درازی یکنوع از مار های آبی بصو رت او سط سه فت اندا زه‌شده آماز بعضی انواع دیگر آن در حدود نه‌ف ت‌میبا شد که این نوع آن زیاد دیده میشود .

جمعیت کثیری از این مار ها را می توان در آبهای قسمت جنوب‌آسیا پیدا کرد . مارهای آبی که درافریقا وجود دارد دارای خال های زرد و سیاه میبا شد وبا مار های آسیا یی در شکل و خاصیت فر ق دارند . همچنان در مکسیکو وپا نا مه تعداد زیادی از این مار ها پیدا میشود که‌با مار های آسیا وفر یقااز نظر رنگ وشکل دارای تفا و تهای می باشند.

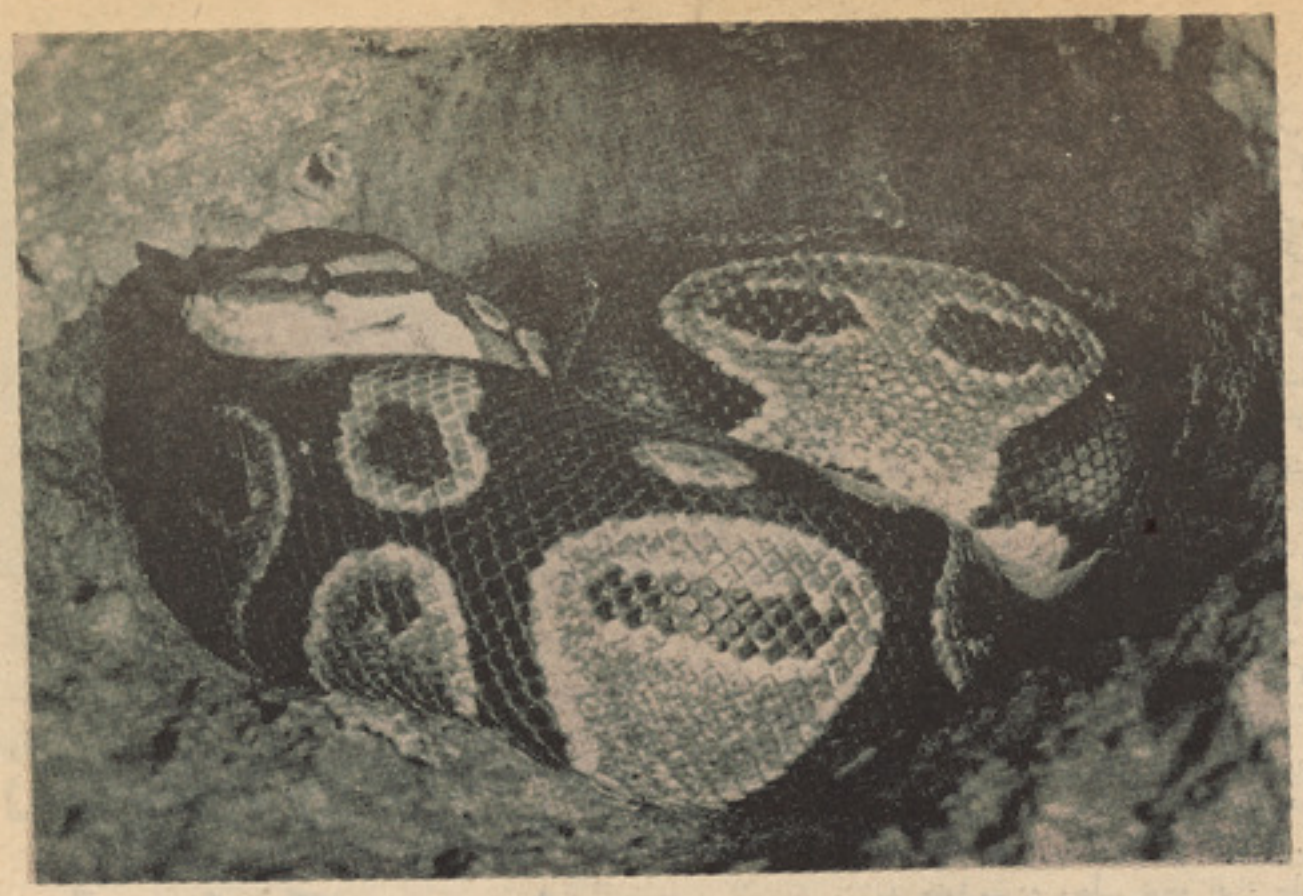

بقیه‌صفحه ۳۹

مراقبت بهتر طفل

عمل خواهد پوشید عمل تقدم داد ن به مسا له طب و قایو ی در بخش صحت است زیرا مسوو لین دولت میدانند و قایه بهتر ارزانتر وموثر تر از تداو ی است بنا همه پلان های صحت را به اسا س وقایه متکی سا خته یقین کا مل داریم رو زی هم فرا خوا هد رسید که افغانستا ن عزیز ما هم سر

تفکیت محو امرا ض را مثل محو چیچك بدست آرد باید متذ کر شد. که در هر پرو ژ ه سهم همکار ی مرد م جز حتمی آن شمرد ه شد ه یقین داریم که مرد م نجیب ما در همه سا ختمان خصو صا در سا حه طب با دولت خود همکار ی می‌نمایند ونمود ه است به این آرزو می پر دازیم به تقد یم مطلب خود د ر **باره مراقبت بهتر طفل امید واریم** که مطالب گرد آورد ه ما مو رد استفا د ه و قبو ل تا ن واقع گردد . نا گفته نباید گذ اشت که مطالب ما نه تنها متو جه ها درا ن شهر ی می باشد بلکه ز یاد تر متو جه مادرا ن دها تی مابو د ه بنا از خوانند گا ن نهایت گرا می صمیما نه تقاضا می نماییم که د ر انتقا ل یا رسانید ن این مطالب به گوش مادر اینکه در قرا وقصبات **کشور ما زندگی می نمایند با ما** همکاری نما یند . زیرا این مطالب بما دران . محترم یاد میدهد که چطور به اطفال خود کمك نما یند تا آنها قو ی و صحت مند حتی در قر یه ها بار آیند برای این منظور طفل به غذا ی کافی ومراقبت خوب نیاز مند است . ما در با ید قبل از آنکه طفلش تو لد شود باید از غذا های مقو ی‌و مغذی استفاده نماید هر ما در حا مله آرزو دارد . که طفل صحت مند داشته باشد بنابرا ن او مکلف است در اثنا ی که او حا مله است زیاد تر غذا بگیرد او مجبو ر است برا ی دونفر غذا بخورد برای خود ش و برای طفلیکه در بطنش است وقتیکه ما در غذای کافی‌بگیرد طفلش خوب وصحت مند بارمی آید **برای‌اینکار مادراز سبزیجات‌سبز و** حبو بات مانند لوبیا ، نخود و دال همیشه استفا ده کند .

یك مادر حا مله به غذای‌مخصوص ضرور ت ندارد آنها باید از عین غذا ییکه در خانه شا ن مرو ج یا میسر است استفاده نما یند لاکن باید تنو ع در غذا را فرا مو ش نکنند آنها به غذایی متمم دیگر مانند برنج، گندم،جوار ودال ضرورت‌دارد همچنا ن او ضرور ت دارد که از سبزیجا ت سبز بر گ دار یاتاریك هر روز استفاده نما یند . بر علاوه غذای متمم را در پهلو ی غذا عا دی خود جا دهد .

بعضی او قا ت ز بان و لب ها ی مادرا ن حا مله بیرنگ یا خا سف به نظر می رسد این بخا طر آنست که و جود آن از مقدار کافی خو ن بی بهره است یا مقدار کافی خون ندارد .

این کمی خو ن او را ضعیف سا خته همچنا ن کمی خون بالا ی طفل اش نیز تاثیر نمود ه او ر ا خوردو ضعیف بار آو رد ه و شاید ولادت هم به خطر موا جه شود .

بناء لازم است تا وجودش را قوی سازد . همچنان آنها بر ای رفع‌این نقیصه همه روز ه به‌خورد ن سبزیجا ت سبز تاریك بر گ دار ضرورت دارد . زبا ن و لب ها ی‌یك مادر صحتمند هیچگاه بی رنگ ویا خاسف نمی باشد آنها مقدا ر کافی انرژی می گیرند و خود را صحتمند سا خته و برای ولاد ت آماده می باشد بخا طر اینکه اومقدار کافی خون داشته با شد.

ناتمام

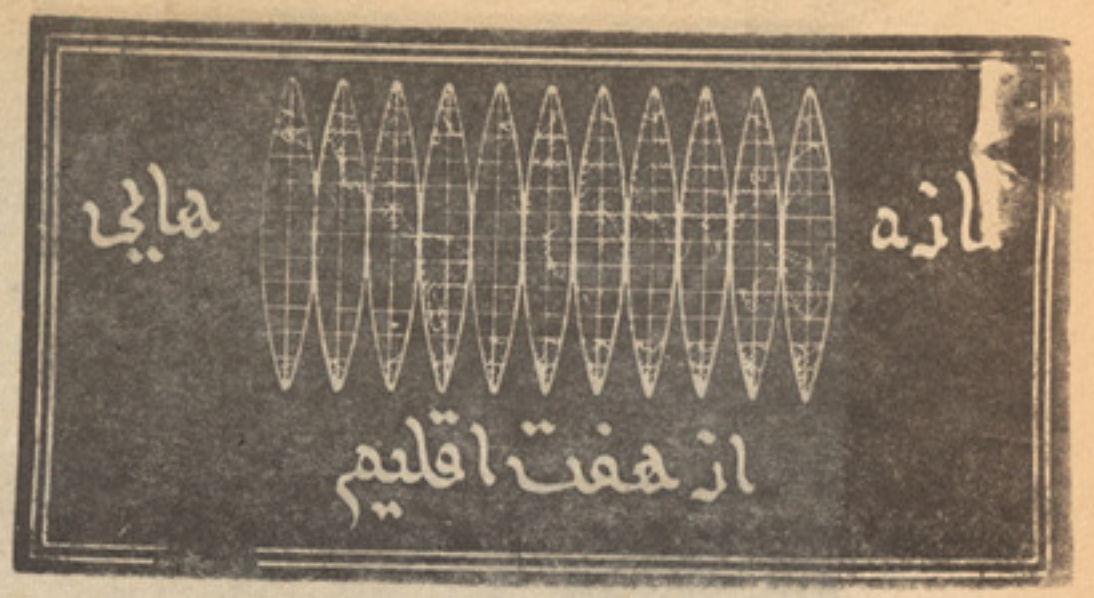

تنظیم وترجمهٔ : میرحسام الدین پرومند

پیروزی‌های روزافزون خلق قهرمان کمپوچیا

قبل از جنوری سال ۱۹۷۹ که نقطهٔ‌چرخش عظیم در تاریخ کمپوچیا میباشد ، مردم کمپوچیا برای یکزندگی نوین ، صلح آمیز ودر مجموع سلامتی وترقی اجتماعی تلاش میورزیدند، امارژیم پول‌پوت ،اینگ ساموری ونمامی خائنین وابسته به‌وی محیلانه به‌خدعه ونیرنگ بزور متوسل ودر فرجام کمپوچیا در معرض مهلکه وفلاکتباری ووحشت قرار دادند که منتج به قتل سه میلیون از افراد بیگناه توسط رژیم خونین پول‌پوت گردید، اما نه‌تنها اینگونه اعمال ضد انسانی وجابرانه فروکش ننمود بلکه روز تا روز ندا آزادیخواهی این مردمان دوستدار صلح وآزادی اوج میگرفت بحدیکه شکاف عمیق در رژیم منفور پول پوت ایجاد کرد وجلادان پول پوت خودرا تحت فشار نیرو های رهایی بخش خود را تحت فشار نیرو های رهایی بخش احساس میکردند . در دوم دسمبر ۱۹۷۸ نمایندگان گروپ های متعدد مردم جبهه را بمنظور نجات کمپوچیا از چنگال رژیم‌خونین پول پوت تشکیل دادند . این جبهه متشکل بود از کارگران ، دهقانان وسایر نمایندگان طبقات واقشار بشمول روحانیون وطنپرست .

اولین کنگرس جبهه و حدت ملی منعقده کمپوچیا از نگاه تاریخی ارزش بس فراوان وسازنده دارد چه در قبال همین کنگرس‌بود که رویا های خلق کمپوچیا تحقق پذیرفت و مردم برای نجات خویش بیشتر متشکل گردیده ووحدت یافتند، نخستین کنگرس جبهه وحد ملی مردم را بیشتر برای متشکل شدن ویکپارچه شدن ومبارزه میهن پرستان علیه رژیم خونین وهمچنین مبارزه علیه پیکن فرا میخواند . وحدت مرد ومقاومت مردم برای سقوط هر چه زود تر خانواده مرتجع پول پوت اینگ ساموری ازوظایف اولیهٔ کنگرس بود . همزمان با انعقاد کنگرس مزبور ، برای نورمال ساختن اقتصاد واحیای زندگی کلتوری واجتماعی مردم ، فعالیت های صورت گرفت. در هفتم جنوری ۱۹۷۹ بود که عملا نیات وآمال انسانی خلق کمپوچیا تحقق‌یافت وپنوم پن پایتخت آنجا به آزادی خو یش دست یافت ، بهمان تاریخ جمهوری خلق کمپوچیا اعلام وشورای انقلابی کمپوچیا در تحت رهبری انیگ سامرین ، جبهه وحدت ملی بیشتر تقویه گردید جمهوریت خلق کمپوچیا وکمیتهٔ مرکزی جبههٔ وحدت ملی ، بخاطر آزادی تمام قلمرو های کمبو جیا وپاك ساختن آن از بقایای رژیم سقوط یافته ، به عملیات انقلابی آغاز کردند وخائنین وعناصری را که با انقلاب ضدیت داشتند وانقلاب راسد میشدند محوو نابود کردند در حال حاضر در سرحد میان کمپوچیا وتایلند آخرین بقایای پول در حال نابودی اند چه سراسر کمپوچیا در تحت کنترول دولت درآمده است . یك کمیته خاص بهمین منظور که متشکل از نمایندگان منتخب‌نزده ولایت میباشد، تاسیس یافت . برای التیام بخشیدن زخم های آنانیکه از اثر حملات غیر انسانی گماشتگان واجیران اجنبی ورژیم پول پوت برداشته بودند، سعی بعمل آمد. درتحت رهبری جبهه وحدت ملی وشورای انقلابی ، خلق کمپوچیا از حمایت بیدریغانه کشور بزرگ سوسیالیستی اتحاد شوروی محافظ وپاسدار صلح در جهان، همچنان ازمساعدت‌های‌جمهوریت سوسیالیستی ویتنام و سایر کشور های سوسیالیستی پیوسته برخوردار بوده ومیباشد . درین‌فرصت کوتاه که‌از پیروزی خلق کمپو جیا میگمارد (۵۷۰۰۰۰) هکتار زمین برنج ودر حدود (۲۰۰۰۰۰) هکتار زمین سایر حبوبات کشت گردیده . مراکز صنعتی رشد قابل ملاحظه یافته وخطوط آهن زیاد بخصوص خط آهنی‌که (کوم پونگ) وپنوم پن راوصل میدارد و (۲۶۰) کیلومترطول دارد ، ساخته شده‌است. درساحه کلتور ، تعلیم وتربیه وصحت توجه خاص مبذول گردیده که اعمار (۱۵۰۰)مکتب جذب بیش از (۵۰۰۰۰۰) شاگرد واستخدام (۲۶۰۰) معلم درسال تعلیمی ۱۹۷۹_۱۹۸۰ باعث اثبات این ادعا میگردد . موسسات کلتوری ، اعمار ۲۵ شفاخانه ، صنعت‌خانه سازی توسعه یافته ودر عرصهٔ جهانی تایید گفت که ۳۱ کشور جمهوریت خلق کمپوچیا را برسمیت شنا خته اند . در دسمبر ۱۹۷۹ دومین کنگرس در کمپوچیا دایر گردیدکه هدف عمدهٔ آن همانا تقویهٔ نیروی مردم ، رشد اقتصاد ، صنعت ، طرح قوانین دموکراتیك برای مردم وتسریع بخشیدن فعا لیت های سیاسی بود . دومین کنگرس ضرورت کار مستدام میهن پرستان وفزونی چنین‌افراد میهن پرست ، مهم تلقی نمود تا در اثر رشد نیرو های مترقی ووطنپرست تمامی بقایای‌باند پول پوت وسایر مرتجعین ، امپریالیست ها محو وکاری را از پیش برده نتوانند تاباشد که کمپوچیای مستقل ، آزاد ودموکراتیك، بسوی سوسیالیزم نزدیك ونزدیکتر گردد . امروز اصناف کار گران ، دهقانان ورنجبران روز بروز بیشتر بهم پیوند خورده ودرتفکیك دوست ودشمن خویش خوب بلد اند . احترام به حقوق مردم وجلب توجه افراد جامعه‌برای جلب روحیهٔ همکاری آنان ، از پرنسیب های دیگر جبهه وحدت‌ملی است. بااعمارسرکهای جدید امکانات موثری برای رسانیدن مواد اولیه ودار وبمردم مسیر گردیده فامیل هاییکه در جریان انقلاب افراد شانرا از دست داده ویتیمان وناتوان همه وهمه وسایل‌لازمهٔ شانرا دولت تدارك دیده وهمواره برایشان‌به اسرع وقت رسانیده است . انقلاب مجبور است از خود دفاع کند . چه از اهداف‌دومین کنگرس جبههٔ وحدت ملی دموکراتیزه ساختن . قدرت دولتی بیشتر از بیش است وعقب راندن دشمنان خاك همبستگی کشور های همسایه های کمپوچیا ، لاوس وویتنام که‌سی سال تمام علیه دشمن مشترك رزمیده اند ، قابل یاد آورست . خلق کمپوچیا با توجه به اهمیت وظایف دومین کنگرس‌جبههٔ وحدت ملی‌کنون بیشتر ازپیش به‌آینده ، مطمئن ،سرزمین شانرا شکوفان می‌یابند.

یکی از آثار مکشوفه مربوط ۴۰۰۰سال قبل از میلاد که یك یاد داشت رو ی گل مخصو ص نو شته شده .

باستان‌شناسان قلمرو یك قیصر مستبد را که در ۴۰۰۰ سال ق.م میزیسته کشف نمودند

در آثار وبقایای بناهای مکشوفه ، باوجود گذشت قرون متمادی ، آثاری حریق وآتش سوزی دیده شده است . منظور از «البا» پایتخت یکی از سر زمین های آنروز گار در مشرق زمین است که امروز اصلا بدین نام سر زمینی وجود ندارد اما بتازگی ها باستانشناسان به یك کشف عظیمی دست یافتند که حکایت از روز گاران چهار هزار سال قبل از میلاد این محل دارد . این سر زمین که به اسناد تحقیقات باستانشناسان بنام (البا) یاد میشده است فعلا کاملا یك ویرانه وخرابه است واین باستا نشناسان بودند که کنون‌باشواهد و مدارك مستند ثابت گر دانیده اندکه در همین سر زمین متروك وویرانه روز گا ر ی قصر مجلل بنایافته بود که همه منقو ش بود اما امروز بشکل ویرانه‌متروکی‌در آمد . با ستا نشناسان مد عی اند که در آن سرزمین نظربه مدارك مکشوفه‌تروو

...ق قیصر ان آندیار حدوحصر نـدا شته ... نشا نه های خط میخی نیز از ین ... یافت گردیده که این خود بـه‌قدامـت ... محل صحه میگذارد وچنین معلوم میشود ... قیصران آنعهد روش صهیـو نیستی ... اند . اگر دقیق تر حرف بـزنـیم ... در ۴۰۰۰ ق.م درست درقسمت شمـال ... سوریه مو قعیت داشته است . عد ۀ ... محققین کنونی روی یـك موضوع گـنگ ... تحقیق اند و آن اینکه آیا منشا ... یهودی از البا آمده است یا چسان ؟ ... هنگران کنون دریـن مورد مترددانـد ... گهواره کلتور «عبری» نشو و نظر بـه ... این از «البا» نشات یـا فتـه بـاشد. در ... حال مو قعیت «البا » در ۱۹۷۵ تـوسط ... ستا نشنا س ایتا لوی تحت نظر پرو- ... فسور پاولو ما تهیا»ازشهر روم درتـپـه ... خرو به «تل مارد یك » واقع در شصت ... کیلو متری جنوب شهر «ها لیپو » کشف ... تثبیت گردید که بعد ها کار حفر یا ت ... آن رو ید ست گر فته شد . زما نـی ... (۳۰۰۰۰) نفر سکنه درمرکز قلمرو مذکور تا ... نتو لیا شمال «موزویو» تـا مین ودر جـنوب ... بازکوس میرسد بـودو بـاش دا شت ... که تحت قـدرت مصری هـا و بابلـی هـا ... سر میبر دند . این قلمرو ریشه تا ریخی ... دا شته و نا م دورۀ شگو فا نی آنرا کـه

از (۲۴۰۰_۲۲۵۰) سا ل قبل از میلاد را احتوا میکرد ، کسی نمیداند «البا»کـه‌روز گاری پا یتخت یك قلمرو بزرگ بود بر- وایتی درحدود (۱۶۵۰ ق.م بایدایـن‌نام را کسب کرده باشد ، درست نهصد سال قبل از بنیا ن گذاری رو م قد یـم.اما این شهر دیگر یك ویرانه است .

بمو جب یك گزارش‌دقیق(۱۵۰۰۰)تابلوی گلی که ۴۰ × ۴۰ سا نتی متر بزرگی‌دارد ازیـن محل‌یا بعباره ازاین شهر یافت‌گردیده که پهلوی هم قرار داشت گفته میشود کـه این قصر تو سط یك حمله امپراطور (آ کاد) بخاکستر مبدل ساخته شد . عـلایـم‌خط میخی که با خط تصو یری هیرو گلیف در تبـاین است ، نو شتـه هـا و کلمـات نو شته شد ه با آب نقره ، از آثار یست که چیز چیزی در مورد زند گی آن سامان معلو ما ت مید هد . این تا بلو ها و لوایح نشان میـدهـد کـه در شهر البا قیصر همرا ها نش ، بر مردم ظلم فرا وا ن میکر دند . با ستا نشنا سان زبا نی را بنام (البا) که به الباتیـك شـهرت دارد، نسبت میدهند . عده یی هم‌زبان (الباتیـك) راباسامری مختلط میـدا نندیـك‌کتاب لغت یا لغتنامه آنروزگـار کشف‌گردیده که ترجمـه لغات با اشکال چـون‌ماهی، پرنده ها ، سنگ ها ومکا ن ها ، نشانداده شده است . بقول پروفیسـورایتا لـوی

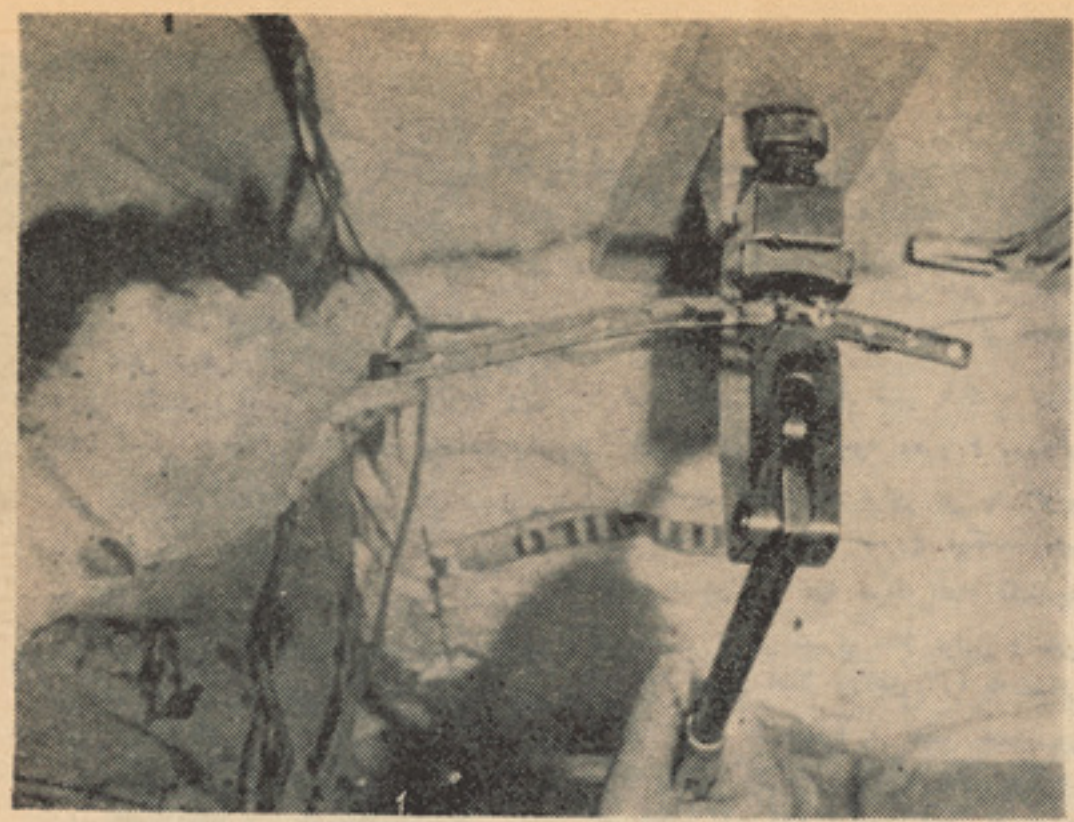

فعالیت های پروفیسور در مان فلج پاقابل‌شادمانی است .

گیوفانی تیناتو» کلماتیکه ازیـن کتیبـه ها و لوا یح یا فت گردیده ، راجع بـه آنروز گار معلو ما تها یی بد ست خواننده میدهد که گواه روشنی است اززنـدگی آنمردم گفته شده که کمیته مو ظف حاوی متر جمینی که قادر بخوا ند ن نو شتـه لوا یح مذکور میبا شد ، وظیفه یا فته اند تا در مورد متو ن مذکور همت گما رند . جد ل روی این مطلب که آیا ممکنست گهواره اصلی کلتور«عبری»در الـبا بـوده با شد ، دوام دارد .

ممکنست در طی این تحقیقات با ستا نـی مو ضو عاتی جالب وطرف تو جه بد ست بیا ید که بر غنای کلتوری و فر هنگـی تا ریخ بشر افزوده ومدارك گوا هی درموزیم های‌جهان در مورد شناخت از منـه‌ماقـبل التا ریخ در دست بشر قرار داشته باشد.

ساختن دیگ‌هاو لوازم گلی بمنظورپیروزی درمسابقه

با وصف کشفیا ت فرا وانیکه باستانشنا- سا ن بعمل آورده اند تاکنون نتوا نسته اند موفق شوند تا در مورد تاریخچه‌صنعت‌دیگـك سازی ، البته با نظر داشت اینکه برای‌بار اول در از منـه بـا ستانـی وبسیار بسیار قدیم ، دیگ ها را از گل ها ی کو زه گری یا گل رس میسا ختند ، اطلاعی کسب بدارند وبورموثـق ودقیـق نخستین صنعت دیگ سازی گلی راتثبیت بدارند . لا کـن دیـگ‌مطلبی را که باستا نشناسان زیـاد روی آن پا فشا ری میدارند همین است که صنعت ساختن دیگ هـای گلـی وسا یـر ابزار گلی قرن ها ی متمادی قدامت دا رد مفکوره ساختن دیگ ها از گـل بـدون‌شك مجزا ء از تمدن بشر بوده نمیتوا ند ، منتهی شکل و صنعت دیگ سازی باگذشت اعصا ر مختلف تکا مل یافته است . گرچه امروز بشر در عصر شگو فانی و تر قی مدنیت هـا قرار دارد لاکن با وصف اینهمه تکا مل ، با وصف لوازم چینی وکریستالی رده ها نو ع دیگر ، دیگ ها و لوا زم کا ر آمد گلی در میان بسی خانواده هـا تا حدودی توا نسته ارز شش را حفظ بدارد و امروز در بسیا ری از ملل جهان ازدیگ ها ی گلی به عنوا ن یك عنعنه استفاده میبرند ، گرچه که اسبـاب متکـا ملتـری در اختیار دارند .

دریك صبح یکشنبه در شهر (لیتاون) شعا عات آفتاب انوارش را بالای بشقاب ها، کاسه ها کوزه ها وخم ها ی فرا وان گلی وجك ها ی گلی که در پا رك بزرگ شهر دردسترس فروش قرار داشت ،می پا شند. اشیای مـذکـور بعضا روی میزك هـای مخصو ص گذاشته شده بودند . خریداران بحدی محو زیبا یی این سا مان آ لات‌گلی شده بودند که قادر نبودند یك‌آن‌از لواز م مذکور چشم شانرا دور کنند .

در ینجا همه اسباب خا نه و ظرو ف‌طرف نیاز با شیوه ها ی خا ص صنعتگر ی ا عم ازمنقو ش و غیر منقو ش با اشکا ل‌دلچسپ وگوناگـون ،دیـده میشد. بعلاوه صنعت دیگ سازی و لوازم‌گلی معلو م است کـه

ساز ند گا ن ابزار گلی برای شو خـی وسرگرم نگهداشتـن مردم ، بازیچـه‌هاو چیز ها ی عجیب با اشکا ل گونا گو ن‌که ممکنسـت ساعـت ها بیننده را تـماشایش بخند اند ، ساخته اند که اشیاء بطورشیطنت آمیزی بسوی شخصی خیره میشو ند. گویی اشیا ی مذکور با آدم حرف میز نند وخیال خندا ندن شخصی را دارند .

یکتن از تما شاگران کـه معلـوم بـود خود نیز در هنر صنعت دیگ سازی از گل تخصص داشت، گفت : میتوانـم در میـان دیگ ها قشنگتر ین بزرگترین ومستفیدترین دیگ ها را بر گزیده و هرگاه قرار باشد که سازند گا ن آن دریك محل جمـع شده باشند . سازنده همان دیـگ منتخبه راپیداکنـم ، یعنی این دیگ‌هـا گویااند واز کر کترو صنعت سا زند گا ن خو یش نیز حـر ف مـی ز نند . اینکـه د ر پارك مذکور لوازم واسبا ب گلی گذارد ه شده بود ، این پارك حیثیت ما ر کیت‌اسباب گلی را دارد که در هر چهار سا ل یکباردر همین نقطه شهر متذکره دایر میگردد.درین پارك ابیات و اشعار محلـی را در ین روز میخوا نند و رقص ها ی قد یمی تو سـط

بقیه در صفحه ۵۸

مردم باخوشی ازبرگزاری مسابقات دیگ های گلی استقبال می نمایند .

بقیه صفحه ۲۵

ارزشهای حیاتی شیر مادر

شیر شا ن بی خبر باشند روی تجمل و به اسا س دانش ها ی عامیا نه وبا تبلیغا ت غیر علمی دیگران از دادن شیر بطفل خود داری میکنند و بعضا از ترس اینکه شیر دادن ممکن به ضرر خود شان تمام شود از این کار شانه خالی میکنند واز شدت بی خبری خود و با لخصو ص طفل معصو م خود را که نیاز مند جدی حما یت مادر است به تهلکه میاندازد به این چنین مادران اگر بسواد با شند مطا لب بالا را جع به ارزش های حیا تی شیر مادر بهتر است تو سط رادیو ،جراید، تلو یزیون وشوهران شان ویا مادران با سواد تفهیم شود تا بعد ها با کمال دلچسپی وبدون ترس مادر خو یی شوند زیرا ثابت شده که شیر دادن طفل قطعا به ضرر مادر نیست و حتی ما دران رنجور و ضعیف با گرفتن سه گیلا س شیر ویا مواد غذائی اضافی (معادل شش صد کالوری) به بهترین و جه ازعهده این وظیفه عالی وانسانی بخوبی می‌توانند بدرآیند.

۲ـ امادگی نگرفتن برای شیردادن در دوران حا ملگی که مسئو لیت طبیب است :

۳:کم شیری یابی شیری مادر.

بعضی مادران نسبت شکا یت کم شیری یا بی شیری طفل را از شیر پا ك و مصفا و آغو ش پر محبت خود محرو م میسازند و از شیری که طبیعت برای چو چه گا و تهیه نموده استفاده نا مشروع میکنند آرزو- مند م بد ین امر خود سرانه اقدام نکنندچه کم شیری یا بی شیری مادر عوامل و علل دارد که طبیبان اطفال وولادی آنرا به اسانی تداوی مینما یند اکثرا با تطبیق چند دستور ساده این مشکل حل میشود بطور مثال هر قدر بطفل زود زود وبیشتر شیر بد هند هما نقدر شیر زیاد ترمیشود ه نگا میکه طفل به مکیدن شروع میکند بگزارید تا شیر همان پستان ر ابکلی تخلیه کند وبعد پستان دیگر را تا آخرین قطره آن تعار ف نما ید بعد ها مادر استراحت نموده غذا ی ما نند آب گو شت وشیر صرف نما ید وبهتر است جهت جلو گیری از کم شیری طفل رابعد از تولد به نو شیدن فله یا کولسترم ودارا سازند . هرگاه باو جود تطبیق دستور یکه گفته شد هنوز هم مادر شا کی با شد که طفل سیر نمیکند بعد از هر شیر دادن طور مکمل شیر گاو تهیه شده با قاشق داده شودتا شیر چوشك ومقدار شیر یتی آن زیاد نما شد تا طفل بتوا ند بمیل زیاد شیر مادر را بگیردزیرا سوراخ وجسامت بزرگ شیر چو شك اکثرا ما نع گرفتن نوك سینه مادر میشود واین کار به ذات خود باعث خشك شدن شیر مادر میگر دد .

۳ـسو سکلات وامراض شدید وامرا ض عمومی مادر :ـ

بعضی مادران نسبت کوتاه بودن حلیمه (نوك پستان)یا درد نا ك بودن و در زبودن ویا التها ب سینه از دادن شیر خود داری میکند هر گاه یکی از پستها نها مرضی با شد با ید از پستان دیگر به طفل شیر داد زیرا جز سو سکل نو ك پستا ن تمام امراض شد ید و وغیره قابل تداوی است شیر محتو ی آن باید دو شیده شود.سامان وو سا یل زیاد موجود است .

٤ـامراض مادر : گرچه بعضی از مریضی های مادر ما نع شیر دادن او میشود اما ما دران در کشور ما با ساس نصا یح مادر کلان ها بدون مشوره طبیب معالج از دادن شیر خود داری میکنند مثلا در حا لت تب بما در تو صیه میشود که شیر تب بر را بطفل ند هد ویا بنا بر خوردن غذای سخت ویاگرم یا سرد که ازطریق شیر طفل مر یض نشود از شیر دادن خود داری که نها یت غیر علمی وغلط محض است در این اواخر حتی مادران سل را با خوب ما در و تطبیق (بی سی مقاوم بمقابل ادویه ضد توبر کلوز شیر دادن طفل معاف نمی سا زند به خرافا ت واو ها م غیر علمی .

٥ـسو سکلات ولادی طفل که ما مکید ن او شود مانند لب چاك ، ند کام ،سو سکلات بینی ویا تشوشان وتا خر عقلی که در اینمورد طفل را و شیر چو شك ها ی مخصو ص ا دو شید گی مادر تغذیه میکند .

٦ـحاملگی مادر : اکثراء مادرا ن میکنند بمجرد یکه حا مله دار شد شان مر دار میشود که عقید ه غلطی تا اخیر ما ه ششم حا ملگی ازادا ه داده میتوا نند .

۷ـ مظا هر تمدن : بعضی خا نم ها زیبایی اندام ، لباسهای تنگ ،موجو شیرخشك بااعلانهای پرزوق وبرق مبالغه فر یب خورده و شیر دادن طفل را یك دور از تمدن و فیشن احساس میکنند همینکه بکدا م شغل خا رج از منزل طبا بت ، معلمی ، یا نرسنگ یا سکر وغیره مصروف باشند طفل بیچاره خود شیر چوشك نهایت مضر شیر داده محـ از شیر خود میساز ند .

مادری درحال شیردادن طفلش .

بقیه صفحه ۲۲

در جستجوی مرد...

صد وپنجاه رادر پشت سر گذاشته.

ببخشید میخوا ستم ازشما در موردی سوال کنم ؟ شخص مذکور می خواست خودرا به شنیدن سوال آماده ساز د سگر تی دود کرد وبا سوال که از من کرد شما سگرت می کشید ؟ چقدر وقت شد نزدیك بود از خوشی پرواز کنم .

ازسن دوازده سا لگی .سگرت رابادست لرزانش به‌دهن‌می برد همینکه از خواب بیدار می شوم به بسیلز عجله سگرت رارو شن نموده وتمام رو زدود می کنم .به بسیار زودی پی .بردم شخص مقابلم از سبز یجات وهوا ئی آزاد استفاده می‌کند همیکنه سخن از سبز یجات میوه جات وشیر بمیان آوردم دفعتاً تکان خورد . این است قهر مان صفحه ام !

به‌این تر تیب خوراك عمده شما راگو شت تشکیل می‌دهد ؟ بلی

شما باید بامن موا فق باشید اگر گاه گاه باگو شت بریان شده مشر- وبات ....

نیز همراه باشد ممکن است بـ ترشود نظر شما دراین مورد چیـ

من به علامت تصد یق سر تکـ دادم .اما چرا گاه گاه ؟ مرد مخا با تبسم گفت :

مقصد ازگاه گاه وقت نـ صبح ، نان چاشت ونان شـ است. من برای اینکه رشته کلام ازدست نداده باشم پرسید م .چند سال‌دارید ؟

بیائید فکر کنیم ..... در اواخر حافظه ام بکلی از بین رفت کدام سال است ؟

من سال راگفتم .

به‌این تر تیب .....مر مقابل چیزی باخود میگفت وبـ انگشتا نش می شمرد وسپـ گفت: سی وسه‌سال دارم ! همینکـ کلمه سی و سه رابه زبان آورد- مبخوا ست چیزی اضافه کنـ من اصلا در قصه اش نشدم ونه مـ خواستم اورا اضا فه تر گو شـ کنم وبه جستجوی بعدی پرداختم .

بقیه صفحه ۳۵

در کلپ ورزشی تعلیم تربیه ...

منا بع تبلیغا تی از قبیل روزنامه‌ها و مجلا ت در بلند بر دن‌در سطح ور زش در جا معه رول‌مهم وار زنده دارددر اخیرمنحیث یک ورزشکار سا بقه دار، اما شاگرد، نه استادچراکه‌تاحال‌استادنشده‌ام‌و مقام‌و منز لت استا دی خیلی ها عا لی‌و مهم است ، خواهشم از تمام منا ـ بعیکه در مسا بقات ور زشی دخل وغرض دارند اینست که‌دروقت مسا بقه‌از خود ما نی وخو یشاوندی بگذرند و تمام ور زشکا ران رابه یك نظر ببینندچرا که‌در وقت‌مسابقه حق تلفی با عث عقب مانی‌وشکست ورزشی در جا معه میگردد واز ور- زشکا ران تمنا دارم تا آرا ستـه به خلاق نیکوی اجتما عی وسپورتی باشند .

اینطرف وزنه بر داران در حدود بیست الی بیست‌و پنج نفر دورادور یک سیخ و دوسه متوازی نصب شده روی اطاق می چرخند ، چند نفر به تا لا ق‌ایستا ده‌ودو سه تن‌دیگر هم خیزو جست دار ند. گویی پرواز را می آموزند . اینها شاگردان جمناستیك این کلپ می باشنددفعتا چهار نفر از اعضای تیم که‌سابقه دار معلوم میشو ند نزد یکم آماده میگو- یند: هر چار ما مصا حبه می کنیم‌چرا که او لین بار است خبر نگار جلـه ژوندون با تیم جمنا ستیك تعلیم و تربیه مصا حبه می کند ...

هرچار تن خودرا چنین معرفی‌می کنند : من احمد شاه محصل صنف چهارده انستیتوت تر بیت بد نی، خودم محمد عمر صا حب زا ده محصل صنف دوم پو هنځی انجنیری،اینجا- نـب‌محبوب فا رغ التحصیل صنف دوازدهم لیسه شیر شاه سو ری‌و من عبدالوا سع محصل صنف اول پو هنځی انجنیری که هر چهار ما از شا گردان سا بقه دار این‌رشته می باشیم میگویند : در دل زیاد دار یم واین او لین بار است که باورزشکا ران جمنا ستیك مصا حبه میشود ، هنوز هم با ور ما نمیایدتا روی‌صفحه ژوندون گفته های خود را چاپ شده نبینیم(!) با ید بگوییم که در افغا نستان فعلا یك کلپ ور زشی جمنا ستیك است و آنهم‌همین کلپ که ما عضو یت آنرا داریم .

ـتوضیح بد هید که‌چراعلاقمندان جمنا ستیك کمتر می باشد.

ـعلت عمده واسا سی ایکه ازدیر مدت ور زشکا ران جمنا ستیك راکم ساخته بی تو جه یی به این ور زش میبا شد . چنا نچه یکی دو سال‌قبل به‌مقا مات‌مر بوط ور زش‌پیشنهادی نمودیم که یك اندازه سا مان جمنا- ستیك به سترس ما قرار بدهند . مقا مات‌مر بوطه به بی اعتنا یی گفتند: جمنا ستیك.... این‌کدام‌ور- زش است‌اصلااین‌ورزش‌کار دختر هااست شما را با جمنا ستیك چه سرو کار یست ؟ بی خبر ازاینکه جمناستیك یکی از مشکلترین سپو- رت ها است .

ـفعلا اعضای تیم جمنا ستیك شما به چند نفر میر سد ؟

عجالتابه یکصدو بیست نفرمیرسدکه اکثرا تا زه به این رشته جذب گرد یده اند . از جمله یازده نفر آن‌سا بقه داراین رشته می باشندکه وظیفه ترن دادن شا گردان راهم اکثرا بدو ش دارند .

ضمن صحبت گفتند : اگر جمنا- ستیك قسمیکه درسا بق طرف توجه قرار نگر فت ، بعد از ین هم ازنظر هابدور باشد روی آتش را خا کستر گرفته و آهسته آهسته ازبین‌خواهد رفت، بعضا اینطور فکر می کنند که همین حر کات آزاد سپو ر تی جمناستیك است حالانکه غلط فکرمی کنند اصلا ازجمناستیك بی خبر اند.

ـخوب برای بهتر شدن وگستر- ش این ور زش چه نظر دارید ؟

ـنظر ما اینست تا تیم های آزاد جمناستیك تشکیل شود که این کار خود رقابت های سالم سپورتی را بار می آورد ، در پهلوی تشکیل نمودن تیم های جمنا ستیك اگر وسیله تمر ین نبا شدباز هم‌کمافی- السا بق خوا هد بود . مهمتر از همه به کار گما شتن تر ینران ور- زیده می باشد تا با شا گردان به صورت درست تمر ین نما یند، اگر تمام این وسا یل به دستر س علاقمندان جمنا ستیك قرار بگیرد سپورت جمنا ستیك‌تو سعه‌وانکشاف مییابد.

در پایان صحبت باید بگوییم خوا هش ما از تمام مقا مات مسوول ور زش صرف همین است که جمناستیك رابه دیده حقارت‌ند- یده وطرف توجه خود قرار دهندتا باشد مانند سا یر ور زشکا ران‌دیگر در مسا بقات داخلی وخار جی شرکت نماییم .

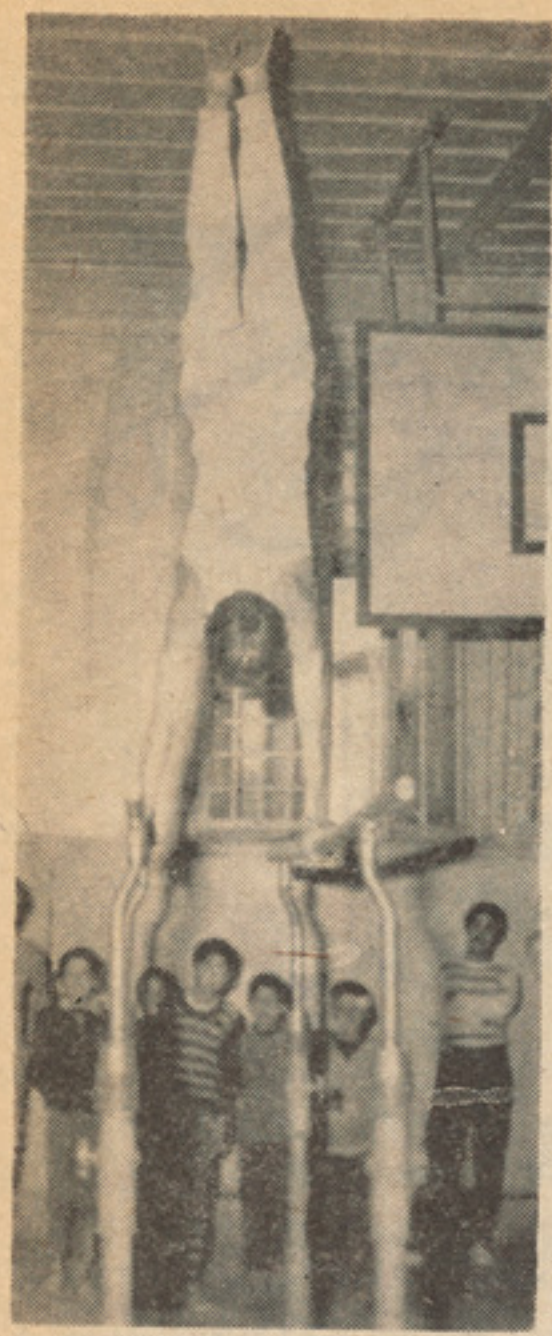

آیا این حرکت به نظر شما ساده و آسان معلوم می شود ؟

بقیه صفحه ۳٦

درمحکمه‌فامیلی ...

مرد گفت- خلا صه قا ضی صا- حب اصل مطلب رابگویم‌این زن‌گنده بغل دارد ونزد دا کتر هم برد مش مگر فائده نکرد .واز شما هم‌خواهش می کنم که اصرار به آشتی وسا- زش نکنید زیرا فایده ندارد . دلم سیاه شده‌ونمی خوا هم او رابیشتر زجر بدهم‌بهتر است آزاد ش کنم، مگر بد بختا نه در ین روز ها گلی شگفتا نده ومیگو ید من حا مله‌هستم نزد داکتر برد مش جواب منفی بود مگر نمی دانم چرا اصرار دارد که حامله است .

برادر زن گفت : حقیقت است او رامن نزد یکی از دو کتو ران لایق بردم او تصد یق کرده که طفل دارد .

قاضی گفت: در صور تیکه‌حامله باشد بازهم تصمیم دارید او راطلاق بدهید ؟

مرد گفت : بلی حر فم یك حرف است منتها در آنصو رت خرچ مدت حاملگی وکودك را خودم می پر دازم. وباگفتن جمله فوق مرد گفت بیایید همین حالا من خودم نزد داکتر می بر مش واز اتاق خارج شد وزن که آرام در گو شه‌ایستا ده بود هما- نطور خا مو ش بد نبال دو مرد روان‌شد .

ما دنبال صحبت خو یش را گر- فتیم که در آخر گنجا نیده شد. چند روز بعد که را پور آماده نشر بود تیلفونی از محکمه احوال گر فتم که مسا له‌آنزن وشو هر چطور شد قاضی گفت : متا سفا نه به طلاق انجا مید .

زن‌هم موا فقت کرد وحا ضرشدتا طلاق گیرد . وقاضی افزود مطا بق ماده ۱۳۵ قا نون مد نی طلاق شان به شعبه وثایق اجرا گرد ید نسبت عیبی که زوجه داشت مرد صلا حیت آنرا دارد که زنش را نسبت عیب طلاق دهد وهم ز ن اگر دلایلی نزد شس مو جود با شد میتوا ند طلاق خود را مطا لبه نماید .

خوب راحله جان حالا چطور است که در مورد تا مین حقوق زن دریس اوا خر صحبت کنید ؟

ـ **احیای حقوق** زن طوریکه می دانید .فرمان شماره هفتم شو رای انقلا بی جمهو ری دمو کرا تیک افغا نستان که مو ضو عات خر یدو فروش زن‌را بکلی منسوخ سا خت وعلاوتا برای خا نمها حق وآزا دی کا مل را در مورد انتخاب شو هر داد یعنی بعد از فر مان متذ کره خانمها را هیچکس مجبور سا خته نمی توا ند تا به جبر وبدون رضایت شخصی ، شوهر کنند که فر ما ن متذکره تا اندا زه حقوق خا نمها را تامین می نماید .

چون تعداد مرا جعین زیاد بودبیشتر وقت آنها را نگر فته واز آنجا خارج شد م .

سرگرمی ها و مسابقات

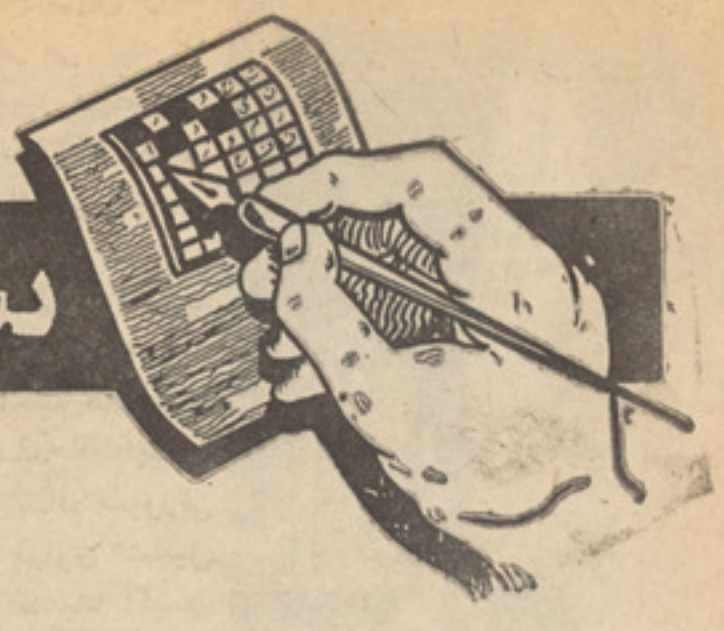

تهیه و تنظیم از صالح محمد کهسار

جدول کلمات متقاطع

افقی :

۱ـ مرکز پخش اخبار، خودم هستم، مرکز کشور انقلابی است ، روز نیست، انسانیت وظیفه آن میباشد ـ۲ـ چلادار، برادر شوهر، طرف ، رفیق سوزن، اثری از ماکسیم گورکی نویسنده شوروی ـ۳ـ حاصل آکسیجن و هایدروجن، مار مغشوش ، هدایت کننده ، اثری از استفان زوایك ، از آنطرف سلی ، منع نشده ـ٤ـ ردیف غضب، منظم آن رائی است، نویسنده کتاب اعتراف، اثری است از داستایوسکی، ردیف شمال، منظم آن اغنا میشود، برای کلکین ها ودروازه ها انداخته میشود ـ٦ـ ضد ماده است ، داغ نشده ـ ۷ـ چمن که سر ندارد ، نل خون در بدن ـ ۸ـ امر بدویدن ، نوعی از سبزیجات و هم ردیف سخا می آید ـ۹ـ رفیق پری است ، اسم سابق یکی از کشور های آسیایی ، امینی وامینی هارابه آن منسوب سازید ، یکی از ولسوالی های جنوب کشور ما، نون بی سر ـ۱۰ـ وظیفه کارگر است ، چالاك در ردیف آن میباشد، این شخص از چاکران امپریالیزم بود، اسم یکی از فلمهای هندی، رفیق کمان ـ۱۱ـ آتش عربی، کان آن در عینك لوگر شهرت دراد ، حرف ربط ، اکثریت ـ۱۲ـ آب که از چشمان بزمین می افتد، گردنبند ، یك حرف درسه خانه، دوره جوانی رابه پایان رسانیده است ـ۱۳ـ مباح نشده، گرداست، اتحاد ، مور را سمبول قهرمانی آن شمرده اند ـ۱٤ـ ازآنطرف وظیفه عادل است، یکی ازمجلات کشورما، اثری است از نویسنده مشهور وانقلابی کشور ما، جست اما تا آخرنه، میم درسه خانه، مارکه دمش قطع شده، ازآنطرف کلمه مثبت پښتو، ازپرندگان ، شمر ـ۱٦ـ ازدریای های مشهور افریقایی ، از آلات تجاری ، خبر، رفیق و دوست، از حیوانات وحشی وهم اهلی میشود، دربین کوها قرار دارد ـ۱۷ـ در بین پدر و فرزند اما ناتمام، جای فروش موادخوراکی، رول میا ن تهی ، روز بزبان اردو، خودش امریه است، گاز که تکمیل نشده ـ۱۸ـخود ما ، دیوار ـ۱۹ـ اثری از عبید زاکانی میباشد ، این کتاب را ۲۰ـ۲۱ـ۲۲ـ یکی از مخترعین مشهور جهان، این مخترع تلگراف بی سیم را اختراع نمود ـ۲۳ـ جام بی سر، دل چپه ـ۲٤ـ آغاز و انجام غند، قایل‌شدن، محل، رطوبت ، یکی ا ز فلمهای شرقی، ضمیمه به پښتو ـ۲۵ـ از حیوانات بسیار مضر، مرکز یکی از کشور های اروپایی ، آب جو، شیر به عربی، برای آبادی کشور خود .... کنید ، نوع از گلهای بهاری ـ ۲٦ـ اره کوتاه، فلم به اشتراك منوچ کمار، آغاز وانجام قرن، درزمان های سابق در خانه هامیساختند ، برادر به پښتو ، از آنطرف مرکز آلمان ـ۲۷ـ از کلمات شطرنج ، آداب ناتمام ، حمام بی سر، اولین مادر بشر ۲۸ـ ولسوالی است در شمال کشور ما ، خط بین کشور ها، مهربانی است، از غله جات به پښتو، بزقهرمان آن است، بالای چت‌قرار دارد، بایك عددتاریك میشود، به‌پایان رسید ـ ۳۰ـ نوعی از موسیقی غربی ، دال نا تکمیل، روزکه پایان ندارد، اسم یکی از فلمهای هندی ـ۳۱ـ فریاد در ردیف آن میباشد ، از حروف بهار انتخاب کنید، قوت ، عطر نا رسیده ، از آلات دهقانی ـ۳۲ـ از حیوانات خانگی به پښتو ، هدیه پراگنده، بالای آب، نوع ازدرختان جنگلی، عکس‌پشت‌دست ـ ۳۳ـدرآن خشت پخته میشود ، جمع کنری، گریختاندن وترور ، برای پخته کردن سرك ها بکار میرود ـ۳٤ـ غدود نا مکمل از آلات دهقانی، دوحرف مختلف دردو خانه، نصف آسیب، منسوب به یك نوع رنگ است ـ ۳۵ـ سه حرف مختلف درسه خانه، در بین جواب، تردید، برف پی آغاز، منظم آن قیل میشود ـ۳٦ـ بالای تنه قرار دارد ، منظم سازید تایکی از شهر های هندوستان شود، سرك نا تمام ـ۳۷ـ دوپنج، عکس راحتی ، منظم آن یکی از ولسوالی های شرق کشور ما است، امروز به پښتو ، لام کوتاه ـ۳۸ـ نام کوتاه ، انار ریخته شده ، کلی شکسته، زهر، یك حرف ودوخانه ، ضمیر اشاره ـ ۳۹ـ از حروف انبور انتخاب کنید، سازناتمام، از حروف الفبا، حرف میم در دو خانه ـ٤۰ـ بیره ناتمام ، هستم به پښتو، از ابر بزمین می آید، یك حرف و دوخانه ، گروه .

عمودی :

۱ـ نویسنده کتاب تحفه العراقین، جام آن شهرت دارد، اسم اصلی آن قیس بود، از محلات تفریحگاه های کشور ما، از ولایات کشور ما، دروازه دهن ـ۲ـ این جدول رابه افتخا رآن ساخته ایم، ردیف قهر، ازازدیاد آب پیدا میشود، نزدیك نیست، عادت ، کم عقل، دربین ادنا ـ۳ـ ابر ناتمام، رنگ‌نشده، ردیف جز، درچمن هازباد است، محل، وصل نشده، از حشرات مضره صحرایی ، اثر این نویسنده بنام جهان بصورت اراده ونمایش میباشد ـ٤ـ باجمع یك ضمیر اشاره درمان میشود ، از حکمروایان کشور ما ، اولین پدربشر، پایان روز، زندان ـ۵ـ رفاقت و دوستی، سرك، از کشور های جهان ، ازدوغ ساخته میشود ، جای گل وبلبل ، منسوب به سنگ‌است ـ٦ـ ردیف عزت، حیوانات وحشی چنین میشود، عکس زن، با تغییر بسیار کم روز میشود ، ردیف آواز، بار میبرد ـ۷ـ کل ربط ، دار شکسته، حرف مثبت پښتو، امر ناتمام ، سرود ملی کشور ها ، اسم سابق آن بهارت میباشد ـ۸ـ کشور ، محبت، منظم آن سوم است ، موی پراگنده ، رفیق،پیاله یکی از شعرای مشهور کشور ما ، ـ۹ـ نوار کوتاه، مسترد شدن، هشتم آن برای دهقانان بسیار مفید بود ،یك حرف ودوخانه حرف ربط ، جمع بندر، عکس نیکی ـ۱۰ـ منظم درج میشود ، نصف جبره، دو «ه» اثر ینووالاس ـ۱۱ـ دونیم، نویسنده کتاب سرخ وسیاه است، یکی ازجمهوری های شوروی ـ۱۲ـ اسم کوتاه ، آخرین حصه حیوانات ، سیم بی سر، اثر از مارك تواین ـ ۱۳ـ عطر میدهد ، نصف دیدن، دردبی آغاز، یکی از ولایات کشورما، تند میان خالی، اثری از هرمان ملویل، سفرنامه را اونوشت است، دوازده ماه ـ۱۵ـ ریل، ضمیر اشاره، از فلزات، ردیف طالع، رنگ نشده، شام طویل ـ۱٦ـ با تغییر کم بعضی حیوانات دارند، بالای آب، اثراز افلاطون، عکس روز، جای آن در گلدان است، باادویه مریض می یابد ، ردیف سبب، از آنطرف لیس می شود ـ۱۷ـ یکی از کشور های جهان، شرکت بنام این است، بین سروپا ، مادر بزبان‌عوام پښتو، ازآنطرف‌بدر، حافظ درآن شهرت‌دارد، سرش را ببرید یك پرنده خوش خوان بجا می ماند که در تقلید شهرت دارد، اسم‌سابق یکی از ولایات کشور ما ـ۱۸ـ دوخانه ودو حرف مختلف، ردیف جادو ، کندوی آرد ، آغاز اعداد، بدون قیمت ، نصف طالب ـ۱۹ـ گردنبند به پښتو ، از ماهای سال، مورچه، از خزندگان، خروس بر سردارد، اثر از ۲۰ـ فریاد ، اثر از استفاین زوایك ، چوب بزبان پښتو، هوارمنظم آن است، برای نصب پرده بکار میرود ، اثر از ناصر خسرو ـ۲۱ـ بدون آخر سد میشود ، اثر از ریچاردرایت، جای درخت وگل، صحت مند به پښتو، دست به پښتو ـ۲۲ـ دار بی سر، برگ نا رسیده، حاصل نیشکر، ازآن طرف رام میشود ، جاز نامکمل، انفجار آن خطر دارد ، محبت، اثری ازچارلی چاپلین ـ۲۳ـ مداد منظم آن است، سمبول باریکی، پدر شوهر، پوش درختان، درجنگ بکار میرود ، پوسه، لین سیم ، نان بی آغاز ـ۲٤ـ یکی از ولایات کشور ما، رطوبت ، به کوهکن مشهور است، همه‌حروف الفبا، از براعظم های جهان، جام آن شهرت دارد .

سال نو مبارک

بزرگترین جدول بازی سال ۱۳۵۹ شمسی صفحه سرگرمی و مسابقات

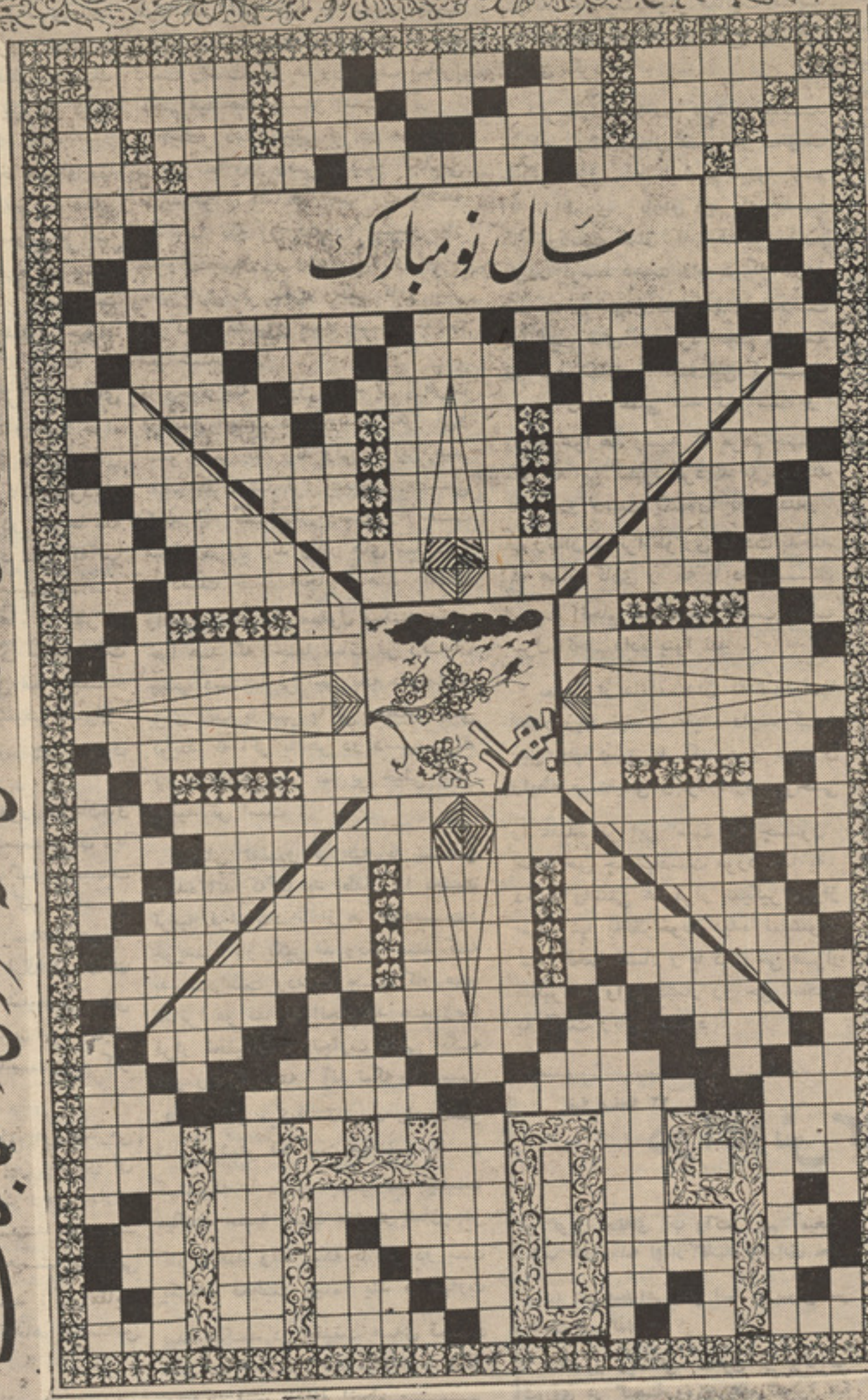

۱ ۲ ۳ ۴ ۵ ۶ ۷ ۸ ۹ ۱۰ ۱۱ ۱۲ ۱۳ ۱۴ ۱۵ ۱۶ ۱۷ ۱۸ ۱۹ ۲۰ ۲۱ ۲۲ ۲۳ ۲۴ ۲۵ ۲۶ ۲۷ ۲۸ ۲۹ ۳۰ ۳۱ ۳۲ ۳۳ ۳۴ ۳۵ ۳۶ ۳۷ ۳۸ ۳۹ ۴۰

۱ ۲ ۳ ۴ ۵ ۶ ۷ ۸ ۹ ۱۰ ۱۱ ۱۲ ۱۳ ۱۴ ۱۵ ۱۶ ۱۷ ۱۸ ۱۹ ۲۰ ۲۱ ۲۲ ۲۳ ۲۴

بقیه صفحه ۲۹

انسانها و...

رو می ها کسا نی را که بدست چپ کار میکرد ند انسا نهای بد بخت میدا نستند اما امروز افراد دست چپی ودست را ستی یک نظر دیده میشو ند و یکی بر دیگر بر تری وامتیا زی ندارد .

در گذشته ها اشخا صیکه با دست چپ کار میکرد ند مرد مان ناپاك میدا نستند فرا نسوی ها آنها را بی مغز و بی ذکا وت تصور می‌نمودند در انگلستان با نهادست نارسی ودر امر یکا او شا نراحیوا- نات چنگا لی میخوا ند ند . تعدا دی ازسیا نسس دا نها آنا نرا انسا نهای غیر نور مال بی اهمیت و خود خواه تصورمیکرد ند. زنی که در زمان قد یم با دست چپ کار میکرد،در این باره گفته است که در یك جا معه سه طبقه بد بخت وجود دارد که‌آنها عبارت اند ازنادا‌ران ، سیاه- پوستان وچپ دستی ها، در نظر یه ین میر من این حقا یق نهفته است که در طول تاریخ این سه طبقه بطور متدا وم مورد تبعیض قرار گر فته اند ودر زند گی زجر ز یادی دیده اند .

ما خو شبختا نه امروزدرزمان‌ماو در نزد دیگران چپ دست بودن وبا دست چپ کار کردن گنا هی‌نیست وآنکه با دست چپ کار میکند گنهکار وبد بخت شنا خته نمیشود.

قرار احصا ئیه ها ئیکه از ممالك مختلف جهان گر فته شده‌د ر بعضی از کشور ها از هربیست‌نفر آن‌یك نفر بصو رت طبیعی بدست چپ کار میکند.

من وقتی به فا میل خودنظرمی اندازم می‌بینم که در بین اعضای آن سه‌نفر طفل چپ دست وجود دارد. اماآنها نه بد بخت هستند نه بی- هوش و ذکاوت بلکه همه ذکی وزحمت کش میبا شند . در مقابل آنهاخاله‌ام قرار داردکه‌باهردودستش یکسان کار میکند .

خو شبختا نه جهان ور زشس و سپورت همیشه از چپ دست هائیکه دریکی از سپو رت ها مها رت داشته اند پشتیبانی نموده وآنها را به نظر قدر نگر یسته است چنا نچه در زما نهای قد یم هم مردان چپ دست مقتدر طرف تمجید و ستا یشس رو می ها قرار داشت .

تا صد سال قبل تصور میشد که طول عمر آنها ئیکه با دست چپ کار میکنند نسبت به آنا نی که با دست راست کار ها ووظا یف شانرا انجام مید هند بیشتر است .

اکثر دست چپی ها در هر زمان در کار ها وور زشس هائیکه انجام‌می دادند فو ق العا ده مها رت داشته اند چنا نکه (را دلیور) تینسس باز معروف جهان ور زشس بل‌لاری قهر- مان بازی کر یکت وجیم کارو تر بو کسر مشهور همه چپ دست میبا شند .

با وجود یکه امروز وا لد ین ازطرف فرزندان چپ دست شان نگرا نی‌و تشو یشس ندا رند ولی با این هم بعضااطفال شا نرا نصیحت می کنند که باستعمال دست را ست مبا درت ور زند وکار های شا نرا با دست چپ انجام ندهند اما والد ینی که فکر معقول میکنند ونمی خوا هند که احسا سات فر زندان چپ دستشا نرا جر یحه دارسازند برای آنها با مهر با نی ومحبت می گویند که اگر با هر دو دست کار ومهارت پیدا نما یی خیلی بهتر ومفید تر است .

علمای تعلیم‌و تر بیه با ین عقیده اند که با ید اطفال را تحت تربیه قرار داد تا از هر دودست خویشس کار بگیر ند وبکو شند که بدست‌راست ودست چپ کار های شانرا مو فقا نه انجام بد هند زیرا قرار تحقیقات و تجارب علمی ایکه صو رت گر فته آنا نیکه با دست راست کار میکنند قسمت راست‌مغز شان بیشتر فعا لیت میکنند و کسانیکه با دست چپ فعا لیت میکنند حصه چپ مغز او شان‌بهتر کار میکند وآنا نیکه با هر دو ست یکسان فعالیت مینما یند و مهارت پیدا میکنند در حقیقت همه‌ی قسمت های دماغ شانرا بکارمیاندازند وکار هایشانرا مو فقانه انجام می دهندو در فعا لیت های خویشس نسبت به آنا نیکه بیك دست کار مینمایند کمتر احساس خستگی میکنند .

پس بهتر است که وا لد ین اطفال شانرا طوری تر بیه نما یند که با هر دودست فعالیت‌کنند تا در آینده کار های شانرا خو بتر ومو فقا نه تر انجام بدهند واگر خدا نا خواسته بیکی از دستهای‌شان آسیبی‌رسید بتوانند بادست دیگر فعالیت نمایند واز کار باز نما نند ومحتاج‌ودستگیر دیگری نگرد ند .

اگرچه مداخه در کارهای مفید ومورد پسند اطفال عمل خو ب‌نیست اماگر خوا سته با شیم میتوا نیم آنا نراطوری بارآو ریم که با هر دودست شان کار کنند وبکار کردن توسط دست راست که امروز اکثر مردم جهان فقطباهمان یك‌دست فعا لیت های شا نرا انجام میدهند قنا عت نکنند . البته این کار بمرور زمان عملی شد نی است و روزی خوا هد رسید که مردم جهان متو جه این کمبود گرد ند ،وبکوشند باهر دو دست یکسان کار کنندو فر زندان شانرا طو ری عا دت بدهند که همان کاری را که با دست راست انجام مید هندبا دست چپ نیزل انجام داده بتوا نند .

بعضی از دانشمندان که تعدادآنها آنقدر زیاد نیست عقیده دارند که بین چپ دستی و لکنت ز با ن رابطه مستقیمی وجود دارد وبرخی را عقیده بر این است که چون اشخا ص چپ‌دست مورد حما یه دست راستی ها قرار نمیگیرند واز طرف‌آنها به‌نظرخوب دیده نمیشوند لذا تحت فشار ز یا د روحی قرار میگیر ند واین فشار رو حی منجر به لکنت زبان میشود .

بخشی از علما نظر یه داده اند که یك‌انسان چپ‌دست در قسمت جمجمه خود انکشاف صحیح نکرده است این دسته علما علاوه میدارند که‌انکشاف‌قسمت‌جمجمه‌انسان برای انجام فعا لیت های مفید وثمر بخش خیلی ضرو ری ولاز میست وبیا نات وخطا به هائیکه یك انسان چپ دست مید هد نمایان میسا زد . که جمجمه او انکشاف نکرده وبین حر کات جسمی ودما غی وی‌همکاری وهما هنگی وجود ندا رد .

وبخشی‌از مردم میگو یند که چپ دستی یك مسا له ار ثی می باشد وچپ دستها ، چپد ستی رااز اجداد ونیاکا ان خو یشس‌با رث‌گر فته اند.

برسلی‌یکی دانشمند انی که درین باره مطالعات زیادی را انجام داده میگو ید که همین اکنون نیز دربعضی قسمت های اروپای غربی داشتن اطفا لی که با دست چپ فعالیت کنند شگون بد دانسته میشود .

تعداد زیاد کشور هاو مردم جهان هنوز هم دست راست را نسبت به دست چپ ترجیح میدهند کشور ها و مر دمیکه به استعما ل دست را ست ا صر ا ر می ورز ند متو جه نیستند که دست چپ ودست را ست انسان سرمایه هایست که یکی از دیگری فزو نی ندارد‌چه بهتر است که یکی ازین دوسرمایه را فراموش نکنیم و هر دورا در راه انجام کار های پرارج بفعا لیت اندا زیم ویك دست راحاکم مطلق نسا زیم .

بقیه صفحه ۲۲

در آغوش گل‌های سرخ

تو گویی لحظه‌ای آب وآتش بهم آمیخت.
امشب هنوز جامه ام از گلهای بامدادی معطر است، اگر میخواهی عطر آنها را ببویی سر بدامان من گذار » .

«ماکسیم ریلسکی» شاعری از اوکرائین شوروی در گنجینهٔ «ترانه های گزین» عدهٔ معدودی از شاعران کشور شوراها تحت‌عنوان «گلها وانگورها» ازگل‌سرخ وسوری‌وشقایق، خاطرهٔ را روی کاغذ نقش بسته که رونوشت درونمایه هایش بدین مضمون دستیاب شده است :

از کار باز آمد . دوشیزه ، خسته ،
مادرش از کلبه آواز داد او را .
آنجا ، در آنسوی گلشن خوشبو ،
که پیچان میر وید سوری و نعنا .

• • •

باز گشت از سفر مرد ما شینیست
پا تا سر در غبار ، سرا پا دود آلود :
برگ مو از آفت شده آبله گون
باید از برایش چاره ای نمود .

• • •

رمز گل دادن را با بسی دقت
جوان دانشمند پژ وهید تکو ،
و اینك اندر شهر ، شقایق هر سو
گل داده شعله وش بتدبیراو .

• • •

بقیه صفحه۲۸

بهار...

ولی این اعمال‌جزتلاش مذبوحانه وناشیانه‌ای بیش نبود و مردم ماکه مدت زمان کوتاهی مزه وفرحت بهار واقعی را چشیده بودند دل بطوفان سپردند وهر قدرجبروظلم‌امین‌سفاك برطلبگاران بهاران واقعی بیشتر می‌شد آتش وشعله خشم ومبارزه‌ی آنان اوج می‌گرفت وسوزان ترمی‌شد تاآنکه روز موعود فرار رسید. آری شام ششم جدی ۱۳۵۸بمثابه شام بگور سپردن اژدهایی بنام امین ومارانی بنام باندامین فرا رسید. اردوی آزادیبخش افغانستان که می‌توان آنرا- برحق یك اردوی آزادیبخش وملی نامید بابه انجام رسانیدن این ماموریت تاریخی افغانستان و مردم افغانستان رااز تباهی ، نیستی ،ظلم استبداد و . . . نجات بخشید امین این برباد دهنده‌ی بهاران واقعی مردمان ما در فعالیت های ضد انسانی و ضد وطنی‌خود از نام مقدس چون انقلاب ، مردم ، اسلام وخدا وایمان سوء استفاده می نمودزیراوی سخت محیلانه دشمن همه بود .

در شام ششم جدی مردم افغانستان باشنیدن بیانیهٔ ی ملی وتاریخی ببرك کارمل منشی‌عمومی کمیته ی مرکزی حزب دموکراتیك خلق افغانستان ، رئیس شورای انقلابی و صدراعظم جمهوری دموکراتیك افغانستان یکبار دیگر پروبال کشیدند واین آواز نجات بخش را پیام آور بهاران دانستند : در بیانیهٔ انقلابی موصوف در مورد جنایات وجفای امین شیادو نجات مردم ماازچنگال وی چنین گفته شده است:

«مردان وزنان قهرمان کشور. ازهمه اولتر اجازه دهید تا قبل از ارائه مشی سیاسی دولت وحکومت جمهوری دموکراتیك افغانستان از طرف کمیتهٔ مرکزی‌حزب دموکراتیك خلق افغانستان ، شورای انقلابی وحکومت جمهوری دموکراتیك افغانستان از طرف خود اینجانب ببرك کارمل عمیق ترین تاثرات وهمدردیها، عظیم ترین احترامات ودرود های آتشین را به مناسبت رنج های بیکران واشك های خونین شما، بمناسبت‌حبس وزندان ، تبعیدو مهاجرت های جبری ، زجرو شکنجه های وحشیانه وغیر انسانی ، شهادت وکشتار جمعی دهها‌هزارمادران وپدران،برادران وخواهران ما . دختران ، پسران وکودکان ماکه از طرف حفیظ الله امین میر غضب وبدستور مستقیم این جلاد آد مکش بعمل آمده به پیشگاه شما تقدیم بدارم از طرف دیگر اعلام‌می‌گرددکه حفیظ الله امین این دشمن غدارالله وامین که بنام خدا واسلام ،بنام انسانیت وملیت ،بنام خلق‌وخلقی‌علیه‌خداواسلام‌علیه‌انسانیت،ملیت‌علیه خلق وخلقی وحشیانه جنگید ، این دشمن‌وطن وضد ملی که اردوی آزادیبخش افغانستان رابه نفع دشمنان داخلی و خارجی پارچه پارچه‌کرد وبهترین سربازان ، خرد ضابطان، افسران قهرمان وجوانان مارا، هموطنان شرافتمند و زحمتکش مارا به فجیع ترین وضع به زندان ها وکشتار گاهها فرستاد ... برای ابداز صحنه زندگی وطن محبوب مان افغانستان محو گردید وبنابر طوفان خشم ونفرت خلق، قهرو غضب ملت درداگاه عادلانه انقلابی خلق ومستضعفین افغانستان یکجا باچند چاکرش بسزای اعمال‌طاغوتی و شیطانی‌خود ر سیدو میرسد ...»

دریك حصهٔ دیگر این بیانیه جهت اطمینان و آرامش مردم افغانستان چنین آمده است:

(... دولت جدید وانقلابی وملی افغانستان درحدود امکانات درتامین شرایط جبران‌خسارات مادی و معنوی تمام هموطنانیکه از ظلم وستم امینی ها چون سگ های‌زنجیری اش اسدالله امین ، عبدالله امین ، خساره مند شده اند جدو جهد خواهد ورزید ...)

آری مردم افغانستان در نتیجه پایمردی‌هاو مقاومت های قهرمانانه ی خودشان وشهامت‌واز خود گذری اردوی رهایی بخش افغانستان از چنگ امین ددمنش وباند فاسد ظالم وی نجات یافتند وبزندگانی شرافتمند وآبرو مندانه‌ی‌خود آغاز کردند .

هموطنان بلا کشیده و قهرمان !

اینك بهار سال ۱۳۵۹ را در حالی پذیرایی می‌نمائیم که توام باآن بهار امیدها وآرزوهای مان نیز فرا رسیده وبه صراحت می‌توان گفت که بهار امسال بهار دوگانه است یکی بهار طبیعت که از بخت نیك نسبت بارندگی های پرفیض وفراوان سر سبز وپر فیض خواهدبود وحاصل فراوانی‌رانصیب‌هموطنان خواهد ساخت ولی مهم تروسرورآورتربهار دیگری است. بهار آزادی همه مردم شرافتمند . بهار جاودانه‌ی که هرگز خزانی نمی‌شناسد، بهاری که جغد های منحوسی چون حفیظ‌الله امین این سازمانده اجنت‌های سی ،آی ای دروطن وبرباددهنده بهار آرزوهای وطن ومردم ،دیگر قلع‌وقمع شده‌است . بلبلان وطن همیشه بهارماآزادانه وباشور وشوق نغمه‌های‌آزادی و بهروزی می- سر ایندوهیچ‌زاغی‌رایارای درآمدن‌درین بوستان یعنی بوستان وطن محبوب مانیست .

مردم رنج دیده وعذاب کشیدهٔ ما که سرماهای مظالم امین وامینی هارا گذشتاندواینك آفتاب مرحله نوین انقلاب نور آن همه‌یخ‌هارا آب می‌کند واز بین می‌برد .

مردم مادر عمل دیدند که دولت انقلابی شان آن چنان اقداماتی انجام‌دادند که‌می‌شودآنرا التیام بخش کلیه دردهای‌ناشی از استبدادوظلم مستکبرین دار ودسته امین وبالنتیجه‌امپریالیزم خونخوار امریکا دانست .

رهایی همه زندانیان سیاسی ایکه از زیر ساطور امین جاسوس که در ین ساطور مارك‌و نشان امپریالیزم امریکا بخوبی‌بمشاهده می‌رسد ازجمله اولین‌اقدامات‌وطنپرستانه وبشرخواهانه دولت جدید وانقلابی جمهوری دموکرا- تیك افغانستان شمرده‌می‌شوددرین رهایی‌عدالت ومساوات کامل موجود بود چه زعامت دولت جمهوری دموکراتیك افغانستان ضمن اعلامیه عفو عمومی همه زندانیان سیاسی بصراحت‌اعلام داشت که بدون درنظرداشت هیچ تبعیض وفرق وصرف نظر ازهمه ملحوظات از قبیل لسان مذهب ، ملیت ،ایدیالوژی سیاسی ، اختلافات سیاسی وسازمانی وغیره برهایی زندانیان اقدام می‌شود و چنان هم شد .

هموطن قهرمان ودر بند کشیده آیا این اقدام‌بیك نیك بهار، بهارواقعی‌وفارغ ازهرنوع رنج وبند نیست ؟

آیا خارج نمودن هموطنان بیگناه و رنجدیدهٔ ماازدخمه های باستیل پلچرخی خود نمایانگر شادمان ساختن دل‌های آزرده ویخزده‌هموطنان مانیست ؟

اقدامات‌بعدی دولت وزعامت انقلابی وقهرمان افغانستان جوان وانقلابی‌همه‌وهمه روشنگراین حقیقت است که دیگر یخ هاوسرماهای ناشی ازظلم‌واستبدادواستثماربیرحمانه سلطنت‌فیودالی وسلطنت حفیظ‌الله امینی آب می‌شود وطوفان سرد وتباه کننده به نسیم‌ملایم بهاری تبدیل شده است و هموطنان مااینك امسال‌بهار دوگانه ای را بدرقه می‌کنند .بهار طبیعت وبهار آزادی کامل را .

پس ای هموطنان شریف‌وآرزومند ! نگذارید که‌جغدهاوکلاغ‌های‌منحوس‌بازهم‌این بهارجاودانه شما را باصداهای دلخراش واعمال سیاه خود مواجه به تهدیدسازد چه آنها که شوق ومنفعت شان در سردی دل مردم ویخ زدن آرزو های خلق نهفته است در کمین هستند وسخت‌در تلاش وتکاپوهستند تایکبار دیگر زمستان‌راباز گردانند، سرما را بردل ها چیره‌سازند، غنچه های امید وطن ومردم‌رادرپندك بخشنکانند وپژ- مرده سازند . ماایمان ویقین کامل دا ر یم که‌این همه تلاش های مذبوحانه وبی‌فرجام‌است ولی آنهادرین مرحله می‌خواهندفرارسیدن‌سبزی وخرمی همه‌گانی خلق مارا به عقب باندازند.

آنها می‌خواهند که رسیدن رستا خیز واقعی مردم مارا بدور اندازند وطولانی سازند آنها می‌خواهند ... ؟!

ولی چنانیکه مردم شریف وزحمتکش افغا- نستان در عمل ثابت‌ساخته اند این‌همه دسایس وتلاش های مذبوحانه رابامتحدشدن ویکدست شدن خنثی ساخته ومی سازند.

بهار جاودانه‌ما فرارسیده‌است وهیچ نیرویی قادر نیست از پیشرفت وتکامل وسر سبز شدن آن جلو گیری نماید واگربازهم‌ناشیا نه در مقابل چرخ زمان وتاریخ بایستند سرنوشت شان چون سر نوشت امین وداودستهٔ سفاك واو باش اوخواهد بود .

شگوفان باد بهار آرزو ها، بهار واقعی مردم قهرمان افغانستان ، آینده ازآن مردم است. آری مردم .

بیکران دوست داریم مامو سیقی را
و«آفریدن» رادانیم دلپسند .
خوشبختی ما را اینك‌دوبال است:
گل سرخ باانگور ، زیبا با سودمند .

• • •

جای دیگر ودر ورای دستمایه های ادبی‌از گزیده های پذیرای «گویته»که بزیر عنوان «گذشته وحال» شمهٔ از اسرار طبیعت را بپرده ساخته است چیده های را درین‌دسته گلهای اهدایی پیوندو پیوست میکنیم . به نحویکه بیانش از آغاز تا فرجام سخن ، «گل سرخ» کرده است . اینچنین :

«درباغ زیبا گل سرخ و زنبق کنار هم شگفته اند تا بر رخ ژاله بامدادی بوسه زنند . پشت باغ صخره ای پوشیده از گیاه وگل سرخ و پیرامون آنرا جنگلی خرم فرا گرفته است که یکسره تا درهٔ سبز ادامه دارد . همه جا مانند آنروز گاران که من در آتش عشق میگداختم وهر بامدادن باچنگ خویش به پیشباز مهر فروزان میرفتم ، از عطر گل آگنده است .

اکنون که جنگلها هر بهاران سر سبز میشوند وجاودانه زندگی را از سر میگیرند ، ما نیزدل‌قوی کنیم‌واز آنها سر مشق‌بگیریم، طعم لذایذ گذشته را بچشیم وبدیگران نیز بچشانیم تا خوشیهای جهانرا بخیلانه برای‌خود نخواسته باشیم . ازین پس باید در هر مرحلهٔ از زندگی راه ورسم شاد بودن ونشاط اندوختن را آموخت » .

بتداوم این گلفشانیها ، «منو چهری»اسناد سخن با کلام پر حلاوت وپر مایه اش بگرد «گل سوری» و «گل سرخ» چنین گراییده است :

آمده نوروز ماه با گل سوری بهم
بادهٔ سوری بگیر - بر گل سوری بچم
زلف بنفشه ببوی - لعل خجسته ببوس
دست چغانه بگیر - پیش چمانه بخم
شاخ برانگیخت درخاك برانگیخت‌نقش
باد فروبیخت مشك - ابر فروریخت‌نم

قمرنی درشد بحال - طوطی‌درشدبرقص
بلبل درشد بلحن - فاخته‌درشد بدم
رنگ رخ لاله‌را - ازنوعود است خال
شمع گل زرد را ازمی و مشکست شم

با گزینش این نظم پر محتوای ادب پیرا افسانه‌و فسون «گل سرخ» را که از آغاز تا انجامش باراز ها ونیاز های مهر اندود آگنده است ، درینجا پایان میدهیم وخود بدامان طبیعت وسراپردهٔ رنگینیها پناه‌میبریم.

(ختم)

روز نوروز
و
هنر آرایش میز غذا

۱ـ حالا بااستفاده از این کتاب غذای‌لذیذی برای شوهر جانم می‌پزم .

۲ـ وای که چقدر سامان ولوازم برای طبخش لازم است !

۳ـخواب!به‌قرار هدایت بایدرومیزی‌راهوار کنیم.

۴ـ بعدش قاشق وبشقاب بچینم

۵ـ برای زینت سفره شمع هارا بایدروشن بکنم

۶ـ وبعدش گلها را بیارایم

۷ـ حالا هم آواز بخوانم تاشوهرم جانم بیاید :

بهار آمد بیا ای یار جانی
نوازش کن به لطفو مهربانی
گذشته میرود عمر دو روزه
نمی ماند همین حسن جوانی

وای یادم رفت که اصلا نان درست‌بکنم

بهترین رستوران

جهانگردی وارد شهر کوچکی شد ...ظهر بود وجهانگرد گرسنه ، از مردمی که درکنار خیابان نشسته بود پرسید :

ـ درین نزدیکها رستوران نیست ..

ـچرا ... این شهر دو رستوران داردکه‌هردو در چند قدمی همین جاوتقریبآروبروی هم واقع شده است .

ـ خوب . کدامیك از آنها بهتر است .

مرد شانه ها را بالا انداخت وگفت :

ـ تفاوتی نمیکند ... شما می توانید بهرکدام که دلتان خواست بروید ... اما در هر حال پشیمان خواهید شد . که چرا بـــه‌رستوران دیگری نرفته اید !!

ورزشکاران

دو دوست در اداره با هم گرم گفتگـــوبودند ... یکی از آنها رو بدیگری کرد و گفت :

ـ هیچ میدانی که من هرروز صبح ساعت٦ برای‌تمرین ورزش‌ازخواب بیدار میشوم...

دوست دیگری گفت :

آفرین ... پس حتماً در همین تازگیهاورزش‌میکنی !

دوست اولی جواب داد :

ـ نخیر ... دختر همسایـــه رو بـــروی‌منزل ما ورزش میکند !!

اتفاق عجیب

مرد در حالیکه دست شکسته اش را به گردن اویزان کرده بود وارد رستوران شد مدیر رستوران پرسید :

ـ اتفاق بدی افتاده ... نکند که باموتـر تصادم کرده باشی ؟ مرد سری تکانداد :

نی ... دیشب که از این جاه بیرون رفتـم اتفاق عجیبی افتاد .

من بطرف موتر میرفتم که یکی از ایـن آدمهای بی احتیاط که در خیابان راه میرفت، دستم را لگد کرد ... فکر میکنم او بسیار مست بود !!

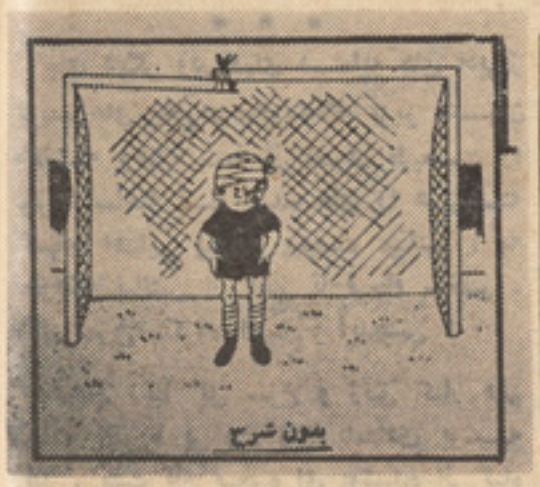

دو تصادف در یك تصادف یکی سرش‌زخم برمی‌دارد ودگر چوبهٔ گول می‌شکند.

زن‌به‌شوهر ـ شوخی بس‌است بیاکه‌برویم،هواتاریك میشود

زنی که شوهرش را دوست داشت

شکارچی معروف که تازه از جنگلهـای افریقا آمده بود ، پوست ببر بسیار زیبائی نیز برای زنش ارمغان آورده بود ... روزی جریان شکار ببررا برای‌زنش تعریف‌میکرد:

ـ بلی ... نمیدانی چقدر خطر ناك بود ... یامی بایست من زنده بمانم ویا ببر ... اگر تیر ذره‌یی خطا میرفت ببر مرا پارچه پارچه می کرد زنش از روی رضایت نگاهی بـه شوهرش انداخت وبعد به پوست قشنگ‌ببر که پیش تختخواب ، روی زمین افتاده بود ، خیره شد وگفت ، بسیار خوب خوشحالم که مرگ نصیب ببرشد... چون‌درغیرآن صورت من‌حالا پوستی باین قشنگی برای تختخوابـم داشتم !

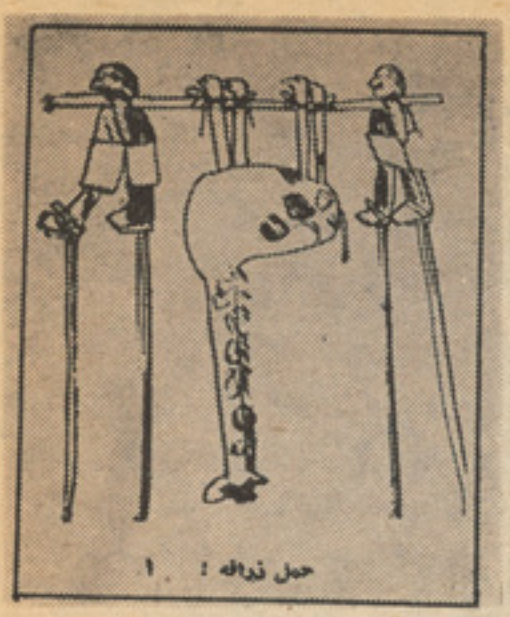

حمل ذراقه : ۱

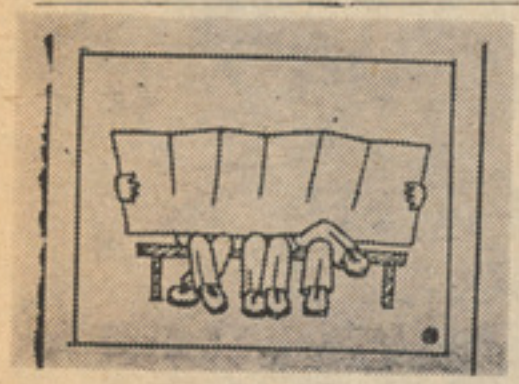

بدون شرح

سفارش یك‌زن

داکتر بعد از آنکه مرد را معاینه دقیـق‌کرد ، سری تکانداد و گفت :

ـمتاسفانه حال شما مریضی ندارد ... بسیار چیزها باید پرهیز کنین ..

مرد حرف داکتر را برید :

ـ مثلا چه چیز هایی داکتر ؟

ـاز سگـرت، از مشروب، قمار، از شب زنده داری واز غذا های ...

مرد مجدداً حرف داکتر را قطع کرد و بـا عجله پرسید :

ـ خواهش میکنم داکتر جان ... راستش را بمن بگو ، قبل از من زنم به اینجا نیامده بود ؟!

۱

۲

۳

ازبالا به پائین بدون شرح

تهدید بزرگ

داماد جوان ، یکروز تعطیل بدیدن مـاك تاویش اسکاتلندی ، پدر زنش رفته بود ...

پدر دختر از او پرسید :

ـ خوب پسرجان ... بگو از دخترم راضی هستی ؟

داماد جوان جوابداد !

ـ نی ... به هیچوجه از دختر تان راضـی نیستم . چرا ... برای چی ؟

ـ چون بسیار ایله خرج است.

ـخوب اگر دیـ ر بازم هم ایله خر جـی کرد مرا خبر کنی !

ـ شما چیکار میکنین !

ـ هیچ ... فوری او را از میراث خـودم محروم میکنم !!

مسافر

مسافری که‌تازه وارد شهر ی شده بود مغازه لبنیات فروشی رفت وگفت:

آقا ... لطفا نیم کیلو شیر بمن‌بدهید.

لبنیات فروش گفت:

ـببخشید آقا ... ماشیر راوزن‌نمیکنیم.بلکه‌اندازه میگیریم.

مرد مسافر بسادگی گفت واه ... معـذرت‌میخواهم ...حواسم خراب است ...پس‌لطفا نیم «متر» شیر بدهید !!

دزد- زود هرچه پول داری بده وگرنه‌این‌هوش رابه سرت می‌اندازم.

بقیه صفحه ٤٩

ساختن دیگ...

دخترا ن جوا ن در حالیکه کوزه ها ی گلی را بر شانه حمل میکنند ، اجرا ء میگردد

وقتی مسا بقه آغاز می گردد جشن مذکور به نقطه او ج خود میر سد . بهتر ین دیگ ها توسط مرد م واستا دان فن دیگ ساز ی که به تاریخچه صنعت دیگ سا ز ی بلدیت دارند نیز در هر چهار سا ل در مسا بقه دیگ سا زی گرد هم می آیند و آنکه از بهتر ین گل بشکل کا ملا عنعنو ی ،ماهرانه و استا دانه ، قدیمی ترین نوع دیگ را ساخته بود ،بهترین جایزه را دریافت میدارد که حکم ها ی صا حب نظر ، نظارت کننده مسا بقه میبا شند . در مسا بقه امسا ل اشیای شیشه یی نیز استثناء به معرض نما یش گذاشته شده بود که چینی سازان بشکل قد یمی ترین آن آلات چینی را در آورده و به معر ض نما یش گذاشته بودند این مسا بقات بمنظور کشف معلو ما ت در بارهٔ نخستین دیگ های گلی که او لین بار دست بشر از گل آنرا ساخت ،میباشد تا مگر روزی برا ی در یا فت جایزه بزرگ، کسی به چنین کشف بزرگ دست یا بد.

چندتن از زنان درحال ساختن اسباب گلی.
گلی .

بقیه‌صفحه ۱۱

وظایف اساسی واهمیت...

میدان های بازی اطفال	۵ـ۱۰ فیصد
میدانهای سپورت	۱۰ـ۳۰ فیصد
پارك های عامه	۲۰ـ۵۵ فیصد
باغچه هاو محل های ریزرف شده	۱۰ـ ۲۰ فیصد
قبرستان ها	صفر ـ۶ فیصد
حوض های آببازی ودیگر منبع های آبی	۳ـ۱ فیصد

به اساس معیار ونورم هائیکه تعین گردیده برای فی نفر (۷۰) متر مربع جای سبز درنظر وتثبیت گردیده است وپیوست به اساس احصائیه که از مرکز تحقیقاتی مهندسی انتشار یافته برای مناطق مختلفه قرارذیل ساحهٔ سبز پیشنهاد گردیده است :

ساحه های سبز عامه ونوار های سبز	
اطراف جاده ها	۱۵ فیصد ۸ـ۱۰ مترمربع
ساحه های سبز مناطق رهایشی	۲۵ فیصد ۱۴ـ۱۶ متر مربع
ساحه سبز در مناطق تجارتی و کلتوری	۱۴ فیصد ۷ـ۹ مترمربع
باغ ها	۲۰ فیصد ۱۰ـ۱۵ مترمربع
قبرستانها	۶فیصد ۳ـ ۵ مترمربع
ساحه های سبزاز قبیل جنگلزار هاو نوار های سبز که وظیفه عایق صوت را انجام میدهند .	۲۰فیصد ۸ـ۱۵ متر مربع
	۱۰۰ فیصد ۵۰ـ ۷۰ مترمربع

در خاتمه ناگفته نباید گذاشت که در موسم بهار از غرس نهال ها ودیگر اشجار مثمرویا غیر مثمر از هیچگونه همکاری و مساعدت دریغ نفرمایید تاباشد این آرامگاه اجداد ونیاکان ماکه در حال برای ما میراث مانده است بیك مملکت سر سبز تبدیل گردیده باشد .

صفحه ۵۸

بقیه‌صفحه۶

سال ۱۳۵۹ سال...

خلقی که متحد و بیدا ر است ، قهرما نانه کار و پیکار میکند و در نبرد پیگیری دارد ، علی الرغم تمام دشوار یها پیروز میشود .

همو طنان، خوا هران برادران ،دو ستان و رفقا!

وحدت حزب ، اتحاد نیرو های ملی دمو کرا تیك ، وحدت خلق ، وحدت اخوت اسلامی ما پیوند حزب با جبهه ملی ـ پدر وطن ، پیوند حزب باتمام خلقها ی زحمتکش مسلما ن کشورضامن پیرو زی ا نقلاب آزا دی بخش ثور و دو لت جمهور ی دموکرا تیك افغانستا ن ، ضا من افغانستا ن آزاد و مستقل قهر ما ن و انقلا بی است .

همو طنان، خلق شرا فتمند وزحمتکش وطن ، نو روز باستانی ، رو زدهقان ، سال نو بشما مبار ك باد !

خداوند بزرگ حا فظ شما باد !

بقیه‌صفحه ۳۷

پندك ها...

پر ند گان مها جر کوچکنند بو جود می‌آیند .

در نبا تات پند کهای مخفی هم وجود دارند، بعضا در زیر پو ست اشجار که شاید خیلی دیر در حا لت رکود وخواب بسر برند وچیز یکه باغداران قوریه‌والاوسبزی‌کاران نمی دانند این‌مطلب است‌که اینوع‌پندکها قدرت‌عجیبی‌برای انتظارماندن‌و زنده بودن حتی برای چند ین سال را دارند زما نیکه یك بو ته یا در خت برای مدت زیادی نشو ونما کرده باشد وشا خچه های طو لانی بدون بر گ شو ندبا غبا نان هو ـ شیار وبا تجر به شا خچه های آنرا جسورا نه تا پند ك های تیر ماهی قطع میکنند زیرا آنها میدانند که این یگا نه را هیست که نبا تات‌و اشجار تحریك به گل کردن ومیوه دار شدن میشو ند همچنان اگر این عمل که بنام شا خچه بری نیز یاد میشود روی بته گلاب درخت زرد ـ آلو وتاك صورت بگیرد شکل وفرم آنها رازیبا تر ومقبول تر می گردا ند ودر تز ئید حا صلات‌شان خیلی‌مو ثر ثابت م یشود .

تا کستا نهای بوروو‌بور گاند ی همه سا له شا خچه‌بری‌میشو ندودر نتیجه تاکها شکل وزیبایی‌عجیبی به خود میگیرد . آیا میدا نید که این کار چرا صو رت مگیرد . جواب‌آن خیلی ساده است وآن این است که بخا طر پند کهای خوا بیده ودر حال رکود وکار های تعجب آوری که این پند کها در هنگام نبودن سا ئر پند کها جبرا انجام میذ هند .

همچنان با ید شا خچه های نیله چنار ها بریده شوند زیراریشه های چنار ها بریده شوند زیرا ریشه‌های طولانی شده در هر طرف می رو یند ومزا حمت بار می آور ند.

تنه های این در ختان را نیز اگر قطع کنند بازهم پند کهاییکه در همان ریشه هاست به مرور زمان به نهالهای در می آیند واز این جا وآنجای صحن باغ‌و یاحویلی سر بیرون میاورند وثبوت میکنند که‌نیله چنار عمر طو لانی دارد .

جواب به نامه های شما

سلام علیکم خوانندگان وهمکاران ارجمند
میخواستم همینگونه بگویم که سال
۱۳ ، سال پر خیر ، سال پر امید ، سال
سعادت وسال پر میمنت ومراد باشد به
ما . میخواستم که بگویم ، حال که می‌بینم
گفتم آنچه میخواستم . اما ناگفته رابار دیگر
شعر حافظ تفال می زنیم که هر چه شد
ا باد . این تفال زدن را از جانب من به
د کام ومراد شما ، تحفهٔ سال نو بپذیرید،
نیم فال حافظ ، چه قرعهٔ بنام شما میزند ،
ر به سلامت .

ست از طلب ندارم تا کام من بر آید
با تن رسد به جانان یا جان زتن برآید
بگشای تر بتم را بعد از وفات و بنگر
کز آتش درونم دود از کفن برآید
بنمای رخ که خلقی واله شوندو حیران
بگشای لب که فریاد از مرد و زن برآید
جان برلبست وحسرت دردل که ازلبانش
نگرفته هیچ کامی جان از بدن بر آید
از حسرت دهانش آمد بتنگ جانم
خود کام تنگدستان کی زآن دهن برآید
بربوی آنکه در باغ یابد گلی چو رویت
آید نسیم و هردم گرد چمن بر آید
گویند ذکر خیرش در خیل عشقبازان
هر جا که نام حافظ در انجمن بر آید

• • •

دوست عزیز احمد داور «متحد» محصل
پوهنځی طب ننگرهار

از همکاری شما ممنونیم وخواستار همکاریهای
بیشتر تان استیم . دوست مهربان ، پارچه
شعر ارسالی شما ، چون موافق به اصول
نشر ما نبود ، از چاپ باز ماند .

دوست عزیز عبدالروف «مالیار» متعلم لیسه
میخانیکی

پاسخ به سوالات صفحه مسابقات سرگرمیها
گرفتیم وعلی الحساب ، آنرا برای ارزیابی
متصدی صفحه‌اش سپردیم که بعد ازغور
بررسی ، نام شما را در لست حل کنندگان
جمع زنند ـ به امید همکاریهای دیگرشما .

دوست عزیز سیدحاجی عالمی

جدول فرستادهٔ شما رسید ، آنرا به‌اختیار
متصدی صفحه مسابقات وسر گرمیها گذاشتیم
که در یکی از شماره های مجله به چاپ
میرسد . گفته بودید. این جدول را در آغاز
سال ۱۳۵۸ به نشر برسانید ، میرسانیم اما
کدام سال ، سال پار یا سال نو ؟ به
انتظار نامه های دیگر شما .

دوست عزیز ناصرآرین عضو درام وداستان
رادیو تلویزیون

پارچه شعر «گواهی» سرودهٔ طبع کجمدار(!)
شمارا خواندیم وما گواهی نمیدهیم که یار
دیرینه وپارینهٔ شما خنجر بلا به رخ شما بکشد
وآنگاه در سینه سردر وز گار ، اسیر سر
نوشت گمنامی شوید ، ابدا . مارا با یأس
ودرد سر جنگ است و«چرخ برهم زنیم
ارغیر مرادمان گردد» . شما که بر قلهٔ آگاهی
وفرماندهی رسالت تکیه زده اید از دردوضجه
بگریزند ونوحه سرایی نکنید که بس درد
آور بود .

عجالتاً این شعر پر از درد ویأس را به
پاکتش میگذاریم واز چاپش میگذریم وبه
امید اشعار بهتر شما انتظار میبریم ...

دوست عزیز فوزیه‌امان زی محصل صنف
اول پوهنځی اقتصاد

ماهم میگوییم به‌شما سلام باد . ازاظهار
علاقمندی شما به مجله ژوندون شاکریم و
مشکور .

پاسخ سوالات صفحه مسابقات وسرگرمیها
را گرفتیم وبرای ارزیابی آنرا به متصدی
صفحه حوالت کردیم که بعداً جواب شمارا
به دست «دستگاه تهی دست چاپ» بگذارد .

دوست عزیز پرتونادری از ولایت جوزجان!

بعد از دیرزمانی ، نامه یی از شما رسید.
امیدواریم خیر وخیریت بوده باشد . هیچ
سلام وپرسانی ، خبر واحوالی ، با نامه‌یی
از مانگرفته اید مگر چرا ؟ ما اگر خبر
همکاران ودوستان قلمی خوب خود را ، چند
روزی نداشته باشیم، متاثر می گردیم که
چرا همقلم وهمکار عزیز ما ، از یاد دوستان
وخوانندگان مجلهٔ خویش غافل مانده است
نکند که از شوخی های ما سرگران شده
باشید .... بهر صورت دو پارچه شعر شما
را خواندیم وهردوی آنرا در شماره های
آینده به دست نشر میدهیم به آرزوی
همکاریهای بیشتر شما .

دوست عزیز محمد ظاهر خورسند ازاداره
اصلاحات اراضی !

ماهم سلام میگوییم . ازنظر وپیشنهادشما
یك جهان تشکر. مااز همکاران وخوانندگان
مجله همیشه تقاضا نموده ایم که کار ما را
به ارزیابی بگیرند ، خوب وبد آنرا بنمایند
وبرعیب کارمان انگشت انتقاد بگذارند ، زیرا
ماسخت بدین باور معتقدیم که تا متکلم را
عیب نگیرند سخنش صلاح نپذیرد .

پیشنهاد شمارا می پذیریم ودر جستجوی
دوستان مکاتبوی میباشیم ، از اینرو
علاقمندان «در جستجوی دوستان مکاتبوی»
میتوانند مکاتبات خودرا عنوانی صفحه‌جوانان
به آدرس مجله ژوندون بفرستند وبایکدیگر
تماس فکری برقرار نمایند، دیگر چه می
گویید ؟ انتظار، انتقادات دیگر شما را
داریم .

دوست عزیز عبدالواحد «نور» متعلم صنف
دوازده لیسه حبیبیه !

بپذیرید سلام مارا نیز . از کندز به کابل
خوش آمدید . سبب افتخار مجله خواهدبود
که جوانان چیز فهم به همکاریش آستین
بلند کنند .

شعر «لاله قصه میگوید» شما را خواندیم
ودر یکی‌از شماره های‌مجله به‌چاپ‌میرسانیم
چیز های دیگری بفرستید .

دوست عزیز خالده انوری معلم مکتب
دختران افشار !

پاسخ به قسمتی از سوالات صفحه مسابقات
وسرگرمیها مرور کردیم وبرای قضاوت
بیشتر، آنرا به متصدی همین صفحه حوالت
کردیم که ببینید جوابات چگونه است،
صحیح است یا غلط ؟ انتظار همکاریهای
دیگر شمارا داریم .

دوست عزیز غلام یحیی پوشنگی ازحربی
ښوونځی !

جدول متقاطع شمارا گرفتیم و جهت‌ارزیابی
برای نشر، آنرابه متصدی صفحه مسابقات
وسرگرمیها سپردیم که در چاپش اقدام
ورزد . همکاری شما دوست عزیزراخواهانیم.

دوست عزیز سید حسن «خدیر» ازفاریاب!
سلام علیکم، مطلب‌زیر عنوان «تحول رهایی‌ـ
بخش ...» به اداره‌رسید وآنرا جهت‌ارزیابی
برای نشر به متصدی صفحه دوستان‌سپردیم..
به امید همکاریهای دیگر شما .

دوست عزیز مراد محمد نیاز !

شعر «نغمه موزون» را مطالعه کردیم،
اینك چند بیتی از آن :

در عرصهٔ نجات بشر از فساد جنگ
کوس رفاه خلق وطن زد بنام صلح
ای خلق نوع پرور وای نسل آریا
چرخ زمان و گردش دنیا به کام صلح
جانا شراب صلح پسند است ببزم ما
می نوش کیف دیگری دارد زجام‌صلح...
در قله های شامخ این مرز بوم همیش
مطرب نواز نغمه موزون بنام صلح...

به امید همکاریهای دیگرشما

دوست عزیز سیدرحیم رحین ازکندز !

«عقیده بالخاصه شما در مورد صفحه
جوانان» همراه با یك قطعه عکس مبارك شما
به ما رسید ، لیکن اندیشه ونظر شمادرباب
آزادی ومصایب طبیعی، آنقدر فشرده و
مختصر است که یك چارم، یك ستون مجله
هم نمیگردد ، بهر رنگ دل قوی دارید که
آزادی چیزی پر شکوهی است وبقولی «بشری
که حق اظهار عقیده وبیان فکر خود رانداشته
باشد موجودی زنده محسوب نمی شود »
به امید همکاری های شما، اظهار نظر شمارا
به متصدی صفحه جوانان سپردیم، تا باشد
چه قبول افتد .

دوست عزیز احمدشاه حسین هوتکی !

ترجمهٔ شمارادر باب شخصیت نویسندهٔ
انقلابی ومشهور ماکسیم گورکی خواندیم...
لازم بتذکر میرود که منبع وماخذ ترجمه‌را،
دقیقانه بنویسید که از کدام منابع اتحاد
شوروی استفاده کرده اید ، دیگراینکه
ماکسیم گورکی بیش از آنکه عالم وفیلسوف
باشد به همان نویسنده‌گی معروف است که
داستان نویس محبوب تمام قرون و اعصار
است . این ترجمهٔ شما در صفحه دوستان
به چاپ میرسد ... به امید همکاری شما .

دوست عزیز غ.ح. چولی پای !

شعر کاریز را مرور کردیم، وبه انتظار
اشعار خوبتر تان، قسمتی ازآنرا چاپ میکنیم:

آنجا در پای تپه
کاریز سمالمند مصیبتبار
چون زال روزگار دیده، پرآژنگ چهره
اینسو آنسو، موهای بیرنگ، رونق
لاغر دستهای فلاکت دیده
چشمانی : فروکشیده ، بینور
لبهایی : فروخشکیده، اما امیدوار
که گاه ـ گاهی میخندد ...

والسلام

انیس
ژوندون

مدیر مسوول : شیر محمد کاود
معاون : محمد زمان نیکرای
آمر چاپ : علی محمد عثمان زاده
آدرس : انصاری وات ،
مقابل ریاست مطابع دولتی
تیلفون دفتر : ۲۶۸۴۹

دولتی مطبعه

فاروق فرياد